



- عمران شهری، بخشی یا فرابخشی
- رنگ در شهر از دیدگاه طراحی شهری
- شهر و قانون
- سکونتگاههای نامتعارف، پیامد برنامه ریزی ناکارآمد
- استراتژیهای عمران شهری از نگاه شوراهای
- محله مسلم بن عقیل، قرآنی نو از باورهای دینی
- چشم انداز تربیت حیدریه در سال ۶۰
- بی خانمانی در دانشگاه و مسئولیت شهرداریها
- استکلام، آمیزه ای موفق از اصول طراحی پیاده رو
- مجسمه های شهری: زینت، زینا، بلا تکلیف
- تفصیر شهری سبز در حاشیه کویر

کارگاه تولیدی صنعتی ۱۱۰

سازنده انواع ماشین آلات خدمات شهری



سیمی توپار مخصوص حمل زباله
ظرفیت: ۵۰ m^۳، تناژ حمل بار: ۲۵ تن
شاسی و دستگاه زیر مدل کالابریز ایتالیا
قابل اتصال به کشنده‌های متفاوت

اصفهان، شاهپور جدید، انتهای مسیر الدوله، سمت راست

تلفن: ۳-۳۸۶۸۳۷۲ فاکس: ۳۸۶۸۳۷۴ «میرزائی»



تجدید

ماهنامه آموزش، آموزشی و اطلاع رسانی
پروژه‌ریزی و مدیریت شهری
مهر ماه - سال چهارم - شماره ۳۹

۳۹

۴ یادداشت سردبیر
گزارش اصلی

۵ عمران شهری، بخشی یا فرابخشی / جواد علی آبادی - محمدسالاری راه
اندیشه و پژوهش

۱۳ رنگ در شهر از دیدگاه طراحی شهری / سولمان حسینیون
آسیب شناسی توسعه شهری با نگاهی به استان مرکزی / حمیدرضا نوازنی
۲۰ قاتون شهر

۲۲ شهر و قانون / ایوان ژاکو / مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران
مشاور حقوقی

۲۶ مشاور اداری - مالی
شهرداریها به روایت استاد
۳۲ از نگاه شهردار
ضرورت بازخوانی منطق الطیر / گفتگو با علیرضا صائمی - شهردار تیشابور
۳۳ گفتگو

۳۷ سکونگاههای نامتعارف، پی‌آمد برنامه‌ریزی تاکرآمد / زهره دارپور
شورا و مشاورکت

۴۰ استراتژیهای عمران شهری از نگاه شورانها / سمید سفیری
شهرسازی مشارکتی / محله مسلم بن عقیل، قرآنتی توانا و یاورهای دینی / مرجان نکاشی
۴۸ ابتکاری، دیگر / چشم انداز تربیت حیدریه در سال ۹۰ / طرحی نو در برنامه‌ریزی
شهری / نازیلا مرادی
۵۵ تجویزات جهانی
شهرداری سانتوس موفق در حل آلودگی منابع آب / مرکز تحقیقات شهرداری سانتوس / علیرضا
۵۸ یزدویی
بی‌خانمانی در دامنارک و مسئولیت شهرداریها / شهروزاد فرزین پاک
۶۱ شهرها و شهرداریهای جهان
۶۴ شهرداری اریحا گواهینامه ایزو ۹۰۰۲ گرفت / یارسلون ۲۰۰۳، شهر صلح و دوستی / مؤسسه بررسیهای
زیست محیطی، مشاوره‌ی برای شهروندان پروکسل / کآن، نمونه‌ای از کیفیت بالای زندگی شهری /
پارکهای آجاره‌ای در ترکیه / با تعال کردن پتانسیل کشاورزی موندلیه به شهری مطرح تبدیل شد /
گسترش فضاسازی عمومی، استراتژی شهرداری لیون / فرانکفورت زیبایم شود / بازیافت زیاده در
استانبول، راهی برای فرار از بحران / چگونگی کنترل ترافیک در توکیو
۶۶ عمارت تو
پارک کوهستانی کرمانشاه، دامن پر طراوت طبیعت / کیومرث ایراندوست - علی صفوی
۷۱ آموزش
اصول طراحی پیاده‌رو / حمید قنوجی
۷۶ راه‌ورد سفر
استکهلم، آمیزه‌ای موفق از برنامه‌ریزی و مدیریت
۸۲ گزارشهای خبری
مجموعه‌های شهری، زنده، زیبا، بلا تکلیف / قمصر، شهری سبز در جاشیه کویر / بخش خصوصی
کارآمد در تأمین منابع مالی شهرداریها / ۲۰۴ برنامه در سازمان رفاهی و تفریحی کاشان -
۸۵ اخبار کوتاه
تربیت حیدریه - لوح برتر جایزه ملی محیط زیست ایران را از آن خود کرد / دوندستی با حضور
شهردار و مدیران مطبوعاتی، تظاهرات دکه‌های مطبوعاتی در مشهد بررسی شد / نورپردازی در شب
عنصری مؤثر در احیای ابنیه تاریخی شهر اصفهان / درختان شهر تبریز شادمانه‌دار می‌شوند /
همایش نقد و بررسی عملکرد شورای شهر گرگان / پارکهای تهران را با انجمن دوستداران بوستان
اداره خواهند کرد / جمع‌آوری کتاب و دفتر مشق دانش آموزان تهرانی در قالب جشن بزرگ دوستی با
درختان و -
۸۸ تازندهای نشر / عباس جلالی
۹۲ فهرست انگلیسی

طرح روی جلد، جمشید یاری شیر مرد - مربوط به
گزارش اصلی
عکس پشت جلد اسپانیا، یارسلون - تمامی از
فستیوال فرهنگی و محلی در میدان مرکزی شهر
مربوط به خبر یارسلون ۲۰۴.

- ۱- مطالب مندرج لزوماً بیانگر نظرات
شهرداریها نیست.
- ۲- شهرداریها، در ویرایش و
تلفیص مطالب آزاد است.
- ۳- مطالب ارسال شده هیچ وجه باز
گردانده نخواهد شد.
- ۴- استفاده از مطالب و طرحهای ماهنامه
تنها با ذکر مأخذ مجاز است.

صاحب امتیاز: وزارت کشور - سازمان شهرداریهای کشور
سردبیر: علی نوردپور
مدیر: سردبیر، نوید سمیدی رضوانی
هیأت تحریریه: سرویس علمی - پژوهشی: غلامرضا
کاظمیان / سرویس حقوقی - بین‌المللی: حسین شفیعی
ویراستار: حمید خالعی
مدیر هنری: جمشید یاری شیر مرد
هماهنگ‌کننده امور فنی: سعید مرادی
تصویرساز: مهدی یار محمدی
حروفچین: فریده دارستانی قراغالی
نمونه خوان: لیل شاه بختی
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

لزوم تبیین مفهوم عمران شهری

یکی از مباحث جدی که در مقاطع تدوین برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور در شوراهای برنامه‌ریزی نظام برنامه‌ریزی تکرار شده، عمران شهری است. در واقع تلاش برای ارائه تعریف و تبیین حدود و ثغور این مفهوم بخش عمده‌ای از وقت شوراهای کمیته‌های برنامه‌ریزی را به خود اختصاص داده است. نهایتاً نیز در این میان با توجه به محدودیتها و تناقضهای نهفته در نظام برنامه‌ریزی، به تعریفی ناقص از مفهوم مذکور بسنده شده است.

از جمله تناقضهای جدی موجود بر سر راه تعریف عمران شهری؛ نوع برنامه‌ریزی در سطح ملی و تناقض آن با برنامه‌ریزی در سطح محلی (شهری و روستایی) است؛ بدین ترتیب که برنامه‌ریزی ملی به صورت بخشی تهیه می‌شود، در حالی که ماهیت عمران شهری، محلی است و باید در مقیاس محلی برای شهرها برنامه‌ریزی گردد. این تناقض به هنگام تهیه برنامه‌های محلی نیز به شدت خودنمایی می‌کند. در طرح‌های توسعه شهری - اعم از طرح‌های جامع و هادی - برای تمامی کالبد شهر برنامه‌ریزی می‌شود، در حالی که اختیار تمامی کالبد شهر با شهرداری نیست و دستگاههای اجرایی، که به صورت ملی و بخشی مدیریت می‌شوند، هیچ‌گونه الزامی به اجرای مفاد برنامه محلی ندارند. از این رو در تدوین برنامه‌های توسعه در مقیاس کشوری، صرفاً به برخی از محورهای توسعه شهری بسنده می‌شود؛ و در محورهایی چون فضای سبز، زیباسازی، ایمنی شهر و نظایر اینها تلاش می‌شود که اهداف، خط‌مشی‌ها و سیاستهای شاخص تهیه و تنظیم شود.

حالا با توجه به اینکه شاخصهای مذکور برآمده از نیازها و کمبودها در برنامه‌ریزیهای محلی (طرح‌های توسعه شهری و روستایی و برنامه‌های عمرانی) نیست، عملاً توفیق و یا عدم توفیق در نیل به اهداف شاخصهای مذکور نشانگر موفقیت و یا عدم موفقیت برنامه‌ریزان و مدیران ملی نیز نخواهد بود.

به عنوان مثال، در برنامه پنج ساله دوم در خصوص شاخص کمی سرانه فضای سبز در سطح کشور، این هدف تعیین شده است که شاخص مدنظر نا

پایان برنامه تحقق یابد، لیکن از آنجا که شاخص مطلوب و یا شاخص هدف از جمع‌بندی شاخصهای هدف در کلیه شهرهای کشور به دست نیامده است، نمی‌تواند واقعی باشد.

بررسی تاریخی موضوع نشان می‌دهد که مقوله عمران شهری از برنامه چهارم میان مدت توسعه کشور (قبل از انقلاب اسلامی) با دیدگاههای برنامه‌ریزی منطبق‌ای و در چارچوب توسعه جوامع شهری - و به منزله مقوله‌ای چندبخشی - مطرح گردید، و انتظار هم می‌رفت که با توجه به آرمانها و ایده‌های انقلاب اسلامی و روح قانون اساسی کشور مبتنی بر تمرکززدایی و واگذاری امور به دست مردم و در نهایت توجه به عمران منطبق‌ای و رفع عدم تعادل‌های منطقه‌ای، به موضوع برنامه‌ریزی منطبق‌ای توجه و عنایت بیشتری شود. لیکن در برنامه‌های میان مدت توسعه کشور پس از پیروزی انقلاب به علت نگرشهای غالب بخشی به عمران شهری به صورت یک بخش چون سایر بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نگریسته شد. در برنامه پنج ساله اول توسعه کشور نیز شاخصهای هدف در این بخش با توجه به تنوع فعالیتها و فقدان اطلاعات پایه‌ای صرفاً در حد انجام تعدادی پروژه خلاصه شد. در برنامه‌های دوم و سوم توسعه تلاش گردید تا شاخصهای مناسب‌تری تهیه گردد؛ ولی به هر حال مشکل جدی در نظام برنامه‌ریزی - که بخشی‌نگری است - همچنان پابرجا ماند.

علاوه بر تنگناهای جدی در نظام برنامه‌ریزی تدوین برنامه‌های توسعه کشور، ابهام در تعریف مدیریت شهری و تبیین جایگاه شهرداریها و شوراهای (نهاد مدیریت شهری) در حاکمیت و همچنین میزان و نسبت وابستگی و استقلال آنها به قوه مجریه، از مسائلی است که تعریف عمران شهری را با ابهام مواجه ساخته است. اینکه در بخش عمران شهری بتوان سخن از تأسیسات زیربنایی شهرها به میان آورد، مشکلی است که به وظایف محدود شهرداریها بر می‌گردد. این موضوعی است که انتظار می‌رود در طول برنامه سوم توسعه، با اجرای ماده ۱۳۶ قانون برنامه مذکور، سرانجام یابد.

وقتی صحبت از عمران شهری به میان می آید همه به یاد بحثهای صرف فیزیکی می افتند و تصور می کنند که عمران شهری یعنی احداث راه، بزرگراه، پل و نظایر اینها. در حالی که به واقع این گونه نیست و عمران شهری را نمی توان در قالب چند شاخص خاص فیزیکی محدود کرد و تعامل آن را با دیگر مباحث اجتماعی و اقتصادی نادیده گرفت بلکه به آن باید در چارچوب توسعه پایدار نگریست، یعنی توسعه ای که هدف آن تأمین رفاه برای افراد بدون لطمه زدن به محیط زیست است. لازمه چنین توسعه ای برنامه ریزی از پایین و یا به عبارتی برنامه ریزی محلی در چارچوب سیاستهای استراتژیک ملی است. این کاری است که متأسفانه در کشور ما انجام نمی گیرد و به عمران شهری به صورت بخشی نگریسته می شود و در سطح ملی برای آن تصمیم گیری می گردد، بدون توجه به واقعیات متفاوت مناطق مختلف. از طرفی هر قسمتی از این برنامه ها هم به سازمانی خاص، بدون نظارتی واحد واگذار می شود که این خود موجب آشفتگی مدیریتی می گردد. به منظور بررسی مشکلات و تنگناهای عمران شهری میزگردی در محل ماهنامه شهرداریها با حضور افراد زیر برگزار گردید، که خلاصه ای از مطالب آن در اینجا ارائه می گردد:

- ۱- بهاء الدین ادب، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون عمران مجلس
- ۲- حسین جعفری جبلی، شهردار قزوین
- ۳- سید نصیر الدین شاهرخ، معاون امور عمرانی استانداری مازندران
- ۴- اسماعیل صالحی، سرپرست مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری سازمان شهرداریهای کشور
- ۵- علی نوذریور، مدیر کل دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور و سردبیر ماهنامه شهرداریها
- ۶- احمد نوروزی، شهردار مشهد

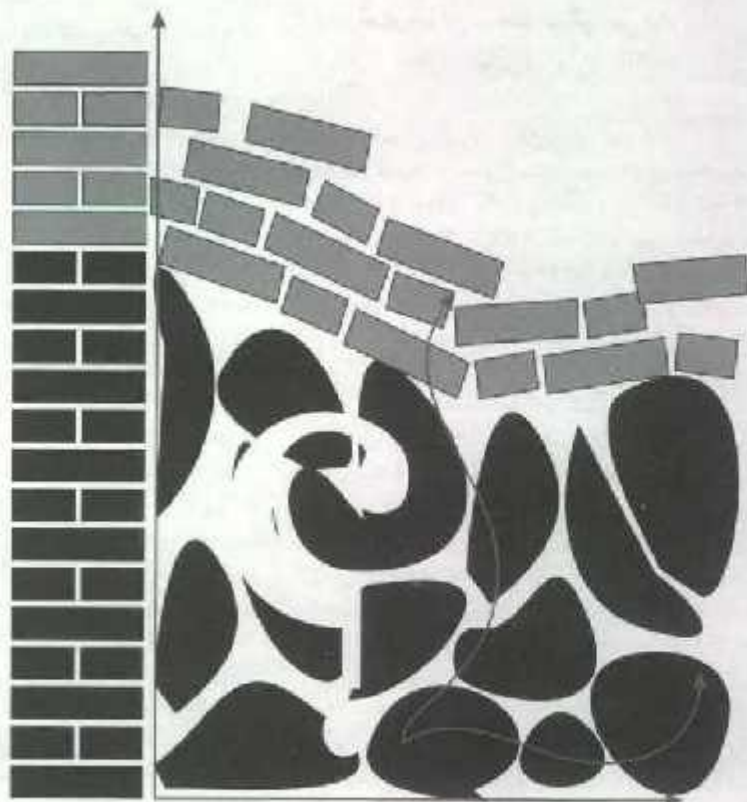
عمران شهری؛ بخشی یا فرا بخشی

تنظیم: جواد علی آبادی - محمد سالاری زاد

اسماعیل صالحی: ضمن خیر مقدم به اعضای شرکت کننده در این میزگرد و تشکر از اینکه دعوت ما را برای حضور در این جلسه پذیرفتید، در این میزگرد می خواهیم به بحث درباره تعریف عمران شهری در طرحها و برنامه های توسعه کشور، مشکلات عمران شهری و راهکارهایی برطرف کردن این مشکلات بپردازیم. بحث عمران شهری از ابتدای شکل گیری برنامه ریزی شهری یکی از مهم ترین اجزای آن بوده است. سابقه تاریخی برنامه ریزی شهری به ۴ هزار سال پیش و مصر قدیم می رسد. در مصر قدیم برای کنترل طبقاتهای رود نیل و استفاده مطلوب از این طبقات اقداماتی صورت می گرفته که جنبه عمرانی داشته است. در حدود سه هزار سال پیش در ایران قدیم به دلیل شرایط اقلیمی که ساعت کم آبی می شد، برنامه ریزی برای رفع این مشکل انجام می گرفت که این کارها هم نوعی کار عمرانی بود. بنا بر این عمران شهری از گذشته تا کنون ارتباط تنگاتنگی با برنامه ریزی شهری داشته و ضرورتی اجتناب ناپذیر قلمداد می شده است - هر چند که در گذشته برنامه ها به صورت منون نبوده اند.

برنامه ریزی برای توسعه کشور در قرن اخیر از ۵۰ سال پیش آغاز شد. قبل از انقلاب چند برنامه توسعه برای کشور تهیه گردید که بعد از انقلاب هم این برنامه های توسعه ادامه پیدا کرد. از برنامه عمرانی چهارم قبل از انقلاب به بعد بود که بحثهای عمران شهری به صورت مشخص، و به عنوان بخش جداگانه ای از برنامه های توسعه کشور، مورد توجه قرار گرفت.

بعد از انقلاب در برنامه توسعه پنجم اول کشور از عمران شهری تعریفی کلی و جامع به عمل آمد و چنین عنوان شد که رسالت برنامه عمران شهری در برنامه ۵ ساله عبارت است از انجام کایه امور مربوط به طرح ریزی و نظارت بر توسعه مراکز جمعیتی در مقیاس محلی، منطقه ای و ملی که به موجب قوانین موضوعی به عهده سازمانهای محلی مسئول تأمین خدمات شهری و روستایی قرار گرفته است. در این برنامه به عمران شهری فراتر از مقیاس شهری نگریسته شده بود.





بهزاد دین ادب

نمی‌شود. به نظر من، توسعه‌های که موجب لطمه به محیط زیست شود و ظرفیتهای زیست‌محیطی را به خطر اندازد، دیگر نمی‌تواند مفهوم توسعه داشته باشد. پس از روشن شدن تعریف شهر و توسعه، اکنون می‌توانیم به تعریف عمران شهری بپردازیم و بگوییم که عمران شهری چیست. اگر از زاویه توسعه پایدار به عمران شهری نگریسته شود، چه بسا بسیاری از عملیاتی که اکنون عمران شهری نام گرفته‌اند، دیگر نه عمران شهری بلکه حتی تخریب محیط زیست باشند که توسعه شهری را هم به خطر می‌اندازند. پس اگر عملیات عمرانی در خدمت رفاه انسانها و شهروندان نباشد، دیگر نمی‌توان نام عمران شهری بر آن گذاشت.

سید نصیرالدین شاهرخی: در تعریف عمران شهری واژه و لفظ اهمیتی ندارد و مشکل ساز نیست بلکه اصل مفهوم است. برای تعریف عمران شهری در ابتدا باید به مفهومی مشترک از این لفظ رسید تا در مراحل بعد همین مفهوم مشترک را مورد استفاده قرار داد. مهندسین ادب تعریف جامع و مانعی از شهر و توسعه و عمران شهری به دست دادند. در تکمیل سخنان ایشان باید بگوییم

اگر از زاویه توسعه پایدار به عمران شهری نگریسته شود، چه بسا بسیاری از عملیاتی که اکنون عمران شهری نام گرفته‌اند، دیگر نه عمران شهری بلکه حتی تخریب محیط زیست باشند که توسعه شهری را هم به خطر می‌اندازند. پس اگر عملیات عمرانی در خدمت رفاه انسانها و شهروندان نباشد، دیگر نمی‌توان نام عمران شهری بر آن گذاشت

شهر موجود زندگای چند بعدی است. چون موقعی که در تعریف شهر می‌گوییم موجودی است زنده، این موجود زنده می‌تواند از انسان چند بعدی تا جانداران تک سلولی را شامل شود که ابعاد وجودی و پیچیدگی آنها با هم تفاوت دارد. پس منظور از موجود زنده در تعریف شهر، موجود زنده چند بعدی ای مانند انسان است که مسیر رشد و تکامل را طی می‌کند و ابعاد گوناگونی هم دارد. به نظر من صفت مشخصه و ممیزه شهر این است که خدمت دهنده و خدمتگذار به انسان است. با این تعریف، شهر با تعریف قانونی‌ای که از آن به عمل آمده تفاوت پیدا می‌کند.

در مورد مفهوم توسعه استنباط من این است که توسعه مجموعه اقداماتی است که برای استفاده از ابعاد مختلف شهر یا توسعه شهری مطرح می‌شود. به گونه‌ای که هر بعد از آن معترض بعد دیگر نشود و مانع از بهره‌برداری و استفاده از دیگر ابعاد نگردد. می‌توان این نوع توسعه را در قالب توسعه پایدار دید. به نظر من اگر به جای لفظ عمران شهری از لفظ برنامه‌های توسعه شهری استفاده می‌کردیم بهتر می‌توانستیم به مفهوم مورد نظر در این بحث نزدیک شویم. برنامه‌های عمرانی فعالیتهای صرف فیزیکی را به ذهن متبادر می‌سازد در حالی که لفظ توسعه لفظ عام‌تری است و جنبه‌های غیر فیزیکی قفسه را نیز در بر می‌گیرد و شامل اقدامات همه‌جانبه‌ای است که بر طبق آن می‌توان تحولاتی را در سطح شهر و منطقه - چه از نظر فیزیکی و چه از نظر فرهنگی -

در برنامه دوم توسعه پنجاه ساله کشور بعد از انقلاب شاخصهایی برای عمران شهری تعریف گردید، که عبارت بودند از: طرحهای توسعه شهری، تأسیسات حفاظتی، تأسیسات و تسهیلات شهری، فضای سبز شهری، مواد زائد و جامد شهری، ماشین آلات عمرانی و خدماتی، سامانه حمل و نقل عمومی درون شهری، سیستمهای رایانه‌ای شهرداریها، سیستمهای ارتباطی مستقل اضطراری شهرها و خدمات آتش نشانی شهرها.

بدین ترتیب عمران شهری در همین قالبها محدود شد. برنامه سوم توسعه کشور نیز در قالب همین شاخصها تدوین گردید اما در آن سعی شد به روح کلی مدیریت واحد شهری اهمیت داده شود و در واقع در تجمیع خدمات شهری و مدیریت آنها تحت نظر شهرداریها کوشش شد. پس از این مقدمات، از حضار محترم می‌خواهم در ابتدای جلسه تعریف خود را از عمران شهری و جایگاه آن در نظام برنامه‌ریزی کشور ارائه فرمایند تا بعد به سراغ مشکلات این تعریف برویم.

بهزاد دین ادب: به نظر من قبل از اینکه وارد بحث عمران شهری شویم باید دو واژه را در این زمینه به روشنی تعریف کنیم: اول واژه شهر و بعد هم واژه توسعه. پس از تعریف این دو واژه است که می‌توان وارد بحث عمران شهری شد. از نظر من شهر موجودی است زنده که زیستگاه انسانها و شهروندان است. این تعریفی بسیار ساده از شهر است. وقتی با این دید به شهر بنگریم، شهر به صورت موجود زنده‌ای دیده می‌شود که حیات در شریانهای آن جریان دارد و زیستگاه موجوداتی است به نام انسان که اشرف مخلوقات است. پس شهرها مهم‌ترین بخشهای هر کشورند که ثروت و جمعیت هر کشور در آنها متمرکز شده است. این حرف دلیل بر این نیست که روستاها اهمیتی ندارند و نباید وجود داشته باشند بلکه به این معناست که مهم‌ترین بخشهای یک کشور که ثروت مادی و معنوی آن در آنجا تجمع یافته است شهرها هستند. اگر این تعریف را از شهر بپذیریم، دیگر بر خورد ما با شهر برخوردی صرفاً فیزیکی نخواهد بود. در مورد لفظ توسعه هم باید بگوییم در کشور ما متأسفانه درک درستی از لفظ توسعه و مخصوصاً توسعه پایدار وجود ندارد. متأسفانه بحث توسعه پایدار در شهرها و خصوصاً کلانشهرها مهجور مانده است و به آن توجهی

ایجاد کرد. مثلاً اگر برای بهبود عبور و مرور شهری فقط از زاویه مهندسی ترافیک و ایجاد فیزیکی به مسئله نگر بسته شود، برنامه ریزان چندان قریب به توفیق نخواهند بود.

پیمان‌الدین ادیب: در مورد تعریف شهر به عنوان زیستگاه انسانها که خدماتی را برای برآورده کردن نیاز و رفاه آنها تأمین می‌کند، من هم با نظر آقای شاهرخی موافقم. متأسفانه ما در مورد بعضی مسائل از جمله رفاه دچار پارادوکس یا نوعی تناقض تعریف هستیم و کمتر دوست داریم از این کلمه استفاده کنیم. از رفاه به عنوان تجمل و تشریفات نام برده می‌شود و گاه حتی حرام تلقی می‌گردد. در حالی که این گونه نیست و باید برای مردم رفاه ایجاد کرد. یکی از وظایف شهر و کارهایی که شهر برای شهروندان انجام می‌دهد - از جمله توسعه شهر و جزیی از توسعه که شامل عمران شهری می‌شود - تأمین رفاه شهروندان است. اگر هدف از عمران شهری جز این باشد به خطا رفته‌ایم.

به نظر من، عمران شهری به طور اعم باید در خدمت توسعه موزون و پایدار شهری باشد. در واقع اگر عمران شهری به گونه‌ای مرتبط با توسعه فرهنگی دیده نشود (هم از نظر سخت‌افزاری و هم از نظر نرم‌افزاری) آن گاه عمران شهری به معنای واقعی کلمه انجام نگرفته است. توسعه فرهنگی اگر همراه با توسعه اقتصادی، و توسعه اقتصادی نیز همراه با توسعه اجتماعی، و به طور کلی توسعه این سه همبندی توسعه سیاسی نباشد، گنه کارها غلط است و نمی‌توان انتظار توسعه موزون داشت.

و بالاخره اینکه عمران شهری باید در خدمت توسعه موزون و پایدار شهری باشد و همه بخشهای آن هماهنگ با یکدیگر کار کنند - نه تنها در قالب شهر بلکه در قالب منطقه‌ای و حتی ملی. سیاستهای کلی در سطح ملی است که موجب توزیع جمعیت و امکانات می‌شود و مشخص می‌سازد که هر منطقه چقدر جمعیت بپذیرد و چه امکاناتی داشته باشد. هنگامی که به توزیع مناسب جمعیت و امکانات پرداخته شد، آن گاه می‌توان انتظار رشد موزونی را داشت.

علی نوذرپور: به نظر من تعریف شهر و توسعه از بحثهای فشرعی این جلسه است و در محدوده بحثهای آکادمیک قرار می‌گیرد. هدف ما در این جلسه بیان بحثهایی فراتر از این موضوع است که شهر چه تعریفی دارد و آیا زیستگاه خدماتی است یا دارای نوعی هویت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. با کلیه این تفاسیل، همگان می‌پذیرند که شهر زیستگاهی است که برای این ایجاد شده تا مردم آن بتوانند از خدمات مشخص و معینی بهره‌مند شوند. از شهر هر تعریفی یا هر دیدگاهی ارائه شود، در آخر بحث به اینجا ختم می‌گردد که این شهر بالاخره باید اداره شود و نیاز به مدیریت و برنامه‌ریزی دارد. باید بررسی شود که این مدیریت و برنامه‌ریزی در قالب چه نظام تشکیلاتی و اداری بهتر انجام می‌گیرد. در وضعیت فعلی کشور در این زمینه‌ها ابهاماتی به چشم می‌خورد. از یک طرف معتقدیم - قانوناً اعلام می‌کنیم - که شهرداریها سازمانهایی غیر دولتی، مستقل و مردمی‌اند؛ و از طرف دیگر به دولت و وزارت کشور اجازه می‌دهیم که در کارهای شهرداریها اعمال سیاست مدیریت و نظارت کنند - که این دو بحث با همدیگر سازگار نیستند. به نظر من به جای پرداختن به تعریف شهر و توسعه، بهتر است جایگاه نهاد مدیریتی و اداره کننده شهر، و ارتباط آن با سایر قوای مجریه، مقننه و قضائیه روشن گردد.

در ادامه می‌خواهم به جایگاه عمران شهری در برنامه‌های توسعه کشور اشاره کنم. در برنامه‌های توسعه ملی بخشی به

عنوان بخش عمران شهری وجود دارد و در نظام تدوین برنامه‌های توسعه برای تعیین چارچوب عمران شهری شورای به نام شورای برنامه‌ریزی بخش مسکن و عمران شهری در نظر گرفته شده است که در برنامه توسعه سوم کشور، نام این شورا تبدیل به شورای بخش مسکن و عمران شهری و روستایی شد.

در برنامه اول توسعه کشور بعد از انقلاب شاخصهای کمی برای عمران شهری و تعریف نشده بود، و عمران شهری صرفاً با تعریف چند پروژه محدود گردیده بود؛ و تعیین هم شده بود که در بخش عمران شهری ۵۵۰۰ پروژه اجرا شود. در واقع عمران شهری فقط در همین حد بود. در برنامه توسعه دوم کشور بخش عمران شهری با شاخصهایی از این دست تعریف شد: طرحهای توسعه شهری، تأسیسات حفاظتی، تأسیسات و تسهیلات شهری، فضای سبز شهری، مواد زائد جامد شهری، ماشین‌آلات عمرانی و خدماتی، سامانه حمل و نقل عمومی درون شهری، سیستمهای رایانه‌ای شهرداریها، سیستمهای ارتباطی مستقل اضطراری شهرها و خدمات آتشی نشانی شهرها. همه استانداردها در زمینه این شاخصها با توجه به آماری که در دست برنامه‌ریزان وجود

یکی از وظایف شهر و کارهایی که شهر برای شهروندان انجام می‌دهد - از جمله توسعه شهر و جزیی از توسعه که شامل عمران شهری می‌شود - تأمین رفاه شهروندان است. اگر هدف از عمران شهری جز این باشد به خطا رفته‌ایم

داشت. تعریف شده بود. در برنامه سوم توسعه کشور در مورد عمران شهری این گونه تصمیم گرفته شد که شاخصهای کمی برای عمران شهری وجود داشته باشد، ولی نه در خود برنامه بلکه به عنوان لایحه‌ای پیوست برنامه، که در اختیار دولت قرار گیرد. یعنی مجلس سیاستها و خطمشی‌های کلی را تنظیم کند و تنظیم شاخصهای کمی و بخش اعتبارات به عهده دولت باشد و نیازی به آوردن این شاخصها به مجلس نباشد.

به طور کلی می‌توان گفت که اشکال ساختاری برنامه‌های توسعه کشور در مقوله عمران شهری، این است که عمران شهری نیاز به برنامه‌ریزی محلی دارد و امکان اینکه در نظام برنامه‌ریزی ملی تعریف گردند وجود ندارد، و تعیین شاخصهای کلی برای شهرها جز با در نظر گرفتن شاخصها و اهداف کمی امکان‌پذیر نیست.

اسماعیل صالحی: از بحثهایی که تا اینجا مطرح گردید، می‌توان این گونه جمع‌بندی به عمل آورد که متمرکزترین نقاط استفاده بشر از زمین شهرها هستند و استفاده از این نقاط متمرکز هر چه در مسیر توسعه پایدار پیش رود، و هم منافع آن را تأمین کند و هم منافع فعلی را، توسعه و عمران مطلوب محسوب می‌شود. در بخش بعد جلسه از شرکت کنندگان محترم می‌خواهم بر روی محور دیگر، که مشکلات عمران شهری است، متمرکز

شوند. حال در مقدمه خود به بیان قسمتی از مشکلات عمران شهری می‌پردازم.

یکی از مهم‌ترین مشکلات عمران شهری در حوزه برنامه‌ریزی کلان، نبود آمار و اطلاعات کافی و صحیح است. مرکز آمار ایران در این زمینه فعال نیست و اطلاعات ناچیزی دارد، که آن هم عمدتاً محدود به اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن است. به عنوان مثال، در هیچ یک از اسناد آماری اشاره‌ای به میزان فضای سبز عمومی، پارکها، میزان سرمایه‌گذاری در بخش عمران شهری، آمار فعالیت شهرتاریها، بهسازی معابر، میزان جمع‌آوری و بازیافت مواد زائد جامد شهری، فعالیتهای مربوط به خدمات شهری و نظایر اینها نمی‌شود. بخش عمران شهری در برنامه اول و دوم توسعه کشور با همه این نواقص و تنگناهای آماری تدوین شد در طول اجرای برنامه دوم توسعه کشور، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور یا تشخیص این نقیصه همه ساله اقدام به ارسال پرسشنامه‌ای موسوم به «فصل عمران شهری» برای سازمانهای ذی‌ربط کرد، که حاوی بیش از ۴۶ سؤال و ۱۹۰ متغیر آماری در زمینه‌های مختلف بود. بدین ترتیب در تدوین بخش عمران شهری برنامه



سید نصیرالدین شاه‌رخی

سوم تا حدود نسبتاً کمی نقیصه کمبود آمار و اطلاعات بر طرف شد و امید می‌رود که در مرحله تدوین برنامه چهارم این مسئله با به تحقیق رسیدن پروژه‌های مطالعاتی - از جمله پروژه ثبت آمار و اطلاعات شهرتاریها - به سرانجام مطلوب‌تری برسد.

از دیگر مشکلات حوزه برنامه‌ریزی عمرانی، مرحله اجرایی آنهاست. برای برخی از مهم‌ترین شاخصها و اهداف برنامه‌های عمرانی، سازوکار برنامه‌ریزی و هیچ نوع سازوکار اجرایی پیش‌بینی نشده است. به عنوان مثال، وقتی افزایش سرانه فضای سبز عمومی تا ۱۲ مترمربع در افق برنامه هدف گذاری می‌شود هیچ نوع سازوکار اجرایی و پی‌گیری‌های مالی برای تحقق آن پیش‌بینی نمی‌گردد و برنامه تبدیل به نوعی «توصیه‌نامه» می‌شود. این در حالی است که در برخی از زمینه‌ها که اعتبارات ملی برای اجرای برنامه منظور گردیده است، به دلایل مختلف بخش عمده‌ای از اعتبارات به آن بخش تخصیص نمی‌یابد و عملاً اجرای برنامه‌ها عملی نمی‌شود.

مشکل دیگر حوزه عمران شهری عدم انسجام بخشی آن است، به طوری که بخش عمده‌ای از فعالیتهای مربوط به عمران شهری در حوزه وظایف وزارت مسکن و شهرسازی، بخشی در حوزه وظایف وزارت کشور و شهرتاریها، و بخشی دیگر در حیطه

وظایف وزارت نیروست. برای برطرف ساختن این نقیصه ماده ۱۳۶ در برنامه سوم، توسعه کشور پیش‌بینی گردید تا به عنوان شاه بیت برنامه عمران شهری این عدم انسجام را در طول اجرای برنامه بر طرف سازد. لیکن متأسفانه این ماده به اجرا نزدیک نشده است. مشکل دیگر برنامه‌ریزی عمران شهری، کمبود منابع و اعتبارات تحقیقات است. اختصاص مبلغ ۱۰۰۰ میلیون ریال به منظور انجام تحقیقات شهری برای نزدیک به ۹۰۰ شهر واقعاً ناچیز است.

و بالاخره اینکه، مهم‌ترین مسئله و تنگنا در حوزه عمران شهری عدم ارتباط ارگانیک برنامه‌ریزی کلان بخشی یا برنامه‌ریزی فضایی و کابندی ملی است. عدم تهیه و اجرای برنامه آمایش سرزمین به عنوان نوعی برنامه و سند فرادست طرحهای منطقه‌ای و شهری، مهم‌ترین معضل اجرای طرحها و برنامه‌های کلان ملی به شمار می‌آید.

حسین جعفری جبلی: با توجه به اینکه برنامه سوم توسعه کشور رویه‌ای است، هم در تعاریف و هم در مستندات آن اجماع نظری مشخص در مورد عمران شهری وجود ندارد تا بتوان بر طبق آن به شکلی صحیح عمل کرد. با توجه به اینکه بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور در شهرها زندگی می‌کنند و برنامه‌ریزی برای آنها نیاز به طرحهای آمایش سرزمین در سطح ملی دارد، ولی متأسفانه هنوز یک طرح سرزمینی آمایش ملی موجود نیست. بدون داشتن طرح آمایش سرزمین طرحهای عمران یا توسعه شهری نمی‌توانند موفق عمل کنند.

اولین مسئله‌ای که به عنوان مشکل طرحهای عمران شهری می‌توان به بررسی آن پرداخت، جایگاه عمران شهری در طرحهای توسعه کشور است. طرحهای عمران شهری را می‌توان در قالب طرحهای جامع شهری گنجانند و خود اینها هم زیرمجموعه‌ای از طرحهای آمایش سرزمین اند. به طرحهای عمرانی باید در قالب سیستمی یکپارچه و مرتبط با طرحهای بالادستی نگریست، نه به صورت انفرادی. برای عمران شهری ما از پایین‌ترین نقطه برنامه‌ریزی شروع کرده‌ایم، در صورتی که حالت درست این است که ابتدا به تعریف و طراحی برنامه آمایش سرزمین، سپس آمایش تاحیه‌ای و بعد عمران شهری پرداخته شود و کل آنها در چارچوب سیستم ارگانیک واحدی قرار گیرند. تعریف کامل و جامع و مانعی از توسعه و طرحهای توسعه وجود ندارد تا بر طبق آن بتوان به برنامه‌ریزی پرداخت. در حقیقت می‌توان گفت برای طرحهای توسعه کشور - که طرحهای عمران هم بخشی از آنها هستند - پایه‌ای علمی وجود ندارد. در نتیجه طرحهای هم که تهیه می‌شوند با توان اجرایی دستگاههای ذی‌ربط مطابقت ندارند و چندان عمل‌کردنی نیستند.

بهاء‌الدین ادب: امروزه بسیاری از کشورها دیگر اعتقادی به برنامه‌های چندساله برای توسعه کشور ندارند و آنها را کنار گذاشته‌اند. ولی متأسفانه در کشور ما این برنامه‌ها هنوز وجود دارند و برنامه‌های ۵ ساله توسعه در حال تعریف و اجراست. بسیاری از کارشناسان عقیده دارند که با برنامه‌های ۵ ساله نمی‌توان به اندازه امروز و برنامه‌ریزی کشور پرداخت و پیشرفتی حاصل کرد. زیرا تحولاتی که در زمینه علم و فناوری در جهان روی می‌دهد بسیار سریع است و نیاز جوامع به همان سرعت در حال تغییر است. این مسئله باعث می‌شود نتوان در قالب برنامه‌های ۵ ساله به برنامه‌ریزی پرداخت.

مسئله دیگری که در برنامه‌های توسعه کشور نمی‌توان

بی توجه از کنار آن گذشت، بحث ظرفیتهای متفاوت زیست محیطی شهرهاست. برای برنامه ریزی بر طبق این ظرفیتهای متفاوت زیست محیطی، به طرح آمایش سرزمین نیاز است. در برنامه ریزیها باید توجه داشت که وضعیت موجود چیست، چه اهدافی وجود دارند، در وضعیت موجود برای رسیدن به اهداف چه امکاناتی موجود است و یا چه ابزارهایی قرار است به وضعیت مطلوب برسیم تا امکانات بالقوه را تبدیل به بالفعل کنیم. ما بدون داشتن طرح آمایش سرزمین به برنامه ریزی برای شهرها پرداخته ایم و اصلاً توجه نکرده ایم که مثلاً پتانسیل شهر قزوین یا مشهد چیست، تا بیایم بر طبق این پتانسیلها برای آن برنامه ریزی کنیم و برنامه عمران و توسعه تهیه کنیم. در تهیه طرحهای جامع - و به عبارت درست تر، برنامه های جامع - شهرها به صورت جزیرهای غیر مرتبط با پیرامون خود نگریسته شده اند که هیچ ارتباطی با هم ندارند. این روند صحیحی در برنامه ریزی نیست. طرحهای عمران و توسعه شهر باید در سیستمی ارگانیک و مرتبط با هم در قالب طرح کالبدی ملی - و بعد هم طرحهای منطقه ای - دیده شوند تا تکمیل یکدیگر باشند نه در تضاد با هم.

علی نوذری پور: برای عمران شهری در سطح کلان و کشوری

ما بدون داشتن طرح آمایش سرزمین به برنامه ریزی برای شهرها پرداخته ایم و اصلاً توجه نکرده ایم که مثلاً پتانسیل شهر قزوین یا مشهد چیست، تا بیایم بر طبق این پتانسیلها برای آن برنامه ریزی کنیم و برنامه عمران و توسعه تهیه کنیم. در تهیه طرحهای جامع - و به عبارت درست تر، برنامه های جامع - شهرها به صورت جزیره ای غیر مرتبط با پیرامون خود نگریسته شده اند که هیچ ارتباطی با هم ندارند. این روند صحیحی در برنامه ریزی نیست

می توان سیاستهای کلی را مشخص کرد که معمولاً در قالب طرحهای آمایش سرزمین به اجرا در می آیند؛ و کارهای اجرایی را نیز می توان به مدیریتهای محلی سپرد. سیاستهای عمرانی در طرحهای آمایش سرزمین می توانند به دو گونه باشند و بستگی به این دارند که بخواهیم به بخش جمعیت و امکانات به صورت عادلانه در سطح کشور بپردازیم، یا اینکه قطبهای رشد ایجاد کنیم و جمعیت و امکانات را فقط در این مراکز متمرکز سازیم. اگر ما الگوی قطب رشد را در طرح آمایش سرزمین انتخاب کنیم، به این معناست که خواستار تمرکز منابع، جمعیت و امکانات در نقاط خاصی از کشوریم. این عمل خود ایجاد شهرهای بزرگ و کلان شهرها را در پی دارد و بخش عمده ای از کشور از نظر جمعیت و امکانات لاغر و نحیف باقی می ماند. در حالی که در سیاست توزیع عادلانه جمعیت، امکانات و منابع هر نقطه از کشور طبق ظرفیتهای و پتانسیلهایی که دارد از امکانات بهره مند می گردد و در همان سطح هم رشد می کند. این سیاست باعث بخش کهنکشانان توسعه در سرتاسر کشور می شود و دیگر منابع، جمعیت و امکانات در یک نقطه متمرکز نمی گردند و اختلاف سطح توسعه بین نقاط مختلف ایجاد نمی شود. بنابراین برای داشتن طرح عمرانی مناسب برای نقاط مختلف کشور، در ابتدا باید استراتژیهای توسعه کشور

در سطح کلان تعریف شوند. در گام بعد، باید بر طبق این استراتژیها طرح آمایش سرزمین تهیه گردد که نحوه توزیع جمعیت و فعالیتهای در آن مشخص می شود. بعد از طرحهای آمایش سرزمین که طرحهایی ۲۰ تا ۲۵ ساله اند، برنامه های توسعه ملی در قالب همان اهداف که برنامه هایی ۵ ساله اند تعریف و اجرا می گردند.

برای تدوین برنامه های توسعه کشور ما در ابتدا نیاز به تعیین سیاستها و خط مشی های کلی توسعه کشور و سپس تهیه طرح آمایش سرزمین طبق این سیاستها را داریم تا در مرحله بعد بتوانیم برنامه های توسعه پنج ساله کشور را طبق آنها تدوین کنیم. ایراد سیستم برنامه ریزی کشور ما این است که ما مراحل پیش از تدوین برنامه های توسعه پنج ساله را نداریم، و یکراست به سراخ تهیه برنامه های ۵ ساله توسعه کشور رفته ایم. ایراد دیگر برنامه های توسعه کشور نوع نگاه آنهاست، که نگاهی بخشی به مقوله های محلی است. در هنگام تهیه این برنامه ها به صورت صوری نیازهای استانها خواسته می شود. در نظام برنامه نویسی نیز جایی در نظر گرفته شده که برنامه هایی که از استانها می آید با برنامه های بخشهای مختلف تلفیق شود، تا از ترکیب آنها برنامه های توسعه ۵ ساله کشور تهیه گردند. در حالی که واقعیت این گونه نیست و برنامه هایی که از استانها می آید پایگانی می شود و نهایتاً برنامه ای که بخشهای مختلف پیشنهاد می دهند به اجرا در می آید. در این برنامه های بخشی طبعاً پتانسیلها، محدودیتهای، مقدرات و ظرفیتهای توسعه مناطق لحاظ نمی گردد و صرفاً بر اساس منابع اعتباری که دولت پیش بینی می کند (و متکی بر درآمدهای نفتی است) برنامه ریزی صورت می پذیرد. تعارض جدی که در بخش برنامه ریزی عمران شهرها و برنامه ریزی شهری وجود دارد این است که برنامه ریزی شهری مقوله ای محلی است، در حالی که برنامه های عمرانی که در برنامه های توسعه کشور تعریف گردیده اند برنامه ریزی بخشی است.

احمد نوروزی: به نظر من اجزای یک مجموعه شهری باید هماهنگ با یکدیگر کار کنند. اگر این هماهنگی در شهر وجود نداشته باشد و وحدت بر این مجموعه حاکم نگردد، شهر به انسانی می ماند که بعضی از اجزای بدن او به صورت نامتجانس رشد کرده است و تناسمی با دیگر اجزا ندارد. گرچه در برنامه سوم توسعه کشور به بحث عمران شهری به صورت عام و کلی توجه شده و سعی در هماهنگی در این زمینه به عمل آمده است، اما دو مشکل در این برنامه ها به چشم می خورد. مشکل اول بخشی نگری در این برنامه ها نسبت به مسائل شهری و بخشهای عمران شهری است که در این برنامه ها هر سازمان و نهادی از منظر خودش به مسائل شهری می نگرد. این امر باعث ایجاد نوعی تشتت آرا در بحث عمران شهری می شود، به گونه ای که هر قسمتی از مسائل شهری به یک سازمان واگذار می گردد. مثلاً اگر به میلمان شهری به عنوان جزئی از عمران شهری توجه شود، می توان دید که مثلاً تیر برقی را در شهر یک نفر می سازد، یک نفر دیگر آن را امکاناتی می کند، یا در مورد نحوه ساخت و نصب دکه های تلن و صندوقهای پست افراد دیگری نظر می دهند و محل استقرار بلیس در شهر را دیگران مشخص می کنند، و ایجاد خدمات زیربنایی در شهر هر کدام به یک نفر واگذار شده است و در نتیجه نوعی تشتت و پراکندگی مدیریتی در این زمینه به چشم می خورد. در محتوای برنامه سوم توسعه کشور ایجاد روح کلی نگری و وحدت مدیریت در مورد امور شهرها وجود دارد و سعی شده است که این روح تقویت گردد تا شهرها به سمت رشد و توسعه متوازن پیش روند



احمد نوروزی

ولی عملاً می‌بینیم توفیقی در این راه حاصل نشده است. همان طور که دوستان در تعریف شهر گفتند، شهر موجودی زنده و در حال یویایی و رشد سریع است. با نگاه به میزان شهرنشینی در کل کشور می‌توان دید که درصد شهرنشینی در کشور از ۲۱/۴ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۶۵ درصد در سال ۱۳۸۰ رسیده است و در واقع شهرنشینی چهار برابر ۲۵ سال گذشته شده است. این در حالی است که برنامه‌هایی که برای شهرها تدوین می‌گردند برنامه‌هایی کاملاً استاتیک‌اند و طبق روند رشد جمعیت شهری و تغییرات آن حرکت نمی‌کنند مثلاً در زمینه طرح‌های توسعه و عمران شهری وزارت مسکن و شهرسازی مشاوره را انتخاب می‌کند و هدایت کارها را به او می‌سپارد و مشاور یا دید و تشخیص خود بر نامه‌ای برای شهر تدوین می‌کند. در هنگام تدوین این برنامه به دیدگاه‌های شهرداریها، که اداره کنندگان

تعارضی جدی که در بخش برنامه‌ریزی عمران شهرها و برنامه‌ریزی شهری وجود دارد، این است که برنامه‌ریزی شهری مقوله‌ای محلی است، در حالی که برنامه‌های عمرانی که در برنامه‌های توسعه کشور تعریف گردیده‌اند برنامه‌ریزی بخشی است

شهر زنده همیشه دلاهِ نمی‌شود. از طرف دیگر این برنامه‌ها طبق برداشتی که از وضع موجود به عمل آمده است تدوین می‌گردند و تا هنگامی که به تصویب می‌رسند و برای اجرا به شهرداریها ابلاغ می‌شوند بسیاری از شرایط آنها نسبت به هنگام تهیه برنامه‌ها تفاوت می‌کند. هنگامی که این برنامه‌ها به شهرداریها سپرده می‌شود می‌بینیم فضاهایی که برای توسعه شهرنشینی پیش‌بینی شده و کاربریهایی که باید آنجا مستقر شوند زیر پوشش جمعیتی می‌روند و عملاً نمی‌توان کاری انجام داد. در حالی که همه از مدیریت شهری توقع پاسخگویی در زمینه مشکلات ایجاد شده در شهر را دارند. اختیارات آن محدود است و بیشتر وظایف آن در اختیار دیگر سازمانها قرار داده شده است.

اگر شهر را موجودی زنده و یویا که در حال رشد مداوم است بدانیم، در طرح‌های توسعه شهری کمتر به بعد فرهنگی این موجود زنده اهمیت داده می‌شود و معمول بر این است که به بعد کالبدی و فیزیکی‌اش بیشتر توجه شود. حال آنکه باید کاملاً عکس این مسئله اتفاق بیفتد و هدف از کارهای عمرانی باید تقویت بعد فرهنگی شهر باشد. اکنون سازمانهایی که دست‌اندر کار امور فرهنگی در شهرها هستند جز ضعیف‌ترین سازمانهای اجرایی در شهرها به شمار می‌آیند و به مقوله فرهنگی در شهرها چندان اهمیت داده نمی‌شود. در تکمیل بحث قبلی‌ای که در مورد شهر گفتیم، باید بیفزاییم

که شهر ضمن اینکه موجودی یویاست، مجموعه‌ای واحد هم هست که باید بر روی آن مدیریت واحدی اعمال گردد. هنگامی که هر بخش از مجموعه‌ای واحد از جایی فرمان بگیرد، آن گاه رفتار متعادل نخواهد داشت و رفتار کل مجموعه مختل خواهد شد. این به مانند کسی است که مغزش مختل شده است و هر قسمت از بدنش برای خود حرکت می‌کند و اعضایش ناهماهنگ‌اند و به هر حال مشخص است از چنین فردی چه اعمالی سر می‌زند. در زمینه مدیریت شهری در کشور، عملاً چنین حالتی به چشم می‌خورد - درست مانند کسی که چشم او از جایی و دست و پایش هر کدام از جایی دیگر فرمان می‌گیرند.

بهاء‌الدین ادب: آقای نوروزی گفتند که مجموعه شهری باید هماهنگ عمل کند، در صورتی که من می‌گویم مجموعه مدیریت منطقه‌ای و کشوری باید هماهنگ با یکدیگر عمل کنند. برای این کار به نظام برنامه‌ریزی از گامیک نیاز است که می‌توان آن را به بدن انسان تشبیه کرد. مثلاً هنگامی که من می‌خواهم کیک بخورم، مغز به دست دستور می‌دهد و دست هم این کیک را در دهان من می‌گذارد تا بتوانم آن را بخورم. اگر اراده کنم که از این در بیرون بروم، مغز به پاهایم فرمان می‌دهد که حرکت کند و در نتیجه من حرکت می‌کنم. اراده و تصمیم با مغز است ولی با مغز به تنهایی نمی‌توان کارها را انجام داد بلکه به دیگر اعضای بدن هم برای انجام این دستورات احتیاج است. به نظر من معنای حرف آقای نوروزی به هیچ وجه این نیست که تمرکز مدیریتی وجود داشته باشد. امروزه تمرکززدایی اصل مسلمی در مدیریت است و ما هم به آن معتقدیم. ولی نمی‌توانیم اعتقاد داشته باشیم که مغز نباشد و دیگر اعضای بدن خود به تنهایی به اجرای وظایف بپردازند.

حسین جعفری جیلی: در ادامه بحثهای آقای نوروزی بهتر است بر این نکته تأکید کنیم که مدیریت عمران شهری را چه کسی بر عهده دارد. آیا جز این است که دهها مدیر در این زمینه مسئولیت دارند و هیچ کدام هم پاسخگو نیستند؟ در مورد عمران شهری از چه کسی باید انتظار پاسخگویی داشت و کدام مدیر در این زمینه باید پاسخ دهد؟ در زمینه عمران شهری علاوه بر واکنش مدیریتی، ضعف مدیریتی و نظارتی و مالی هم وجود دارد. من فکر می‌کنم عمران شهری در کشور ما جایگاهی ندارد و همه از شهرداریها در این زمینه توقع پاسخگویی دارند. با نگاه به بودجه عمرانی شهرداریها و با مقایسه سهم پرداخت دولت برای



حسین جعفری جلی

در مجموع درد دل ما در مملکت این است که از برنامه حرف می‌زنیم و به صورت درست یا غلط به هر حال برنامه‌ریزی می‌کنیم ولی اولاً با اهرمهای قانونی ای که خود می‌سازیم این قوانین را نقض می‌کنیم و در ثانی یک عسده خود را بالاتر از قانون می‌دانند و در برنامه‌ریزیها دخالت می‌کنند و روند آنها را مختل می‌سازند. به عنوان مثال، کمیسیون ماده ۵ صاحب اختیاراتی است که می‌تواند طرح جامع را در زمینه کاربریها، تراکم و تقریباً همه موارد تغییر دهد. در واقع برنامه‌ریزی می‌کنیم و به طراحی چیزی به عنوان طرح جامع می‌پردازیم و اینها را به صورت قانون در می‌آوریم ولی در کنار اینها اهرمهای دیگری هم قرار می‌دهیم که هیچ وقت در حد کل نیستند و نه امکانات کارشناسی و نه قدرت کل را دارند ولی آن را نقض می‌کنند. در مورد مسئله دوم و دخالت قدرتهای فراقانونی در برنامه‌ها، باید بگوییم یکی از امراضی که در این کشور با آن روبرو هستیم، این است که تعدادی از افراد در کشور ما فکر می‌کنند که بالاتر از قانون‌اند و در نتیجه در برنامه‌ریزیها دخالت می‌کنند و آنها را تغییر می‌دهند؛ یعنی باعث می‌شوند که (۱-) در خیلی از جاها برنامه نداشته باشیم؛ (۲-) سیستم و ساختار علمی و اصولی در مورد برنامه‌ریزی که از گرانیک باشد نداشته باشیم؛ و (۳-) همین برنامه‌های نیم بندی هم که داریم به طور کامل اجرا نگردد.

این روزها همه انتقاد می‌کنند که چرا بیگان می‌سازیم و فسادوری آن را تغییر نمی‌دهیم. اگر در این کشور چیزی جز بیگان بسازیم، جای سؤال دارد. ماهه چیزمان بیگانی است و آن وقت فقط به بیگان ابراد می‌گیریم. مدیریت، شهرسازی و برنامه‌ریزی شهرهای ما بیگانی است و بعد توقع داریم بتر بسازیم. واقعیت این است که قانون باید بالاتر از همه باشد و حاکمیت قانون نیز باید وجود داشته باشد. مدیریت امروز نوعی هنر و علم است و باید آن را پذیرفت. بالاخره اینکه برنامه‌ریزیهای ما باید روزآمد باشد و هیچ احدی هم - جز نهادی که قانون گذار بوده و آن برنامه را تصویب کرده است - حق ندارد آن را تغییر دهد.

احمد نوروزی: در جواب سؤالیهای آقای ادب صحبت‌هایی دارم که بیان می‌کنم؛ در مورد دلیل ایجاد کمیسیون ماده ۵ باید بگویم که دلیل این امر واضح است. چون ما برنامه‌ریزی را از راه دور و به صورت استاتیک انجام می‌دهیم، در نتیجه وقتی برنامه تصویب می‌شود و برای اجرا به شهرداری ابلاغ می‌گردد، می‌بینیم با واقعیات تفاوت بسیاری دارد و نمی‌توان عیناً آن را پیاده کرد بلکه ایجاد یک رشته تغییرات در آن ناگزیر است. نظام تصمیم‌گیری ما آنقدر در جزئیات برنامه‌ها و کارهای اجرایی دخالت می‌کند که دیگر فرصت سیاستگذارهای کلی و نظارت بر برنامه‌ها در سطح کلان را ندارد و به جای اینکه به تعیین استراتژیها و سیاستهای کلی بپردازد و قسمتهای اجرایی برنامه‌ها را به سازمانهای محلی واگذار کند، خود به دخالت مستقیم در این امور می‌پردازد. اگر روند تصمیم‌گیری به صورت صحیحی در کشور انجام گیرد و کارهای اجرایی به سازمانهای محلی واگذار شود، دیگر نیازی به کمیسیون ماده ۵ نخواهد بود. ولی وقتی سیاستگذاران عملاً در تمامی مسائل شهر دخالت می‌کنند، مشکلات متعدد به وجود می‌آید. در مورد مسئله حاشیه‌نشینی و دلیل تشکیل آن، می‌بینیم که معیارها و ضوابطی که در طرحهای جامع پیش‌بینی شد، باعث تشدید این پدیده گردید. مثلاً در طرح جامع جهت توسعه شهر برخلاف جهت حاشیه‌نشینی پیش‌بینی می‌گردد و یا معیارها و ضوابطی که برای بخشهای شهرسازی در نظر گرفته می‌شود با شرایط مردم شهر

عمران شهری و پرداخت خود شهر دارها در این زمینه می‌توان دید که اختلاف فاحشی بین آنها وجود دارد.

در زمینه عمران شهری سیاست مشخصی وجود ندارد و هنوز سیاست کلان و کلی در سطح ملی به چشم نمی‌خورد و هیچ تعریفی از آن نشده است. در سیاستگذارهای محلی در زمینه عمران شهری نیز مشکل وجود دارد. در خیلی از موارد نسخه واحدی برای همه شهرها پیچیده می‌شود، بدون توجه به تفاوتهای جغرافیایی و فرهنگی آنها یا یکدیگر.

باید سیاستهای عمران شهری در سطح کلان را مشخص ساخت و نحوه اجرای آنها را در سطح محلی به وسیله مدیریتی واحد مشخص کرد و ضعفهای مدیریتی، منابع مالی، نظارتی و نظایر اینها را برطرف کرد. از همه مهم‌تر، باید تعریف درست و دقیقی از مستندات قانونی و طرحهای توسعه و عمران شهری، که زیربنای آنها طرحهای آمایش سرزمین و منطقه‌ای است، وجود داشته باشد.

بهاءالدین ادب: در این چند سال همگی شاهد رشد میزان شهرنشینی در کشور بوده‌ایم. من می‌خواهم در اینجا این سؤال را مطرح کنم که آیا هدف برنامه اول، دوم و سوم توسعه کشور این بوده است که شهرنشینی در کشور رشد پیدا کند؟ تصور نمی‌کنم جواب این سؤال مثبت باشد. من به عنوان کسی که عضو کمیسیون تلفیق مجلس در برنامه سوم توسعه کشور بودم، در زمان کار کردن بر روی این برنامه این مسئله را حس نکردم؛ در حالی که می‌بینم شهرنشینی در کشور رشد پیدا کرده، با اینکه جزء اهداف پیش‌بینی شده برنامه نبوده است، آیا نباید ارزیابی‌ای از برنامه به عمل آوریم که با وجود اینکه رشد شهری هدف مان بوده چرا شهرنشینی رشد کرده است و چه جاذبه‌ای باعث شده که شهرها روز به روز رشد کنند؟ دلیل افزایش حاشیه‌نشینی در کنار شهرها چیست و چگونه می‌توان با این مسئله مقابله کرد؟ بسیاری از شهرهای ما که اخیراً شهر شده‌اند هیچ طرح و برنامه‌ای برای توسعه ندارند و تنها طرح و برنامه آنها همان طرح هادی روستایی قبلی آنهاست، که تازه معلوم نیست در چه زمانی تهیه شده است. دیگر اینکه اصولاً اینجا چون به شهر تبدیل شده‌اند، دیگر عارشان می‌آید طبق آن عمل کنند و آن را کنار می‌گذارند! این گونه شهرها مدام در حال رشدند و باعث ایجاد ناهنجاریهای مختلفی می‌گردند که بعضاً حل ناهنجاریهای آنها به آسانی میسر نخواهد بود. برای این شهرها چه باید کرد؟



علی نوزاری

تناسب ندارد. مثلاً در طرح جامع آمده است که حداقل تفکیک زمین برای واگذاری باید ۲۵۰ متر مربع باشد که ما تازه توانسته ایم رقم آن را به ۷۵ متر مربع برسانیم. تصور کنید افرادی که در حاشیه شهر زندگی می کنند، آیا می توانند با توجه به توانایی اقتصادی پایین خود قدرت خرید این میزان زمین را داشته باشند؟ از طرفی، شهرداری هم راهکارهایی برای احداث و واگذاری واحدهای مسکونی ۳۰، ۴۰ و ۵۰ متری به آنها را ندارد. آن وقت توقع داریم به وضعیت حاشیه نشینی سامان دهیم و به فکر چاره چوبی برای حل مشکل آن باشیم. اگر طبق توصیه طراحان طرحهای شهری کار کنیم، نباید اجازه دهیم شهر توسعه پیدا کند و حاشیه نشینی در کنار آن مستقر شوند یا نگاهی به شهر کنونی مشهد، می توان دید که تعداد زیادی از جمعیت آن همان حاشیه نشینان دیروز بوده اند که در طرحهای شهری قرار بوده آنها اجازه ساخت داده شود. جست و جوی به دنبال ابزار مناسب برای جلوگیری از حاشیه نشینی، فقط سر از کمیسیون ماده ۱۰۰ و تحریریه دو می آورد که، همان طور که همگی می دانیم، استفاده از آن هم عملی نیست.

مشکل دیگری که در شهرداریها به چشم می خورد، این است که در هیئت دولت هر کدام از وزيران خود را رئیس یک نگاه اقتصادی می داند که وظیفه اش حمایت از سازمان تحت نظرش است. هر تصمیمی که قرار است در مورد امور شهرداریها گرفته شود، از جمله اخذ عوارض، آنها آن را از دید منافع تشکیلاتی خود می بینند و به صورت بخشی با آن برخورد می کنند. در این میان هیچ هماهنگی ای بین آنها برای حل مشکل شهرداریها به چشم نمی خورد. در زمینه عوارضی که شهرداریها دریافت می کنند، مشاهده می شود که هیچ کدام از آنها روزآمد نیست و کفاف هزینه های شهرداریها را نمی دهد. وقتی درخواست افزایش آنها به هیئت دولت مطرح می گردد، با آن به صورت بخشی برخورد می شود و در نتیجه مقصود حاصل نمی آید.

دیگر مشکل موجود در شهرداریها، سیاستهای ناهماهنگی



اسماعیل صالحی

مشکل موجود در شهرداریها، سیاستهای ناهماهنگی است که دولت اتخاذ می کند. مثلاً از طرفی به شهرداریها گفته می شود که به خصوصی سازی روی بیاورند و از حجم اداری خود بکاهند و فعالیتهایی را که می توانند، به بخش خصوصی واگذار کنند و فقط نقش نظارتی و تصمیم گیری داشته باشند. ولی وقتی در شهرداری به این منظور وارد عمل می شویم قانون کار و نمایندگان دولت برخلاف این تصمیم عمل می کنند و نتیجه معکوس به دست می آید

است که دولت اتخاذ می کند. مثلاً از طرفی به شهرداریها گفته می شود که به خصوصی سازی روی بیاورند و از حجم اداری خود بکاهند و فعالیتهایی را که می توانند، به بخش خصوصی واگذار کنند و فقط نقش نظارتی و تصمیم گیری داشته باشند ولی وقتی در شهرداری به این منظور وارد عمل می شویم قانون کار و نمایندگان دولت برخلاف این تصمیم عمل می کنند و نتیجه معکوس به دست می آید.

سید نصیرالدین شاهرخی: ما نباید این تصور را داشته باشیم که با محدود کردن توسعه و رشد شهرهای بزرگ می توانیم

امکانات و منابع را بصورت عادلانه در سطح کشور پراکنده سازیم. اگر بخواهیم جلوی توسعه و گسترش شهرهای بزرگ را بگیریم، باید مشخص شود که این جلوگیری تا کجا باید ادامه پیدا کند. مثلاً شهر آلاشت در سازندران با ۴ هزار نفر جمعیت شهر است و تهران هم شهر است. آلاشت همان توفعی را در زمینه خدمات رسانی دارد که تهران دارد. همان قدر که ما باید حساس باشیم که شهرنشینی بیش از اندازه توسعه پیدا نکند، باید نسبت به این هم حساس باشیم که شهر بیش از حد کوچک نشود تا سرمایه گذاری در آن توجیه اقتصادی نداشته باشد. اگر به شهر در قالب یک موجود زنده نگریم، باید نیازهای این موجود زنده نیز کاملاً مشخص گردند. این نیازها را چگونه می توان برطرف کرد؟ استعدادهایی که این موجود زنده دارد چیست؟ کارگرهای آن چگونه هستند و ما چه نوعی از آن داریم؟ پس از شناخت این مسائل از شهر است که می توان به سراغ حل مشکلات آن رفت.

در مورد عمران شهری کندهایی به ما می دهند که طبق آن عمل کنیم. در این کندها ما بدون دید آمایش در مورد عمران شهری عمل می کنیم و عمران شهری را مستقل از توسعه کشور می بینیم. اگر ما دید آمایشی نداشته باشیم و نتوانیم تکلیف تولید کنندگان و کشاورزان را روشن سازیم و خدمات مناسب به آنها ارائه کنیم، آنها هم به دنبال خدمات مناسبتر، به شهرها مهاجرت خواهند کرد و چون از نظر اقتصادی و فرهنگی قدرت سازگاری با شهر را ندارند، به حاشیه شهر رانده می شوند. در عمران شهری باید کدی هم برای مسائل آمایشی در نظر گرفته شود تا بزرگ شدن یا کوچکتر شدن شهرها را در نظر گرفته باشند. یک رشته از مشکلات مربوط به عمران شهری هم به درون خود شهر و مدیرتهای شهری باز می گردد. بحث مدیریت واحد شهری حقوقهای بسیار اساسی در این زمینه است. وحدت مدیریت شهری باید وجود داشته باشد تا کارهای عمرانی با موفقیت انجام شود. به گونه ای که مدیریت واحد شهری، هماهنگی و نظارت و مدیریت امور را در اختیار داشته باشد.

بهاءالدین ادهب: بحث آخر آقای نوروزی برای تأکید داشت که دولت واحدی استراتژیکی است که به جای اینکه به حاکمیت و تصمیم گیری بسردازد روی تصدی گیری آورده است - که ایراد ایشان کاملاً بجاست. در برنامه سوم توسعه کشور حکم روشن قانونی وجود دارد که دولت از تصدی گیری خود بکاهد و فقط به بخش حاکمیت بسردازد ولی متأسفانه نه تنها این نظارتها و تصدی گیریها در دولت کاهش نیافته است، بلکه روز به روز هم افزایش می یابد. جالب است که بدانیم در طول برنامه سوم توسعه کشور تنها کاری که مثلاً برای کاهش حجم دولت و تصدی گیری اوانجام گرفته این است که دو وزارتخانه با هم ادغام گردیدند و دو تابلوی وزارت تبدیل به یک تابلو شده است. از بررسی اعداد و ارقام در دسترس می توان بی برد که در طول برنامه سوم توسعه نه تنها از عاید دولت کاسته نشده بلکه بر حجم آن افزوده هم شده است.

شهرداریها نباید در پی این باشند که افرادی که اکنون به دولت وارد است روزی به آنها هم وارد شود - یعنی تبدیل به دولتهایی مطلق المان در شهرها شوند. امروزه مدیریت مشارکتی حرف آخر را در دنیا می زند یعنی در واقع شهرداریها مغز تصمیم گیرنده و هماهنگ کننده سیستم شهری اند، نه اینکه در همه کارها دخالت کنند. شهرداریهای ما باید بدانند که امروزه در دنیا نه تنها حمله ها بلکه حتی کوچها هم به دست ساکنانشان اداره می شود. در این



شهرها شهرداری سیاستهای کلی و اصلی را طراحی می‌کند و در چارچوب این سیاستها نیز بر اعمال ساکنان نظارت می‌کند و شهروندان شهر، خودبخوبی از تأمین خدمات مورد نیازشان را برعهده می‌گیرند. در حالی که در کشور ما وضع بدین گونه نیست. مثلاً در تهران شورای شهری تعیین شده است که باید تهران را با تمام وسعتش با تعداد افراد معدودی اداره کند. آیا در دنیایی که در آن هر کجوهی برای خود مدیریت مستقلی دارد، ما باید در شهرهایمان این گونه برخورد کنیم؟ زمانی بود که وقتی به داروخانه مراجعه می‌کردیم و تقاضای دارو داشتیم، مسئول

اگر شهر را موجودی زنده و پویا که در حال رشد مداوم است بدانیم، در طرحهای توسعه شهری کمتر به بعد فرهنگی این موجود زنده اهمیت داده می‌شود و معمول بر این است که به بعد کالبدی و فیزیکی آن بیشتر توجه شود. حال آنکه باید کاملاً عکس این مسئله اتفاق بیفتد و هدف از کارهای عمرانی باید تقویت بعد فرهنگی شهر باشد

مربوطه می‌گفت اصل دارو را ندارم و مشابه آن موجود است. الان هم وضع شهرداری و شورای شهر ما فقط مشابه نهادی مدنی است - و نه اصل آن نهاد مدنی.

علی لوفتر پور: به نظر من برای اینکه بتوان به سمت جایگاه واقعی عمران شهری حرکت کرد باید به سه نکته توجه داشت.

محیط اول به نظام برنامه‌ریزی کشور باز می‌گردد. باید نظام برنامه‌ریزی ما از حالت بخشی به حالت بخشی - منطقه‌ای و یا منطقه‌ای تغییر جهت دهد - که اولین گامها در این زمینه در برنامه سوم توسعه کشور برداشته شده است. شکل‌گیری شورای برنامه‌ریزی توسعه استان، به استناد ماده ۷۰ قانون برنامه سوم توسعه و شکل‌گیری خزانه معین استان، گامهایی در راستای تحقق برنامه‌ریزی منطقه‌ای است که در برنامه سوم توسعه کشور به آن اشاره شده است. از جمله گامهای دیگری که در برنامه سوم توسعه در راستای برنامه‌ریزی منطقه‌ای برداشته شده، تقویت یا افزایش سهم اعتبارات عمرانی استان نسبت به اعتبارات عمرانی ملی است. مقرر شده است که این سهم - که اکنون نزدیک به ۲۰ درصد است - به ۵۰ درصد از اعتبارات کشور برسد؛ یعنی ۵۰ درصد از اعتبارات عمرانی کشور باید در استانها تعیین تکلیف شود. لذا نظام برنامه‌ریزی هم به تبع آن باید تغییر پیدا کند و استانها نیز این اعتبارات را براساس برنامه استانی خرج کنند. هم اکنون برنامه

استانی در زمینه عمران شهری وجود ندارد و تنها تصویری از برنامه‌های بخشی در استانها موجود است. یعنی سهم استانها در بخش آب و برق، آموزش و پرورش و مانند اینها محاسبه می‌گردد و به آنها پرداخت می‌شود. این را در هر حال نمی‌توان برنامه توسعه استان نام نهاد. برنامه توسعه و عمران استانی باید از پایین بیاید نه اینکه از بالا برای آن تعیین تکلیف شود. در زمان حاضر عمران شهری جز کاریکاتور یا مشابه عمران شهری به معنای واقعی کلمه نیست.

محیط دوم به مدیریت واحد شهری برمی‌گردد. منظور از مدیریت واحد یا واقعی شهری، این است که حرکت به سمت تحقق شعارهای «دولت حداقل، شهرداری حاکم» و «دولت حداقل، مدیریت شهری حاکم» صورت پذیرد. یعنی اینکه دولت به سمت کوچک شدن برود و وظایف حاکمیتی، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، هدایت، حمایت، بازاریابی و نظارت را برعهده بگیرد. مدیریتهای شهری و روستایی نیز باید به سمت در اختیار گرفتن کلیه وظایف و فعالیتهای محلی و اجرایی پیش روند. وقتی این اتفاق افتاد، طبیعتاً عمران شهری به عمران واقعی شهری تبدیل می‌شود. منظور از اینکه شهرداریها وظایف دولت را بپذیرند، این نیست که شهرداریها همه این وظایف را خود انجام دهند بلکه شهرداریها باید مدیریت این کارها را به عهده بگیرند و بخشهایی از آن را که امکان واگذاریشان به بخش خصوصی وجود دارد به آن واگذار کنند. مهم این است که مدیر شهر بر همه این امور نظارت برنامه‌های اعمال کند و بتواند آنها را به سوی سیاست برنامه‌ریزی‌ای از پیش تعیین شده و پیش‌بینی شده هدایت کند. لازمه این کار این است که نظام درآمدی کشور اصلاح شود و در بخش مالیاتها تغییرات جدی صورت گیرد. به این ترتیب که باید یک مالیات محلی به نام عوارض داشت و یک مالیات ملی، مالیات محلی، مالیات بر مصرف خدمات شهری است و تعیین میزان آن باید برعهده شهرداریها باشد تا شهرداریها به عنوان نهادی غیردولتی از نظر منابع مالی به دولت متکی نباشند. به هر حال اگر مدیریت شهری منابع مالی خود را از دولت بگیرد، استقلال و قدرت خود را از دست خواهد داد.

محیط سوم از تباطؤ مدیر نهایی محلی و شهرداریها و شورای آنها دولت است. باید به این نکته توجه داشت که شهرداری و شورای شهر به عنوان یک نهاد واحد مدیریت شهری تلقی می‌شوند. نه به عنوان دو سازمان جدا و مستقل از هم. چون سورا قدرت و مشروعیتش را از مردم می‌گیرد، بنابراین امکان اعمال اراده ملی را خواهد داشت. لذا شورا مدیر شهر است که به انتخاب‌گرفتن برای اداره شهر می‌پردازد. در واقع دو سیستم شهرداری و شورای شهر مجزا از هم نیستند و نباید دو قانون تحت عنوان شهرداری و شورای شهر داشته باشند. بلکه باید قانونی واحد تحت عنوان قانون مدیریت شهری برای آنها تعریف گردد.

اسماعیل صالحی: از بحثهای این جلسه می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که با توجه به روند افزایش جمعیت شهری کشور، که در آینده هم ادامه پیدا خواهد کرد، توجه به عمران شهری دارای اهمیت خاصی است. عمران شهری را باید در چارچوب توسعه پایدار و سوزون شهری نگریست و تعریف کرد. بنابراین باید در تعریف عمران شهری در برنامه‌های توسعه کشور تجدیدنظر به عمل آید. نظام مدیریت شهری ما باید در راستای ایجاد یک مجموعه شهری هماهنگ و یکپارچه اصلاح شود و نظام حقوقی و قانونی خاص خود را داشته باشد.

رنگ در شهر از دیدگاه طراحی شهری



سولماز حسینیون
دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری

شود، محیط به مکانی نابالغ کننده و ناخوشایند برای فرد بدل می گردد.

رنگ که خود عنصری هویتی و عاملی برای تقویت خواتایی است، امروزه چنان در تمام شهرها و محله‌ها به صورت تصادفی و سلیقه‌ای به کار گرفته می شود که بخشهای تازه ساخت شهری گویسوی بی شهری در حاشیه دریای خزر، تفاوت چندانی با شهر تهران ندارد. این اغتشاش و بی نظمی و بی هویتی در همه جا یکسان است و تنها از همین جهت می توان میان شهرهای میان تجانس و تشابه یافت!

این در حالی است که در هر شهر، بسته به اقلیم، مصالح بومی، فناوری و منابع تأمین مصالح و سلیقه و فرهنگ افراد، رنگ نماها، در و پنجره ها، میلمان شهری، کف سازی، سقف و بام بناها و اصولاً تمامی عناصر شهری به رنگهای خاصی محدود می شود که به نوعی شناسنامه رنگی آن شهر به شمار می آید. از کنار هم گذاشتن این نمونه های رنگی می توان پالت رنگی شهر را تهیه کرد. رنگهای پالت رنگی شهر مطلوب در دامنه ای مشخص و هماهنگ قرار دارند و اکثر آذاری تناسبات رنگی با یکدیگرند.

زمانی که این پالت رنگی تمداد نامحدود و نامشخصی رنگ را که بی هدف و از جاهای مختلف در کنار هم جمع شده اند در بر گیرد، مانند شهرهای ما و به ویژه در بخشهایی که به تازگی ساخته شده اند، به سرعت می توان این اغتشاش و بی نظمی را تشخیص داد و برای اصلاح و بهبود و هدایت نظام رنگی شهر اقدام کرد.

رنگ یکی از عناصری است که در کنار نور، بافت، فرم و شکل پسر ادراک بصری افراد از محیط تأثیر مستقیم می گذارد؛ اما در عین حال شاید بیش از هر منقوله دیگری در طراحی، با آن به صورت

همه کس، از کارشناس و متخصص گرفته تا شهروند ساده و عادی، از وضعیت نابسامان شهرهای مان ناراضی اند. عناصر ناهمگون و ناهنجار گوناگونی در کنار هم به اغتشاشات محیطی دامن می زنند یکی از مهم ترین این عناصر، که به ندرت به صورتی آشکار بدان توجه می شود، رنگ است. رنگ برخلاف فرم، حجم، نما و یا کف سازی در لابه ای پنهان تر قرار دارد و بسیاری از ما هنگام طراحی یک فضا، شهر یا حتی بنا، کمتر به تأثیرات روانی آن می اندیشیم. در دستورالعملها و ضوابط طراحی هم کمتر به منقوله رنگ پرداخته می شود. انتخاب رنگ بناها و عناصر فضاهای شهری اغلب به سلیقه پیمانکار، صاحب ملکه مأمور خرید و یا اجناس موجود در بازار و حتی تصادف یا اتفاق واگذار می شود.

این موضوع به تازگی حتی عناصری از شهر را نیز که قاعده‌آ دارای شناسه های رنگی خاص و استاندارد هستند، در برمی گیرد. از جمله اینهاست شیرهای قرمز آتش نشانی که هر قطعه آنها را به رنگی در آورده اند، و یا جدول خیابان و صندوقهای پست که هر روز رنگ جدیدی به خود می گیرند.

از نسوی دیگر، برخلاف گذشته که افراد سعی در فروتنی و درون گرایی داشتند و این موضوع در سادگی و بی پیرایه بودن نمای بناهای شان (چه از دید طرح و انتخاب مصالح و چه رنگ آمیزی) دیده می شد، امروزه همه به دنبال تشخیص و تفاخر بیشتر هستند. استفاده فراوان از رنگهای تند و متفاوت در پروقیل در و پنجره تا شیشه های رفلیکس یا رنگهای تند و خیره کننده برای تک تک ما ملموس و آشناست. این رنگها بر سردرگمی فرد در فضا می افزایند، چرا که هر رنگ دارای پیام و دارای بار معنایی خاصی است. زمانی که بدون توجه به معانی نهفته در رنگها از آنها استفاده

تصادفی برخورد می شود.

رنگها دارای وزن ادراکی اند؛ رنگهای روشن سبک ترند و رنگهای تیره سنگین تر. رنگ سیاه در این مورد استثناست و خالی بودن را القا می کند. رنگهای متفاوت القاکننده مسافت و فاصله نیز هستند. رنگهای گرم نزدیکتر حس می شوند و فضا را تنگتر می کنند، در حالی که رنگهای سرد دورترند و فضا را وسیع تر نشان می دهند. در ضمن باید توجه داشت که چگونگی در کنار هم قرار گرفتن رنگها و تقسیمهای زمینه نیز بر این ابعاد تأثیر می گذارند.

ادراک رنگی در مجموع به سه عامل بستگی دارد:

۱- شرایط و محیطی که رنگ در آن دیده می شود.
۲- خصوصیات سطح جسم منعکس کننده، مانند بافت و توانایی آن برای جذب یا انعکاس نور.

۳- توانایی فرد برای ادراک رنگها

روان شناسان مطالعات زیادی بر روی تأثیر رنگ و نور بر ادراک ما از فضا و زمان انجام داده اند. همگان از تأثیر رنگ بر حس وزن (سبکی و سنگینی)، دما (گرمی و سردی)، فاصله (دوری و نزدیکی) و ابعاد (بزرگی و کوچکی) آگاهند حتی مقیاس زمان نیز در فضاهای دارای رنگهای مختلف، متفاوت است. برای مثال، شونندگان سخنرانی در یک سالن آبی رنگ، آن را طولانی و کسل کننده می یابند. در حالی که همان سخنرانی در یک سالن سرخ رنگ، هیجان انگیز و کوتاه تر ارزیابی می گردد (پورتر و میکلیس، ۱۹۷۶، ص. ۱۴).

مجموع این عوامل باعث می شود تا، صرف نظر از سایر عوامل محیطی و خصوصیات فضایی، دو فضای یکسان با ترکیبات رنگی

رنگ برخلاف فرم، حجم، نما و یا کف سازی در لایه های پنهان تر قرار دارد و بسیاری از ما هنگام طراحی یک فضا، شهر یا حتی بنا، کمتر به تأثیرات روانی آن می اندیشیم

استفاده فراوان از رنگهای تند و متفاوت در پروفیل در و پنجره تا شبیه های رفلکس با رنگهای تند و خیره کننده بر سردر گمی فرد در فضا می افزایند

مختلف تأثیرات کاملاً متفاوتی را بر ادراک انسان بگذارند. رنگ قرمز شدیداً بر سیستم عصبی تأثیر می گذارد و موجب افزایش فشار خون، ریتم تنفس و ضربان می شود. این در حالی است که رنگ آبی تأثیری کاملاً برعکس دارد. یکی از بررسیهایی که در نروژ انجام گرفت، مشخص ساخت که مردم در اتاق آبی رنگ درجه حرارت ترموستات دستگاه حرارتی خود را ۴ برابر بالاتر از اتاقی قرمز یا همان درجه حرارت تنظیم می کنند (پورتر و میکلیس، ۱۹۷۶، ص. ۱۴).

مطالعاتی که در مؤسسه هنرهای معاصر در لندن انجام شد، نشان داد که خاصیت محرک بودن زرد چنان زیاد است که می تواند منجر به ویرانگری (و نوابسیسم)، به خصوص در کودکان، شود. در یک نمایشگاه اسباب بازی در اتاقهایی با رنگهای مختلف، وسایل موجود در اتاق زرد همه شکسته و خراب شده بودند (پورتر و میکلیس، ۱۹۷۶، صص. ۱۴ و ۱۵).

رنگ و نور

علاوه بر تأثیراتی که نور در ساعات مختلف روز و با کیفیات متفاوت خود بر روی رنگها می گذارد، می توان از خاصیت ترکیب نور با رنگ استفاده کرد. بارزترین مثال این کاربرد، در شیشه های رنگی و یا صفحات شفاف رنگی است که ضمن عبور نور، رنگ آن را تغییر می دهند و تأثیرات خاصی در فضای پشت خود ایجاد می کنند. اصولاً بدون نور، مفهوم رنگ از دست می رود. همدا ما می توانیم مثالهایی از تفاوت حال و هوای رنگی شهرهای آنتانی را با شهرهای ابری و مه آلود به خاطر آوریم. در یک شهر آلوده و دودآلود رنگها کدر و مرده به نظر می رسند. برعکس، در شهری بیلایی و آفتابی رنگها درخشش و شفافیت زیادی دارند.

می بایست در این میان به معانی نمادین رنگها در هر فرهنگ و پیش زمینه های ذهنی آن نیز توجه کرد. گاهی اوقات رنگهای خاصی نشانه هایی آشنا و یا یادآور زمان و مکان خاصی در ذهن افراد هستند. طراحان باید هنگام تعیین مشخصات فضای طراحی شده خود، تمامی این عوامل را در تعیین پالت رنگی محل در نظر بگیرند.

هر چند امروزه با افزایش ارتباطات کندهای رنگی ملل به هم نزدیکتر گردیده و بسیاری از رنگها به همراه نمادهای خاص خود به صورت بین المللی پذیرفته شده اند، اما همچنان می بایست به بار فرهنگی رنگها در محیط نیز توجه کرد.

کاربرد رنگ در شهر

حفظ و تقویت خوانایی و هویت در شهر و در تک تک فضاهای آن همواره از مهم ترین اهدافی است که، مستقل از نوع فضا یا محل شهری یا فضا، می بایست مورد نظر طراح و مدیر شهری قرار گیرد. ابزارهای زیادی برای رسیدن به هدف وجود دارند که توجه به هر یک از آنها می تواند ما را به نتیجه مورد نظر برساند. رنگ یکی از مهم ترین عناصری است که می تواند به سادگی و با هزینه ای کمتر از ساخت و ساز برای تعریف فضاها، در ایجاد خوانایی و حس وحدت و خلق حس مکان به ما کمک کند.

از جمله عمده ترین این اهداف، دستیابی به هویت و چشمانداز و نورنمای تعیین شده شهر است. بررسی سابقه رنگی شهر، یا به عبارت دقیق تر پالت رنگی آن، به ما کمک می کند تا بتوانیم آن را حفظ کنیم و یا برای هر شهر پالت رنگی خاصی تعریف کنیم که عناصر تشکیل دهنده آن همان واژگان رنگی یا در واقع انواع رنگهایی باشند که در ترکیب باهم چهره رنگی فضاهای شهر را تعریف می کنند.

حتی اکنون که شهرهای ما به شدت دچار اغتشاش و بی هویتی رنگی شده اند، با نام بردن شهرهای خاص، طیفهای رنگی مشخص در ذهن همه ما زنده می شود. این همان توقع و انتظاری است که ما از هویت و نقش آن شهر داریم و طراح می بایست در جهت تقویت آن تلاش کند. در بسیاری موارد پالت رنگی در یک شهر چنان طی سال ها مورد استفاده قرار گرفته که خود به نشانه و نمادی قوی تبدیل شده است. بسیاری از شهرها، روستاها و مناطق طی سالهاستهای رنگی خاص خود را به دست آورده اند.

حتی محله ها و بخشهای مختلف شهرها نیز می توانند حال و هوای رنگی متفاوتی داشته باشند. برای مثال، بخشهای حومه ای شهر با بخش صنعتی یا بخش اداری و مرکزی یا بافت تاریخی، هر یک دارای کندهای رنگی متفاوتی است. این کدها فردی که در سطح شهر حرکت می کند، اعلام می کند که وارد حوزه های

متفاوتی شده است.

به این ترتیب می بینیم که خوانایی محله‌ها به صورت طبیعی با رنگ آنها مرتبط است. عناصر سیمای شهر را می توان با کنه‌های رنگی خاص و متمایزی برای افراد تشخیص پذیر ساخت. برای مثال، سطح بیرونی سبز جنگلهای، باغها و مزارع، یا مرز آبی رنگ رودها و دریاها به سرعت خود را از محیط مجاورشان متمایز می کنند.

تراکم رنگها در گروه‌های فعلیتی یا تقاطعها و مرزها، به دلیل افزایش فعالیتها و وقایع در آنها، باعث می شود تا فرد پیاده یا نزدیک شدن به آنها متوجه ورود به حوزه فعلیتی متفاوت شود. البته تراکم رنگ در تقاطعها همواره مناسب نیست و بسته به مورد دارد. شهروندان از فضاهای مختلف شهر توقعات متفاوتی دارند. برخی می بایست سرزنده و شاد باشند، و برخی نیز آرام و متین.

از سایر اوقات سال هستند. مراسم شادی و جشن و سرور در ذهن همه مترادف با رنگ آمیزی متنوع و متفاوت در روز و شب است.

رنگ و زمان

رنگها برای تشخیص اوقات مختلف، وقایع و مراسم و حتی ساعات مختلف روز نیز کمک بزرگی به شمار می آیند. همین جا می توان به ارتباط تنگاتنگ رنگ با زمان اشاره کرد. این مسئله ای است که حتی غالباً بهترین طراحان نیز آن را مورد توجه قرار نمی دهند. همان حضور که در ابتدا اشاره شد، روان شناسان دریافته اند که رنگهای متفاوت یک فیضا در جهت مدت زمان حضور در فضا را برای افراد تغییر می دهند؛ اما این تنها بخشی از ماجراست. بدیهی ترین ارتباط رنگ با زمان، تغییر نور - و در نتیجه رنگ - در ساعات مختلف روز، در فصول مختلف و در آب و هواهای متفاوت است. یعنی با تغییر شدت نور، زاویه تابش خورشید، وجود سایه و آفتاب و مانند اینها در کیفیت رنگها تأثیر

فقدان تنوع و سرزندگی، ناخواسته مانع حضور افراد در فضاهای مشارکت آنها در زندگی مدنی است. ایجاد تنوع و خلق شادی و نشاط در فضاهای مناسب، به صورتی حساب شده و فکر شده با کمک رنگ به راحتی ممکن است

یکی دیگر از کاربردهای رنگ کنترل یا پیش بینی رفتارهای شهروندان است. برای مثال، در یک بزرگراه یا خیابان شریانی به دلیل نیاز به بالا بودن سرعت و بزرگ مقیاس بودن فضا و جداره‌هایش، از لکه‌های رنگی بزرگ و هدایت گر استفاده می شود



می گذارند. به صورت ناخودآگاه به فرد در تشخیص زمان کمک می کنند و در واقع شخص با رنگهای مختلف جهت یابی زمانی خود را انجام می دهند. حتی اقداد در شهرهای مختلف، کدهای رنگی متفاوتی برای زمان دارند.

ناآگاهی طراح نسبت به این مسئله سر درگمی و حس ناآرامی را در افسردگی وجود می آورد. طبیعت در بسیاری موارد بهترین الگو برای ترکیب رنگهاست. اما در شهرهای مدرن و امروزی ما مردم عناصر طبیعی حضور کمتری می یابند و آسمان، بناها، کف خیابانها و جزاینها بیوسته به خاکستری و سیاه نزدیکتر می شوند. گویی تمام اوقات روزها ماهها و سالها به هم شبیه شده اند.

شخصیت رنگی و حال و هوای رنگی شهر در روز و شب کاملاً متفاوت است. شهرهایی که دارای زندگی شب و سرزندگی در تمام ساعات شبانه روز هستند، گاهی اوقات در شب چهره‌های زیباتر دارند. تاریکی شب عیوب و آشفتگی فضا و جداره‌هایش را می پوشاند و چراغ و نورهای رنگین شهر و نورهای آن را زینا و دلپذیر می کنند. حتی در این زمان نیز رنگ نور و چراغها اهمیت زیادی دارند. به همین دلیل انتخاب رنگ، نوع، شدت و میزان روشنایی مسوای مختلف در شهر می بایست با دقت زیادی انجام

استفاده از رنگ برای طراحان شهری تنها به موارد پیش گفته محدود نمی شود. ایجاد حس وحدت در عین وجود تنوع با کمک رنگ در کنار سایر عوامل، نیاز هر فضا یا شهر است. شخص نیاز دارد تا ضمن قدم زدن یا حرکت در سطح شهر، تلاطم و بیوستگی را حس نکند. زمانی که هر بخش بدون ارتباط با بخش دیگر باشد، شخص احساس گم‌شدگی، سردرگمی و کلافگی می کند. او حتی ممکن است از دلیل آنز چار و سر خوردگی خود اطلاع نداشته باشد. او به صورت ناخودآگاه به حضور در فضایی شهری که به او حس آرامش و نظم و هماهنگی ندهد، تمایل ندارد. چهره خاکستری و یکنواخت، بسیاری از شهرها نیز موجب افسردگی و دلزدگی افراد در فضاهای خود.

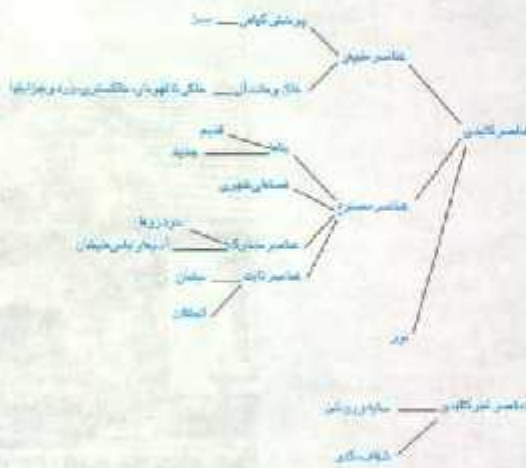
فقدان تنوع و سرزندگی، ناخواسته مانع حضور افراد در فضاهای مشارکت آنها در زندگی مدنی است. با توجه به این مطلب، ایجاد تنوع و خلق شادی و نشاط در فضاهای مناسب، به صورتی حساب شده و فکر شده با کمک رنگ به راحتی ممکن است. بارزترین نمونه آن خیابانهای تجاری و فضاهای بازی کودکان است که تنوع رنگی آنها به منظور خلق فضاهایی شاد، به امری بدیهی بدل شده است. حتی مناسبتهای خاص نیز یادآور تنوع رنگی متفاوت

شود و طراح و مدیر شهری به صورتی برنامه‌ریزی شده و هماهنگ در مورد رنگ آمیزی فضاهای شب اقدام کند.

زمانی که به یک شهر نگاه می‌کنیم، اگر برای لحظه‌ای بتوانیم فرم و شکل و بافت اجسام را از نظر دور کنیم، شهر را به صورت تعدادی احجام و لکه‌های رنگی می‌بینیم. نمودار زیر انواع این لکه‌های رنگی را نشان می‌دهد.

این لکه‌ها بنا بر بزرگی و کوچکی، ثابت و متحرک، منفرد یا دائم هستند. در مرحله اول مطالعه و برداشت این لکه‌ها در شهر و در مرحله دوم کنترل و تصمیم‌گیری در مورد آنها، از مهم‌ترین وظایف طراح و مدیر شهری است.

معمولاً رنگهای غالب و ثابت و بزرگ، پالت اصلی رنگی شهر را تشکیل می‌دهند که شامل رنگ سقف‌بناها، نمای دیوارها، کف‌سازی مسلمان شهری، پوشش گیاهی و طبیعت شهر است. البته وجود عناصر تبلیغاتی را - از میل بوردها و پلاکاردها گرفته تا



رنگ ابزاری است برای حفظ «هویت» و «حس مکان» در هر شهر و فضای شهری

تبلیغات متحرک مانند اتوبوس‌ها و جز اینها - نباید در هدایت هویت رنگی شهر از نظر دور داشت.

زمینه کاری طراح شهری عمدتاً بر پالت اصلی متمرکز است. هر چند راهنماهایی مانند ضوابط و توصیه‌های رنگ آمیزی تبلیغات محیطی، میلمان شهری و نظایر اینها نیز مرحله ثانوی کار او را تشکیل می‌دهند.

یکی دیگر از کاربردهای رنگ کنترل یا پیش‌بینی رفتارهای شهروندان است. برای مثال، در یک بزرگراه یا خیابان شربانی درجه ۱ به دلیل نیاز به بالا بودن سرعت و بزرگی مقیاس بودن فضا و جداره‌هایش، از لکه‌های رنگی بزرگ و هدایت‌گر استفاده می‌شود. وجود لکه‌های ریز و متنوع با جزئیات زیاد که توجه رانندگان را به خود جلب کند، اشتباهی است که هدف از خلق این گونه فضاها را مخدوش می‌سازد. برعکس، در یک پیاده‌راه که هدف در آن حضور هرچه بیشتر پیاده و مقیاس کوچک است، توجه به جزئیات ریزتر، رنگ آمیزی متنوع و قابلیت شناسایی بیشتر و برقراری ارتباط برای افراد آن محل مورد نظر است.

برای مثال، در اقلیمهای سرد با آسمان خاکستری و تابش کم خورشید استفاده از رنگهای تند و زنده می‌تواند عناصر را راحت‌تر

قابل شناسایی سازد و فضا را شادتر کند، و از این طریق در روحیه افراد تأثیر مثبتی بگذارد و آنها را تشویق به حضور در فضا کند. جهت‌یابی افراد نیز در شرایط ناساعد آب و هوایی، با رنگ تقویت می‌شود. این در حالی است که در فضاهایی مانند یک میدان تشریفاتی می‌توان با کم کردن تنوع رنگی، حس رسمی بودن و نظم و شکوه را القا کرد. در یک بازار یا پیاده‌راه نیز می‌توان با افزایش تنوع رنگی و استفاده از رنگهای شاد و تند به سرزندگی فضا افزود.

رنگها برای افراد، ناخودآگاه حکم نشانه را نیز دارند و استفاده از رنگهای مشخص به صورت نوعی استاندارد در آمده است. علائم راهنمایی و رانندگی، میلمان شهری، تابلوهای راهنما و عناصر و جزئیات شهری در بسیاری موارد دارای کدهای رنگی اند که تغییر در آنها موجب اغتشاش بیامیهای بصری دریافت شده از محیط می‌شود.

تکنه مهم این است که در محیطه رنگ، طراح شهری حکم تقاضای را دارد که روی بومی سه بعدی کار می‌کند، که دارای مقیاسی عظیم و همواره نیز در حال تغییر و رشد است. نظریه رنگ برای شهر در زمینه وسیع‌تری کاربرد دارد و هدف آن ایجاد هماهنگی در مکانهایی است که عاری از هماهنگی اند.

تصمیم‌گیری برای کاربرد رنگ در شهر

بسیاری از مدیران و طراحان شهری شاید در صدد اصلاح وضعیت ناسامان رنگی شهر خود بوده‌اند اما مسئله این است که تاکنون چگونه با مقوله رنگ در شهر برخورد شده است. توجه به زمینه و متن، شرایط آب و هوایی و اقلیمی، مصالح بومی و فرهنگ، نوع فضاها و جزئیات در تصمیم‌گیری طراح یا مدیر برای هدایت کاربرد رنگ در شهر تأثیر دارد. مطالعاتی در زمینه تاریخچه رنگی برخی از شهرهای اروپایی مانند تورین، لیون و مارس انجام شده است تا راهی برای مبارزه با «آلودگی رنگی» شهرها پیدا شود.

در سال ۱۸۰۰ شهر تورین فرانسه به سفارش «انجمن سازندگان پتا» صاحب یک نقشه رنگی شد. ایده اصلی در ابتدای کار تقویت تشخیص خیابانها و میدانها با کدهای رنگی خاص، در نقشه‌های هماهنگ برای کل شهر بود. یعنی رنگهای اصلی خاصی برای هر یک از این فضاها - تحت عنوان کد رنگی - تعیین شد که تمامی افراد در آن محل خاص موظف به استفاده از رنگهای مشخص بودند. تمامی مسیرهای اصلی و مهم شهر با کدهای رنگی خاص خود به میدان اصلی شهر می‌رسیدند. رنگهای هر خیابان برگرفته از رنگهای سنتی در شهر بود و اجرای این طرح از طریق صنوبر مجوز برای ساخت یا مرمت بناها عملی شد. نتیجه در اواخر قرن نوزدهم و هنری جیمز در اوایل قرن بیستم ضمن عبور از این شهر به طرح استثنایی رنگی شهر - که در آن زمان هنوز پابرجا بود - اشاره و آن را تحسین کردند.

یکی از افرادی که برای حل مشکلات رنگی محیط دست به تحقیقات گسترده‌ای زد، ژان فیلیپ لانکو است. روشی که او برای بررسی خصوصیات رنگی محیط به منظور ارائه الگوی مناسب رنگی و راه حل‌های رنگی برای مشكلات محیطی پیشنهاد می‌کند، به شرح زیر است:

- ۱- تجزیه و تحلیل رنگهای اصلی ناحیه یا محل (طبیعت، گیاهان، خاک و نظایر اینها).
- همه مایه راحتی می‌توانیم نقاط یا شهرهایی را به خاطر آوزیم که شخصیت رنگی خاص آنها - که بسیاری از اوقات مهم‌ترین عنصر هویتی و نمادین آن محل به شمار می‌آید - ناشی از رنگ

خاک و محیط آن بوده است. سایر عناصر محیطی نیز همچون نور، آستان، آب و گیاهان اطراف محل در تعریف حال و هوای محل تأثیر زیادی دارند.

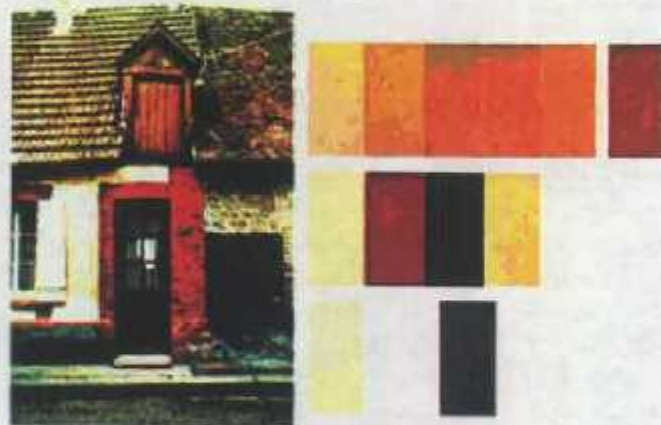
از سوی دیگر، عواملی هم وجود دارند که به صورت غیر مستقیم بر ادراک رنگی ما از محیط تأثیر می گذارند. از این دست است اقلیم محل یا شیب و توپوگرافی زمین که می تواند رنگ آمیزی و مصالح سقف را نمایان تر سازد و در ادراک رنگی افراد سهم بیشتری را به خود اختصاص دهد.

۲- تعیین رابطه کثی و کیفی رنگ در عناصر مختلف معماری و شهری

این مرحله شامل جمع آوری طیف رنگی به کار رفته در هر یک از اجزا و عناصر تشکیل دهنده بناها و محیط شهری (بنا، در و پنجره، میلمان شهری و جز اینها) و گروه بندی آنهاست.

۱-۲- آزمایش و مطالعه دقیق محل (این کار معمولاً شامل برداشت نمونه های محلی مصالح و رنگهاست).

۲-۲- تحلیل و جمع بندی اطلاعات جمع آوری شده که شامل



پالت رنگهای محیطی و پالت عناصر مصنوع و معماری منطقه است.

۳-۲- نتیجه تحقیق، ارائه پیشنهادهایی برای پالت رنگی هر ناحیه است که می تواند شامل دویخش رنگهای هماهنگ و دارای هارمونی، و رنگهای متضاد باشد که در تعیین رنگ آمیزی پروژه ها و طرح های آینده محل نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

۳- مرحله آخر ارائه جدول طیف رنگی است که وفادارانه کیفیتهای دقیق رنگی هر محل را معرفی می کند. که با استفاده از آنها در عناصر سازنده فضای شهری می توان به ترکیبات مختلف دست یافت (پورتو و میکلیس، ۱۹۷۶، صص. ۷۲-۷۳).

هر نقشه رنگی شامل دو سیستم از پرده های رنگی است، که دو پالت رنگی اصلی محصول نهایی این کار است.

اول: سیستم اولیه که رنگهای هارمونیک برای لکه های بزرگ و سطوح معماری بزرگ ارائه می کند.

دوم: سیستم گسترده تر که طیف وسیع تری از نمونه های طبیعی و معماری را در برمی گیرد؛ مانند گلها یا عناصر متحرک که به عنوان عناصر ثانوی در محیط شهری و بناها مورد استفاده قرار می گیرد.

کار دیگر لاکو، تداوم پالت دوم به گونه ای است که رنگهای کنتراست و متضاد برگرفته از پالت اول را نیز معرفی می کند. یعنی رنگهایی که در چرخه رنگ در مقابل هم قرار می گیرند اما از نظر بصری در پرده های رنگی یکسانی قرار دارند. زمانی که این رنگها

در کنار هم قرار می گیرند هر یک تأثیر رنگ دیگر را تشدید می کند. لاکو از همین روش برای تهیه الگوی رنگی شهرهای کشور فرانسه و توکیو در ژاپن استفاده کرد. در مورد توکیو او شهر را به چهار بخش تقسیم کرد:

۱- بافت سنتی شهر قدیمی؛ ۲- بافت مدرن بخشهای جدید شهر؛ ۳- بافت میانی یا معماری دوران گذار؛ ۴- بافت صنعتی.

در ادامه دو نمونه دیگر از تحقیقات که برای ارائه نقشه رنگی دو شهر در نروژ (اسلو و ریزور) و دو شهر نیز در انگلستان (هارلو و لندن) انجام شده است، برای ملموس تر شدن موضوع ارائه می شود.

تجربه نروژ

در سال ۱۹۹۰ تا به پورتو و همکاران با دعوت مدرسه معماری اسلو و انستیتی «هنرفضا»، کار خود را برای برداشت پالت رنگی اسلو آغاز کردند. گروهی متشکل از متخصصان مختلف شامل معماران، طراحان شهر، هنرمندان، صنعتگران و مهندسان گروه امدهند. هدف کار تهیه نقشه رنگی شهر و در دسترس عموم قرار دادن آن عنوان شد تا طراحان محیطی و صاحبان صنایع بتوانند از آن استفاده کنند و آن را برای بهبود پالت رنگی محیط به کار گیرند. پیش از آن در سال ۱۹۲۹ قوانین و ضوابطی برای استفاده از رنگ در شهر وضع شده بود. اسلو هم مانند بسیاری نواحی دیگر دارای سابقه استفاده از مصالح بومی و محلی یا رنگ آمیزی خاص خود است. اما این سنت رنگی تنها در نواحی ای که با ضوابط قلمع و کنترل شده شهری حفظ گردیده بودند، قابل شناسایی بود.

نکته جالب اینکه، در جایی که بیش از نیمی از سال با برف پوشیده شده است، مقابله با تأثیر بی رنگ کننده برف و استفاده از رنگهای هایلند اهمیت زیادی دارد. پس از سال ۱۹۲۹ و تعیین ضوابط رنگی، اسلو به یکی از رنگین ترین پایتختهای اروپای شمالی تبدیل شده بود.

پورتو و همکاران قصد داشتند تا کار هنایت رنگ در شهر را به صورت سیستماتیک تری نیز دنبال کنند. روش تحلیل پورتو برای برداشت نقشه رنگی شهر همان روش لاکو در دهه ۱۹۷۰ بوده است. گروه اسلو اطلس رنگی تهیه شده اسکاتلندی - موسوم به NCS (Natural Colour System) - را به کار گرفتند و طیف هر رنگ را در محیط استخراج و بررسی کردند.

پس از این بررسی، شهر اسلو به ۵ ناحیه شهری تقسیم شد: مسکونی، صنعتی، تاریخی، تجاری و مرکز فرهنگی. خیابانها یا بناهای خاص برای معرفی این نواحی انتخاب شدند و هر یک به روش لاکو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. ما برداشت سقف، پوشش گیاهی، میلمان شهری و خودروهای حمل و نقل عمومی در کنار خصوصیات نماها و احجام و کف سازی اصلی آن محل، پالت رنگی آن بخش کامل شد.

دو پالت دیگر نیز، یکی برای رنگهای تاریخی اسلو و دیگری طرح رنگی اجرا شده از سال ۱۹۲۹، تهیه شد. در مرحله بعد با اعلام عمومی پروژه مذکور در تلویزیون و مطبوعات، امکان اطلاع و مشارکت عموم در بازه این امر فراهم آمد و کار با نظر خواهی و درخواست مشارکت عمومی به پایان رسید.

هدف اصلی این کار «استفاده از رنگ برای خلق حس مکان» اعلام شد. این پروژه در سال بعد جایزه طراحی «گردهمایی معماری» را به خود اختصاص داد و منارک پروژه برای نمایش به موزه ملی منتقل شد. در پی این کار، ناحیه ریزور در جنوب نروژ نیز در سال ۱۹۹۵ به همین روش مورد مطالعه قرار گرفت.



بیش از ۱۷۰۰ پرده رنگی برای تعدادی از رنگهای خاص و به کار رفته در مصالح، علائم، تابلوها، ایستگاهها و نظایر اینها شناسایی شد.

پروژه هارلو از سوی دیگر طرحی برای یک مجموعه همسایگی و دهکده‌ای در مجاورت خیابان چرچ گیت بود. از آنجا که قرار بود بخشهایی به این منطقه اضافه شود، هدف پروژه تعیین دامنه رنگی برای نماها، سقفها، چارچوبها، درها و کف‌سازی در بخشهای الحاقی و جدید به شهر بود. تارنگ آمیزی آنها با فرهنگ بومی و کیفیت رنگی محل هماهنگی داشته باشند پس از برداشت لونه چهار پالت رنگی برای نماها، درها، سقف و کف تهیه شد و در پی آن مصالح و رنگ‌آمیزی پیشنهادی برای منطقه معرفی گردید. نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت، این است که هر چند در تمامی این پروژه‌ها از روش لامکو استفاده شد، اما این کار به معنی متوقف کردن سیر تحول رنگی در شهر و عدم استفاده از رنگهای جدید نبود، بلکه هدف حفظ تداوم رنگی و حفاظت محیط در برابر آلودگی رنگی ناشی از هجوم انواع محصولات و رنگهای جدید در بازار بود.

در زمانه‌ای که فناوریهای جدید چه در صنعت رنگ‌سازی و چه در صنعت تولید مصالح ساختمانی با سرعت خیرت‌آوری رویه پیشرفت است و هر روز محصولات جدید با کیفیتهای بالا و امکانات جدید ارائه می‌گردند، در زمانی که به دلیل رشد و توسعه ارتباطات، مبادلات فرهنگی افزایش یافته و سلیقه و فرهنگ مردم لحظه به لحظه در حال رشد و تغییر است، در زمانی که به دلیل رشد جمعیت و مهاجرت و عوامل متعدد دیگر شهرها به سرعت در حال رشد و گسترش اند و هر روز بخشهایی به آنها اضافه می‌شود، وجود برنامه‌های منسجم و فکر شده که بتواند روند این تحولات را کنترل کند و مانع از اغتشاش و بی‌هویتی فضاهای شهری شود، و در عین حال تحولات فکری و فرهنگی را به صورتی بی‌وسه و حساب شده در شهر و معماری آن کنترل کند، و برنامه‌ای که توسعه‌های جدید را با بخشهای قدیمی‌تر و موجود در شهر هماهنگ سازد، برای هر شهر و منطقه ضروری است. در این میان رنگ‌آمیزی است برای حقا «هویت» و «حس مکان» در هر شهر و فضای شهری (پورتو، ۱۹۹۷، صص. ۳۱-۲۳).

این شهر برخلاف اسلو شهری ساحلی با بناهای سفید است که با دریای آبی به صورت لاک‌شکل در تماس است. در قرن هجدهم میلادی به علت آتش‌سوزیهای مکرر چندین بار ساختمانهای این بندر گاه کاملاً از میان رفت، از آن پس به تدریج شهر چهره سفید رنگی به خود گرفت. رنگ سفید بناها چنان بر حال و هوای شهر غلبه یافت که به شناسنامه این شهر ساحلی و گردشگری بدل گردید. پس از نهیسه پالتهای رنگی تمامی مردم، معماران و هنرمندان به دلیل جنجال روزنامه‌ها درباره این پروژه در یک سینمای محلی گرد آمدند و به بحث در باره سرنوشت رنگی شهر خود پرداختند. نگرانی مردم از تلاش طراحان برای بازگرداندن حال و هوای رنگی شهر به قبل از آتش‌سوزیهای قرن هجدهم بود. اسرار مردم به حفظ سفیدی نمادین شهر، چه برای ساکنان و چه برای گردشگران، بود. گروه در نهایت سه پالت رنگی ارائه داد که شامل پالت تاریخی، پالت موجود و پالت پیشنهادی برای آینده بود.

اما تجربه ریزور نشان داد که سلیقه مردم در طول زمان تغییر می‌کند و هر چند پالت تاریخی ریزور در قرن هجدهم با زمان حال آن متفاوت است، اما تمایل اکثر مردم به حفظ پالت فعلی است. به قول پائولو پورتوگزوی معمار ایتالیایی، این تضرر رنگی نشانه رشد و تغییر فرهنگی است و باید دقت کرد که ارائه ضوابط خشک و اسرار بی‌مورد بر سابقه رنگی تاریخی در مواردی می‌تواند جلوی این تحول فرهنگی را بگیرد.

به طور کلی گذشته از نحوه انجام پروژه و برخورد با مسئله رنگ شهر، جلب مشارکت مردمی و تأثیر آرای عموم در محصول پروژه، بسیار درخور تأمل است.

تجربه اتکلیستان (لندن و هارلو)

تهیه پالت رنگی شهر لندن به وسیله شرکت راجرز اوونز، منجر به ارائه طرحی موفقیت‌آمیز برای میلمان شهری خیابان آکسفورد وست مینستر شد.

پروژه رنگی این خیابان، که اغلب از آن با عنوان «زیباترین خیابان اروپا» یاد می‌شود، در سال ۱۹۹۶ آغاز شد. این خیابان دارای دو سیستم اولیه و ثانویه رنگی است که در دو پالت نمایش داده شده‌اند. هدف از اجرای این پروژه جلب نظر شورای شهر برای گسترش طرح آن برای سایر بخشهای آکسفورد بود. در این خیابان

فهرست منابع

- 1- Peter, Tom; Environmental Colour Mapping. "Urban Design International", E & FN SPON, 1997.
- 2- Cliff, Maughlin & OC. Steven Taner & Tiedell; Orientments and Decoration. 1995.
- 3- Porter, Tom; The Architect's Eye. E & FN SPON, 1997.
- 4- Porter, Tom and Byron Mikellides; Color in Architecture. Van Nostrand Reinhold, 1976.
- 5- گرونیس، نیورگ و ویلفلگنر، معماری، ترجمه وکتور چاپخانه پاکراو و مهندس عبدالرضا محیوب، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.
- 6- دلدیس، لوئیس؛ لامکو، مباحثی سوادبصری، ترجمه سعید سپهر، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۸.
- 7- همپتون، سوزان؛ رنگ در شهر، مکتب خورشید، ترجمه طراح شهری، ۱۳۸۰.
- 8- علی، منصور؛ معماری باغی، نشر آری، ۱۳۶۴.
- 9- سوزان، پورتو؛ در عین معر و فضا، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۷.

آسیب شناسی توسعه شهری

بانگاهی بر استان مرکزی

حمیدرضا توازی

کارشناس ارشد سازمان مسکن و شهرسازی استان مرکزی

مقدمه

استان مرکزی به گونه‌ای است که اسکان از اشتغال تبعیت می‌کند و توزیع فضایی جمعیت نیز در پی توزیع فضایی اقتصاد می‌آید - مگر آنکه ضرورت‌های سیاسی یا اجتماعی به عنوان استثنا عدول از این قاعده را موجب شود. از طرف دیگر، راهبردهای توزیع جمعیت از لحاظ نحوه رویکرد خود می‌توانند پیش برنده یا بازدارنده توسعه باشند. در اینجا به پرهیز از اطاله بحث، به جای تشریح بیشتر این امر به بررسی حقله آسیب‌های توسعه شهری در استان مرکزی پرداخته می‌شود.

۱- نبود استراتژی مشخص در مقوله شهرسازی، از سطح ملی تا سطوح محلی

چنین متأسفانه است که ما در سطح ملی تا سطوح پایین تر فاقد استراتژی مشخصی در زمینه شهرسازی هستیم. اصول اولیه نظامی که همانا جمهوریت و اسلامیت نظام است، ندای کننده مفاهیمی است که می‌بایست در دورنمای برنامه‌های بلندمدت و میان مدت وزارت مسکن و شهرسازی جایگاه رفیعی داشته و به عنوان اجزای لاینفک برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، همواره تسامعین برنامه‌ریزان باشند. به تعبیر دیگر، جمهوریت نظام برنامه‌ریزان را به تلاش در جهت فراهم‌سازی بستر و امکانات مورد نیاز به منظور بهره‌مندی تسوده مردم از آنها ملزم می‌سازد؛ و اسلامیت نظام حاکمیت اصول ارزشی و اعتقادی مکتب و نمود تجلی آن در عناصر کالبدی و فضاهای شهری و روستایی را تداعی می‌کند. لیکن متأسفانه در هیچ یک از زمینه‌های مذکور راهبرد شفاف و امیدوارکننده‌ای وجود ندارد. بر همین اساس و با توجه به اصول یاد شده، ارزیابی مثبتی از عملکرد برنامه‌ریزان شهری در سطوح کلان کشور به چشم نمی‌خورد.

۲- کاستی‌های موجود در سیاست‌گذاری‌های وزارت مسکن و شهرسازی

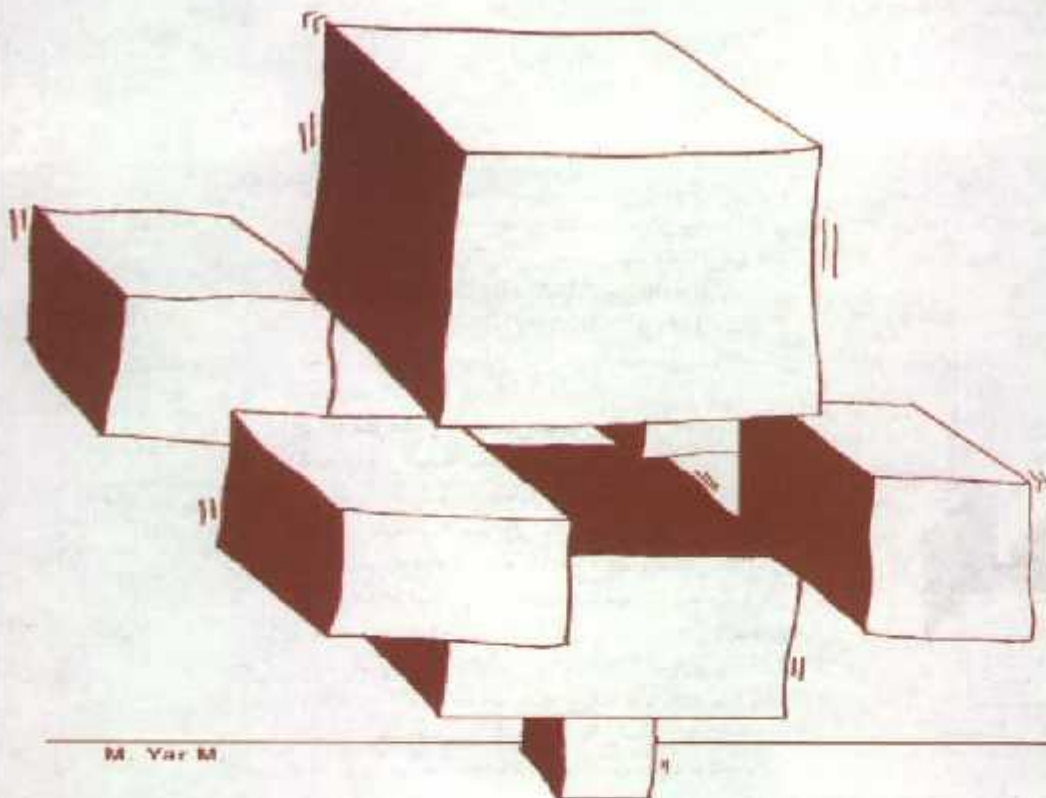
به رغم رسالت فرابخشی وزارت مسکن و شهرسازی، در همه سیاست‌گذاری‌های این وزارتخانه رد پای تفکرات و نگرش‌های بخشی به خوبی مشهود است، به گونه‌ای که تمایلی این وزارتخانه به تصدی‌گری زمین و ساخت و ساز و فعالیت‌های زودبازده عمرانی بیش از گرایش آن به ایجاد تحولات اساسی در ساختارهای

مورخان بر این اعتقادند که سابقه ایجاد و پیدایش شهرها در ایران به حدود ۴ هزار سال پیش برمی‌گردد. طی این دوره طولانی گشاه این شهرها خاستگاه تمدن‌های بزرگ بوده و بر سرنوشت بشر تأثیری مثبت گذاشته‌اند، و گشاه نیز زیر هجوم یا سیطره اقوام مختلف هستی خویش را باخته‌اند. زمانی اواز شهرهای ایران - همچون جندی‌شاپور، نیشابور، قزوین، اصفهان، ری و تبریز و برخی دیگر - به عنوان مراکز علمی و فرهنگی و فنی در جهان بیچیده بود و نحوه سازماندهی تولید و شیوه زندگی سامان و سنجیده شهرنشینان شان رشک مورخان و سیاحان را برمی‌تنگیخت؛ ولی اکنون این شهرها علقه به وارثان عوارض منفی گسترش شهرنشینی بدل شده‌اند.

واقعیت این امر این است که از اواخر دوران صفویه تاکنون شهرهای ایران نتوانسته‌اند سرچشمه خلاقیت‌های چشمگیر علمی، فنی و صنعتی باشند. این درست از همان زمانی است که با آغاز انقلاب صنعتی، شهرهای تازه‌ای در اروپا و آمریکا شکل گرفتند و علاوه بر این‌ها نقش‌های سکوتی، کارکرد تولیدات و بازتولید گسترده را نیز عهده‌دار شدند.

شهرهای ایران طی این مدت اگرچه تحت تأثیر و تسلط دیگر گونه‌های جهانی چهره‌ای نو به خود گرفته‌اند اما هنوز نتوانسته‌اند جوهر شهرنشینی در جهان معاصر را، که همانا خلاقیت و خودیویی علمی و فنی و صنعتی است، از خود بروز دهند. این عدم توانایی باعث شده است که شهرهای بزرگ حتی از ارائه خدمات جاری نیز نیاز بمانند و خود به سدی بر سر راه توسعه بدل گردند. دلیل این عدم توانایی آن است که از یک سو راهبردهای توسعه در ایران به درستی انتخاب یا اجرا نشده و از سوی دیگر راهبردهای اسکان یا شهرنشینی، هم به تبع راهبردهای توسعه و هم به دلیل اشکالات درونی نظام اسکان در ایران هدفگذاری‌های صحیحی نداشته است.

از آنجا که توسعه یا شهرسازی و شهرنشینی همواره در تعامل‌اند، هم سیاست‌های توسعه بر روند شهرسازی و شهرنشینی تأثیر می‌گذارد و هم شهرنشینی و شهرسازی بر روند توسعه مؤثر



M. Yar M

شهری و روند شکلی و ماهوی طرحهای توسعه و عمران شهری و ناحیه‌ای است. به همین دلیل ساختار و روابط درون بخشی این وزارتخانه نیز متأثر از عملکرد همین بخشی آن، مبتنی بر بخشی نگری و انحصار جویی است.

۳- فقدان تفکر جامع نگر

خلأ ناشی از نبود چنین تفکری منجر به موازی کارهای فراوان در امور ستادی و میدانی گردیده و موجبات اتلاف سرمایه‌های ملی را از یک سو، و کندی حرکت توسعه از سوی دیگر، فراهم آورده است. متأسفانه مجموعه مدیریت شهری، و در رأس آنها استانداری به عنوان بالاترین مرجع تصمیم‌سازی در سطح استان، به دلیل عدم کارایی سیستم‌های موجود، به نوعی روزمرگی و بی تحرکی گرفتار آمده است و تملقی تلاش این مجموعه در حفظ وضع موجود و پرهیز از برهم خوردن شرایط ایستایی کنونی متمرکز می‌گردد. این امر خود منجر به در سایه قرار گرفتن اهمیت مقوله آینده‌نگری و برنامه‌ریزیهای کلان گردیده است.

از سوی دیگر، وجود خرده مراجع تصمیم‌گیر در مقوله عمران شهری نظیر کمیته‌ها و کمیسیونهای متعدد، ناهماهنگی و ناهمخوانی تصمیمات گرفته شده، و تطویل مسیر حد فاصل اتخاذ تصمیم تا به اجرا درآمدن آن، آثار زیان‌باری را متوجه امر توسعه شهری کرده است.

۴- نارسایی و عدم انطباق طرحهای توسعه و عمران شهری با نیازهای واقعی جامعه، و ضرورت بازنگری عمیق در شرح خدمات طرحها

تجربه دهه‌های اخیر نشان داده است که طرحهای مختلفی که در زمینه توسعه و عمران شهری در کشور تهیه شده‌اند، با شکوهی نیازهای جامعه شهری نیستند. همچنین به دلیل عدم ارتباط مستمر و مناوم میان برنامه‌ریزان شهری و جامعه شهری و الگوبرداری شرح خدمات این طرحها از دیگر کشورها و بومی نکردن آنها، همواره نوعی خلأ و شکاف میان دست‌اندرکاران امر برنامه‌ریزی - به عنوان تولید کننده طرحهای شهری - با مردم که در حقیقت مصرف کنندگان طرحها هستند وجود داشته است.

الف - ناهماهنگی طرحها با طبیعت و ماهیت شهر: در این گونه طرحها پیش فرض منطقیه این است که نظم کالبدی و از پیش تعیین شده‌ای راه تا حد جزئی‌ترین سطوح، در شهر مستقر سازند - حال آنکه شهر موجودی زنده و در حال تغییر و تحول دائمی است. تنظیم چنین پدیده‌ای با طرحی از پیش ساخته ممکن نیست و الزامی‌بایست از طرحهای انعطاف پذیر و قابل انطباق بهره گرفت.

ب - ناهماهنگی طرحها با شرایط جامعه: در طرحهای شهری جامعه‌ای متفاوت از شرایط واقعی کشور فرض می‌شود که قاعدتاً مسائل اقتصادی اجتماعی است و کیفیت کاربری زمین و رشد نظام‌مند کالبد شهری نیز درخور بررسی و برآورد است. به همین دلیل تصویری که طرحها از شهرهای ما ترسیم می‌کنند، دارای مناسبترین ارتباط و هماهنگی با طبیعت، جمعیتی متعادل و متوازن، و سلسله مراتبی مناسب و نزدیک به استانداردهای معمول است. اما واقعیت این است که اغلب شهرهای ما دستخوش پدیده شهرنشینی سریع‌اند و دائماً در معرض تغییر و دگرگونی اجتماعی قرار دارند. بیکاری، عدم ثبات شغلی، توسعه حاشیه‌نشینی و به طور کلی مشخصه‌ها یا کاستیهای اجتماعی - اقتصادی از جمله سواردی است که کمتر به آنها توجه شده است؛ و به همین خاطر است که طرحهای شهری به حائمی بزرگ بر سر راه مردم و مسئولان تبدیل می‌شوند.

ج - نارسایی نظام موجود مدیریت شهری: با توجه به روند فزاینده جمعیت شهرنشین، در آینده‌ای نه چندان دور تقریباً تمامی مسائل زندگی فردی و اجتماعی انسان، به نوعی همان مسائل شهری به شمار خواهند رفت. در چنین وضعیتی اولاً مسائل شهرها روز به روز پیچیده‌تر می‌گردند و ثانیاً دارای چنان ارتباطات متقابل و بفرنجی می‌شوند که دیگر نمی‌توان به عنوان مثال مشکل رشد بی‌رویه و ناموزون شهرها یا ترافیک و آلودگی محیط زیست یا مسکن و خدمات و مانند اینها را صرفاً در حوزه‌های فنی و اداری و کارشناسی مورد بررسی قرار داد. نا زمانه‌ای که مسئله

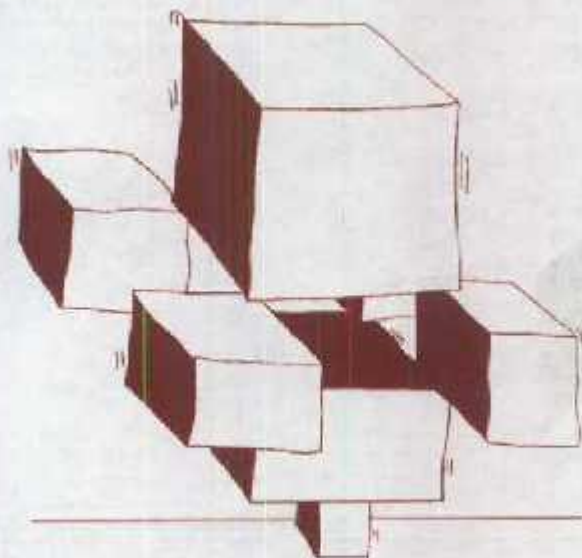
سازمایی نظام مدیریت امور شهری به دقت مورد بررسی و شناسایی قرار نگیرد و برای مقابله با مسائل پیچیده شهری تغییرات و اصلاحات لازم در آن به عمل نیاید و مسائل شهرها از صورت مسئله یک بخش به مسئله بالاترین نهاد های قانونگذاری و برنامه ریزی های اجرایی ارتقا پیدا نکند. حل و فصل بسیاری از مسائل شهری که امروز در سطح کل جامعه مطرح است ناممکن خواهد بود.

۵- تغییر مکرر متصدیان مسئولیتهای مرتبط با مدیریت شهری، و در نتیجه ضعف کارایی آنها

استان مرکزی از جمله استانهایی است که پس از انقلاب اسلامی تحولات بسیاری در مسئولیتهای اجرایی آن صورت گرفته است. به گونه ای که طی دو دهه گذشته میانگین مدت زمان تصدی گری مشاغل نظیر استانداری و شهرداری کمتر از ۲ سال بوده است. امواج حاصل از این تغییرات مداوم حتی تاردهای کارشناسی را نیز در بر گرفته است؛ و از آنجا که بسیاری از اقدامات مدیریتی در کشور ماقائم به شخص است، این عدم ثبات باعث بروز اختلال در سیستم مدیریت کلان استان و در نتیجه عقیم ماندن بسیاری از برنامه ها شده و نهایتاً کندهای حرکت توسعه استان را موجب گردیده است.

۶- تعدد مراجع تصمیم گیری در امر مدیریت شهری و فقدان رابطه تعاملی میان ارگانهای دست اندر کار مدیریت و توسعه شهری

فقدان هماهنگی سازمانها و ارگانهای مرتبط با مدیریت و توسعه شهری (نظیر شهرداریها، سازمانها و شرکت های آب، برق، مخابرات، گاز، مسکن و شهرسازی، دفتر فنی استانداری، فرمانداریها، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و جز اینها) حاصلی جز گسترش لجام گسیخته شهری و دامن زدن به ساخت و سازهای غیرمجاز شهری و افزایش نواحی حاشیه نشین نخواهد داشت. بخشی از این معضل ریشه در ضعف قوانین و مصوبات موجود دارد و بخشی دیگر ناشی از عدم ارتباط مناسب و کارآمد دستگاههای



ارزیابی مثبت مردم نسبت به آن سازمان است. بحران مشروعیت در نظام مدیریت شهری موجب می شود که مردم به جای همکاری و مشارکت، به تقابل و رویارویی با مدیریت شهری بپردازند و همواره مدیریت شهری را چگونگی نوعی معارض اجتماعی ارزیابی کنند و در واقع رابطهای خطی جایگزین رابطه سیستمی میان جامعه شهری و مدیریت شهری گردد. اگرچه از سال ۱۳۷۷ با برگزاری انتخابات شوراهای شهرها سعی شد خلأ ناشی از عدم مشروعیت به نوعی مرتفع شود، اما از آنجا که مدیریت شهری در ادوار تاریخی گذشته همواره مشروعیت خود را از حکومت مرکزی می گرفته و در واقع مجری سیاستهای حکومت مرکزی بوده است، طبیعتاً نمی توان انتظار داشت که شوراهای در اولین دوره تشکیل به طور کامل قادر باشند شکاف میان جامعه شهری و مدیریت شهری را

از اواخر دوران صفویه تاکنون شهرهای ایران توانسته اند سرچشمه خلاقیت های چشمگیر علمی، فنی و صنعتی باشند. این عدم توانایی باعث شده است که شهرهای بزرگ حتی از ارائه خدمات جاری نیز باز بمانند و خود به خود به سدی بر سر راه توسعه بدل گردند

بر طرف سازند مخصوصاً چنین به نظر می رسد که قانون شوراها، به ویژه در زمینه تعیین صلاحیتهای لازم برای تأیید صلاحیت داوطلبان تصدی گری شورای شهر، نیازمند بازنگری مجدد است.

۸- ضعف بنیة مالی و فقدان مدیریت استراتژیک در شهرداریها

توانایی مالی در اغلب شهرداریها از مرکز کشور گرفته تا سایر شهرهای سطوح پایین تر به عنوان ضعفی مزمن، همواره عملکرد مدیریت شهری را تحت الشعاع خود قرار داده و بعضاً شهرداریها را به کسب درآمد جاری غیرمشروع و ظالمانه و گرایش به نوعی رانت خواری واداشته است. اگر چه عدم توانایی اقتصادی شهرداریها نمی تواند مستمسکی شرعی و قانونی برای توجیه تخلفات آنها در گرفتن عوارض و کسب درآمد باشد، اما توجه به

یاد شده در قالب نگرشی سیستمی به مسائل و مشکلات شهری است؛ به نحوی که هر یک از ارگانهای مذکور ضمن توجه به دیدگاه بخشی سعی در ایفای نقش سازمانی خود بدون توجه به سایر ارگانها دارند.

۷- عدم پذیرش و مقبولیت عمومی سازمانها و نهادهای دخیل در مدیریت شهری از طرف مردم

استمرار و پایداری هر نظام سیاسی یا اجتماعی بستگی به مشروعیت آن دارد. اساس مشروعیت هر نظام سیاسی یا اجتماعی نیز خود وابسته به ۳ عامل است: نخست اینکه از طرف مردم پذیرفته شود؛ دوم اینکه مردم آن را مثبت ارزیابی کنند؛ و بالاخره اینکه موجه و قانونی تلقی گردد.

بدین ترتیب مشروعیت هر سازمان به معنای پذیرش قلبی و

مشکلاتی بفرنج مطرح اند، به همین نسبت نیز بهره مند بودن اداره کنندگان شهرها از تخصصها و آموزشهای کافی و کاربردی امری اجتنابناپذیر است. از طرف دیگر سازمان مسکن و شهرسازی به عنوان یکی از دستاوردگاران اصلی عرصه مدیریت شهری در استان، ضمن در اختیار داشتن نیروهای کیفی و تخصصی، به دلیل عدم اعمال مدیریت کارآمد و به رغم توفیق نسبی در زمینه واگذاری اراضی دولتی و تولید مسکن، در زمینه شهرسازی قادر به ایفای نقش و انجام رسالت واقعی خود نیست و حتی در ناپسامانتهای موجود در جامعه شهری استان نیز سهیم و دخیل است.

۱۰- رشد انفجاری جمعیت شهرنشین

رشد سریع جمعیت، به ویژه پس از دهه پنجاه، علاوه بر افزایش تعداد شهرهای کشور تأثیر شگرفی نیز بر افزایش جمعیت شهرنشین کشور داشته است. رخنمون این تحولات در استان مرکزی نیز به وضوح مشاهده می شود. تعداد شهرهای این استان از ۶ شهر در سال ۱۳۴۵ به ۱۰ شهر در سال ۱۵۵۵ شهر در سال ۱۸۶۵ شهر در سال ۷۵ و ۲۱ شهر در سال ۸۰ رسیده است. همچنین جمعیت شهرنشین استان از ۱۳۴۸۲۸ نفر در سال ۳۵ به ۷۰۱۵۳۷ نفر در سال ۷۵ رسیده است که این امر از مهاجرت گسترده روستاییان به شهرها و نورم جمعیت شهرنشین حکایت دارد. این تراکم در مرکز استان بیشتر به چشم می خورد، به گونه ای که شهر اراک به تنهایی ۵۴/۲۷ درصد از جمعیت شهرنشین استان را در خود جای داده است. پیامد چنین تورمی با توجه به عدم توانایی مجموعه مدیریت شهری در هدایت نظاممند و اسکان مناسب آنان، منجر به بروز دزدانده های فیزیکی در پیکره شهرها و گسترش پدیده حاشیه نشینی می گردد. از سوی دیگر، رشد شهرنشین با رشد شهرگرایی همراه و هماهنگ نبوده است و اغلب مهاجران بدون گسست از فرهنگ روستایی خود، در شهرها سکونت یافته اند که این خود تنشهای اجتماعی بسیاری را فراهم آورده است.

۱۱- فقدان نظارت و کنترل مستمر بر عملکرد مدیران و کارشناسان مرتبط با مدیریت شهری

فقدان مراجع نظارتی و یا اعمال ضعیف کنترل و نظارت بر عملکرد دستاوردگاران امر مدیریت شهری، منجر به پیدایش هسته های فساد اداری و شکل گیری جزایر خودمختار در داخل مجموعه مدیریت شهری گردیده است. اکنون ساده ترین و ابتدایی ترین خواسته های شهروندان - که برخاسته از بدیهی ترین حقوق شهروندی است - گاه چنان به دست انداز بر خوردهای احساسی و سلیقه ای گرفتار می آیند که شهروندان را به منتهای مرزاتر جاز و تنفر و بدبینی از مجموعه مدیریت شهری می کشاند. این گونه است که خدمات صادقانه اکثر افراد شاغل در این نهادها و سازمانها تحت الشعاع مسائل پیش گفته قرار می گیرد.

برخورد نامناسب با این گونه رفتارها و استمرار و تداوم آنها، موجب می شود که ضمن بهره مند شدن متخلفان از حاشیه امتیسی مناسب، زمینه های ناخردسندی جامعه شهری نیز از مدیریت فراهم آید. که این خود آثار زیان باری را برپرونده همکاری و پیوند این دو رکن اساسی از مدیریت شهری بر جای می گذارد.

آنچه در اینجا به اختصار مورد بررسی قرار گرفته تنها شمایلی از مشکلات و مسائل مبتلا به جامعه شهری است که در سالهای اخیر سرروند توسعه استان تأثیر نهاده و آسیبهایی جدی و انکارناپذیر را متوجه جامعه شهری استان کرده است.

بحران مشروعیت در نظام مدیریت شهری موجب می شود که مردم به جای همکاری و مشارکت، به تقابل و رویارویی با مدیریت شهری بپردازند و همواره مدیریت شهری را چونان نوعی معارض اجتماعی ارزیابی کنند

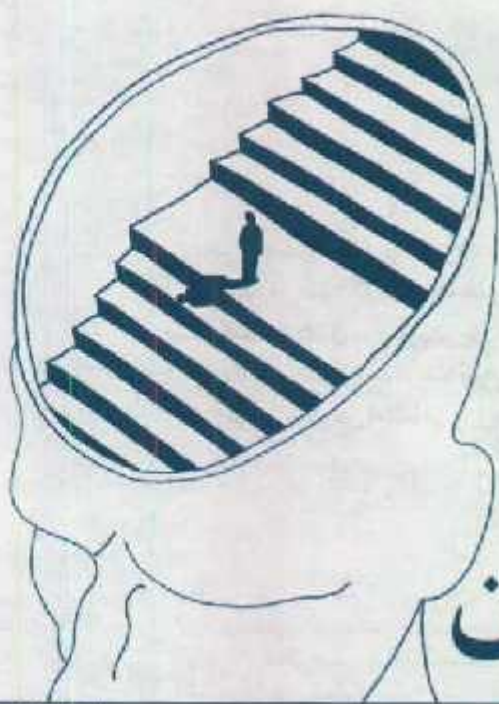
این امر ضروری است که اگر بناست شهرداریهای کشور از حایتهای مالی دولت بهره مند نباشند می بایست راهکارهای قانونی و ابزارهای کسب درآمد برای شهرداریها به خوبی مشخص و تعریف شوند. این عدم شفافیت از یک سو موجب بیراهه رفتن شهرداریها و از سوی دیگر باعث ناخردسندی جامعه شهری از عملکرد آنان خواهد شد.

عامل دیگری که به این ناتوانی دامن می زند، فقدان مدیریت استراتژیک در ساختار سازمانی شهرداریهاست. در مدیریت استراتژیک سعی بر این است که برنامه ها و اهداف بخش بهتر و شفافتر ارائه گردد تا در جلب مشارکت عمومی به شکلی بویا و موفق عمل شود. این در حالی است که در بخش دولتی سعی بر عدم اطلاع عموم از برنامه ها و اهداف است. در واقع مدیریت استراتژیک مدیریتی است که در بخش خصوصی اعمال می شود و منظور از آن استفاده بهینه و بهر موری کامل از امکانات موجود است. به همین مبنا می بایست شهرداری را به عنوان واحدی خصوصی فرض کرد، با این تفاهوت که سودآوری آن برای خدمات رسانی همه جانبه به شهروندان است. در چنین شرایطی شهرداری حق ندارد که به سمت و نگرانی و بی بندوباری مالی سوق پیدا کند. به تعبیر دیگر، مدیریت استراتژیک شهری ضمن اینکه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مقدم بر توسعه فیزیکی شهر می داند، نوعی حرکات گریز در هزینه و درآمد را نیز می طلبد. متأسفانه شهرداریهای ما در این زمینه بسیار ضعیف عمل می کنند، یعنی نه در زمینه گرفتن عوارض توفیق داشته اند و نه در زمینه سرمایه گذاری.

۹- ضعف پیکره کارشناسی در برخی از ارگانهای مرتبط با مدیریت شهری و عدم استفاده بهینه از قابلیت های نیروهای موجود

بنابراین دلایل متعدد که ذکر آنها در این مقال نمی گنجد شهرداریها قادر به جذب و نگهداشت نیروهای متخصص و مجرب نیستند و اغلب با کمبود تخصص و یا عدم تناسب تخصص با نوع مسئولیتهای محول شده مواجه اند. این نقیصه در شهرداریهای استان مرکزی نیز به خوبی مشهود و ملموس است. از آنجا که شهرهای امروزی به عنوان پدیده هایی پیچیده و دارای مسائل و

منابع:
۱- فصلنامه آفتاب، شماره ۳۳، مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۸.
۲- فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۰، ۲۰۰۲.
۳- شهرزادیهان کشور، ۱۳۷۹.
۴- ماهنامه اطلاع فلسفه سیاسی و اقتصادی، شماره ۳۹، سال چهارم، مؤسسه مطالعات، ۱۳۸۹.
۵- طرح توسعه و عمران منطقه اراک، انتشارات، سال ۱۳۸۰.



شهر و قانون

ایوز ژانگو (۱)

ترجمه: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهرداری تهران

M. VahdMohammadi

این موقعیت، تا مدتی طولانی مشکلی ایجاد نکرد. در فرانسه، که نمونه یک کشور متمرکز است، اداره شهرها به دولت و سازمانهای تابع آن (یعنی شهرکتهای نیمه دولتی، شرکت‌های قانونی و مانند اینها) سپرده شده است و فعالیت‌های شهرداری به ارائه امکانات و خدمات محلی محدود گردیدند. این به عبارت دیگر، به معنی فعالیت‌های «همجوار» است. با وجود این فرایند در جریان تمرکززایی ناشی از دو قانون تصویب شده در تاریخهای ۲ مارس ۱۹۸۲ و ۷ ژانویه ۱۹۸۴، اختلالهایی در اوضاع و احوال ایجاد شد. مسئولیت ارائه امکانات و خدمات شهری و همچنین قدرتهای تصمیم‌گیری در مورد موضوعات برنامه‌ریزی شهری، سیاست اجتماعی و نظایر اینها تقریباً به طور کلی به دولتهای محلی منتقل شد.

از این رو، الگوی جدید دولت غیرمتمرکز برای شهرها، از ابتدا باید در کشوری ابتداء می‌شد که در آن ساختارهای اجرایی یا سیاست‌گذاری محلی هماهنگی نداشتند. این مشکل بسیار پیچیده‌تر از آن بود که با نیاز روبه رشد عمومی برای تقویت دموکراسی محلی از طریق معاونتهای انتخاب شده و همفهرستی و نظایر اینها که پیش از این مبتنی بر نمایندگی بود، تناسب داشته باشد. بنابراین، ساختارهای جدید اجرایی باید به دو نیاز پاسخ دهند: نخست، نیاز به نوعی حکومت که از محدودیتهای شهری فراتر باشد و دوم، حکومتی که به مردم در فرایند تصمیم‌گیری اختیار بیشتری دهد. همان‌طور که معلوم شده است، برآورده کردن نیاز نخست به معنای تشدید نیاز دوم است. انواع حکومت شهری (مطلوب‌ترین الگوی «جامعه شهرها» که طبق قانون ششم فوریه ۱۹۹۲ ایجاد گردید) از حق رای همگانی مستقیم ناشی نمی‌شود. در مورد هیئت نمایندگی شرکت‌های خصوصی تأمین‌کننده خدمات عمومی مرتبط با مدیریت و عملکرد خدمات عمده شهری، اغلب

هنگام شده‌شین، در خصوص قانون و شهر، به ویژه در مواقع بحران اجتماعی، باید پیچیدگی سطوح مختلف دولت شهری و شکال شایع مدیریت شهری را نیز، که در نتیجه فرایند تمرکززایی مطرح شده‌اند، در نظر گرفت.

جای تعجب است که قبل از تصویب قانون مدون شهرها (۲) در ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۱، در اصطلاح شناسی حقوقی فرانسه واژه «شهر» وجود نداشت. طبق این قانون، «حق و حقوق نسبت به شهر» (که تا آن موقع اسجانی نداشت) و آغاز «قانون شهر»، تثبیت گردید. به طور طبیعی، ارائه مفاهیم حقوقی جدید باعث بروز مشکلات متعددی برای پژوهش در علوم حقوقی و اجرایی گردید. در اینجا شایسته است که به سه موضوع توجه بیشتری شود: مدیریت عقلانی و برقراری دموکراسی؛ نیاز به سیاست قراردادی؛ و تأکید بر نقش دولت.

مدیریت عقلانی و برقراری دموکراسی

مسئله نخست به حکومت شهری ارتباط دارد. از دیدگاه جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی، شهر قلمرویی است که ندرتاً با ساختارهای قدیمی سازماندهی اجرایی فرانسه مانند *Department, Arrondissement, Canton, Commune* همخوانی دارد. در قانون فرانسه، از شهرها تنها به صورت مفهوم بسیار مبهم «تراکم» یاد می‌شود. این مفهوم از نظر حقوقی در قانون ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۲ برای «تراکمهای جدید» پذیرفته شد و به زودی جایگزین اصطلاح قبلی «شهرهای جدید» گردید. بدین ترتیب، به رسمیت شناخته شدن از سوی قانون تنها به این دلیل بود که این تراکمهای جدید در مناطق روستایی ایجاد شدند. در هیچ سند حقوقی دیگری به قدرتهای «تاتا» شهری یا ساختارهای اجرایی که به طور کامل دارای قدرت اداره مناطق شهری هستند، اشاره‌ای نشده است.

مقاله‌ای را که فرارو دارد، یکی از نویسندگان شرکت کننده در اجلاس زیستگاه (هویتات) در سال ۱۳۷۵ در ترکیه به رشته تحریر در آورده است. رویکرد نویسنده به قانونمندی زندگی در شهرها، برگرفته از پیچیده‌تر شدن حیات شهری است. شهرها منبع اصلی فعالیت اجتماعات انسانی‌اند. در این فضاهاست که تعارض میان انسان - فضا - دولت به حداکثر خود می‌رسد. ساماندهی و حل این تعارض، اجزای ذاتی قانون شهر را تشکیل می‌دهد. قانون شهر میثاق و قراردادی است که شهروندان به اعتبار ضرورت استمرار حیات خود، آن را وضع و اجرا می‌کنند. انتخاب این مقاله در مجله قانون شهر تأملی است بر مطالب ارائه شده در تحلیل قانون شهرداری ایران و سایر قوانین مرتبط، تا شاید از گامهای نخست در رویکرد تأملی بر قوانین شهری در ایران باشد.

این امر به کناره گیری قدرتهای سیاسی از این امور منتهی شده است. تاکنون، مدیریت منطقی شهرها از طریق دادن حق آزادی بیشتر به دست آمده است. حل این اختلافها بی شک وظیفه عمده تحقیق و پژوهش را در علم سیاسی و حقوقی تشکیل می دهد.

نیاز به سیاست قراردادی

همچنین، فرایند تمرکززدایی از موضوع دوم به سازو کارهای جدید برای کنترل مدیریت شهری مربوط می شود. شهرها کانون توجه بسیاری از سیاستهای دولتی هستند که مسئولیت اجرای آنها در میان حیطه گسترده ای از مراکز تصمیم گیری - یعنی دولت، حکومتهای محلی، عاملان دولتی و نیمه دولتی - پراکنده است. مدتها است که سیاستهای شهری از طریق شیوه های مقررات اجرایی - که از مراکز کنترل می شدند - تضمین می شد. تمرکززدایی احتمالاً جایگزین انواع کنترل با سازو کارهای نظارتی به مراتب پیچیده تر می گردد.

در ابتدا، این شیوه های پنجگانه، قوانین و شیوه های برنامه ریزی - که برای اجرای آنها تشکیل شدند - مبتنی بودند؛ در نتیجه، دو سیستم همزمان برنامه ریزی به وجود آمد. سیستم نخست، که دولت آن را ابلاغ کرده است و کنترل می کند، به برنامه ریزی کلی مکانی (برنامه ها و راهنامه های مربوط به برنامه ریزی و کاربری زمین) و همچنین شماری از سیاستهای ناحیه ای مانند محیط زیست، میراث فرهنگی، زبانها و مانند اینها ارتباط دارد. سیستم دوم غیر متمرکز است و به برنامه ریزی شهری به معنای دقیق کلمه (برنامه های اصلی و برنامه های ناحیه ای) مربوط می شود.

در فرانسه، که نمونه یک کشور متمرکز است، اداره شهرها به دولت و سازمانهای تابع آن (یعنی شرکت های نیمه دولتی، شرکت های قانونی و مانند اینها) سپرده شده است و فعالیت های شهرداری به ارانه امکانات و خدمات محلی محدود گردیده اند.

در قانون، اختیاراتی برای این دو سیستم در نظر گرفته شده است. روابط متقابل میان این سیستم های کنترل کننده مبین برخی موضوعات اصلی است که پژوهش امروزی با آن روبروست: چگونگی کار سیستم، قابلیت اجرای آنها یا توجه به عاملان دولتی و خصوصی در سیاستهای شهری، و قبول این واقعیت که قوانین برنامه ریزی مکانی اغلب باید مطابق با نیاز عاملان به امنیت حقوقی تغییر یابند. این امر با در نظر گرفتن شمار روبه افزایش اقتضات حقوقی، که اخیراً گروهها و انجمنهای غیر ذی نفع در دادگاهها مطرح کرده اند، اهمیت بسیاری یافته است.

پیچیدگی کار اداره و کنترل از طریق متجاربها این مطلب را توضیح می دهد که چرا الگوی قراردادی - مانند قرار دادهای برنامه ریزی، قرار دادهای شهر، احکام و جزاینها - دارد کم کم رواج می یابد. این قرار دادها در واقع شیوه ای برای سازماندهی قانونی مشارکتها هستند که باید ناگزیر به دلیل همپوشی قدرتهای ناشی از فرایند تمرکززدایی، تثبیت شوند. انعطاف پذیری در تهیه پیش نویس و تدوین چنین قرار دادهایی، باعث شده است که اینها به عنوان ابزاری برای مدیریت شهری رواج یابند. با این حال، این امر موجب تغییر در نظریه حقوقی قرار دادها شده که تاکنون نتوانسته است سازو کار قراردادی را، که بر اساس آن سطوح مختلف

قدرتهای دولتی به یکدیگر می پیوندند تا اهداف بسیار کلی و اغلب به طور مبهم تدوین شده در طی چندین سال را محقق سازند، به طور کامل کنترل کند. در اینجا نیز امکان زیادی برای پژوهش حقوقی وجود دارد.

تأکید بر نقش دولت

دست آخر اینکه، بحران اجتماعی در شهرها ریشه در مجموعه دیگری از امور دارد. در واکنش به مشکلات جدی که برخی شهرها دچار آن هستند، دولت «سیاست شهر» را اجرا کرد؛ که به معنای دقیق کلمه همچون موردی که در فرانسه به چشم می خورد تعبیر شده و اساساً شامل برخورد با موضوعات مربوط به اطراف شهر و مبارزه با تأثیرات تفکیک اجتماعی - و گاه نژادی - است. و در شماری از نواحی حومه ای رواج دارد. قانون مدون شهرها غالب ترین نوع حقوقی این سیاست است که در آن «میزان حق و حقوق نسبت به شهر» اعلام می شود. این قانون تضمین کننده تساوی برای همه شهروندان (یا به عبارتی، از میان بردن بارزترین نابرابریها) است. بدین ترتیب حداقل همه می توانند به طور یکسان به خدمات، سطح کیفی زندگی در شهر و جز اینها دست یابند.

ویژگی برجسته این سیاست، فراگیر بودن آن است. هدف آن نیز انجام اقدامات عملی مربوط به ساختمان سازیها و زیر ساختها با برنامه های گسترده و ارائه خدمات اجتماعی، آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی است. هدف دیگر آن، که بسیار هم مورد تأکید قرار گرفته است، نقش دولت در هماهنگ و یکپارچه کردن تمام امکانات اجتماعی در شهر و نیز تثبیت آن است. بدین ترتیب، در این هدفی که بسیار در خصوص آن تبلیغ شده است، تلاش دولت به منظور تبیین محدود موقعیت خود در تمرکززدایی صورت می گیرد، که بر طبق ماهیت آن باعث ایجاد نابرابریهایی می شود. اثر دیگر «سیاست شهری» ترغیب عاملان شهری به کمتر تخصصی شدن، و در نتیجه بر عهده گرفتن وظایف پیچیده تر و گسترده تر است. مسائل دیگری که در این قانون مطرح می شوند، عبارتند از: گسترش خدمات عمومی در سطح محلی و نیز انجام فعالیت های مسئولان به منظور ساخت مسکن برای قشر کم درآمد. در زمینه هدف اخیر، پژوهشهای بسیاری نیز انجام شده است.

یکی از موضوعات مهمی که از قانون «مدون شهرها» ناشی می شود، عبارت از این است که چگونه باید قانون توسعه شهری را، که اساساً بر ملاکهای عینی همچون کاربری زمین متکی است، با قانون حمایت از کیفیت شرایط زندگی یا «زیستگاه» که ناشی از ملاحظات اقتصادی و جامعه شناختی است (یعنی معیارهای شخصی) ترکیب کرد. هماهنگ کردن هدفی چون «تنوع اجتماعی زیستگاه» با قانون توسعه شهری، مجموعه ای از موضوعات کاملاً جدید را برای متخصصان حقوقی مطرح می سازد. حل این موضوعات شرط لازم برای پیدایش «قانون شهرها» در فرانسه است.

فرایند عدم تمرکززدایی و همچنین اجرای «سیاست شهر» به شدت با ساختارهای اجرایی و شیوه های کنترل توسعه شهری در تعارض بوده اند. در عین حال، این فرایندها به تلاشی برای تهیه پیش نویس قانون شهرها انجامیده است. کنترل توسعه شهری که بر معیارهای عینی همچون زمین استوار است، باید مشخصاً با قانونی که از «زیستگاه» یا کیفیت شرایط زیست محیطی حمایت می کند و مبتنی بر ملاحظات اقتصادی و جامعه شناختی است، یکی شود.

منبع:
Turkey - Istanbul, Habitat II, May 1996.

1- Yves Jégouzo
2- Blueprint Law for Cities

مترجم:

مشاور حقوقی

حسین احتشامی

کارشناس دفتر حقوقی وزارت کشور

مشاوره حقوقی این شماره ماهنامه به مطالبی از قبیل عوارض حق تشرف شهرداریه‌ها به املاک مبنی بر اسناد عادی، حکم ماده ۱۴۶ قانون برنامه سوم توسعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی و اختلافات آنها با شهرداریه‌ها، نحوه رسیدگی به تخلفات ساختمانی خارج از محدوده قانونی حریم شهرها، استیضاح شهردار و یک رأی دیوان عدالت اداری پرداخته است.

● همان طور که مستحضرید، اراضی شهرهای کشور عمدتاً فاقد سند مالکیت ثبتی است و مالکان از طریق تنظیم اسناد عادی (قولنامه‌ای) نسبت به فروش و نقل و انتقال اراضی و املاک خود اقدام می‌کنند؛ ضمن اینکه شهرداریه‌ها و سایر ادارات ذی ربط و ذی نفع از حقوق قانونی خود نسبت به این قبیل اراضی و املاک محروم می‌شوند. تعرفه عوارض حق تشرف نیز که طی بخشنامه شماره ۷۰/۱۱/۲۷-۲۶۴۶۲/۱/۳/۳۴ وزارت کشور به استانداردها ابلاغ شده است اعمال شدن نیست زیرا طبق مفاد تعرفه، عوارض موصوف را در زمان فروش ملک یا زمین می‌توان وصول کرده و همان طور که گفته شد، در مواردی که اسناد مالکیت عادی است و فروشنده و خریدار الزامی به مراجعه به شهرداری ندارد، عوارض حق تشرف عملاً وصول نمی‌شود. بنابراین درخواست می‌شود به منظور اعمال حقوق شهرداری و برقراری عوارض حق تشرف به این گونه املاک، چنانچه راه حل قانونی به نظر می‌رسد، ارائه طریق فرمایید.

○ مالک از نظر ماده ۲۲ قانون ثبت، به فردی اخلاق می‌شود که مطابق مقررات ثبتی ملک خود را در دفتر ثبتی به نام خود ثبت کرده باشد. خارج از قریبات مذکور دولت هیچ کس را مالک نمی‌شناسد. با این مشخصه قانونی قولنامه‌های عادی مطابق قانون مدنی از باب دعاوی برای محاکمه و در صورت اجراء، مبنای رأی محاکم قرار می‌گیرند ولی با این حال حکم مالک را تحصیل نمی‌کنند بلکه در این مقوله متصرف شناخته می‌شوند. به همین اعتبار، در هر حکمی از قوانین که به مالک اشاره دارد شرکاء حکم ماده ۲۲ قانون ثبت است. حال چون صدور پروانه‌های ساختمانی به موجب قانون شهرداری تصریحاً به مالک اشاره دارد ضرورتاً ارائه اسناد مالکیت ثبتی برای صدور پروانه امری الزامی است؛ کما اینکه این معنی در رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری لحاظ شده و موجبات نقض مصوبه شورای عالی اداری راجع به صدور پروانه ساختمانی بر روی اراضی قولنامه‌ای گردیده است. بدین ترتیب با توجه به آنچه شرح داده شد، تنها راه حل اصولی برای مشکل صاحبان قولنامه‌ای تهیه لایحه قانونی در این مورد است.

● در خصوص تسری حکم ماده ۱۴۶ قانون برنامه سوم نسبت به مدارس غیرانتفاعی، ضمن انعکاس نظریات و دیدگاه‌های آموزش و پرورش مبنی بر اینکه مدارس

غیرانتفاعی از هر جهت با مدارس دولتی همسو و برابرند؛ مضافاً وجود معاونتی در تشکیلات آموزش و پرورش تحت عنوان «معاون وزیر در امور پشتیبانی و توسعه مدارس غیرانتفاعی» خود دلیلی بر وابستگی انکارناشدنی مدارس مذکور به وزارت آموزش و پرورش است و اینها به طریقی می‌توانند از معافیت‌های مندرج در ماده ۱۴۶ نیز بهره‌مند گردند، خواهشمند است به منظور حل پارهای از اختلافات شهرداری با این گونه مدارس، با توجه به دیدگاه‌های اعلامی، در این زمینه اظهار نظر فرمایید.

○ حکم ماده ۱۴۶ قانون برنامه سوم دقیقاً ناظر به آن دسته از مدارس است که وابسته به وزارت آموزش و پرورش باشند حال آنکه مدارس غیرانتفاعی، گرچه از لحاظ نظام آموزشی و مدیریتی تحت نظارت و کنترل آموزش و پرورش قرار دارند لکن از لحاظ نظام مالی (با توجه به نحوه عملکرد آنها) به دولت وابسته نیستند بلکه تحت پوشش تلقی می‌شوند. به همین اعتبار، مدارس غیرانتفاعی نمی‌توانند همانند مدارس دولتی از مزایای مترتب در ماده ۱۴۶ قانون توسعه بهره‌مند گردند.

● در صورتی که شهرداری قصد اجرای طرحی را با اولویت در برنامه‌های عمرانی خود داشته باشد، نظرسنجی اجرای تعرفه عوارض حق تشرف است که به موجب مصوبه و دستورالعمل شماره ۲۶۴۶۲/۱/۳/۳۴ وزارت محترم کشور به کلیه استانداردها و شهرداریه‌ها ابلاغ گردیده است، خواهشمند است در این خصوص اظهار نظر فرمایید.

○ اعمال و برقراری تعرفه عوارض حق تشرف با توجه به قید «هنگام فروش» مندرج در ماده واحده مورد اشاره، صرفاً ناظر به املاک موضوع تعرفه است و به هنگام فروش از مؤدیان مطالبه می‌گردند و حکمی که مبین زمان اجرای طرح باشد ملاحظه و شهسوود نمی‌شود. با این حال چنانچه بعضاً مؤدیان موضوع تعرفه حاضر به ایفای تعهدات خود در زمان اجرای طرح باشند، مانع حقوقی دیده نمی‌شود.

● در خصوص ساختمانی که در خارج از محدوده قانونی و حریم شهر واقع شده‌اند و بعداً به علت توسعه شهر در داخل محدوده قانونی و حریم شهر قرار گرفته‌اند، با عنایت به مفاد ماده صد قانون شهرداری و تبصره الحاقی آن، خواهشمند است در اظهار نظر اعلام فرمایید آیا ساختمانی مذکور، که بدون پروانه یا مجوز ساختمانی از مراجع ذیصلاح زمان وقوع عملیات ساختمانی احداث

مشاور حقوقی

گردیده‌اند، قابل طرح و رسیدگی در کمیسیون ماده صد هستند یا خیر.

(۱) مجوز رسیدگی به تخلفات ساختمانی به وسیله کمیسیون ماده صد شهرداری، معطوف است به حق حاکمیت قانونی شهرداری نسبت به حوزه عملکرد شهرداری؛ و در واقع خارج از حوزه مذکور، شهرداری هیچ گونه حاکمیتی ندارد. به عبارتی، مستحقاتی که در نتیجه توسعه شهری در حوزه شهرداری قرار می‌گیرد، به دلیل اینکه این گونه مستحقات از ضوابط و مقررات شهرداری تبعی نفاشته‌اند که در دایره شمول مقررات شهرداری قرار بگیرند، لذا تخلفی از نظامات شهرداری صورت نپذیرفته است که مستحق طرح موضوع در کمیسیون ماده صد شهرداری باشد - مگر اینکه بعد از ورود به حوزه شهرداری تخلفی به عمل آید.

● با توجه به ماده ۷۲ قانون شوراهای محلی، خواهشمند است اعلام نظر فرمایید آیا به هنگام استیضاح شهردار، حضور خود وی در جلسه شورا ضروری و از نظر حقوقی لازم است یا خیر؟

(۱) با توجه به صراحت قانون، شهردار باید در جلسه حاضر باشد و پاسخ دهد و از اتهامات شبه دفاع کند؛ و الا جلسه شورا حکم غیابی را تحصیل می‌کند و آن گاه تصمیمات گرفته شده معتبر نخواهد بود - و ظاهر قانون نیز همین معنی را ارائه می‌دهد.

● شهرداریها به لحاظ استیضای حقوق قانونی خود بابت وصول عوارض، بار عایت تعرفه‌های مصوب از پارهای حرف پزشکی مطالبه عوارض می‌کنند که بعضاً با اعتراض آنها مواجه می‌شوند و در واقع آنها به دلایل ذیل، خود را مبری از تعلق عوارض می‌دانند. خواهشمند است با توجه به موارد ذیل اعلام نظر فرمایید.

۱- ماده واحده مصوب ۶۶/۱۰/۲۰ مجلس شورای اسلامی، فعالیت مشاغل پزشکان و صاحبان حرف وابسته را در ساختمانهای مسکونی، تجاری، ملکی و اجاره‌ای بلامانع دانسته است.

۲- بر اساس رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۵۷۶، مورخ ۷۱/۷/۱۴، مطب پزشکان برای عرضه خدمات علمی و تخصصی پزشکی و معالجه بیماران مورد استفاده واقع می‌شود، و محل کسب و تجارت محسوب نمی‌گردد تا حق کسب و پیشه یا تجارت به آن تعلق گیرد.

۳- مصوبه شماره ۲۳۴۹۵ ت/۲۱۸۲۳ ه/مورخ ۷۸/۸/۱۰ هیئت محترم وزیران، غیرقانونی بودن اخذ عوارض ۵٪ حق

ویزیت پزشکان را اعلام می‌دارد.
۴- طبق تبصره یک ماده ۲ قانون نظام صنفی، آن دسته از صنفی که دارای قانون خاص هستند از شمول قانون نظام صنفی مستثنی‌اند.

۵- پزشکان هر ساله به میزان ۳٪ تحت عنوان عوارض شهرداری، همزمان با پرداخت مالیات به حساب شهرداریها واریز می‌کنند.

(۱) در خصوص مسائل مربوط به مطب پزشکان اعلام می‌دارد:

۱- به موجب قانون محل مطب پزشکان مصوب سال ۱۳۶۶ و بند ۲۳ ماده ۵۵ قانون شهرداری، و همچنین رأی شماره ۵۷۶-۷۱/۷/۱۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، اماکن مسکونی و استیجاری مطب پزشکان که برای عرضه خدمات علمی و تخصصی پزشکان و معالجه بیماران مورد استفاده واقع می‌شود محل کسب و تجارت و پیشه محسوب نمی‌گردد؛ و بر این اساس فارغ‌التحصیلان رشته‌های پزشکی می‌توانند بدون هر گونه تغییر کاربری بر روی ساختمانهای مسکونی، اداری و تجاری - اعم از ملکی یا استیجاری - فعالیت کنند.

۲- فعالیت در اماکن استیجاری از لحاظ سرقتی، تخلیه و نوع استفاده تابع مقررات قانونی روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۶۲ و ماده ۴۹۴ قانون مدنی است و شرایط بین طرفین در ضمن عقد اجاره ذکر می‌گردد.

۳- اجازه فعالیت حرفه پزشکی (و حرفه‌های وابسته) در کاربریهای مختلف شهر، به مفهوم معافیت آنان از پرداخت عوارض شهرداریها نیست بلکه نوعی تسهیلات است که مقنن برای امور حرف پزشکی فراهم ساخته است تا آنها بتوانند با تمسک به احکام این قوانین در هر مکان و با هر نوع کاربری فعالیت کنند.

نقل از شماره ۱۴۶۹۴-۱۳۷۲/۵/۲۸ روزنامه رسمی شماره ۱۳۷۴/۲/۱۷

تاریخ ۷۳/۸/۲۸ شماره دادنامه ۹۶ کلاسه پرونده ۱۴۹/۷۲

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی:

طرف شکایت:

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۲ مصوبه شماره ۱۵۶۰/دش - ۷۱/۸/۶ و شق ۹ مصوبه ۱۶۵۵/دش مورخ ۷۱/۸/۱۹

مقدمه: شاکلی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است:

چون بند ۲ مصوبه شماره ۱۵۶۰/۷۱/۸۱۶ و شق ۹ مصوبه شماره ۱۶۵۵/دش مورخ ۷۱/۸/۱۹ خلاف قوانین جاری بود، خصوصاً قانون زمین شهری که با آن مباحثت دارد، با توجه به دلایل زیر تقاضای ابطال آن را دارد، در زمان تصویب مصوبه معترض عنه قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ مجلس شورای اسلامی حکومت داشته و کماکان حاکم است و مقررات مربوط به اراضی موضوع ماده ۷ و نحوه عمران آن در قانون مزبور و آیین نامه اجرایی آن، کاملاً تصریح و بیان شده؛ لذا با توجه به وجود قانون و صراحت آن نیازی به صدور و تصویب مصوبه مورد اعتراض نبوده است. صدور پروانه ساختمانی بدون هماهنگی قبلی با وزارت مسکن و شهرسازی و استعلام ادارات تابعه آن وزارتخانه در عمل موجب خسارات فراوان و ضررهای غیر قابل جبران خواهد بود. و این امر باعث ورود خسارت به دولت و مردم خواهد شد. بنابراین با توجه به صراحت قانون زمین شهری صدور مجوز ساختمانی بایستی بعد از استعلام از ادارات زمین شهری صورت گیرد و بند ۹ مصوبه معترض عنه مغایر نص صریح قانون می باشد و مآلاً باطل است. با توجه به اصل تسلیط و اینکه حسب شرح مطهر و آیه شریف «الناس مسلطون علی اموالهم» مواد ۲۰ و ۲۱ قانون مدنی هر سالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع را دارد و هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی توان بیرون کرد مگر به حکم قانون، تصویب مصوبه صدرالاشمار خلاف شرح و مغایر با قانون مدنی است و تصویب این مصوبه اقدام به قانونگذاری و خارج از حیطه قوه مجریه است زیرا باعث می شود مستمرقین با مجوز رسمی از دوایر دولتی نسبت به ساخت و ساز ملک متعلق به غیر اقدام نمایند. علی هذا با توجه به عرایض فوق و با عنایت به اصل ۸۵ قانون اساسی و قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ و آیین نامه اجرایی آن، و مستنداً به ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری، [تقاضای] ابطال بند ۹ مصوبه شورای عالی اداری به شماره ۱۶۵۵/دش - ۷۱/۸/۱۹ و بند ۲ مصوبه شماره ۱۵۶۰/دش - ۷۱/۸/۱۶ را دارد مدیر کل دبیرخانه شورای عالی اداری در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۳۹۵۳/دش - ۱۲۲/۱۲/۲۳ اعلام داشته اند: ۱- شورای عالی اداری در اجرای بند ۳-۴ (صفحه ۲۱-۲۰) کتاب پیوست بر نامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی، به منظور اصلاح نظام اداری در ایجاد گوناگون - از جمله در بعد روشها - تشکیل گردیده و یکی از وظایف این شورا تدوین، اصلاح و زمان بندی روشهای اختصاصی مشترک و عمومی مورد عمل دستگاههای اجرایی (از جمله شهرداریها) می باشد. قابل ذکر است که کتاب فوق الذکر پیوست «قانون برنامه اول توسعه» بوده و در تاریخ ۶۸/۱۱/۱۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و در نتیجه تصمیمات شورای عالی اداری بر اساس و با رعایت وظایف محوله اتخاذ گردیده و متکی به مجوز مجلس شورای اسلامی است. با توجه به مراتب مذکور مصوبات شورای عالی اداری برخلاف اصل ۸۵ قانون اساسی نمی باشد. ۲- ایرادات شاکی دایر بر اینکه مفاد بند ۲ مصوبه شماره ۱۵۶۰/دش مورخ ۷۱/۸/۱۶ و همچنین شق ۹ از مصوبه ۱۶۵۵/دش مورخ ۷۱/۸/۱۹ مغایر با ماده ۷ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶ بوده نیز بی مورد می باشد؛ زیرا به طوری که از مفاد مصوبات مذکور استنباط می گردد، هدف از مصوبات مذکور ایجاد تسهیلات در نحوه صدور پروانه ساختمانی به اراضی و املاک در مواردی که سند مالکیت رسمی ارائه نمی گردد و همچنین در جهت

پیسود سیستم و گردش کار ادارات در خصوص هماهنگ نمودن صدور پروانه ساخت، گواهی عدم خلاف و گواهی پایان ساختمان در سطح شهرهای کشور بوده و نه تنها با ماده ۷ قانون زمین شهری مغایرتی ندارد، بلکه توجهت حسن اجرای ماده مذکور می باشد و این مصوبات اختیار سازمان زمین شهری مندرج در قانون زمین شهری را به هیچ وجه محدود و مخدوش نمی سازد و کماکان انجام کلیه امور منوط به تأیید وزارت مسکن و شهرسازی یا سازمان زمین و مسکن می باشد.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجة الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از ادای توضیحات شاکی و نمایندگان شورای عالی اداری و بحث و بررسی و انجام مشوره با اکثریت آراء به شرح آتی عبارت به صدور رأی می نماید.

رأی هیئت عمومی

اولاً بند ۹ مصوبه سی و چهارمین جلسه شورای عالی اداری به شماره ۱۶۵۵/دش مورخ ۱۳۷۱/۸/۱۹ که مقرر داشته است «شهرداریها موظفند به منظور حسن اجرای ماده ۷ قانون زمین شهری مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۲ با اخذ تصدیق مالک مبنی بر عدم استفاده از مزایای فوق نسبت به صدور پروانه ساختمان اقدام و همزمان از وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان زمین شهری) استعلام به عمل آورده و در صورت خلاف ادعای مالک نسبت به ابطال پروانه اقدام نمایند.» به موجب نظریه مورخ ۷۲/۷/۲۲ ققهای محترم شورای نگهبان خلاف احکام شرع شناخته نشده است و چون متضمن ایجاد هماهنگی در جهت اجرای اهداف مقنن به شرح ماده ۷ قانون زمین شهری می باشد، مغایر قانون هم تشخیص داده نمی شود. ثانیاً قانونگذار به منظور تنظیم و تسبیح امور مربوط به اموال غیر منقول و جلوگیری از بروز اختلافات و مناقشات اشخاص نسبت به عین یا منافع و یا حقوق متعلق به املاک و تقییل حجم دعاوی نسبت به آنها در مراجع مختلف و همچنین ایجاد سهولت در تشخیص صاحبان اعیان و منافع و حقوق اموال غیر منقول در بخشهای خصوصی و عمومی ثبت اراضی و املاک و حقوق و منافع مربوط و انجام عقود و معاملات نسبت به آنها را الزامی اعلام داشته و به صراحت ماده ۲۲ قانون ثبت اسناد و املاک کسی را که ملک در دفتر املاک به اسم او ثبت شده و بنا موافق قانون به او منتقل گردیده مالک شناخته است و همچنین در ماده ۴۸ قانون مزبور تصریح کرده است که سندی که متعلق مواد فوق باید به ثبت برسد و به ثبت نرسیده در هیچ یک از ادارات و محاکم پذیرفته نخواهد شد. بنابه جهات فوق الذکر بند ۲ مصوبه شماره ۱۵۶۰/دش مورخ ۷۱/۸/۱۶ شورای عالی اداری که شهرداری را ملزم به قبول سند عادی انتقال غیر منقول مکلف به صدور پروانه ساختمان قبل از تصدیق صحت و اعتبار آن توسط مراجع ذیصلاح می نماید مغایر قانون تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری به جهت مذکور ابطال می گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری -

اسماعیل فردوسی پور

مشاور اداری - مالی

جمشید رضایی

کارشناس دفتر حقوقی وزارت کشور

مشاوره اداری - مالی این شماره ماهنامه به موضوعاتی از قبیل نحوه خرید املاک، اراضی و ابنیه، شرایط احراز سمت شهردار، عوارض بر فروش محصولات و تولیدات کارخانجات و واحدهای صنعتی و معدنی، شرایط نامزدی اعضای شهرداری، و رأی دیوان عدالت اداری در مورد حدود معافیتهای سرکنهای آب و فاضلاب از پرداخت عوارض پرداخته است.

همان طور که می دانید، به موجب بند ۱۴ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱، تصویب معاملات شهرداری و نظارت بر آنها - اعم از خرید، فروش، مقاطعه، اجاره و استیجاره که به نام شهر و شهرداری صورت می پذیرد - باید در نظر گرفتن صرفه و صلاح و با رعایت مقررات آیین نامه مالی و معاملات شهرداری، از وظایف شورای اسلامی شهر است. آیا در خرید املاک و اراضی و ابنیه واقع در مسیر طرح نیز رعایت این بند الزامی است؟ به عبارت دیگر، آیا قراردادهایی که شهرداری با مالکان املاک مذکور منعقد می کند نیز می بایست به تصویب شهردار برسد یا خیر؟

قوانین خاص حاکم بر نحوه خرید و تملک اراضی، ابنیه و املاک مورد نیاز شهرداریها و قیمت گذاری آنها عبارتند از: لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ و قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها مصوب ۱۳۷۰. به دیگر سخن، مبنای عمل شهرداری در اقدام به خرید و تملک اراضی و املاک واقع در مسیر طرح، همین قوانین است. اینکه خرید و تملک املاک از طریق توافق صورت گیرد یا از طریق کارشناسی، از حیث میزان دخالت شهردار هر یک دارای احکام خاصی به شرح ذیل است:

الف - خرید و تملک از طریق توافق: در اینجا به موجب نص صریح تبصره یک ماده ۳ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸، در صورت توافق در مورد بهای عادلانه هر گاه مبلغ مورد معامله یا خسارت هر یک از مالکان بیش از یک میلیون ریال نباشد، شهرداری می تواند رأساً نسبت به خرید ملک و پرداخت خسارت اقدام کند و هر گاه مبلغ مورد معامله یا خسارت هر یک از مالکان بیش از مبلغ یک میلیون ریال باشد، انجام معامله باید به تصویب شورای اسلامی شهر برسد.

ب - خرید و تملک از طریق کارشناسی: در صورت به دست نیامدن توافق و در نتیجه ارجاع امر قیمت گذاری به هیئت سه نفره کارشناسی (وفق قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها مصوب ۱۳۷۰)، یا عنایت به اینکه به موجب نص صریح تبصره یک ذیل ماده واحده قانون مذکور رأی اکثریت هیئت مذکور قطعی و لازم الاجراست، بنابراین مبنای عمل شهرداری در انجام معامله رأی این هیئت است و در واقع احتیاج به تصویب شورای اسلامی شهر ندارد.

● آیا وزارت کشور و استانداری می بایست وفق تبصره ۳

ذیل بند یک ماده ۷۱ قانون شوراهای (که اشعار می دارد: نصب شهرداران در شهرها با جمعیت بیشتر از دویست هزار نفر و مراکز استان بنابه پیشنهاد شورای شهر و حکم وزیر کشور و در سایر شهرها به پیشنهاد شورای شهر و حکم استاندار صورت می گیرد) و بند «د» تبصره ۴ ذیل بند یک ماده مذکور (فقدان هر یک از شرایط احراز سمت شهردار به تشخیص شورای شهر)، صرفاً حسب تشخیص شورای اسلامی شهر و بدون داشتن حق اظهار نظر و تطبیق موضوع با مقررات موجود، نسبت به صدور حکم شهردار و لغو آن اقدام کند یا خیر؟ نیز آیا ماده ۴ آیین نامه اجرایی شرایط احراز تصدی سمت شهردار، که حق بررسی و اظهار نظر را به وزارت کشور و استانداری داده است، مغایر با مقررات مذکور است؟

○ به موجب تبصره ۴ ذیل بند یک ماده ۷۱ قانون شوراهای نصب شهرداران در شهرهای با جمعیت بیشتر از دویست هزار نفر و مراکز استان بنابه پیشنهاد شورای شهر و حکم وزیر کشور - و در سایر شهرها به پیشنهاد شورای شهر و حکم استاندار - صورت می گیرد و اجرای این امر مستلزم بررسی شرایط اشخاص پیشنهادی برای احراز سمت شهردار (وفق شرایط مندرج در آیین نامه اجرایی شرایط احراز تصدی سمت شهردار) و خودداری از صدور حکم برای اشخاص فاقد هر یک از شرایط مذکور است. با توجه به آنچه ذکر شده به طریق اولی در برکناری شهردار به علت فقدان هر یک از شرایط احراز سمت شهردار (موضوع بند «د» تبصره ۴ ذیل بند یک ماده ۷۱) و لغو حکم نیز همان حکم مذکور حاکم است. به عبارت دیگر، همان طور که وزارت کشور یا استانداری می بایست در اجرای حکم تبصره ۴ ذیل بند یک ماده ۷۱ قانون شوراهای صدور حکم انتصاب شخص پیشنهادی فاقد هر یک از شرایط احراز سمت شهردار خودداری ورزد، در اقدام نسبت به پیشنهاد شورای اسلامی شهر نیز دایر بر لغو حکم صادر شده به علت فقدان هر یک از شرایط احراز سمت شهردار، می بایست موضوع را با شرایط مندرج در آیین نامه مذکور تطبیق دهد و در صورت فقدان دلیل و صحت نداشتن فقدان هر یک از شرایط، از لغو حکم صادر شده خودداری ورزد.

بدین ترتیب این استدلال که وزارت کشور و استانداری بدون داشتن حق اظهار نظر و تطبیق موضوع با مقررات موجود صرفاً می بایست حسب پیشنهاد شورای شهر نسبت به صدور حکم شهردار و لغو آن اقدام کند، خلاف مقررات جاری و دوز از منطق حقوقی است.

● آیا تعرفه عوارض بر فروش محصولات و تولیدات کارخانجات و واحدهای صنعتی و معدنی و کارگاههای

تاریخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ شماره دادنامه ۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-
کلاس پرونده ۲۶۰/۱۹ و ۲۵۴/۱۹ و ۲۵۵/۱۹
مراجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.
شاکلی: _____

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره
۱۸۳۲۲/۳/۲۴/۲۶۰۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۵ معاون هماهنگی امور
عمرانی و وزارت کشور.

مقدمه: شاکلی طی دادخواستهای تقدیمی اعلام داشته است، این شرکت در اجرای وظایف قانونی در ارتباط با رفاه کارکنان برای اخذ پروانه ساختمانی منازل مسکونی در اراضی متعلق به خود به شهرداری شیراز مراجعه نموده، شهرداری باراً که بخشنامه شماره ۲۰۹۵/۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۹ استانداری فارس - که آن هم مستند به بخشنامه شماره ۱۸۳۲۲/۳/۲۴/۲۶۰۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۵ معاونت هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور صادر شده - درخواست وجه کلانی بابت عوارض و نوسازی نموده است. شرکتیهای آب و فاضلاب از تاریخ تشکیل به موجب ماده ۱۰ قانون تشکیل شرکتیهای آب و فاضلاب مصوب ۱۳۶۹ به مدت ۱۵ سال از پرداخت هرگونه عوارض از قبیل نوسازی و نظایر آن معاف میباشند لیکن وزارت کشور با صدور بخشنامه مورد شکایت، که خود نوعی قانونگذاری محسوب می شود، چنین پنداشته که کارهای اجرایی شرکتیهای آب و فاضلاب صرفاً احداث تارها یا مخازن و یا ایستگاه پمپاژ و لوله گذاری می باشد؛ در صورتی که شرکت تحت پوشش تأمین اجتماعی است که لاجرم قانون کار نیز بر آن حکمفرماست و بر اساس قانون کار وظایفی در قبال رفاه کارکنان دارد که این وظایف در مواد ۱۴۹ و ۱۵۴ قانون کار مشخص شده است؛ اصولاً فلسفه وضع معافیت از پرداخت عوارض نوسازی، صرفاً مربوط به ساختمانهای اداری و مسکونی می گردد. از آنجا که قانونگذار عملی لغو نمی کند، منطقی و معقول نیست که وزارت کشور این گونه عبارات قانون را تفسیر نماید که ساختمانهای مسکونی و سازمانی شرکتیهای آب و فاضلاب از پرداخت عوارض نوسازی معاف نمی باشند. نظر به اینکه بخشنامه معاونت عمرانی وزارت کشور برخلاف موازین قانونی و شرعی است، تقاضای صدور حکم بر ابطال آن را دارد.

مدیر کل دفتر امور حقوقی وزارت کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱۱۲۲۷/۶۱ مورخ ۱۳۸۰/۳/۲۳ اعلام داشته اند، معافیتهای موضوع ماده ۱۰ قانون تشکیل شرکتیهای آب و فاضلاب مصوب ۱۳۶۹ منقرض می دارد «شرکتیهای آب و فاضلاب موضوع این قانون از پرداخت مالیات و هر نوع عوارض، از جمله عوارض نوسازی و نظایر آن، حقوق و عوارض گمرکی و سود باررگانی، حق الثبت و تعمیر و هزینه دادرسی و هر نوع معافیتی که تاکنون دستگاههای مسئول آب و فاضلاب از آن بهره مند بوده اند برای مدت ۱۵ سال از تاریخ تشکیل معاف می باشند.» صرفاً ناظر به شرکت آب و فاضلاب است که در جهت اجرای وظایف قانونی مندرج در قانون مزبور صورت می پذیرد. بنا توجه به مراتب فوق الذکر، چون احداث خانه های سازمانی برای کارمندان خارج از فضالینها و وظایف خاص شرکت آب و فاضلاب شیراز موضوع قانون تأسیس شرکتیهای آب و فاضلاب می باشد و جهت احداث آنها می بایست از شهرداری پروانه اخذ و عوارض متعلقه پرداخت گردد، لذا رد شکایت شرکت مذکور مورد تقاضاست.

مدیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن بخشنامه مورد شکایت طی نامه شماره ۸۰/۲۷/۱۹۷ مورخ

غیرمشمول قانون نظام صنفی به ماخذ یک درصد قیمت نهایی فروش شامل ضایعات کارخانجات نیز هست یا خیر؟ به عبارت دیگر، در برخی از کارخانجات در نتیجه تولید محصول اصلی فرآورده هایی تحت عنوان ضایعات ایجاد می گردد که قابل استفاده اند. آیا فروش این ضایعات نیز مشمول عوارض مذکور می گردد یا خیر؟

ب) با توجه به اینکه محصولات و تولیدات کارخانجات واحدهای مذکور با اطلاق و بدون توجه به نوع آن (اصلی یا فرعی) مورد حکم قرار گرفته است، بنابراین چنانچه در نتیجه تولید محصول اصلی محصولاتی قابل استفاده نیز تولید گردد، فروش آن محصولات هم مشمول تعرفه مذکور است. نکته در خور توجه در اینجا این است که هر چند به این قبیل محصولات در عرف به غلط عنوان ضایعات داده می شود ولی در واقع اینها ضایعات نیستند. ضایعات به چیزهایی گفته می شود که نتوان از آنها استفاده کرد.

● آیا تولیدات کارخانجاتی که به صورت مواد اولیه مورد استفاده کارخانجات دیگر قرار می گیرد نیز مشمول تعرفه عوارض فروش کارخانجات می گردد یا خیر؟

ج) وفق ماده واحده تعرفه عوارض بر فروش محصولات و تولیدات کارخانجات و واحدهای صنعتی و معدنی و کارگاههای غیرمشمول قانون نظام صنفی، کلیه محصولات کارخانجات و واحدهای مذکور - اعم از واسطه های یا نهایی - مشمول تعرفه مذکور هستند. بنابراین هر چند محصول و تولید کارخانه ای به صورت مواد اولیه مورد استفاده کارخانجات دیگر قرار گیرد، باز مشمول همان تعرفه است و می بایست ۱٪ قیمت نهایی فروش آن را به عنوان عوارض از خریدار دریافت کرد.

● آیا شورای اسلامی شهر می تواند یکی از اعضای شورا را به منظور تصدی سمت شهردار نامزد کند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آن عضو شورا چه موقع باید از عضویت خود استعفا کند؟ آیا وی می تواند در جلسه رای گیری شورا که به منظور تعیین شهردار پیشنهادی تشکیل می گردد، شرکت کند؟

ب) ۱- مستند به تبصره ۲ ذیل بند یک ماده ۷۱ قانون شوراها، شهردار نمی تواند همزمان عضو شورای شهر باشد؛ ولی به صرف کاندیدا شدن یکی از اعضای شورای شهر برای احراز سمت شهردار، این عضویت مصداق پیدا نمی کند. بنابراین اعضای شورای اسلامی شهر می توانند یکی از اعضای شورا را برای احراز سمت شهردار حسب مورد به استانداری یا وزارت کشور پیشنهاد کنند. بدیهی است که پس از پیشنهاد، و قبل از صدور حکم انتصاب، آن عضو می بایست از عضویت در شورا استعفا دهد. ۲- عضو مذکور می تواند در جلسه رای گیری شورا شرکت جوید و از حق رای خود استفاده کند.

موضوع: ۱۳۸۰/۱۱/۲۳ مرجع تصویب: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
ماخذ: روزنامه رسمی کشور

تاریخ روزنامه رسمی: ۱۳۸۱/۰۱/۲۸ شماره روزنامه رسمی: ۱۶۶۴۰

رای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر ابطال بخشنامه شماره ۱۸۳۲۲/۳/۲۴/۲۶۰۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۵ معاون هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور در خصوص حدود معافیت های شرکتیهای آب و فاضلاب از پرداخت عوارض

۱۳۸۰/۲/۱۶ اعلام داشته‌اند، موضوع بخشنامه شماره ۱۸۳۲۴/۳/۳۲/۲۶-۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۵ معاون هماهنگی امور عمرانی وزارت کشور در جلسه رسمی قتهای شورای نگهبان مطرح شد که خلاف شرع شناخته شد. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آرایه شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

به موجب ماده ۱۰ قانون تشکیل شرکتهای آب و فاضلاب مصوب ۱۳۶۹ شرکتهای آب و فاضلاب موضوع این قانون از پرداخت مالیات و هر نوع عوارض از جمله عوارض توسازی و نفاذ برآن، حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی، حق الثبت و تمسیر و هزینه دادرسی و هر نوع معافیتهایی که تاکنون دستگاههای مسئول آب و فاضلاب از آن بهره‌مند بوده‌اند برای مدت ۱۵ سال از تاریخ تشکیل معاف می‌باشند. نظر به اینکه مفاد بخشنامه شماره ۱۸۳۲۴/۳/۳۲/۲۶-۴ مورخ ۱۳۷۷/۳/۱۵ وزارت کشور از حیث شمول یا عدم شمول معافیتهای مقرر در ماده فوق‌الذکر به اعمال مختلف شرکتهای آب و فاضلاب متضمن تفسیر قانون و تعیین شرایط خاص در خصوص مصادیق ماده مذکور و مستثنیات آن و نتیجتاً حسب مورد موجب توسعه یا تضییق ذایره شمول حکم مقنن است. بنابراین مفاد بخشنامه مزبور خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف‌آبادی

مصوب: ۱۳۸۰/۱۰/۲۳ مرجع تصویب: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری
مأخذ: روزنامه رسمی کشور
تاریخ روزنامه رسمی: ۱۳۸۱/۰۱/۲۴ شماره روزنامه رسمی: ۱۶۶۲۶

رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری راجع به ابطال بند یک مصوبه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۳ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص ضوابط و مقررات مربوط به تأمین فضاهای عمومی و خدماتی شهرها و بند ۳ از طرح تفصیلی فین کاشان
تاریخ: ۱۳۸۰/۱۰/۲۳ شماره دادنامه: ۳۴۶ کلاس پرونده: ۱۶۹/۷۷

مرجع رسیدگی: هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي:

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمت اول مصوبه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۳ شورای عالی شهرسازی موضوع ضوابط و مقررات مربوط به تأمین فضاهای عمومی و خدماتی شهرها و بند ۳ از طرح تفصیلی فین کاشان که با استناد به مصوبه مذکور صادر شده است. مقدمه: شاکي طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، مصوبه ۱۳۶۹/۱۰/۳ شورای عالی شهرسازی با کدام آیات قرآن و با فتوای کدام یک از فقها منطبق است. چنانچه شخصی ۱۰۰ متر یا ۲۰۰ متر زمین خریداری نماید و بخواهد یک کلبه رعیتی برای خود یا خانواده‌اش بسازد، شهرداری می‌گوید نصف آن را بدهید یا

پول نصف زمین را بدهید. آیا از نظر شرعی و قانونی نصف در نصف صحیح است؟ با عنایت به مراتب [مذکور] ابطال مصوبات مورد شکایت را تقاضا دارد. مدیر کل دفتر ارزشیابی بازرسی و رسیدگی به شکایات استناداری اصفهان در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۰۰۲/۰۰۵/۳۲۶/۸۹۱۳۵ مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۹ مبادرت به ارسال تصویرنامه شماره ۱۶/۳۷۸۹۴ مورخ ۱۳۷۷/۹/۲۶ نمودند. در این نامه آمده است، در ارتباط با اعتراض به مصوبه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۳ شورای عالی شهرسازی به استحضار می‌رساند از آنجایی که به موجب تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهر دارها مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۹ مقرر شده است، علاوه بر انجام تعهدات مربوط به عمران و آماده‌سازی زمین و واگذاری سطوح لازم برای تأسیسات و تجهیزات و خدمات عمومی حداکثر تا ۲۰٪ از اراضی آنها را برای تأمین عوض اراضی - به طور رایگان در یافت نمایند، علی‌هذا اگر ۲۰٪ مذکور با سطوح لازم مربوط به ایجاد فضای آموزشی، تفریحی، ورزشی و معیاری... منظور گردد، بیش از ۵۰٪ خواهد شد. مضافاً بند ۳ طرح تفصیلی محور فین که به استناد مصوبه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۳ شورای عالی شهرسازی مستند به ماده ۵ قانون شورای عالی شهرسازی صادر شده است، اخذ ۵۰٪ را با توجه به تبصره ۴ ماده واحده مذکور تجویز نموده است. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن مورد شکایت طی نامه شماره ۸۰/۲۱/۱۷۵۶ مورخ ۱۳۸۰/۴/۲۹ اعلام داشته‌اند، مصوبه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۳ شورای عالی شهرسازی و معماری که به طور مطلق و بدون اشتراط به تقاضای صاحبان زمینهای فین برای استفاده از مزایای ورود محدود توسعه و عمران شهر (مذکور) در تبصره ۴ قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرحهای دولتی و شهر دارها مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۹ مجلس شورای اسلامی) دادن ۵۰٪ زمینهای آنان را به صورت رایگان تصویب نموده است، خلاف شرع شناخته شد؛ زیرا تبصره فوق‌الذکر تنها در برابر تقاضای صاحبان زمین، اجازه گرفتن مقداری از زمین آنان را داده است. بنابراین در مواردی که هر یک از صاحبان زمینهای فین منقاسی استفاده از مزایای ورود به محدوده توسعه عمران شهر نباشد، گرفتن رایگان مقدار کمی هم از زمین او خلاف شرع است. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آرا به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیئت عمومی

نظر به اینکه بند یک مصوبه مورخ ۱۳۶۹/۱۰/۳ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران به شرح نظریه مورخ ۱۳۸۰/۴/۲۰ فقهای محترم شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص داده شده است، لذا به استناد قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ابطال این قسمت از مصوبه مذکور صادر می‌شود و به تبع آن بند ۳ از طرح تفصیلی فین کاشان نیز گان‌لم‌یکن اعلام می‌گردد.

رئیس هیئت عمومی دیوان عدالت اداری - دری نجف‌آبادی

شهرداریها به روایت اسناد

در این شماره ماهنامه اسنادی انتخاب شده‌اند که هر کدام در بردارنده شرح حسابی سرواوضاع مالی - بودجه‌ای شهرداریها در ابتدای تکوین دولت مدرن در ایران هستند. نقش دولت مرکزی، جایگاه انجمنها، محل در آسایش شهرداریها و مانند اینها به وضوح در این اسناد منعکس شده‌اند، که با عنایت به رویکرد مدیریت شهری هماهنگ می‌توانند توصیفی از وضع گذشته شهرداریها به دست دهند.



حکایت اداره بلدیة با انجمن بلدیة طهران در خصوص بودجه ارسالی برای تهیه روشنایی شهر و شمیران بلدیة طهران

نمره عمومی: ۱۰۹۶۸ اداره: تاریخ:
نمره خصوصی: ۲۳۰۷
کارت: ۲/۳
دوسه: ۱
تاریخ ثبت: ۱۳۰۹/۱۰/۱۱ به تاریخ: ۱۳۰۹/۱۰/۱ تاریخ خروج: ماه: ۱۲

انجمن محترم بلدیة طهران

برطبق بودجه ارسالی برای روشنایی شهر و شمیران و اولیة مقدسه در مدت هشت ماهه بیست و پنج هزار تومان منظور نموده‌اید در صورتی که قیمت روشنایی شهر در سه ماه اول هذاه سنه که از قرار هر سی و دو شمع سیصد دینار تأدیه می‌گردیده ماهانه از پنج هزار تومان متجاوز بوده و از اول نیرماه به بعد در نتیجه اقداماتی که این مؤسسه نموده و قیمت چراغ به پنج شاهی تنزل داده شده ماهانه پس از وضع خاموشی در حدود چهار الی چهار هزار و دویست تومان است که هشت ماهه سی و سه هزار و شصت تومان یعنی مبلغ هشت هزار و سیصد هزار تومان بیش از مبلغ بیست و پنج هزار تومان تصویب انجمن می‌باشد و چون مخارج هشت ماهه روشنایی شمیران و زوایه مقدسه که تخمیناً هشتصد تومان است بر آن علاوه شود، مبلغ نه هزار و سیصد تومان در بودجه کسر منظور گردیده است، بنابراین مقتضی است مبلغ کثیری را در تقییب بودجه هشت ماهه تصویب نمایند.

[امضاء] رئیس بلدیة

[حاشیه پایین:] مهر: ناخوانا

نوع سند:	شماره سند:	تاریخ ثبت:
موضوع سند:	۱۰۹۶۸	۱۳۰۹/۱۰/۱۱
ضمیمه:	نمره خصوصی:	۲۳۰۷
یا کپیست کننده:	کارت:	۲/۳
	دوسه:	۱
	تاریخ ثبت:	۱۳۰۹/۱۰/۱۱
	تاریخ خروج:	۱۳۰۹/۱۰/۱۱

بسم الله الرحمن الرحیم
 این سند در تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۱۱ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران ثبت گردید.
 در تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۱۱ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران ثبت گردید.
 در تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۱۱ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران ثبت گردید.
 در تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۱۱ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران ثبت گردید.
 در تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۱۱ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران ثبت گردید.
 در تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۱۱ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران ثبت گردید.
 در تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۱۱ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران ثبت گردید.
 در تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۱۱ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران ثبت گردید.
 در تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۱۱ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران ثبت گردید.
 در تاریخ ۱۳۰۹/۱۰/۱۱ در دفتر ثبت اسناد و املاک تهران ثبت گردید.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
 IRAN NATIONAL ARCHIVES

ضرورت بازخوانی منطق الطیر

گفت و گو با علیرضا صانعی، شهردار نیشابور

محمد سالاری راد



سؤال اول: چگونه می‌توان به قله قاف رسید؟

پاسخ شیخ عطار: با راهبرد سیمرخ و سی مرغ - سی پرند مستقل اما متحد

سؤال دوم: چگونه می‌توان فعالیت‌های عمرانی شهر نیشابور را سازمان داد؟

پاسخ شهردار نیشابور: با راهبرد مدیریت واحد شهری؛ مدیریت واحد شهری مجمعی است که همه مدیران و مسئولان شهر در آن به تصمیم‌گیری بپردازند و بر سر اولویت‌بندی اقدامات عمرانی به توافق برسند.

بنابراین جای امیدواری است که آموزمهای عطار هنوز کاربرد دارند، اما آنچه که نگران‌کننده می‌نماید آن است که کاربرد این آموزه‌ها گستره‌های شخصی و محلی یافته است، و نه منطقه‌ای و ملی. گویا به ظاهر، دعوا بر سر آن است که چه کسی همدرد باشد - نه اینکه چه کسانی سیمرخ باشند!

نیشابور تبلوری از تاریخ کهن سرزمین وسیع ایران است. زمانی این شهر جمعیتی کثیر را در خود جای داده بود و بارها نیز در اینبارها مورد تعدی و تصرف قرار گرفت، بناها و خانه‌هایش ویران شدند و از اجساد ساکنانش تپه‌ها بنا کردند. اما باز هم از دل آتش و خاکستر و ویرانه، سر بر آورد و زندگی را دوباره برپا ساخت. عجب آنکه این شهر جز و تمدن سازترین شهرهای این سرزمین نیز بوده است که شخصیت‌های بسیار در خشان همچون خیام و عطار را در خود پرورش داده است. عطار که هفت شهر عشق را ساخت کرده و حاصل کار خود را در منطق‌الطیر گردآورده بود، خود یکی از کشتگان اینبار مغول است.

نیشابور که در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۵۶ هزار نفر جمعیت داشت، جزو شهرهای رده دوم استان خراسان است که از نظر جمعیتی فاصله زیادی با شهر رده اول یعنی مشهد دارد.

با شهردار نیشابور، علیرضا صانعی، به گفت و گو می‌نشینیم تا وی مسائل شهر را از نگاه خود واگویی کند.

● آقای شهردار! از دیدگاه شما شهر نیشابور چگونه شهری است؟

(نیشابور یکی از قدیمی‌ترین شهرهای کشور است که زمانی بزرگترین آن‌ها بود و نقل است که حدود یک میلیون نفر جمعیت داشته (که اغراق آمیز می‌نماید) اما به هر حال گویای رونق و تجمع انسانی زیادی است. این شهر از نظر فرهنگی بسیار با اهمیت است، چرا که شهر خیام و عطار است و اکنون آرامگاه این دو، به همراه معاصرانی چون کمال الملک و یغما، در این شهر قرار دارد. نیشابور از نظر اقتصادی دومین شهر استان خراسان محسوب می‌شود و فعالیت‌های اصلی شهر و شهرستان به ترتیب اهمیت عبارتند از صنعت، کشاورزی و دامداری. جمعیت این شهر در شرایط کنونی حدود ۲۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. دارای طرح جامع مصوب سال ۱۳۷۷ است و محدوده تعریف شده این طرح، ۲۰۰۰ هکتار مساحت دارد.

● اصلی‌ترین مشکلات شهر نیشابور در چه مواردی خلاصه می‌شوند؟

(مهم‌ترین مشکل شهر، مشخص نبودن جایگاه شهرداری است: آیا اداراتی همچون سایر ادارات مرتبط با شهر است، یا مدیر و مسئول مجموع مسائل مربوط به شهر؟ همین یالاتکلیفی در جایگاه شهرداری سبب در هم ریختگی و طایف، ناهماهنگی در امور شهر و در نتیجه اتلاف سرمایه‌های ملی و سرگردانی شهروندان شده است. خیلی از پروژه‌ها در زمان معمول به نتیجه نمی‌رسند و بسیاری از آنها متناقض یا یکدیگرند.

● به این ترتیب، شما مشکلات شهر و شهرداری را یکسان می‌دانید؟

(بیشتر مشکلات شهر ریشه در همین تشتت مدیریتی دارد و اگر نبود، آن گاه امکانات بیشتری برای ارتقای شهرسازی کشور و توسعه خدمات شهری برای شهروندان وجود می‌داشت.

● چه راه حلی برای حل این مشکلات در نظر دارید؟

(راه حل اصلی، بازگشت به جایگاه اولیه شهر دار بهاست که مدیریت شهرها در تمام زمینه‌ها زیر نظر شهرداری‌ها تعریف شوند. به این مسئله در برنامه سوم هم توجه شد. اما هنوز کار خاصی صورت نگرفته و در حد صحبت باقی مانده است. به هر حال هر چه این شرایط زودتر ایجاد شود، گام بلندی در جهت ارتقای مدیریت شهرها برداشته شده است.

● مشکلاتی که در تشتت مدیریتی ایجاد شده‌اند، کدام‌اند؟

(می‌توانیم از طرح جامع آغاز کنیم که سازمانهای تهیه کننده طرح و اجرا کننده آن کاملاً متفاوت‌اند و با یکدیگر در دیدگاه‌های بنیادی خود فاصله دارند. طرح جامع نیشابور در سال ۱۳۷۷ به تصویب رسید. متولی تهیه این طرح وزارت مسکن و شهرسازی، و مجری آن نیز شهرداری است. انتظار بر آن بود که با تصویب طرح جامع، بلافاصله تهیه طرح تفصیلی در دستور کار قرار گیرد و با تصویب آن مراحل اجرایی واقعی در شهر آغاز شود. اما با وجود گذشت پنج سال از تصویب طرح جامع، هنوز طرح تفصیلی تهیه نشده است و ما نمی‌توانیم اقدامات عمرانی خود را به طور جدی آغاز کنیم و به پیش ببریم. در این پنج سال مردم همچنان سرگردان‌اند، به گونه‌ای که برای تعیین تکلیف املاکشان به شهرداری مراجعه می‌کنند اما شهرداری هیچ گونه پاسخی نمی‌تواند به آنها بدهد. در این پنج سال گسترش حاشیه‌های شهر سرعت یافته و فعالیت‌های عمرانی شهر از کنترل تمام عیار



می‌شود. همچنین بارش درختان، ایمنی آن از بین می‌رود. در واقع به دلیل تشتت مدیریت در شهر، نتوانستیم حتی دست کم در مورد چند خیابان اصلی شهر به توافق برسیم که شبکه برق زیرزمینی باشد. بقیه ادارات و سازمانهای مسئول در عمران شهر هم دارای هماهنگی لازم با یکدیگر و شهرداری نیستند و هر کدام سعی در پیشبرد برنامه‌های بخش خود را دارند.

● به این ترتیب برنامه‌ریزی متمرکز بر اساس فصلها و بخشهای اقتصادی، عامل اصلی در این تشتت مدیریتی است. از این دیدگاه، عمران شهری نیز یک فصل برنامه و بودجه‌ای است که در کنار سایر فصلها، می‌تواند دارای برنامه‌های موازی باشد. به نظر شما عمران شهری چه گستره‌هایی را در بر می‌گیرد؟

○ عمران شهری از دیدگاه من، شامل تمام فعالیت‌های عمرانی در سطح شهر است و همه فعالیت‌هایی که در دل شهر انجام می‌شود به نوعی با محیط عمران شهری گره می‌خورند. اما هنگامی که نظام هماهنگی برای آنها وجود نداشته باشد، هر کس راه خود را می‌رود (البته بودجه‌های تخصیص یافته هزینه می‌شوند، اما نتیجه کمتری به دست می‌آید). برای مثال، اگر عملیات عمران شهری با ارتقای فرهنگ شهرنشینی همراه نباشد، سرمایه‌گذارها بی‌نتیجه باقی خواهند ماند. بل عابر پیاده احداث می‌شود، اما کسی از آن استفاده نمی‌کند.

● می‌توانیم درباره گستره فعالیت‌های عمرانی مصداق‌هایی بیشتری بیابیم. مثلاً آیا می‌توان توسعه شهرک‌های فرهنگیان، بسیج، قدس و بهداشتی را اقدامات عمرانی قلمداد کرد، در حالی که بافت کهن شهر هر روز فرسوده‌تر می‌شود؟

○ نه! عملیات عمرانی هنگامی عمرانی است که به ویرانی جاهای دیگر منجر نشود. شهر دارای امکانات مالی محدودی است. هنگامی که این سرمایه‌ها برای توسعه این شهرک‌ها صرف

شهرداری خارج شده است، البته در این باتکلیفی، هم شهر و هم شهروندان متحمل خسارت و زیان ناخواسته شده‌اند که مسئول آن نه شهرداری بلکه نهاد یا وزارتخانه دیگری است.

● در این دوره، ساخت و سازها بر چه اساس و ضابطه‌ای انجام می‌شود؟

○ ضابطه‌ای در کار نیست. مردم ناچار از ساخت و ساز هستند و نمی‌توانند در شرایط باتکلیفی باقی بمانند. طبیعتاً وقتی طرح تهیه شد، معیارهای زیادی با وضع موجود خواهد داشت.

● درباره مشکلات بعدی چه نظری دارید؟

○ مشکل بعدی اداره ثبت استلا و املاک است. این اداره برای هر زمین تفکیک شده‌ای، با هر مقدار مساحت، مطابق با ماده ۱۴۷ سندش دلفگ صادر می‌کند. با در دست داشتن این سند، می‌توان به شهرداری مراجعه و تقاضای پروانه ساختمانی کرد. اداره ثبت این تفکیک‌ها را بدون هیچ‌گونه هماهنگی با شهرداری انجام می‌دهد، که این در بسیاری از موارد با ضوابط شهرداری و حداقل قطعات تفکیکی مصوب طرح جامع مغایر است. حداقل قطعه تفکیکی در طرح جامع ۱۵۰ مترمربع است. در حالی که با داشتن قطعات ۵۰-۴۰ مترمربعی می‌توان سندش دانگ دریافت کرد.

مشکل بعدی همانا حفاریهای خارج از برنامه اداره آب و فاضلابه گاز و مخبرات است. شهرداری خود را موظف می‌داند که پیش از اسفالت و لکه‌گیری و روکش خیابانها، از این ادارات برای برنامه‌های حفاری استعلام کند؛ و آن‌گاه در صورت نبود برنامه‌های خاص، به احداث و یا ترسیم خیابانها می‌پردازد. اما گاه درست بعد از عملیات عمرانی شهرداری، حفاری آنها آغاز می‌شود و اسفالتی که عمری از آن نگذشته، شکافته می‌شود.

به علاوه، با نگاه به مقوله میلان شهری، بار هم می‌توان نشست را مشاهده کرد. مثلاً ایجاد شبکه زیرزمینی برق هزینه زیادی دارد و از این رو تمام شبکه برق را هوایی می‌کشند. این کار گذشته از ایجاد و چهره‌های نازیبا، مانع از اجرای درختکاری در معابر



مغیر، کمال اسک

شوند، چیزی برای بازسازی بافت کهن باقی نمی ماند. متأسفانه در سالهای پس از انقلاب بر اثر بی تجربگی، موج عظیمی از آماده سازیها در دستور کار قرار گرفت. وزارت مسکن و شهرسازی که متولی این آماده سازیها بود، اکنون به اشتباه خود پی برده است؛ اما بار عالی خدمات رسانی و عمران این شهر کجا بر دوش شهرداری است. این در حالی است که می شد با نصف وسعت کنونی شهر، باز هم همین جمعیت را به خوبی اسکان داد. در این صورت، شهرداری قادر بود خدمات بسیار بیشتری را به شهروندان عرضه کند.

● مثال دیگر آنکه چه ضرورتی برای احداث بولوار به عرض ۶۰ متر برای جمعیت چند شهرک وجود دارد. این بولوار نیازمند آسفالت، فضای سبز، روشنایی، کف سازی و پیاده رو است. آیا استفاده بهینه از فضاها، امکانات و مصالح در چارچوب مبحث عمران شهری می گنجد؟

(۱) ما شاید بتوانیم چنین خیابانی را بسازیم و آسفالت کنیم، اما قطعاً از پس هزینه های نگهداری آن بر نمی آیم. این خیابان هم یکی از موارد تحمیلی آماده سازیهای پس از انقلاب است. تازه مشکل اصلی فقط همین خیابان نیست، بلکه تقاطع غیر هم سطحی است که باید برای شهر ۲۰۰ هزار نفری نیشابور احداث شود. زیرا همین بولوار ۶۰ متری با کمربندی شهر تقاطع دارد و این تقاطع به همین سادگی حل نمی شود. همچنین برای جابه جایی ساکنان این شهر کجا، ایجاد سازمان مستقل اتوبوسرانی ناگزیر بوده است که در جای خود هزینه بر و مصرف کننده یارانه است.

● برای آنکه مبحث عمران شهری ملموس تر شود، میزان درآمد شهرداری و رشد آن را توضیح دهید؟

(۲) درآمد شهرداری نیشابور در سال ۱۳۷۸ حدود ۱۴ میلیارد ریال بود که تا سال ۱۳۸۰ به ۲۶ میلیارد ریال - یعنی تقریباً دو برابر - رسید. بودجه سال ۱۳۸۱ بر ۳۰ میلیارد ریال بسته شده است.

● این درآمد تکافوی هزینه های شهرداری را دارد؟

(۳) خیر، بجز آنها ما از منابع دولتی هم استفاده می کنیم. اما با وجود آن باز هم مشکلات مالی اصلی ترین فشار را بر مدیریت شهرداری وارد می کنند و بدیهی است با این درآمد، اسکان، پاساژکوبی به برنامه های عمرانی وجود ندارد. شهرهای ما بر اثر گسترش بی رویه و مهاجر نهایی بی دربی، بسیار هزینه را و کم درآمد شده اند. به ویژه آنکه فعالیتهای موزایی و ناهماهنگ ادارات دیگر بر هزینه های شهر می افزاید. برای آنکه بتوان به جمعیت شهر نشین کنونی پاسخ داد، باید سرمایه در آمد شهرداری - به ازای هر نفر شهروند - به حدود ۵۰۰ هزار ریال در سال برسد. در حالی که این سرمایه در واقع موجود در شهر نیشابور حدود ۱۵۰ هزار ریال است (که البته این رقم نسبت به سالهای گذشته بهبود یافته است). پیش

از هر چیز باید مشخص شود که این سرفا را چگونه و از چه منبعی می توان تأمین کرد. اگر شهرداریها خود کفا هستند، راهی بجز دریافت از شهروندان باقی نمی ماند. چگونه می توان این مبلغ را از شهروندان دریافت کرد؟ با چه قانون و چه سازو کاری جمع آوری می شود؟ اگر هم قرار است که دولت آن را تأمین کند باید مشخص شود مسائل مالی شهرداریها باید یک باز برای همیشه حل شود. از همه عمده تر روش دریافت عوارض از مردم است. به نظر من شهرداری نباید به طور مستقیم با شهروندان درگیر شود، بلکه قبض عوارض نیز باید همچون رسید آب، برق، گاز و تلفن، هر ماه به در خانه ها فرستاده شود. بدین ترتیب شهروندان با پرداخت مبلغ عوارض به بانکها، روترووی کارکنان شهرداریها قرار نخواهند گرفت. در شرایط کنونی، شهرداریها با مردم درگیری زیادی دارند؛ و یا به میان آمدن عوارض جدید، قطعاً فشار بر شهرداریها بیشتر خواهد شد و این گونه تشنجها، فعالیتهای عمرانی و اداری شهرداری را فلج خواهد کرد.

● البته اگر درآمدها کافی و سهل الوصول باشند، زندگی بسیار زیبا خواهند شد اما همه بنگاههای اقتصادی - و از جمله شهرها - باید درک کنند که سرمایه نیز جزو امکانات محدود است که باید به دقت از آن استفاده کرد. به نظر من، چه در چارچوب بودجه و اعتباراتی که مربوط به فصول مختلف است و چه در آمد مستقیم شهرداریها، به هر حال سرمایه زیادی برای عمران به شهرها وارد می شود - گر چه ممکن است کافی نباشند. اما این سرمایه ها به طور بهینه استفاده نمی شوند. همان طور که در صحبت های تان اشاره داشتید، راه حل اصلی مدیریت واحد شهری است که می تواند در بهینه سازی مصرف سرمایه ها نقش داشته باشد. راهکار عملی شما برای اجرای مدیریت واحد شهری چیست؟

(۴) من متقدمم که مدیریت واحد شهری حتماً تمرکز همه تصمیم گیریها در شهرداری نیست، بلکه این مدیریت می تواند مشکل از مجموعی شامل همه مدیران و مسئولان شهری باشد که زیر نظارت شورای شهر (که اکنون فقط بر کار شهرداری نظارت دارد)، به عنوان نمایندگان مستقیم مردم، به تصمیم گیری درباره مسائل و مشکلات شهر بپردازند. و برای اقدامات عمرانی شهر اولویت بندی کنند و به قول شما همین سرمایه های محدود را در دقیق ترین صورت خود تخصیص دهند. آن گاه هر مدیری برای اجرا به سازمان ذی ربط خود مراجعه می کند. به این ترتیب می توان به هماهنگی در کلیه فعالیتهای عمرانی و اجتماعی و اقتصادی در شهر دست یافت.

● از اینکه به سوالات پاسخ دادید، متشکریم.

سکونتگاههای نامتعارف، پی آمد برنامه ریزی ناکارا

گفت و گو با زهره داوودپور - دکتر در شهرسازی

گفت و گو از: محمد شیخی



زهره داوودپور دارای دکترای شهرسازی، و عضو هیئت علمی دانشگاه است. وی از سال ۱۳۶۵ تاکنون در امور و مسائل مربوط به شهرسازی - از مقیاس طرحهای ملی و منطقه‌ای گرفته تا طرحهای تفصیلی و آماده‌سازی - فعالیت داشته، و مخصوصاً در طرحهای

مربوط به شهر تهران فعال بوده است. بررسی ویژگیهای سکونتگاههای خودرو در اطراف کلانشهرها (نمونه موردی تهران) عنوان رساله دکتری وی است. آخرین کار تحقیقاتی او سرپرستی مطالعات طرح تعامل بخشی شهر تهران بوده است.

نمی‌گنجد و بر اساس ضوابط و مقررات (رسمی) شکل نگرفته‌اند. این سکونتگاهها البته از نظر ماتریک رسمی اند اما از نظر شهرسازی غیررسمی هستند یعنی ضوابط و مقررات شهرسازی را رعایت نکرده‌اند. به این ترتیب سکونتگاه خودرو، حاشیه‌ای، غیررسمی اصطلاحاتی هستند که نشان از شرایط متفاوت این گونه سکونتگاهها در مکانها و زمانهای مختلف دارند. من اصطلاح مناسب‌تر را سکونتگاه ناپهنجاری یا شهر متعارف می‌دانم. این ناپهنجاری یا غیر متعارف بودن، با توجه به متن و اصلی است که آنها نیست به آن «حاشیه» تلقی می‌شوند. این سکونتگاهها در پیرامون تهران در حاشیه روستاها و بیرون از کلان شهر تهران شکل گرفته‌اند؛ و با این تعبیر می‌توان آنها را حاشیه‌ای هم دانست.

● شما در پایان نامه خودتان سکونتگاههای نامتعارف و ناپهنجاری را مورد بررسی قرار داده‌اید. با توجه به نتایج کارتان چه ویژگیها و مشخصاتی برای این سکونتگاهها قائل هستید؟ آیا آنها در طول زمان تغییری هم پیدا کرده‌اند؛ یعنی آنچه در دهه پنجاه مشاهده می‌شود با دهه هفتاد تفاوتی دارد؟

○ ویژگیها بسیار متفاوت و گسترده است. من در کار خودم به ابعاد مختلف اجتماعی، جمعیتی، کالبدی و اقتصادی این سکونتگاهها پرداخته‌ام و به ویژه ویژگیهای مهاجرتی آنها را هم مورد توجه قرار داده‌ام.

در مورد ویژگیهای اجتماعی باید گفت که مهم‌ترین ویژگی جوانی خانوارهاست. (سرپرستان خانوار اغلب ۲۹-۳۰ سال دارند) این خانوارها غالباً جمعی مهاجرت کرده‌اند، بعد خانوار آنها بیشتر از مجموعه شهری تهران است و سطح سواد والدین این خانوارها کمتر، و سطح سواد بچه‌ها بالاتر است.

در مورد ویژگیهای فرهنگی گفتنی است که منشأ مهاجرتی غالب این خانوارها روستایی است، ولو آنکه آنها مدتها در منطقه کلان شهر تهران در حال تغییر مکان بودند. ارتباط آنها با محل

● تعاریف مختلفی از سکونتگاههای غیررسمی و حاشیه‌تیشی شده است و شما نیز در کارتان از اصطلاح سکونتگاههای خودرو استفاده کرده‌اید. می‌خواستم ببینم تعریف شما از سکونتگاههای خودرو چیست و چه شاخصهایی را در تعریف سکونتگاههای خودرو مدنظر قرار می‌دهید؟

○ من بر اساس تحقیقی که در باره کلان شهر تهران انجام داده‌ام، تمام مواردی که اشاره می‌کنم مرتبط با شرایط کلان شهر تهران است و در مواردی نمی‌توان آن را به مکانهای دیگر تعمیم داد. چون سکونتگاههای خودرو پدیده‌ای است حاصل شرایط اقتصادی - اجتماعی کلان شهر که در زمانها و مکانهای متفاوت، اشکال مختلفی پیدا می‌کند برای تعریف این واژه، نوعی دسته‌بندی ضرورت می‌یابد.

در کلان شهر تهران گسترش فراتر از محدوده شهر اتفاق افتاده است که این گسترش فراهسری را به خودسته می‌توان تقسیم کرد:

(۱) سکونتگاههایی که دارای تعاریف رسمی و قانونی‌اند (مثل شهرها، شهرکها، شهرهای جدید) که مدیریت رسمی دارند و دارای ضوابط و مقررات رسمی‌اند.

(۲) سکونتگاههای خودرو که تعریف قانونی ندارند، مدیریت رسمی مشخصی ندارند و در چارچوب تعاریف رسمی و قانونی

تولسد هنوز خیلی زیاد است. آنها در اعیاد و مراسم خاصی به کانونهای محل تولد خود می‌روند. در سکونتگاههای اولیه این شدت از تباطؤ مستقیم بیشتر است. اما در سکونتگاههای در حال گذار، این ارتباط شکلی کمترنگر به خود می‌گیرد.

سکونتگاههای اولیه در واقع سنگر نشینان اولیه هستند و سکونتگاههای در حال گذار با تغییر در شرایط کالبدی و اجتماعی و کیفیت بهتر می‌توانند جذاب بخشی از جمعیت ساکن در منطقه کلان شهری باشند.

با این حساب تفاوت در ویژگیهای سکونتگاههای نامتعارف محسوس است. به لحاظ اقتصادی، و مشخصاً از نظر شغلی باید اشاره کرد که آنها غالباً شغل ثابتی ندارند. در این زمینه استمرار شغلی و همچنین مهارت شغلی و بیمه بودن یا نبودن مورد توجه قرار گرفت و این نتیجه به دست آمد که آنها در شروع فاقد مهارت یا کم مهارت هستند اما به مرور زمان یا «کسب مهارت» یا «جمع کردن پول» کم کم خود را وارد مشاغل ثابت می‌کنند.

این افراد در آغاز با مشاغل سبار و ناپایدار مانند دوره‌گردی و رانندگی شروع می‌کنند اما امید به آینده‌ای بهتر و مشاغل بهتر دارند و در نهایت خود را از نظر شغلی تثبیت می‌کنند.

از نظر درآمدی، آنها درآمدهای پایینی دارند که می‌توان آن را با جامعه روستایی مقایسه کرد. از نظر امنیت شغلی، آنها معمولاً در مناطق اولیه امنیت شغلی کمتری دارند و در مناطق در حال گذار امنیت شغلی بیشتر می‌یابند. البته نکته‌ای هم وجود دارد و آن اینکه بایستی مسائل را از دید خود ساکنین سکونتگاهها نگاه کرد. آنها بیمه نیستند اما نوعی تأمین اجتماعی و امنیت شغلی غیررسمی دارند؛ آنها منابع درآمدی غیررسمی هم دارند. در مورد شغل آنها ویژگی بارزی مشاهده می‌شود و آن اینکه در سکونتگاههای حاشیه‌ای شغل دوم در خانواده مربوط به فرزندان - و نه زنان - خانوار است.

در مورد ویژگیهای کالبدی باید گفت که تراکم جمعیتی و ساختمانی در آنها خیلی بالا، سطح اشغال بسیار بالا، سطح زیربنا بسیار بالا، سرانه‌های خدماتی بسیار پایین، و اغلب نیز طبقه ساختمانی کم و خانه‌ها معمولاً یک طبقه‌اند.

غالباً واحدهای مسکونی تک واحدی هستند که این بیانگر نیاز آنها به استقلال است. تراکم خانوار در واحد مسکونی آنها پایین است. سرانه‌های مسکونی کم، و سایر کاربرها نیز بسیار پایین تر از حد معمول است!

مصالح غالباً با دوام اما عمدتاً باز یافتنی اند و نحوه ساخت هم مشکل دارد. به لحاظ مصالح باز یافتنی و شیوه سنتی ساخته اصولاً ساختار واحدها با دوام نیست. در نتیجه آنها با وجود آنکه عمر چندانی ندارند اغلب فرسوده شده‌اند.

● آیا تقصیر و تحولی هم در این سکونتگاهها اتفاق افتاده است؟ آیا نوع این سکونتگاهها تغییری داشته است؟

○ دقیقاً همین طور است. چون آنها حاصل شرایط کلان اقتصادی - اجتماعی و سیاسی خاصی هستند. در زمانها و مکانهای متفاوت مختلفند. چنانکه در نظریات اولیه این سکونتگاهها را غالباً منگی و مکان جرم و جنایت و شرارت تلقی کرده‌اند اما در نظریات جدیدتر دیدگاهها تغییر کرده و نگاه عوض شده است. شاید این ریشه در همین تغییرات داشته باشد.

بررسی تحولات در مجموعه شهری تهران حاکی از آن است که تا قبل از سال ۱۳۷۰ مکان این کانونها داخل شهر تهران بوده، اما پس از آن این کانونها به بیرون از تهران انتقال یافته است (به دلیل کنترلهای شدید داخل محدوده و پاک‌سازیها)؛ اگر چه هنوز هم یکی دو محله حاشیه نشین داخل محدوده باقی مانده است. اما

جدی نیست.

● حرکت به بیرون از محدوده تهران قبل از دهه ۷۰ شروع شده است؛ مثلاً اسلامشهر، سلطان آباد و امثال آن محصولات دهه ۶۰ و حتی قبل از آن هستند.

○ این درست است. اما من می‌گویم که وجود سکونتگاههای حاشیه‌ای در داخل محدوده تهران قبل از دهه ۷۰ جدی بوده و پس از آن چندان محسوس نبوده است؛ و الاً پدیده‌هایی چون اسلامشهر و زورآباد کرج حتی قبل از انقلاب شروع به رشد کرده‌اند. در هر حال تا پیش از دهه ۷۰ فراوانی و نمود بصری کانونهای حاشیه‌ای در تهران خیلی بیشتر بود ولی کنترلهای شدید آنها را به بیرون از تهران منتقل کرد.

● شما با توجه به کار پایان نامه خودتان و دیگران، چه علل و عواملی را در شکل گیری و دوگرفونی سکونتگاههای حاشیه‌ای دخیل و سهمیم می‌دانید؛ آیا این علل و عوامل هم در طول زمان تغییر کرده‌اند؟

○ این علل را باید در سطوح مختلف نگریست - از سطح ملی تا منطقه‌ای و سپس محلی. در سطح ملی عدم تعادل در پراکنش مرزها، منابع و فعالیتها از مهم ترین علتهاست. نبود امکانات خدمات و اشتغال عامل اصلی جابجاییهاست. سرمایه گذارهای دولتی نیز عامل مهمی در این نحوه توزیع بوده است. اختلاف و نابرابری بین مناطق موجب مهاجرت جمعیت به مناطق و تقاطعی که شغل و درآمد بیشتری در آنها وجود داشته. گردیده است. بررسی ما هم نشان داد که وجود شغل در حاشیه‌ها عامل عمده‌ای در جذب جمعیت به آنها بوده است.

در سطح منطقه‌ای هم اگر مدیریت و نظارت و کنترل کافی وجود داشته باشد، می‌توان از تکرار این پدیده جلوگیری کرد.

● آیا منظور شما از منطقه، کلان منطقه است یا اینکه سطح خرد منطقه‌ای و مجموعه شهری را هم مدنظر دارید؟

○ نه، منظور من حتی سطح کلان منطقه هم هست. یعنی در این میان توزیع جمعیت و فعالیت و خدمات نیز مؤثر است. اما وقتی به سطوح اجرایی نزدیک می‌شویم، مثلاً در مجموعه شهری تهران مشکل به چشم می‌خورد. مدیریت منطقه کلان شهری وجود ندارد اما انواعی از نظارتها مشاهده می‌شود (مانند بخش دارپها، دهزار پها، شهرداریهای کوچک) که البته نمی‌توانند هماهنگ شوند.

در سطح محلی هم وجود زمینهای ارزان قیمت، فقدان کنترل و نظارت عملی برای شکل گیری کانونهای حاشیه‌نشینی است.

بدین ترتیب، این سه سطح هر کدام تأثیر خود را در پیدایش این سکونتگاهها دارند؛ اول (ملی) مسائل کلان را توجه می‌دهد، دومی عوامل قبل از شکل گیری و سومی دلایل شکل گیری و حتی مکان یابی این سکونتگاههاست.

● به نظر شما آیا طرحها، برنامه‌ها، نظام تصمیم گیری و مدیریت شهری هم در مهار یا کنترل این سکونتگاهها نقش دارد یا خیر؟

○ بله، قطعاً همین طور است. من فکر می‌کنم در همان سه سطحی که گفته مدیریت و طرحها تأثیر دارند. من با توجه به ۱۵ سال سابقه کار روی تهران بایستی بگویم که به رغم آنکه از دهه ۵۰ به این سو باز قه‌های گسترش کلان شهر تهران مشاهده می‌شود، هیچ طرح و برنامه‌ای برای هدایت و نظارت این محدوده و مجموعه وجود نداشته است. تا سال ۱۳۷۰ که طرح ساماندهی تهران تهیه شد. اغلب طرحها تنها متوجه داخل محدوده تهران بوده، و به مسائل مجموعه شهری تهران توجهی نمی‌شد و در واقع از فعل و انفعالات پیرامون تهران غفلت می‌شد. حتی طرح

ساماندهی تهران هم کافی نبود. بدین ترتیب تا این زمان توجه کافی به توسعه منطقه کلان‌شهری تهران وجود نداشته است.

با توجه به جایگاه‌های وسیع جمعیتی و فعالیتی در محدوده تهران بزرگ (از حدود سال ۱۳۵۵ به این سو) نیاز به طرح‌ها و مدیریت فراتر از محدوده شهر تهران کاملاً احساس می‌شد، تا اینکه طبق مصوبه ۱۳۷۴ هیئت وزیران مقرر گردید برای تهران و کلان‌شهرهای کشور طرح مجموعه شهری تهیه شود تا مسائل کلان‌شهر به نوعی حل گردد (بعد از مسائلی که پیش آمد).

نکته دوم آنکه، در شهرهای پیرامونی تهران هم طرح‌ها و اقدامات کافی نسبت به شرایط محلی نداشته‌اند. مثلاً در طرح‌های صالح‌آباد استانداردها و ضوابط شهرسازی معمول شهرهای ایران پیش‌بینی گردیده و هیچ توجهی به شرایط محلی آن نشده است. یکسان‌نگری در طرح‌ها و ضوابط، همواره مشکل اساسی بر خورد با این گونه سکونتگاه‌ها بوده است.

● حال اگر بخواهیم تغییری در این کانون‌ها ایجاد کنیم، آیا شما در مورد راهکارهای عام و کلی به منظور سامان دادن به این سکونتگاه‌ها فکر کرده‌اید؟ اگر گزینه تخریب و بازسازی را کنار بگذاریم، به نظر شما برای سامان دادن این سکونتگاه‌ها چه باید کرد؟

○ به نظر من راهکارهای ملی و منطقه‌ای بسیار مؤثرترند. من در این زمینه معتقد به پیشگیری ام، و راه‌حلهای موضعی را چون تبعی دودم می‌دانم. یعنی سکونتگاه‌های خودرو پس از گذشت مدتی رشد می‌کنند، رسمی می‌شوند و سپس عادی می‌شوند. آنها در شروع رشد بسیار بالایی دارند، اما به تدریج و با حاکمیت ضوابط و رسیدن به حدی از جمعیت، رشدشان متوقف می‌شود و سپس در نقطه‌ای دیگر شروع به رشد می‌کنند. پس مهم‌ترین راهکارها باز هم ساز و کارهای تبادلی بخشی ملی و منطقه‌ای هستند.

در مورد راهکارهای موضعی و محلی باید گفت که در این سکونتگاه‌ها کمترین مداخلات صورت گرفته است و در واقع امکان مداخله در آنها بسیار کم است. طرح‌ها بایستی بسیار مینیاتوری و ظریف برخورد کنند. در داخل بافت این سکونتگاه‌ها تراخی خالی وجود دارد که امکان برخی مداخلات را می‌دهد.

قدم اول در این زمینه، مشخص کردن محدوده و قلمرو این سکونتگاه‌ها، با کمربند سبز یا هر شکل دیگری است. قدم دوم، برخورد‌های مینیاتوری در داخل بافت با استفاده از امکانات موجود (راضی خالی و فضاهای ایجاد شده به وسیله دولت) است.

استفاده چندمنظوره از فضاهای ایجاد شده (آموزشی، بهداشتی، ورزشی) در این کانون‌ها رواج دارد، در نتیجه می‌توان در آنها فضاهای چندمنظوره ایجاد کرد.

دخالت سازمان‌ها می‌بایست فراتر از وظایف معمول آنها صورت گیرد.

● به ضوابط و مقررات شهرسازی اشاره کردید. من در کار خودم و دیگران متوجه شدم که اصولاً آنچه در وضع موجود این سکونتگاه‌ها وجود دارد، متفاوت از ضوابط و استانداردهای مرسوم و متعارف شهرسازی است؛ یعنی مثلاً در اسلام شهر تعداد مدارس و مساجد و امثال آن زیاد است، اما سطح و سرانه آنها کم است؛ این یعنی تعداد بیشتر، توزیع بیشتر اما مساحت کوچک‌تر. با این وصف فکر می‌کنید چگونه می‌بایست برای آنها ضوابط و مقررات وضع کرد؟

○ همان گونه که گفتیم، برخورد با اینها باید مینیاتوری باشد. کار در این سکونتگاه‌ها نوعی بهسازی بافت است، در نتیجه

بایستی بسیار ظریف عمل کرد. البته استانداردهای متعارف ساختمانی شرایط این سکونتگاه‌ها نیست. باید متناسب با شرایط محلی آنها (ظرفیتها و امکانات موجود) حرکت کرد و آنها را سامان داد. شما به کوچک بودن و توزیع اشاره کردید. من در همین منطقه مشوجه شدم که مدرسه‌ای که دولت ایجاد کرده بود سنگینی خاصی داشت؛ یعنی با بافت همجوارش هیچ تناسبی نداشت! این خودش نوعی هراس از آموزش و مدرسه را ایجاد می‌کند پس استانداردهای عام همیشه نمی‌تواند لزوماً مناسب باشد بلکه بایستی ضوابط خاص آنها را پیدا کرد. این سکونتگاه‌ها متأسفانه نه شهر هستند و نه روستا، اما هم معایب شهرها را دارند و هم معایب روستاها را.

● حرکاتی در نیمه دوم گذشته صورت گرفته است، که از جمله آنها می‌توان به تخریب سکونتگاه‌های ناهنجار اشاره کرد. آیا شما این حرکات را در حل مسئله مؤثر می‌دانید؟

○ اساساً این شیوه برخورد در چند جهتی رد شده است. آنها از نظر سیاسی محافظه‌کار هستند، البته در صورتی که معیارهای حداقلی آنها به هم نریزد. تخریب علاوه بر مسائل اجتماعی خاص خود، مسائل دیگری را نیز ایجاد می‌کند.

نکته‌ای دیگر که باید اشاره کنیم این است که بافت این سکونتگاه‌ها به گونه‌ای است که دخالت بعدی در آنها برای ساماندهی، بسیار مشکل است. علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد، یعنی بایستی جلوی شکل گرفتن اینها را از سطوحی که گفتیم گرفت. من معتقدم قبل از شکل‌گیری و در آغاز شکل‌گیری بایستی جلوی ساخت و ساز را گرفت؛ و الا وقتی شکل گرفتند دیگر تخریب آنها راه حل مسئله نیست!

● به هر حال این سکونتگاه‌ها مکان اسکان کم درآمد هستند. اینجا تنها مغزی است که راننده‌دگان از کلان‌شهر را جذب می‌کند و در واقع نوعی راه‌حل اسکان آنها تلقی می‌گردد. اشاره شد که مدیریت شهری و مجموعه شهری هم در این زمینه وجود ندارد، یا با مشکل مواجه است. در نتیجه این سکونتگاه‌ها وجود دارند و در غیاب مدیریت کلان‌شهری، باز هم توسعه می‌یابند. برای حل مشکل آنها چه باید کرد؟

○ با فرض اولیه شما بحث متفاوت خواهد شد. ما در کار خودمان به این نتیجه رسیدیم که ساکنان دو سکونتگاه مورد بررسی (حصار چوپان و صالح‌آباد) اغلب جاذب مهاجران روستایی بوده‌اند؛ یعنی کسانی که شاید در نقاط دیگر در محدوده کلان‌شهر (اما نه داخل کلان‌شهر) زندگی کرده‌اند. بحث شما در مورد نظر گرفتن کم‌درآمدها در طرح‌ها و ضوابط نیز درست است. اما من راه‌حل را اساساً در ایجاد تشکیلات و فراهم‌سازی بستر مشارکت مردمی می‌بینم. باید زمینه و بستر شکل‌گیری تشکیلات مردمی را در این سکونتگاه‌ها فراهم ساخت (و امر ساماندهی را هم به خود آنها واگذار کرد).

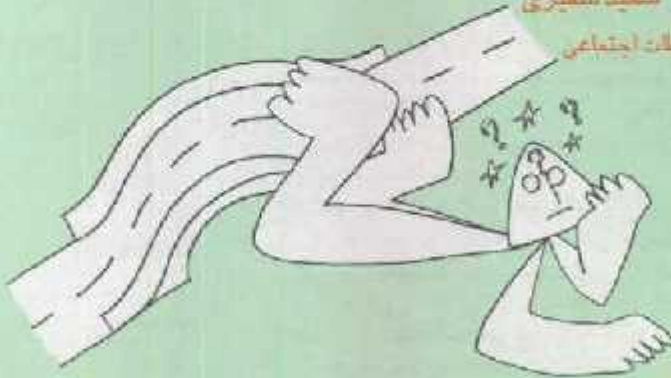
من فکر می‌کنم راه‌حلی را بایستی با توجه به شرایط و ویژگی‌های سکونتگاه‌های خاصی پیدا کرد. ارائه راه حل نیز خود به کار گسترده‌ای نیاز دارد. ما در کلیات حرف‌های زیادی زده‌ایم، اما موشکافانه به قضیه نپرداخته‌ایم. به نظر می‌رسد که می‌بایست مرکزی مطالعاتی ویژه‌ای و مشخصات این سکونتگاه‌ها را مورد بررسی قرار دهد و راه‌حلهای عملی و اجرایی نیز از دل آن مطالعات استخراج شود.

● با تشکر فراوان از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

استراتژیهای عمران شهری از نگاه شوراها

سعید سفیری

کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی



کارشناسان چه می‌گویند؟

هنگامی که دلایل خطای برخی از طرحهای عمران شهر در برآورد نیازهای شهروندان و شهر، از دید کارشناسان مورد بررسی قرار گیرد، مسائل مختلفی مطرح می‌گردد. کامران ذکاوت، طراح شهری و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، در باره دلایل خطای استراتژی طرحهای عمران شهری چنین می‌گوید: «در مطالعات دقیق باید چارچوب طرحهای عمرانی کاملاً مشخص باشد. در کشور ما کسی به تدوین استراتژی طرحهای عمرانی، که مطالعه بسیار پراهمیتی است، بهمانی ندهد. مطالعه استراتژیک جهت گیری شهر را در آینده تبیین می‌کند.»

ذکاوت شاهد کلام خود را از چارچوب طرح جامع تهران می‌گیرد و معتقد است: «به عنوان مثال، چارچوب طرح جامع تهران فاقد جامعیت است. این طرح مبنای طرحهای تفصیلی مناطق تهران قرار خواهد گرفت، و در واقع کار در مناطق تهران برطبق این طرح نه چندان دقیق ادامه خواهد یافت، در حالی که طرح بالادست اصولی نیست و هنوز چارچوب استراتژیک آن نامشخص است. ابعاد کیفی و پایدار نیز در آن مشخص نیست، و به طور کلی نوعی نگاه سستی در آن به چشم می‌خورد. اما مشکل فقط در طرح جامع خلاصه نمی‌شود. خیلی از طرحها همین مطالعه موردی را ندارد و به تناقضها دامن زده است. به عنوان مثال، بزرگراهها با نگرشی سستی صرفاً از نظر حل مشکل ترافیک دیده شده‌اند و در نتیجه معضلات زیست محیطی آنها نادیده مانده است.»

یکی از مشکلات مدیریت شهرها در ایران، اجرای طرحهای عمرانی در گوشه و کنار شهر است، به گونه‌ای که این طرحها در عمل هیچ ارتباطی با نیازهای شهر و شهروندان ندارند. از این دست است برپایی بازاری پردوی پل، ایجاد مسیر کندرو در خیابانهای عریض، کشیدن بولوار در شهری گرمسیر بدون در نظر گرفتن فضای سبز سایه‌دار آن، ساخت بزرگراههایی در وسط شهر که در آنها مسیر امن برای حرکت عابران نادیده گرفته شده است، و شاید صدها مورد دیگر که با نگاهی ساده در شهرهای ما می‌توان مشاهده کرد. اگر ثروتی بیکران و زمانی نامحدود برای تجربه در اختیار می‌بود، حتماً کسی بر این موارد خرده نمی‌گرفت؛ اما در دنیای امروز هزینه هر اشتباه بیش از هزینه اجرای آن است. این گونه زمان از دست می‌رود و راه آمده دوباره طی می‌شود، و از سر گذراندن این دوره همگان را از مسیر رفع نیازهای شهروندان دور می‌کند. بدین ترتیب چه بسا تحقق برنامه‌ها در این عرصه دهها سال به عقب رانده می‌شود و آنچه بر جای می‌ماند بی‌اعتمادی مردم به مدیریت شهری است. همین بی‌اعتمادی باعث می‌شود که مدیریت شهری در جلب مشارکت مردمی ناموفق بماند و همچنان برای پیشبرد برنامه‌های خود چشم به کیسه دولت بدوزد. این گزارش در پی محکوم کردن مدیران شهری نیست، بلکه بیان دیدگاه و دلایل خطای دید استراتژی طرحهای عمران شهری را مدنظر دارد.

**در کشور ما کسی به تدوین استراتژی
طرحهای عمرانی، که مطالعه بسیار پراهمیتی
است، بها نمی دهد**

**شکل گیری غیر اصولی و نامناسب شهرها
ناشی از ساختار سیاسی و اقتصادی کشور
است**

علیرضا خلیج، کارشناس ارشد برنامه ریزی شهری و قائم مقام گروههای نظارت شورای شهر تهران، بحث خود را با این سؤال آغاز می کند: «آیا ما اساساً دارای استراتژی و برنامه ای جامع و مدون در خصوص شهرها هستیم؟»

وی از واژه «بازگاری» برای بیان نظر خود در مورد اشتباهات استراتژی طرحهای عمران شهری و تکرار آن استفاده می کند و می گوید: «بحث بازگاریها اینجا به میان می آید که شکل گیری غیر اصولی و نامناسب شهرها ناشی از ساختار سیاسی و اقتصادی کشور است. ریخت شهرها چنان رقم زده شده که مشکلات عدیده و درهم تنیده ای را پیش روی همگان قرار داده است. در چنین فضایی فعالیتهای مقطعی نه تنها مشکل را حل نمی کند، بلکه این بیمار رنجور را خسته تر هم می سازد. صرف نظر از مسئله اساسی مذکور، می توان گفت که بازگاری و تکرار مکررات به صورت فرهنگی رایج در تمام عرصه های فعالیتی و سیاستگذاری در آمده است و در خصوص فعالیتهای شهری این مسئله بارزتر هم هست.»

وی دلایل دوباره کاری در فعالیتهای شهری را چنین

**برنامه های عمران شهری در برنامه سوم
توسعه، مفهومی اداری است و نه علمی و
عملی. در استراتژی طرحهای عمران شهری
قبل از پرداختن به چه باید کردها، همواره چه
نباید کردها مطرح می شوند.**

بهرمی شمارد: «فقدان انسجام در مدیریت و تدوین برنامه شهر، نگرش تک سویه و کالبدی به شهر، شکل گیری بی ضابطه و غیر اصولی شهر، عدم درک صحیح از کارکردهای واقعی شهر، عدم ارتباط میان سازمانهای مطالعاتی و تحقیقاتی با بخشهای اجرایی و عملیاتی، نبود نیازسنجی و درک صحیح از مشکلات شهروندان، عدم به کارگیری تجارب دیگر کشورها در اجرای طرحهای شهری، عدم ثبات و پایداری در روند اجرای طرحهای عمران و اعمال روش آزمون و خطا در فعالیتهای اجرایی، و مسائلی از این دست.»

غلامرضا کاظمیان، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، مشکلات استراتژی طرحهای عمران شهری را در برنامه های توسعه دولت جست و جو می کند، و چنین اظهار می دارد: «برنامه های عمران شهری در برنامه سوم توسعه، مفهومی اداری است و نه علمی و عملی. در استراتژی طرحهای عمران شهری قبل از پرداختن به چه باید کردها، همواره چه نباید کردها مطرح می شوند. هر پروژه ای را نمی توان پروژه عمرانی شهری تلقی کرد و بودجه را هدر داد. گاهی برخی از شهرداریها، سلیقه ای و موردی عمل می کنند و توجه ندارند که این طرحها کارکردی هم دارد یا خیر.»

وی تمرکز بحث را بیشتر در این نکته می داند که برخی از شهرداران شناخت تخصصی ندارند و می خواهند کارهای خود را به سرعت در معرض دید مردم قرار دهند. بنابراین در کوتاه مدت، پروژه های کوچک و قابل اجرا را به میدان عمل می آورند.

پرویز کردوانی، متخصص آب و بیابان در ایران، که سالها در شهرهای گرمسیری و بیابانی ایران به تحقیق پرداخته و بارها شاهد اجرای پروژه هایی بوده است که با اقلیم و شرایط زیست محیطی مردم منافات داشته اند، در این زمینه چنین می گوید: «در استراتژیهای عمران شهری، برنامه ریزی دقیقی انجام نمی شود و طراحان شرایط طبیعی منطقه و شهر را جدی نمی گیرند. این در حالی است که در اجرای طرحهای عمرانی، علاوه بر مسائل فنی و اجرایی، باید به اقلیم و امکانات آبی و همچنین فرهنگ و سنت مردم دقت فراوان کرد.»

کردوانی با اشاره به این مسائل، می گوید: «ساخت بولواریهای عریض در شهرهای گرمسیری و بیابانی کار مثبتی است، اما به شرطی که آب کافی برای آبیاری فضای سبز آن وجود داشته باشد. در عین حال نباید فراموش کرد که در ایجاد فضا برای شهرهای گرمسیری باید از گیاهان سایه دار - که آب کمتری نیاز دارند و در عین حال هوا را خنک می کنند - استفاده کرد. مثلاً در این شهرها نباید به دنبال کاشت چمن در زمین وسیع رفت چون آب زیادی مصرف می کند و در خنک کردن هوا نیز نقشی ندارد.»

وی با تأکید بر تخصص و تجربه چنین می‌افزاید: «مادر کشوری کم آب زندگی می‌کنیم که سرانه بارندگی در آن کمتر از یک سوم سرانه بارندگی دنیاست. یعنی ما باید کمتر از یک سوم دیگر مردم دنیا آب مصرف کنیم. استراتژی طرحهای عمران شهری در کشور را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن این مسائل تدوین و اجرا کرد.»

اعضا شورا چه می‌گویند؟

آن دسته از طرحهای عمرانی که با نیازهای شهروندان و شهر همخوانی و ارتباط ندارند، مورد اعتراض افکار عمومی اند. در این میان شوراها - که نماینده افکار عمومی در مدیریت شهری تلقی می‌شوند - دیدگاههایی را با ذکر نمونه از شهرهای خود، به ماهنامه شهرداریها ارائه داده‌اند. با اینکه قانون مسئولیت بررسی طرحهای عمرانی را به شوراها تفویض نکرده است، و در این باره همگان (از وزارت مسکن و شهرسازی گرفته تا فرمانداری و شهرداری) فقط دیدگاههای خود را اعمال می‌کنند، اما مردم شوراها را مسئول این تصمیم‌گیریها می‌دانند و از آنان انتظار دارند تا در مقابل مواردی که بودجه اندک شهرها را می‌بلعد و دردی از مشکلات آنان را حل نمی‌کند، موضع‌گیری و مقابله کنند.

محمد باقر بهشتی، عضو شورای اسلامی شهر تبریز، در باره استراتژی نادرست برخی از طرحهای عمرانی که در شهرها اجرا می‌شود، چنین می‌گوید: «در فعالیتهای عمرانی نباید خود پروژه را هدف قرار داد بلکه هدف اصلی همانا شهر است. وقتی شهر و رسالت آن تعریف شود، آن گاه نقش و جایگاه همه چیز مشخص می‌شود.»

وی یکی از مشکلات جامعه شهری کشور را نداشتن تعریف درست و دقیق از طرح آمایش زمین می‌داند و معتقد است: «ما نتوانستیم برای شهرها طرح آمایش سرزمین را به شکلی درست تبیین کنیم؛ یعنی در واقع در تعریف رابطه انسان، فضا و فعالیت درماندیم. ما باید مشخص کنیم که در یک جامعه شهری چند نفر در چه فضایی زندگی می‌کنند و چه فعالیتی انجام می‌دهند. اگر اینها را پاسخ دهیم، مشکلات تا حدی حل می‌شوند.»

بهشتی عامل دیگر مشکلات طرحهای عمرانی را مدیریت شهری قبل از تشکیل شوراها می‌داند و می‌گوید: «مدیریت شهری در ایران قبل از تشکیل شوراها یک مدیریت سیاسی بود و وزارت کشور شهردار را انتخاب می‌کرد. در کنار مدیریت سیاسی شهرها و فقدان طرح آمایش سرزمین، دیدگاههای موقتی و سلیقه‌ای بر مدیریت شهر حاکم شد. مدیریت شهری با بینش سیاسی نمی‌تواند شهر را تأسیس یا اداره کند. وقتی شهرداران منصوب با بینش سیاسی روی کار آمدند، طرحهایی را - به خصوص در شهرستانها -

در فعالیتهای عمرانی نباید خود پروژه را هدف قرار داد بلکه هدف اصلی همانا شهر است

اجرا کردند، که با نیازهای شهر از تباطؤ منطقی نداشت. به همین دلیل فضاهای سبز و فرهنگی در شهرها، جایگاهی در طرحهای عمران شهری نداشت. شهرداران طوری شهر را تعریف کردند که آن را با فروش تراکم اداره کنند. در این میان پروژه‌هایی را اجرا کردند که چه بسا برای شهر در آمد هم ایجاد کرده، اما رفاه شهروندان را تقلیل داد یا از بین برد. ما فکر می‌کنیم کارهای عمرانی انجام می‌دهیم، در حالی که امنیت شهروندان را از آنان می‌گیریم.»

بهشتی دیگر مشکل کشور ما در این زمینه را، عدم توجه به جایگاه مدیران در نظام تصمیم‌گیری می‌داند، و معتقد است: «در کشور ما مدیریت بهای مناسبی ندارد. برای مدیران بی‌تجربه یا تحصیل‌نکرده بیش از اندازه سرمایه‌گذاری می‌شود و پس از آنکه آنان کار آموخته شدند، کنار گذاشته می‌شوند و دوباره مدیران بی‌تجربه وارد عرصه می‌گردند. یعنی به محض رسیدن به نقطه مطلوب، دوباره وضعیت به صفر برمی‌گردد.»

این عضو شورای شهر تبریز، به مانند بسیاری از اعضای شوراهای مدیران شهری، بر فقدان مدیریت واحد شهری تأکید می‌کند و می‌گوید: «در کشور ما مدیریت یکپارچه شهری وجود ندارد. هر کس در شهر کار خود را می‌کند؛ وزارت مسکن و شهرسازی کار خود را می‌کند و ما هم کار خود را. شهرداریها و شوراهای عالی شهرسازی جایگاهی ندارند. در عین حال، وزارت مسکن در تهیه طرحهای جامع و تفصیلی از زمان عقب مانده است. شهرداری در این شرایط نمی‌تواند استراتژی درستی تدوین کند. علاوه بر آن امکان تغییر در طرحهای عمرانی مصوب شورای عالی شهرسازی و هر نهاد دیگری، در کمیسیون ماده ۵ وجود دارد. این تغییرات گاهی کار را بدتر می‌کند.»

بهشتی نمونه‌ای از طرحهای عمرانی را که در شهر تبریز برای شهروندان دردسر ساز بوده است، چنین ذکر می‌کند: «پیش از استقرار شوراهای در بولوار ۸۰ متری روبروی دانشگاه تبریز، یک پل هوایی ساختند، که قرار بود بر روی آن فضای تجاری ایجاد کنند. هزینه این طرح در آن زمان ۵۰۰ میلیون تومان بود. این طرح را در شهری اجرا می‌کردند که تعداد مغازه‌ها و فضاهای تجاری آن بیش از حد نیاز است. به علاوه، اصولاً ساختن فضای تجاری در مقابل دانشگاه، و مشرف به آن، نادرست است. با اعتراض دانشجویان و شهروندان به این موضوع، پروژه مذکور پس از گذشت چند سال هنوز نیمه‌کاره است. با نظر شورای تأمین شهر و شورای شهر بخشی از مغازه‌ها که روبروی دانشگاه تبریز بود، تخریب شده و شهرداری هنوز نمی‌داند با بقیه مغازه‌های روی پل چه کند. با

ما توانستیم برای شهرها طرح آمایش سرزمین را به شکلی درست تبیین کنیم؛ یعنی در واقع در تعریف رابطه انسان، فضا و فعالیت درماندیم

تخریب مغازه‌های روی پل مجاور دانشگاه، تاکنون حدود ۲۰۰ میلیون تومان سرمایه در این پروژه تلف شده است و این زیان بیشتر هم خواهد شد.»

محمدجواد ایزدی، عضو شورای شهر همدان، در بیان استراتژی نادرست برخی از طرح‌های عمرانی در شهرهای ایران چنین اظهار داشت: «مایا از تجربیات کشورهای پیشرفته سود نمی‌بریم و یا از آنها به غلط استفاده می‌کنیم. چرا در شهرهای بزرگ دنیا از این اتفاقات رخ نمی‌دهد؟ ما باید به سراغ تجربیات کشورهای چون ترکیه و آذربایجان برویم. اینها همسایگان ما هستند و به مشکلاتی مشابه دچار بوده‌اند.»

ایزدی، که در امریکا تحصیل کرده است، می‌گوید: «در حاشیه و وسط بزرگراهها در امریکا فضای سبز ایجاد می‌کنند و در صورت نیاز به گسترش بزرگراه در آینده فضای سبز وسط را کمتر می‌کنند. این یعنی برنامه‌ریزی برای آینده. در عین حال در فضای سبز حاشیه بزرگراهها هم برای مردم زمینهای تفریحی و ورزشی تأسیس می‌گردد. ما طرح‌های عمران شهری خود را بدون آینده‌نگری، و گاه نیز به شکلی کاملاً تقلیدی، انجام می‌دهیم.»

آن دسته از طرح‌های عمرانی که بدون نگاه به واقعیت‌های زیست محیطی به اجرا درمی‌آیند، پیامندی جز صرف بودجه‌های کلان در زمان حال و آینده نخواهند داشت

او با اشاره به ایجاد مسیر «کندرو» در یکی از خیابانهای اصلی شهر همدان، می‌گوید: «این خیابان چهار بانده داشت. دوبانده آن مسیر کندرو شد تا ماشینهایی که می‌خواستند با سرعت عبور کنند، از وسط بروند. حال قسمت کندرو به محل پارک ماشینها مبدل شده و عرض خیابان از بین رفته است. پلیس بلا تکلیف است که با ماشینهای پارک شده در محل کندرو چکار کند. ترافیک نیز سنگین‌تر شده، تعداد تصادفات افزایش یافته و کسانی که در کنار این خیابان صاحب مغازه بودند از پارک ماشینها در مقابل مغازه خود ناراحت و ناراضی‌اند. در واقع طرحی اجرا شده است که همه از اجرای آن ناراحت و عصبانی هستند.»

ایزدی یکی از دلایل اساسی در بروز چنین مشکلاتی را تغییر نقشه‌های طرح تفصیلی در کمیسیون ماده ۵ می‌داند. او می‌گوید این تغییرات با طرح جامع شهر هماهنگی ندارد.

در عین حال وقتی می‌خواهند برای شهری چون همدان طرح جامع بنویسند، سلیقه‌ها و نگاههای غیر کارشناسی به مشاور طرح دیکته می‌شود.»

وی به بولوار بهشت یا بولوار جاده تهران اشاره می‌کند که در اطراف آن مغازه‌های تعویض روغن دایر شده است و می‌گوید: «در طرح‌های جامع شهری بولوار با فضای سبز دیده می‌شود؛ اما در طرح تفصیلی، نقشه عوض می‌شود و جای فضای سبز را تعمیرگاه می‌گیرد. هیچ قانون مشخصی هم برای برخورد جدی با متخلفان

ما فکر می‌کنیم کارهای عمرانی انجام می‌دهیم، در حالی که امنیت شهروندان را از آنان می‌گیریم

امکان تغییر در طرح‌های عمرانی مصوب شورای عالی شهرسازی و هر نهاد دیگری، در کمیسیون ماده ۵ وجود دارد. این تغییرات گاهی کار را بدتر می‌کند

وجود ندارد. در نهایت از آنان جریمه می‌گیرند، و آنان هم کار خود را انجام می‌دهند و منبع درآمدی برای شهرداری می‌شود.»

اسفندیار عشوری، رئیس شورای شهر ساری، در باره استراتژی نادرست برخی از طرحهای عمران شهری، در گفت و گو با ماهنامه شهرداریها چنین اظهار می‌دارد: «طرحهای شهری را مهندسان مشاور برای شهرستانها می‌نویسند که عموماً غیربومی و نا آشنا به فرهنگ و اقتصاد منطقه هستند. در نتیجه هنگام اجرا به دلیل تطابق نداشتن طرحها با توانمندیهای مالی شهرداریها و بافت اجتماعی و فرهنگی، ساکنان آن شهر با مشکلات جدی روبرو می‌شوند. به عنوان نمونه، هزینه اجرای طرح تفصیلی شهر ساری ۱۹۰ میلیارد تومان برآورد شده است، که ۵۰ درصد این هزینه را سازمانها و اداره‌های دیگر برای سرانه‌های مورد نیاز آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، ورزشی و نظایر اینها تأمین می‌کنند، و مابقی نیز بر عهده شهرداری است. در بهترین شرایط، شهرداری ساری با توجه به درآمد آن، فقط ۱۵ درصد از سهم خود را می‌تواند تأمین کند. به همین دلیل بود که شور و شهرداری به این طرح رأی ندادند و آن را اجرا نداشتند بر شمرند. اما شهرداری به رغم خواسته خود و به دلیل تأیید طرح به وسیله سازمان مسکن و شهرسازی، استانداری، میراث فرهنگی و جهاد کشاورزی مجبور به اجرای ناقص آن شد.»

شوراها در کمیسیون ماده ۵ نماینده ندارند و اگر دیدگاه صحیحی نسبت به طرحهای شهری داشته باشند، از نظر قانونی نمی‌توانند دیدگاه خود را اجرا و یا اعمال کنند

در اجرای طرحهای عمرانی، علاوه بر مسائل فنی و اجرایی، باید به اقلیم و امکانات آبی و همچنین فرهنگ و سنت مردم دقت فراوان کرد

رئیس شورای شهر ساری که خود کارشناس ارشد عمران نیز هست، اعتقاد دارد که مشکلات شهرها را نباید فقط در گذشته جست و جو کرد. وی به طرح نیمه تمام غیر اجرایی اشاره می‌کند که سال گذشته کلنگ آن زده شد، اما تاکنون متوقف مانده است؛ و می‌افزاید: «احداث دوپل زیر گذر راه آهن در شهر ساری، از جمله طرحهای فاقد مطالعه و بررسی کافی بود. برای اجرای این طرح شهرداری ساری تملک زمینهای مورد نیاز اجرای پروژه را به عهده گرفت و راه آهن هم هزینه اجرای آن را پذیرفت. راه آهن اقدام به جابجایی ریلها کرد و شهرداری نیز مسیر خودروها را عوض کرد. در شروع کار و هنگام خاکبرداری، پیمانکار با مانع تأسیسات اصلی شهر، از جمله لوله‌های آب آشامیدنی و گاز مواجه شد. اکنون نزدیک به یک سال است که پروژه نیمه کاره رها شده است. شهروندان به این موضوع معترض اند، چرا که نظم زندگی روزانه آنان به هم خورده است. هنوز تصمیم خاصی هم برای ادامه عملیات گرفته نشده است. اگر مطالعه کافی از طرف مشاور و پیمانکار قبل از اجرا انجام می‌شد، حتماً چنین مشکلاتی رخ نمی‌نمود. مشاور طرح به تازگی پیشنهاد اجرای پل روگذر را داده است که این کار نیز مشکلات خاص خود را دارد.»

در فرایند تهیه و تصویب طرحهای شهری، شهرداریها و شوراهای اسلامی که در واقع مجری طرحهای شهری هستند، کمترین نقش را دارند

مردم و طرحهای عمران شهری

بیشتر اعضای شوراهای شهرستانها، برای طراحی و اجرای طرحهای عمرانی، بر استفاده از متخصصان آشنا به محل و فرهنگ بومی منطقه تأکید دارند. در عین حال نباید اهمیت توسعه پایدار را، که بدون ضربه زدن به محیط زیست و منابع مالی آیندگان محقق می‌شود، در دنیای امروز از نظر دور داشت. آن دسته از طرحهای عمرانی که بدون نگاه به واقعتهای زیست محیطی به اجرا درمی‌آیند، پیامدی جز صرف بودجه‌های کلان در زمان حال و آینده نخواهند داشت. منابع مالی امروز به هدر می‌رود، و فردا باید برای مشکلاتی که طرحهای دیروز پدید می‌آورند، دوباره سرمایه‌گذاری و کار کرد.

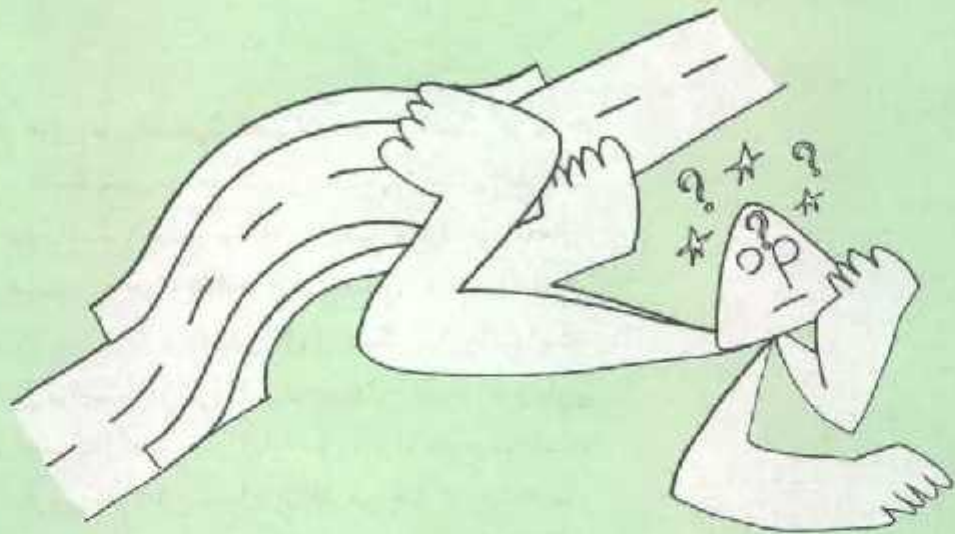
اعضای شورای اسلامی شهرها از اینکه شوراها - و در واقع مردم - نقشی در تصمیم‌گیری در مورد طرحهای عمران شهری ندارند، اظهار نارضایتی می‌کنند.

اسفندیار عشوری، رئیس شورای شهر ساری، کمیسیون ماده ۵ را متولی طرحهای عمران شهری در شهرستانها می‌داند و می‌گوید: «این طرحها در نهایت به تأیید شورای عالی شهرسازی می‌رسند؛ و در صورت لزوم هرگونه تغییری در طرحهای تفصیلی، در صورتی که مغایرت اساسی با طرح داشته باشد، باید با اطلاع و تأیید شورای عالی شهرسازی باشد. در فرایند تهیه و تصویب طرحهای شهری، شهرداریها و شوراهای اسلامی که در واقع مجری طرحهای شهری هستند، کمترین نقش را دارند.»

**در کنار مدیریت سیاسی شهرها و فقدان طرح
آمایش سرزمین، دیدگاههای موقتی و
سلیقه‌ای بر مدیریت شهر حاکم شد. مدیریت
شهری با بیش‌سیاسی نمی‌تواند شهر را
تأسیس یا اداره کند**

حتی در مواردی که شورا و شهرداری با برخی طرحها مخالفت می‌کنند، باز هم طرح اجرا می‌شود. به طور مثال، مشاور طرح تفصیلی شهرسازی بزرگراه ولی عصر این شهر را در دو قسمت تندگذر و کندگذر در نظر گرفته است. اولاً این طرح یا ساخت و سازهایی که در گذشته در حاشیه این خیابان انجام شده است، مغایرت دارد و اجرای چنین طرحی در واقع امکان‌پذیر نیست. در ثانی کندگذرها کارایی مورد نظر مشاور را ندارند و در نتیجه به پارکینگ واحدهای تجاری مسیر بدل می‌گردند و بدین ترتیب از عرض قابل استفاده بزرگراه به شدت کاسته می‌شود، نکته دیگر اینکه اجرای چنین طرحی در دیگر شهرها با شکست مواجه شده است، متأسفانه نظریات شورا و شهرداری در خصوص تغییر این طرحها هنوز به جایی نرسیده است.»

ایزدی، عضو شورای شهر همدان، برای پیشگیری از اشتباه استراتژی طرحهای عمرانی به نظر متخصصان و شهروندان تأکید می‌کند. او معتقد است: «شورای شهر باید متخصصان فنی داشته باشد. در بیشتر کشورهای دنیا حرف آخر در اجرا و طراحی پروژه‌ها



گام اول، پاسخگویی

اما طرح دیدگاهها در باره استراتژیهای نادرست طرحهای عمرانی هنوز پایان نیافته است. هزینه این طرحها از محل بودجه عمومی و یا عوارض مردم دریافت می شود. هیچ کس نمی تواند نسبت به این خطاها که گاه حتی جان و امنیت شهروندان را نیز به مخاطره می اندازد بی تفاوت باشد. شاید بروز اشتباه در طرحهای عمرانی، نشانه گیری و هدف گذاری نادرست آنها، برعهده یک یا چند سازمان مشخص باشد؛ اما حل این مشکل و پیشگیری از تکرار آنها نیازمند اراده ملی است. باید هر کس در هر جا و با هر مقامی، در استفاده بهینه از سرمایه های کشور بکوشد. در اینجا وظیفه سازمانهای نظارتی در برخورد با مسئولانی که با سهل انگاری، مطالعه کم و اندیشه نادرست باعث بروز چنین مشکلاتی می شوند، بسیار با اهمیت است. مدیریتی که در جایگاه خود مرتکب خطایی می شود که باعث به هدر رفتن منابع مالی نسل حاضر و آیندگان می گردد، مسلماً باید پاسخگو باشد. اگر هدف توسعه و پیشرفت کشور، زدودن فقر از چهره شهرها و برآوردن نیاز شهروندان باشد، باید برنامه ریزی برای شهرها را به گونه ای دیگر نگریست.

را شوراهای شهر می زند. در ایران می گویند طبق خواست یا دستور فلان جا این کار باید انجام شود. با ریشه یابی درگیری شوراها و شهرداریها می توان دریافت که یکی از دلایل این مسئله همین پیغام هاست. برای تصمیم گیری در مورد طرحهای عمرانی، در وهله اول باید نظر شهروندان و خواست آنها را جویا شد و دیگر اینکه نباید از متخصصان نا آشنا به محل در این فعالیتها استفاده کرد. همچنین باید از دخالتهای بی مورد و غیر کارشناسی در طرحهای جامع و تفصیلی، به شکل قانونی جلوگیری کرد.

ایزدی یکی از تأثیرات نامطلوب استراتژی نادرست طرحهای عمرانی را، افزایش بی اعتمادی مردم به مدیران و متخصصان می داند. او می گوید: «از کندرو کردن خیابان، عده زیادی ناراضی شده اند، چرا که تضادها افزایش یافته است و تا حال چندین شهروند بابت این قضیه دچار خسارت مالی و حتی جسمی شده اند.»

بهشتی، عضو شورای شهر تبریز، در باره نقش شوراها در اجرای طرحهای عمرانی چنین می گوید: «متأسفانه از نظر قانون هیچ وظیفه ای برای شوراها پیش بینی نشده است. شوراها در کمیسیون ماده ۵ نماینده ندارند و اگر دیدگاه صحیحی نسبت به طرحهای شهری داشته باشند، از نظر قانونی نمی توانند دیدگاه خود را اجرا و یا اعمال کنند.»

محله مسلم بن عقیل، قرائتی نواز باورهای دیروز

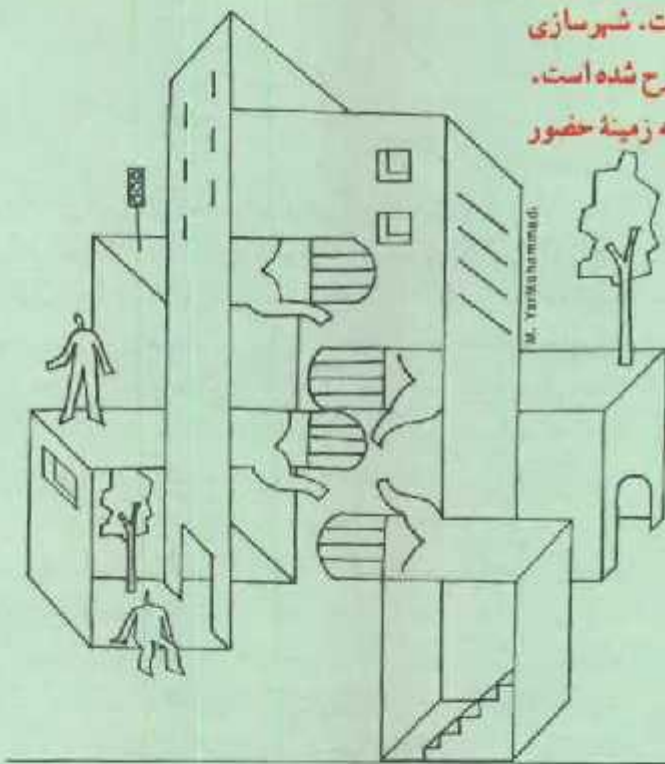
مرجان نکاتی

برنامه‌ریزی در طول زمان دستخوش تغییرات بسیاری شده که بی‌تردید متأثر از تحولات جامعه بشری بوده است. از جمله مهم‌ترین این تغییرات می‌توان به ضرورت جایگاه مشارکت در برنامه‌ریزی اشاره کرد. برنامه‌هایی که مردم در فرایند تدوین، اجرا و نظارت بر آنها حضور نداشته باشند، در دنیای امروز ناممکن و بی‌پاسخ است.

برنامه‌ریزی برای شهرها نیز از این قاعده خارج نیست. شهرسازی مشارکتی رویکردی است که از دهه ۵۰ در اداره امور شهرها مطرح شده است. در کشورها، با روی کار آمدن شوراهای انتظار می‌رفت که زمینه حضور

شهروندان در برنامه‌ریزی شهری فراهم شود و اگر قرار است ما نیز همگام با تحولات جهانی - هرچند با تأخیر - از برنامه‌ریزی از بالا به پایین به سمت برنامه‌ریزی از پایین به بالا حرکت کنیم، شوراهای نهادی باشند برای پرکردن خلأ مشارکت مردم و نهادینه کردن آن. البته رسیدن به شهرسازی مشارکتی، فرایندی تدریجی است که در طول آن مردم و کلیه نهادها و سازمانهای مرتبط با تصمیم‌گیریهای شهری باید رویکرد خود را به مقوله شهرسازی تغییر دهند؛ و این تنها در پرتو یادگیری، تجربه و استمرار میسر خواهد شد.

به همین دلیل از فروردین امسال قرار شده تا در صفحه شورا و مشارکت، به طرح سرفصلی با عنوان شهرسازی مشارکتی پرداخته شود. پس از طرح مسائل نظری در این حوزه، چنین به نظرمان رسید که به میان مردم برویم و از نزدیک تجربه‌های مشارکتی مردم کشورمان را در زمینه شهرسازی مشارکتی لمس کنیم. با این کار چه بسا دشواریهای این راه ناهموار، با تلاش مردمانی که پیش از برنامه‌ریزان دست به کار شده‌اند، اندکی آسان گردد.



محلۀ مسلم بن عقیل، آغاز حرکت

برای یافتن سوژه عملی شهرسازی مشارکتی در کشورمان به گشت و گذاری پرداختیم و در کاشان متوقف شدیم. کاشان شهری است در دل کویر با مساحت ۲۱۰۰ هکتار و جمعیت نزدیک به ۲۴۰ هزار نفر و به قول شاعر این شهر مهراب سپهری، «واحه‌ای در لحظه». وقتی به کاشان رسیدیم دیگر پیدا کردن تجلی شهرسازی مشارکتی چندان دشوار نبود. کافی است در این شهر از مردم کوچه و بازار بپرسید که آیا محلۀ ای را با اقتدار و انسجام و قدرت انتخاب سراغ دارند تا بتوان گزارشی از آن تهیه کرد؛ آن وقت حتماً همه انگشتها به سمت محلۀ مسلم بن عقیل نشانه خواهد رفت.

محلۀ مسلم بن عقیل، یا آن طور که قدیمی‌ترها می‌گویند «میان درب هو»، محلۀ ای است با حدود ۱۵۰۰ نفر جمعیت که از شمال به محلۀ طاهر و منصور، از شرق به محلۀ های باباولی و درب باغ و از جنوب به محلۀ گل چقانه محدود شده است. پیش از مراجعه به محل، اطلاع یافتیم که این محلۀ در جشنواره آموزش شهروندی کاشان (سال ۱۳۸۰) عنوان محلۀ نمونه را به خود اختصاص داده است. تأسیس در مانگاهی مجهز در سه طبقه، احداث یک مدرسه ابتدایی و یک مدرسه راهنمایی دخترانه، احداث و راه‌اندازی سالن ورزشی بانوان، تأسیس و راه‌اندازی صندوق قرض الحسنه، مرمت و آبگیری آب انبار محلۀ و احیا و مرمت و بازسازی گذرهای موجود در محل، از جمله مواردی است که رسماً با مشارکت مردم و همکاری مسئولان

**شاید بهتر آن باشد که پایه‌های جست‌وجوی
دلایل عدم مشارکت، نگاه عمیقی نیز به موارد
مشارکت و ریشه‌های آن بیندازیم**

انجام گرفته است.

بی‌شک مشارکت در اجرای این همه پروژه و در دست داشتن اجرای چند پروژه دیگر همچون احداث پارک و کتابخانه و تعریض معبر در محل، بی‌دلیل نیست. بر آن شدیم تا علت این همدلی را جویا شویم. سؤالهای بسیاری به ذهن می‌رسید، از جمله اینکه: چه ویژگی در مردم این محلۀ هست؟ خواست مردم برای مشارکت در بهسازی محلۀ از کجا ایجاد شده است؟ چه فرد یا نهادی به این خواستها جهت داده است؟ ارتباط این خواستها با شهرداری چگونه برقرار شده است؟ آیا شهرداری در اجرای طرحها پیشقدم بوده، یا مردم آغازگر این امر بوده‌اند؟ آیا می‌توان با الگوبرداری از تجربه این محلۀ در سایر محلۀها - و حتی شهرهای دیگر - نیز از پتانسیل عظیم مردم استفاده کرد؟

مجموعه این پرسشها ما را بر آن داشت که به کاشان برویم و با شهردار کاشان، مسئولان مجموعه شهرداری و سازمان رفاهی - تفریحی شهرداری، مردم محلۀ مسلم بن عقیل و اعضای شورای شهر کاشان به گفت‌وگو بنشینیم. مرکز ثقل تمامی این گفت‌وگوها - همان گونه که در ذیل خواهد آمد - تأکید بر محوریت هیئت «مسلم بن عقیل» در این محلۀ، و به طور کلی تأکید بر نقش مؤثر هیئتهای مذهبی در شهر کاشان است.

**اوج مشارکتهای مردمی در شهر ما در
برنامه‌های مذهبی صورت می‌گیرد، به گونه‌ای
که به واقع انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
اما این مشارکت در عرصه‌های دیگر هیچ
نمودی ندارد و انگار نه انگار که اینها همان
مردم هستند**

مشارکت، از استثناء نارویه

بارها شنیده‌ایم و خوانده‌ایم که مشارکت در کشور ما با مشکلات ساختاری و تاریخی مواجه است. بارها گفته‌ایم که کار جمعی در کشور ما بی‌پاسخ است - و چه بسا خود نیز طعم تلخ آن را چشیده‌ایم. بسیاری از فعالیتهای جمعی و مشارکتی در کشور ما - از موفقیت تیم فوتبال تا اجرای پروژه‌های علمی - قائم به فرد پیش می‌رود. مجموعه چنین مشاهداتی، این جواب ساده را پیش رو می‌گذارد که «ما مردم مشارکت‌پذیری نیستیم». آن وقت مجموعه‌ای از دلایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تاریخی و روان‌شناختی پیش روی مان قرار می‌گیرد. هرچه این اصل پذیرفته‌تر و پررنگ‌تر می‌شود، وقوع پدیده‌هایی از مشارکت و کار جمعی موفق، شگفتی بیشتری را با خود به همراه می‌آورد و روزنه‌های امید را می‌گشاید، روزنه‌هایی با این پیام که: شاید بهتر آن باشد که پایه‌پای جست‌وجوی دلایل عدم مشارکت، نگاه عمیقی نیز به موارد مشارکت و ریشه‌های آن بیندازیم.

سعید عطایی‌شاد، معاون اداری - مالی و مدیرعامل سازمان رفاهی - تفریحی شهرداری کاشان، در این باره چنین می‌گوید: «کار مشارکتی در کشور ما با مشکل تاریخی مواجه است. اما برخی فعالیتها که در ایام عزاداری یا نوروز انجام می‌شود، نقطه اوج مشارکت مردمی را نشان می‌دهد و به راستی انسان را به فکر فرو می‌برد. مثلاً برخی هیئت‌های مذهبی در کاشان شب پنجم محرم خرج می‌دهند. در چنین شب‌هایی وقتی وارد محله می‌شوید حتی تا دو روز مانده به برنامه، همه چیز آرام است و هیچ اثری از تکاپو و جنب و

جوش نیست، اما در روز مقرر با نظمی خودجوش همه کارها به طور سیستماتیک انجام می‌شود و هیچ کم و کسری هم به چشم نمی‌خورد. اگر مجموعه شهرداری یا هر سازمان دیگری قرار می‌بود چنین برنامه‌ای را مدیریت کند، دست کم باید از دو ماه پیش تدارک می‌دید و در پایان هم به چنین نتیجه رضایتبخشی نمی‌رسید. اوج مشارکت‌های مردمی در شهر ما در برنامه‌های مذهبی صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که به واقع انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما این مشارکت در عرصه‌های دیگر هیچ نمودی ندارد و انگار نه انگار که اینها همان مردم هستند.»

مصطفی رسولی‌منش، معاون فرهنگی و قائم مقام سازمان رفاهی - تفریحی شهرداری کاشان، می‌گوید: «هیئت‌های مذهبی در کاشان در واقع سرمایه‌های اجتماعی عظیم این شهر به شمار می‌آیند؛ سرمایه‌هایی که به خودی خود جمع شده‌اند و دارای انگیزه‌اند. برای دستیابی و جهت‌دهی به این سرمایه، لزوماً باید انگیزه‌های آنها را شناخت. نهادهای دولتی یا حکومتی هرگز نمی‌توانند کاری را که هیئت‌های مذهبی انجام می‌دهند، اداره کنند. اگر بتوان کشف کرد

اگر بتوان کشف کرد که پدیده‌هایی چون مشارکت در ایام عزاداری و چراغ انفاق می‌افتد، با همان کشف می‌توان از سرمایه عظیم مشارکت در سایر زمینه‌ها نیز بهره‌مند شد

آشنایی مردم با حقوق و تکالیف شهروندی بدون شک پاسخگویی مجموعه مدیریت شهری را می‌طلبد و شهرداریها دیگر نمی‌توانند مانند گذشته رفتار قیم‌مآبانه و پدرسالارانه داشته باشند

که پدیده‌هایی چون مشارکت در ایام عزاداری «چرا» اتفاق می‌افتد، با همان کشف می‌توان از سرمایه‌عظیم مشارکت در سایر زمینه‌ها نیز بهره‌مند شد. وی معتقد است که علاوه بر انگیزه‌های مذهبی، دلایل دیگری را نیز باید در این مشارکت وسیع جست و جو کرد. شاید مردم نوعی هویت فردی را در جمع جست و جو می‌کنند؛ هویتی که جامعه ما هرگز نتوانسته است آن را به افراد خود هدیه کند و افراد همواره در ناشناختگی به صورت اتمهای جدا از هم در جامعه به کار خود مشغولند.

برایند اعداد و ارقام موجود، حکایت از این دارد که در شهر کاشان نزدیک به ۳۰۰ هیئت مذهبی فعال است که در ۲۰ روز عزاداری محرم معادل یک سوم بودجه سالانه شهرداری کاشان را صرف امور مذهبی می‌کنند. بی‌تردید مشارکت چنین حجم عظیمی از سرمایه‌های مادی و انسانی، این پرسش را دوباره مطرح می‌کند که: آیا به راستی مردم ما مشارکت‌پذیر نیستند؟ این پرسش، این بار جواب تازه‌ای می‌طلبد.

رسالت اصلی شورا ساماندهی فعالیت‌هایی است که مردم حامی آن هستند - یا می‌توانند باشند

اعتقاد، زمینه ساز مشارکت

با وجودی که مدیران شهری به روشنی دریافته‌اند که اداره شهر بدون مشارکت مردم امکان‌پذیر نیست، اما تا کنون موفقیت چندانی در این راه به دست نیاورده‌اند. از یک طرف شهرها با انبوهی از مشکلات و کمبودها به حیات محضرگونه خود ادامه می‌دهند و از سوی دیگر مردم به هیچ وجه حاضر به مشارکت داوطلبانه در سرآورده کردن نیازهای شهری خود نیستند و ترجیح می‌دهند در این فرایند صرفاً مجموعه شورا و شهرداری را متولی امر بدانند، و خود نظاره‌گر باشند.

این موضوع را با حسینعلی وکیل، شهردار کاشان، به بحث گذاشتیم. وی معتقد است که «طرز تلقی امروز شهرداری از شهر و مردم با گذشته تفاوت‌های اساسی دارد. با روی کار آمدن دولت آقای خاتمی و به دنبال آن ظهور شوراهای و انتخاب شهردار به دست افراد منتخب مردم، شهروندان در نگاه مدیران شهری جایگاه تازه‌ای پیدا کرده‌اند. آشنایی مردم با حقوق و تکالیف شهروندی بدون شک پاسخگویی مجموعه مدیریت شهری را می‌طلبد و شهرداریها دیگر نمی‌توانند مانند گذشته رفتار قیم‌آبانه و پدرسالارانه داشته باشند. در نگاهی سطحی، مجموعه این تحولات کار شهرداری را دشوارتر می‌کند؛ اما پاسخ عمیق‌تر این است که برقراری ارتباط مدیریت شهری با شهروندانی که به حقوق و وظایف خود آشنا هستند به مراتب آسان‌تر است و با حرکت در این مسیر به تدریج بی‌اعتمادی دیرینه مردم به شهرداری کمرنگ خواهد شد و آن وقت تازه می‌توان از مشارکت حرف زد.

در این محله برای اولین بار رفع نیازهای شهری - همچون عربض کردن معبر، ایجاد فضای سبز، ایجاد فضاهای فرهنگی، آموزشی و بهداشتی - به وسیله هیئتهای مذهبی موضوعیت پیدا کرد

نمونه‌های بسیاری در شهرها وجود دارد که یک سرمایه‌گذار بزرگ یا فردی خیر و توانمند طرحی را در شهر اجرا کرده که اصلاً مورد نیاز شهروندان است

حتی شما هم می‌پذیرید که اگر امروز قرار باشد مردم پولی را به شهرداری بدهند یا در راه عزاداری خرج کنند بدون تردید دومی را انتخاب خواهند کرد. اتفاقات شهر کاشان این روند را کاملاً تأیید می‌کند. بیشتر هیئت‌های این شهر حسینیه‌هایی دارند که در سال فقط ۲۰ روز مورد استفاده قرار می‌گیرند و در بقیه ایام سال کاملاً بی‌استفاده‌اند. تصور کنید در شهری که با کمبود فضاهای فرهنگی، ورزشی، آموزشی، بهداشتی و مانند اینها مواجه است، چه استفاده دائمی و مثنی می‌توان از این حسینیه‌ها کرد. اگر هیئت‌ها بپذیرند که این حسینیه‌ها را ۱۱ ماه از سال در اختیار امور فرهنگی - اجتماعی شهر قرار دهند، شهرداری حاضر است فضا را تجهیز کند و حتی مدیریت مجموعه را هم به عهده خود آنها بگذارد. هیئت «مسلم‌بن عقیل» در کاشان آغازگر این گفت‌وگو بوده است و پس از آن هیئت‌های دیگری هم اعلام آمادگی کرده‌اند که با قرار دادن فضا در اختیار شهرداری و تجهیز آن به وسیله شهرداری، نقش مؤثری در رفع نیازهای محله خود ایفا کنند. به هر حال این واقعیت را می‌دانیم که مردم به شهرداری اعتماد لازم را ندارند اما به افرادی که خالصانه از میان خود آنها برخاسته‌اند و هیچ پُست و جایگاهی هم

تجربه محله مسلم بن عقیل کاشان نشان می‌دهد که توان مشارکتی مردم حتی در حوزه‌های مالی نیز بسیار فراتر از آن چیزی است که در ایام خاص به ظهور می‌رسد

ندارند و فقط بیست روز از سال با خلوص نیت، اجرای مراسم مذهبی را ساماندهی می‌کنند، اعتماد و اعتقاد دارند. حال اگر شهرداری بتواند در فرایند گفت‌وگو با اعضای هیئت‌ها به نتیجه برسد، پیش از هر چیز مردم همان محل از تأثیر مثبت این گفت‌وگو بهره‌مند خواهند شد. اما واقعیت این است که شهرداری در زمان حاضر به قدری گرفتار روزمزه‌گی و پرکاریهای روزانه است که هنوز نتوانسته است چنین ارتباطی را به شکلی مؤثر برقرار کند. ما فعلاً از پیشنهادهای مردم محل و هیئت‌ها استقبال می‌کنیم، و فکر می‌کنیم که اگر وقت بگذاریم و خودمان هم به آنها مراجعه کنیم به موفقیت‌های بیشتری دست خواهیم یافت.»

پس از گفت‌وگو با شهردار کاشان - که صمیمانه وقت زیادی را در اختیار ما گذاشت - به این پاسخ نزدیک شدیم که انتظار مشارکت پیش از ارائه عملکردی که زمینه‌ساز اعتماد باشد تقریباً غیر معقول و ناممکن است. اما چه کسی می‌تواند - یا موظف است - که آغازگر ایجاد اعتماد و جلب مشارکت مردمی باشد؟ فکر کردیم مناسب‌ترین فرد برای پاسخ به این سؤال محمد کتابچی عضو شورای اسلامی شهر کاشان و از اهالی محله مسلم بن عقیل است. وی می‌گوید: «رسالت اصلی شورا ساماندهی فعالیت‌هایی است که مردم حامی آن هستند - یا می‌توانند باشند. اما متأسفانه در زمان حاضر دولتمردان شوراها را تقریباً دولتی کرده‌اند. من به عنوان یکی از اعضای شورا، حداکثر می‌توانم ۴ تا ۵ ساعت در روز را به شورا

نمونه‌های بسیاری در شهرها وجود دارد که یک سرمایه‌گذار بزرگ یا فردی خیر و توانمند طرحی را در شهر اجرا کرده که اصلاً مورد نیاز شهر نبوده است

اختصاص دهم، که آن هم فقط به پرداختن به امور شهرداری می‌گذرد. اگر با اصلاح قانون شوراها، شوراها بالادستی و پایین دستی نیز تشکیل شود، شورای شهر و محله‌ها به خوبی می‌توانند به این امر - که وظیفه اصلی آنها نیز هست - بپردازند.»

محمد کتابچی که خود از اهالی محله مسلم بن عقیل است، می‌گوید: «محله مسلم بن عقیل، محله‌ای قدیمی است با محوریت هیئت مسلم بن عقیل. در این محله برای اولین بار رفع نیازهای شهری - همچون عریض کردن معبر، ایجاد فضای سبز، ایجاد فضاهای فرهنگی، آموزشی و بهداشتی - به وسیله هیئتهای مذهبی موضوعیت پیدا کرد. مردم محل پتانسیل مشارکت را داشتند و با هدایت هیئت محله و حمایت شهرداری، توانستند جلوة باشکوهی از مشارکت مردم را در احیای محله خود به ثمر برسانند. این تجربه را چه بسا با اندکی صبوری، گفت‌وگو و آموزش بتوان در محله‌های دیگر نیز تکرار کرد.»

افراد خیر، و نیازهای شهری

یکی از مشکلات جدی اداره شهرها - به نقل از مدیران شهری - همواره کمبود منابع مالی عنوان شده است، این در حالی است که در بسیاری از شهرها نیکو کاران - صرفاً بر مبنای اعتقادات شخصی خود - گاه مبالغ هنگفتی را صرف احداث مسجد، مدرسه، در مانگاه، ورزشگاه و مواردی از این دست می‌کنند که ممکن است در نگاه کلان مدیریت شهری در اولویت نخست نیازهای شهر نباشد.

ناصر مشهدیزاده دهاقانی، شهردار افتخاری شهر کاشان (از سوی جامعه مهندسان شهرساز)، معتقد است که تجربه‌های حیرت‌آور مشارکت مردم در برخی زمینه‌ها نشان می‌دهد که مردم سرشار از انرژی‌اند، و انرژی‌ها را باید در جهت صحیح هدایت کرد. او می‌گوید: «شهرهای ما بیش از آنکه با مشکل کمبود منابع مالی مواجه باشند با مشکل مدیریت منابع مالی مواجه‌اند. نمونه‌های بسیاری در شهرها وجود دارد که یک سرمایه‌گذار بزرگ یا فردی خیر و توانمند طرحی را در شهر اجرا کرده که اصلاً مورد نیاز شهر نبوده است. زمانی چنین به نظر می‌رسید که سرمایه‌گذاری برای کار خیر فقط به ساختن مسجد محدود می‌شود؛ و بعد هم مدرسه و بیمارستان به آن اضافه شد. امروز برخی از نیکو کاران به ایجاد فضاهای فرهنگی، ورزشی و حتی تفریحی در شهر می‌اندیشند. ما باید به سمتی حرکت کنیم که تعریف‌مان از کار ثواب با نیازهای جامعه همخوانی داشته باشد. اگر بتوانیم این فرهنگ را گسترش دهیم که هدف رفع نیاز است، و به همین دلیل مشارکت در اجرای طرحهای شهری نیز کار خیر محسوب می‌شود، به بسیاری از نیازهای شهر پاسخ گفته‌ایم، و در عین حال انگیزه‌های افراد

متأسفانه هنوز بسیاری از متولیان هیئتها و افراد خیر شهرها اعتقاد ندارند که احداث پارک و ورزشگاه و همکاری با شهرداری هم می‌تواند ثواب باشد

هیئت مسلم بن عقیل همه ساله بیان کار خود را به مردم محل ارائه می‌دهد و از افراد خیر و جوانان و کلیه افرادی که در طول سال همکاری کرده‌اند نیز تشکر می‌کند

نیکوکار نیز محفوظ مانده است. تجربه محله مسلم بن عقیل کاشان نشان می‌دهد که توان مشارکتی مردم حتی در حوزه‌های مالی نیز بسیار فراتر از آن چیزی است که در ایام خاص به ظهور می‌رسد. مردم محله مسلم بن عقیل فعالیت‌های عمرانی را جایگزین فعالیت‌های مذهبی خود نکرده‌اند، بلکه این امور کاملاً مستقل از فعالیت‌های پیشین انجام می‌شود و در واقع مازاد آنهاست. نکته این است که این هیئت مذهبی کماکان فعالیت‌های سنتی خود را انجام می‌دهد و کلیه مراسم مذهبی نیز با همان کیفیت قبلی انجام می‌گیرد؛ اما در عین حال توانسته است کارکرد دیگری نیز برای خود تعریف کند و علاوه بر امور مذهبی به ساماندهی برخی فعالیت‌های دیگر هم پردازد.»

قاسم رضوی، یکی از متولیان هیئت مسلم بن عقیل، در این باره می‌گوید: «ما در قبایل پولی که مردم برای برگزاری مراسم عزاداری به ما می‌دهند مسئولیم و به هیچ وجه نمی‌توانیم از هزینه‌های هیئت کم کنیم. اما پولی را که مازاد بر هزینه مراسم به دست ما می‌رسد با رضایت افراد خیر و نظر خواهی از مردم محل، صرف رفع نیازهای محله می‌کنیم. متأسفانه هنوز بسیاری از متولیان هیئت‌ها و افراد خیر شهرها اعتقاد ندارند که احداث پارک و ورزشگاه و همکاری با شهرداری هم می‌تواند ثواب باشد. ایجاد این باور احتیاج به کار همه‌جانبه فرهنگی دارد. به نظر من مؤثرترین مشارکت مردمی در کاشان را می‌توان در قالب هیئت‌ها ایجاد کرد. اگر متولیان هیئت‌ها متقاعد شوند که گستره کار خیر وسیع است، می‌توانند افراد خیر را هم متقاعد کنند، و به این ترتیب خواهیم توانست به تدریج از چارچوب سنتی خود خارج شویم. در زمان حاضر متولیان هیئت مسلم بن عقیل به این امر اعتقاد دارند و توانسته‌اند افراد خیر را نیز متقاعد کنند. نکته مهم و ظریفی که در اینجا بسیار حائز اهمیت است، این است که هیئت مسلم بن عقیل همه ساله بیلان کار خود را به مردم محل ارائه می‌دهد و از افراد خیر و جوانان و کلیه افرادی که در طول سال همکاری کرده‌اند نیز تشکر می‌کند. این صداقت و شفافیت موجب شده است که مردم به هیئت اعتماد کنند و بدانند که پول‌شان در راه ثواب خرج می‌شود. برای جلب مشارکت‌های مردمی باید از باورها و اعتقادات دینی‌مان، که بسیار هم قوی و پررنگ هستند، استفاده کنیم و بهترین قصا برای این کار همین هیئت‌های مذهبی‌اند.»

توانمندیهایی شهر خود را بشناسیم

مردم محله‌ای قدیمی در شهر تاریخی کاشان با حفظ سنت‌ها، باورها و اعتقادات خود و تمیق آنها در رفع یکی از ضرورت‌های جامعه امروزی که پاسخگویی مسئولان و مشارکت مردم در

جهت دهمی به انگیزه‌های موجود به مراتب آسان‌تر از ایجاد انگیزه‌های تازه برای جلب مشارکت است. اگر بتوان دلایل مشارکت در زمان و مکانی خاص را کشف کرد با حفظ همان دلایل می‌توان مشارکت را هدایت کرد

برنامه‌ریزی است، پیشگام شده‌اند. در محله مسلم بن عقیل کارهای دشوار، غیرممکن به نظر نمی‌رسد و مردم محل این آمادگی را دارند که برای رفع هر یک از نیازهای محله خود با قراردادن فضا در اختیار شهرداری، از شهرداری بخواهند که فضا را تجهیز کند؛ و خود نیز اگر بتوانند در تجهیز فضا همکاری می‌کنند. آمادگی این محله شورا و شهرداری را نیز تشویق کرده است که در اجرای طرح‌های محله پیشگام باشد، چرا که مشکلاتی از قبیل در اختیار گذاشتن زمین یا مواردی مانند تخریب و تملک را مردم محل به سادگی انجام می‌دهند و در نتیجه شهرداری با مشکلات کمتری در اجرای طرح‌ها مواجه می‌شود.

بدون شک دیگر شهرهای ایران و سایر محله‌های شهر کاشان نیز توانمندیهایی مشارکتی بسیاری در خود دارند. کشف انگیزه‌های مشارکت و دستیابی به شباهت‌ها و تفاوت‌های این انگیزه‌ها مدیران شهری را در دستیابی به مهم‌ترین نیاز امروز، که همانا جلب مشارکت مردمی است، یاری خواهد داد. جهت دهمی به انگیزه‌های موجود به مراتب آسان‌تر از ایجاد انگیزه‌های تازه برای جلب مشارکت است. اگر بتوان دلایل مشارکت در زمان و مکانی خاص را کشف کرد با حفظ همان دلایل می‌توان مشارکت را هدایت کرد و این کشف تنها با نگاهی درونی و عمیق میسر است. این نگاهی است که تنها از دو چشم تیزبین و نزدیک به مردم، یعنی شورا و شهرداری، می‌توان انتظار داشت.



تازیلا مرادی

چشم انداز تربت حیدریه در سال ۱۳۹۰

طرحی نو در برنامه ریزی شهری

دیگر سازمانها و اداره‌های خدماتی، شهروندان را نیز به عنوان مخاطبان اصلی فعالیت‌های خود همواره مدنظر قرار داده است.

با توجه به اینکه کلیه فعالیت‌های شورادر زیر ذره‌بین همین مخاطبان قرار می‌گیرد، شورای پاسخگویی تربت حیدریه نظام برنامه‌ریزی مناسبی را در پوشش طرحی به نام «چشم‌انداز تربت حیدریه در سال ۹۰» تدوین کرده است. البته ناگفته پیداست که بدون وجود چنین نظامی، امکان جلب نظر و مشارکت شهروندان محقق نمی‌شد.

اولین قدم در برنامه‌ریزی شهری ابتدا شناسایی مسئله و سپس تدوین، انتخاب و اجرای برنامه است. البته باید توجه داشت که هر یک از این مراحل ممکن است با توجه به ویژگیها و مطالعات یک شهر، از مراحل دیگر پررنگ‌تر باشد. به این ترتیب به نظر می‌رسد بهترین نوع برنامه‌ریزی برای شهرها سیستم برنامه‌ریزی غلطان است بدیهی است تداوم و استحکام این نوع از برنامه‌ریزی می‌تواند منشأ آثار مثبتی برای شهر باشد.

اینکه چگونه شورای شهر تربت به برنامه‌ریزی منعطف و غلطان در شهر خود اندیشید، به طرح جامع مسکونیت شهر باز می‌گردد.

شوراهادر هر منطق و متعلق به هر شهری که باشند به ابزارهای مناسبی برای تعریف اهداف خود و دستیابی به آنها نیاز دارند. این ابزارها مجموعه‌ای از اقداماتی را شامل می‌شوند که در نهایت برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهند.

به هر حال مسلم است که امروزه برنامه‌ریزی در غرضهای شهری نوعی ضرورت انکارناپذیر به شمار می‌رود. این ضرورت زمانی هنگامی معنای واقعی پیدا می‌کند که پی‌بیریم منابع مالی، زمان و سایر منابع موردنیاز برای تحقق اهداف مدیریت شهری بسیار محدود و پایان یافتنی‌اند.

در بند ۲ ماده ۷۱ قانون شوراهای اسلامی نیز چنین آمده است: «یکی از مهم‌ترین وظایف شوراهای برررسی و شناخت کمبودها، نیازها، تارساییهای اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه، تهیه طرحها و پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حلهای کاربردی در این زمینه‌ها جهت برنامه‌ریزی و ارائه آن به مقامات مسئول و ذی‌ربط است.»

شورای شهر تربت حیدریه از جمله شوراهایی است که با درک این موضوع و ایجاد تفاهم و زمینه مناسب همکاری با شهرداری و

واقعیت این است که در بسیاری از شهرهای دنیا طرحهای جامع از همان ابتدا، یعنی درست بعد از تکمیل مطالعات برنامه‌ریزی به عهده شورای شهر گذاشته می‌شود، و به طور معمول هر ۵ یا ۱۰ سال یک بار مورد بازنگری کلی قرار می‌گیرد.

اما آنچه که امروز در بسیاری از شهرهای ما متداول است، فراموشی و کهنگی طرحهای جامع و تفصیلی است که به جرئت می‌توان گفت حتی کمتر از نیمی از برنامه‌های آن نیز در این شهرها به مرحله اجرا در نیامده است.

طرح جامع شهر تربت حیدریه در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید که تاکنون فقط ۵ تا ۶ درصد از این طرح اجرا شده است. نخستین قدم شورای شهر تربت حیدریه درک این خلأ و تعویق بیست و چند ساله بود. به همین دلیل اعضای این شورا با نظرخواهی از مردم شالوده طرح چشم‌انداز تربت حیدریه در سال ۱۳۹۰ را پی‌ریزی کردند.



مسلم است که امروزه برنامه‌ریزی در عرصه‌های شهری نوعی ضرورت انکارناپذیر به شمار می‌رود. این ضرورت زمانی هنگامی معنای واقعی پیدا می‌کند که پی‌یریم منابع مالی، زمان و سایر منابع موردنیاز برای تحقق اهداف مدیریت شهری بسیار محدود و پایان‌یافتنی‌اند.



سازوکارهای اجرایی طرح

شورای شهر تربت حیدریه تاکنون از توان مشارکتی مردم در برنامه‌ریزی شهر خود، بسیار سودجسته است. این شورا با انتخاب شهرداران افتخاری همواره از دیدگاهها و مطالبات ساکنان هر محله درباره طرحهای آبی و در دست اجرای آن محله مطلع شده است. بنا استناد به این آگاهی، شورای شهر تربت حیدریه اقدام به تدوین برنامه ۱۲ ساله‌ای کرد که به سه دوره زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت تقسیم می‌شد. بدیهی است تقسیم این طرح به سه دوره زمانی، در پایان هر ۴ سال فرصتی کافی و مغتنم برای ارزیابی و نظارت بر پیشرفت برنامه‌ها و طرحها را فراهم می‌آورد. این طرح با همکاری مشاور طرح جامع شهر، مهندسان و متخصصان در مسائل شهری و همچنین مردم و شهروندان تدوین شد.

اولین قدم در برنامه‌ریزی شهری ابتدا شناسایی مسئله و سپس تدوین، انتخاب و اجرای برنامه است. البته باید توجه داشت که هر یک از این مراحل ممکن است با توجه به ویژگیها و مطالعات یک شهر، از مراحل دیگر پررنگ‌تر باشد. به این ترتیب به نظر می‌رسد بهترین نوع برنامه‌ریزی برای شهرها سیستم برنامه‌ریزی گلطان است

شورای شهر تربت حیدریه تاکنون از توان مشارکتی مردم در برنامه‌ریزی شهر خود، بسیار سودجسته است. این شورا با انتخاب شهرداران افتخاری همواره از دیدگاهها و مطالبات ساکنان هر محله درباره طرحهای آبی و در دست اجرای آن محله مطلع شده است

نکته مهم دیگر درباره اقدامات شورای شهر تربت حیدریه در برنامه‌ریزی شهری، حل معضل حاشیه‌نشینی است. شورای شهر تربت با احترام به مطالبات شهروندان، توانسته است تا حد زیادی بر معضل حاشیه‌نشینی غلبه پیدا کند.

در طرح جامع شهر تربت حیدریه، محدوده شهر در سال ۱۳۵۶ حدود ۵۰۰ هکتار برآورد شده بود اما در زمان حاضر این رقم به ۱۸۰۰ هکتار افزایش پیدا کرده است. شورای شهر تربت حیدریه با جلوگیری از ساخت و سازهای بی‌رویه و غیرقانونی، گام مثبتی در عرصه برنامه‌ریزی شهری برداشته است.

از سوی دیگر، شهروندان تربتی نیز به این نکته پی برده‌اند که برنامه‌ریزی مسئولان شهر آنها، برنامه‌ریزی «برای مردم» نیست بلکه برنامه‌ریزی «بامردم» است. آزادسازی و بازگشایی ۱۸ کیلومتر از اراضی شهر و تخریب تعداد زیادی از منازل مسکونی به دست ساکنان آنها نیز مؤید این نکته است که برنامه‌ریزی در این شهر از نوع برنامه‌ریزی پایین به بالاست.

به هر حال برنامه‌ریزی شهری امری است که باید به عنوان فعالیتی محلی به رسمیت شناخته شود. در این میان اعتماد به مشارکت شهروندان و نهادهای مدنی نقش مهمی در فرایند برنامه‌ریزی دارد. از سوی دیگر، نباید فراموش کرد که ایجاد هماهنگی میان برنامه‌های توسعه شهری و پتانسیلها و اولویتهای محل، موجب می‌شود که ارتباطی محکم میان این برنامه‌ها و عناصر مدیریت شهری به وجود آید.

نکته درخور توجه این است که در تمامی زمینه‌های مورد بررسی در این طرح همواره با کارشناسان آن حوزه رایزنی و مشورت صورت گرفته است. به عنوان مثال، در زمینه بهداشت از پزشکان شهر و در زمینه ترافیک از اعضای شورای ترافیک و متخصصان این امر برای ارائه طرحهای کارآمد دعوت به عمل آمده است. مهم‌ترین بخشهایی که شوراها با توجه به نیاز شهروندان می‌توانند درباره آنها برنامه‌ریزی کنند، حوزه‌های وسیعی چون، بهداشت و درمان، امور فنی و عمرانی، امور اجتماعی و فرهنگی، محیط زیست، حمل و نقل و امور اقتصادی را در برمی‌گیرند.

شورای شهر تربت حیدریه با تشکیل کمیسیونهای معاملات و ماده ۷۷، محله‌ها و اصناف و بازار در کنار کمیسیونهای متعارف و شناخته شده دیگر، بستر مناسبی را برای برنامه‌ریزی در حوزه‌های پیش گفته بوجود آورده است.

آنچه که امروز در بسیاری از شهرهای ما متداول است، فراموشی و کهنگی طرحهای جامع و تفصیلی است که به جرئت می‌توان گفت حتی کمتر از نیمی از برنامه‌های آن نیز در این شهرها به مرحله اجرا در نیامده است

دیپلماسی شهروندی و مشارکت
موجان آگاهی

شهرداری سانتوس، موفق در حل آلودگی منابع آب

مرکز تحقیقات شهری سانتوس

ترجمه: علیرضا برزویی

شهرداریهای سراسر جهان به دلیل عدم استفاده صحیح مردم از آب، مشکلات ناشی از تأثیرات اقتصاد بر آلودگی آبها و دیگر عوامل ریز و درشت، لگران و وضعیت فعلی آبهای سطحی و زیرزمینی آنها و در جهت رفع این معضل اساسی به تکیه افتاده‌اند. در این میان به ویژه شهرهایی که از نظر اقتصادی و گردشگری به سواحل زیبا و دل‌انگیز خود وابسته‌اند، بارون‌رو به رشد آلودگیهای صنعتی سواحل، که ناشی از سیستم نادرست هدایت فاضلاب شهری است، منافع خود را در خطر می‌بینند و مصراحتاً در جهت رفع آن چاره‌اندیشی می‌کنند.

شهرداریهای شهرهای پیشرفته، مبارزه با آلودگیها و کاهش آلودگی را آغاز کرده و در همان ابتدای امر با مخالفت‌های صاحبان صنایع آینده مواجه شده‌اند.

در اغلب شهرهای پیشرفته، شرکت‌هایی که به نحوی در ارائه خدمات شهری دخیل هستند - مانند صنعت آب و فاضلاب، کانال کشی، فاضلاب، و دیگر زمینه‌های مربوط - به وسیله آژانسهای گوناگون در سطوح مختلف مدیریتی اداره می‌شوند. مبارزه برای جلوگیری از آلودگی آب نیاز شدید به همدلی و همیاری تمامی این مؤسسات دارد - که معمولاً این امر به ندرت حاصل می‌شود.

به علاوه، ضمن مبارزات صنعتی که در این میان به وجود می‌آید، خدمات نامناسب و غیر اصولی موجود در اغلب شهرهای مدرن باعث می‌شود که شهروندان به صورت غیر معمول و گاه نیز پنهانی از آب موجود برای رفع نیاز مصرفی و بهداشتی خود بهره‌گیری کنند. تلاش به منظور کاهش آلودگیها و بهبود و ترمیم کانالهای فاضلاب موجود، نیازمند برنامه‌ای مدون و اصولی است که ضمن اجرای بند بند آن، مشارکت مؤسسات و شرکت‌های نیز نقش مهمی در بهبود شرایط موجود خواهد داشت.

اگر برنامه به صورت دقیق و اصولی پیگیری و اجرا شود، اطمینان و مشارکت میان شهرداریها، ترمیمی می‌گردد و معضلات و راهکارهای مورد نظر به سرعت شناسایی می‌شوند و به مرحله اجرا در می‌آیند.

به منظور افزایش نیروهای مورد نیاز برای طرح مبارزه با آلودگیهای آب، که طرحی عظیم و ملی برای هر کشور به شمار می‌آید، مشارکت شهرداریها و به کارگیری نیروهای موجود، راه حل مناسبی به نظر می‌رسد و خودیاری تقویت شهرداریها می‌شود.

راه حل رفع معضل آلودگی آب در هر نقطه، نیازمند کاهش آلودگیها به هنگام مصرف است.

کاهش آلودگیها به نحوه صحیح استفاده از برنامه‌های موجود بستگی دارد. به همین منظور شیوه‌های علمی و امروزی بهره‌گیری از منابع آب موجود تدوین می‌گردد و در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد.

شهر سانتوس (در برزیل) با مشکلات بیش کفته روبرو است و از آنجا که سواحل زیبا و جذاب گردشگران در این شهر به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع کسب درآمد شهری آن به شمار می‌آیند این سواحل بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند. سواحل این شهر به لحاظ هدایت کانسالهای فاضلابهای صنعتی و عدم استفاده صحیح از منابع موجود، مدتی است که دچار مشکل شده‌اند و این امر تأثیرات نامطلوبی بر صنعت جذب گردشگر گذاشته است.

هدف شهرداری این شهر از به کارگیری برنامه مدون و جامع رفع آلودگیها، پاک کردن سواحل شهر سانتوس از آلودگیهای ناشی از فاضلاب است که در طول چهار سال گذشته سواحل آن را تازیب کرده‌اند.



به منظور افزایش نیروهای مورد نیاز برای طرح مبارزه با الاینده‌های آب، که طرحی عظیم و ملی برای هر کشور به شمار می‌آید، مشارکت شهرداریها و به کارگیری نیروهای موجود، راه حل مناسبی به نظر می‌رسد و خود باعث تقویت شهرداریها می‌شود



موقعیت سانتوس در کشور برزیل

تلاش به منظور کاهش الاینده‌ها و بهبود و ترمیم کانالهای فاضلاب موجود، نیازمند برنامه‌ای مدون و اصولی است که ضمن اجرای بند بند آن، مشارکت مؤسسات و شرکتهای نیز نقش مهمی در بهبود شرایط موجود خواهد داشت

در این فعالیت مهم و سراسری شهرداری با به کارگیری متخصصان علوم زیست محیطی، از نقاط مختلف سواحل این شهر نمونه برداری کرد. در این نمونه برداری فاضلابها به عنوان عمده ترین آلاینده‌ها عنوان شدند. کانالهایی که برای هدایت مسیلهای ناگهانی به سواحل در نظر گرفته شده بودند، در اصل به عنوان منتقل کننده مواد خام شیمیایی به آنها عمل می‌کردند.

شهرداری سانتوس همواره به این امر واقف بوده است که بدون مشارکت مؤسسات و سازمانهای شهری و همچنین مشارکت دولت نمی‌توان به رفع معضل آلودگی منابع آب پرداخت. پروژه بهبود وضعیت و پاکسازی سواحل سانتوس در سال ۱۹۹۱، به عنوان طرحی مشارکتی میان شهرداری این شهر، دولت و نهاد های دولتی و محلی که هر یک به نوعی در به وجود آمدن وضع موجود دخیل بودند در دستور کار قرار گرفت. در مرحله اول کانالهای هدایت سیلابها به سواحل بازنگری شدند و اصلاح مهندسی و اساسی در آنها صورت گرفت.

در مرحله بعد این کانالها لایروبی شدند و محلهای ورود فاضلابهای صنعتی و مواد خام به داخل آنها مسدود گردیدند.

در انجام این طرح عظیم و سراسری، شهرداری سانتوس از نیرو و تخصص دانش پژوهان دانشکده مهندسی بهره‌فروان برد. بین سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳ این برنامه با موفقیتهای عظیمی روبرو شد و باعث گردید که به میزان ۵۰٪ از مقدار آلایندهها کاسته شود.

شهرداری این شهر امیدوار است با بهره‌گیری از علم روز مبارزه با آلودگی منابع آبی و همکاری شهروندان، چهره زیبای گذشته این سواحل را مجدداً احیا کند و باعث جذب مجدد گردشگران شود. در سال ۱۹۵۰، سانتوس یکی از زیباترین سواحل «سان پائولو» به شمار می‌رفت. لکن زلزله پس روند رو به رشد آلایندههای صنعتی ناشی از رشد اقتصادی در این شهر، تاثیر بدی روی سواحل آن گذاشت. همچنین عدم استفاده صحیح از منابع آبی به تدریج باعث کاهش میزان جذب گردشگران شد.

در دهه ۷۰ این شهر به دلیل کاهش تعداد گردشگران با مشکلات اقتصادی فراوانی مواجه شد، که این امر مسئولان این شهر را به شکلی جدی به فکر و تکاپو انداخت.

با تحقیقات اولیه انجام شده این امر مسجل شد که مواد آلاینده ناشی از کارخانه‌ها و مراکز صنعتی مجاور سواحل نقش عمده‌ای در آلودگی آنها داشته‌اند. در سال ۱۹۹۰ مدیریت جدید شهری در شهر سانتوس دست به ابتکارهای جالبی در چند نقطه شهر زد.

جنبه‌های مختلف برنامه

طرح مبارزه و جمع‌آوری آلاینده‌ها شامل مواد نفتی و پسماندهای صنعتی موجود در آب نیز هست.

برای تکمیل طرح «بهبود مراکز تفریحی ساحلی»، واحد جدید شهرداری که در امور زیست محیطی به تحقیق و اقدام می‌پردازد به منظور بهره‌گیری مناسب شهروندان، برنامه آموزشی استفاده صحیح از محیط زیست را در اختیار مردم قرار می‌دهد.

شهرداری در ابتدا و در گام‌های نخست برنامه با گروه‌های محلی مدافع محیط زیست به همکاری پرداخت و با جمع‌آوری اجتماعات، گروه‌ها و سازمانها و با شعار «دست در دست هم سواحل را پاکیزه کنیم» به این امر مهم مشغول شد.

بخش تحقیقات شهرداری با تشکیل گروه‌هایی محلی تحت عنوان «شاخه دفاع از محیط زیست» به فعالیت پرداخت. این

برای تکمیل طرح «بهبود مراکز تفریحی

ساحلی»، واحد جدید شهرداری که در امور زیست محیطی به تحقیق و اقدام می‌پردازد به منظور بهره‌گیری مناسب شهروندان، برنامه آموزشی استفاده صحیح از محیط زیست را در اختیار مردم قرار می‌دهد.

شهرداری سانتوس همواره به این امر واقف بوده است که بدون مشارکت مؤسسات و سازمانهای شهری و همچنین مشارکت دولت نمی‌توان به رفع معضل آلودگی منابع آب پرداخت.

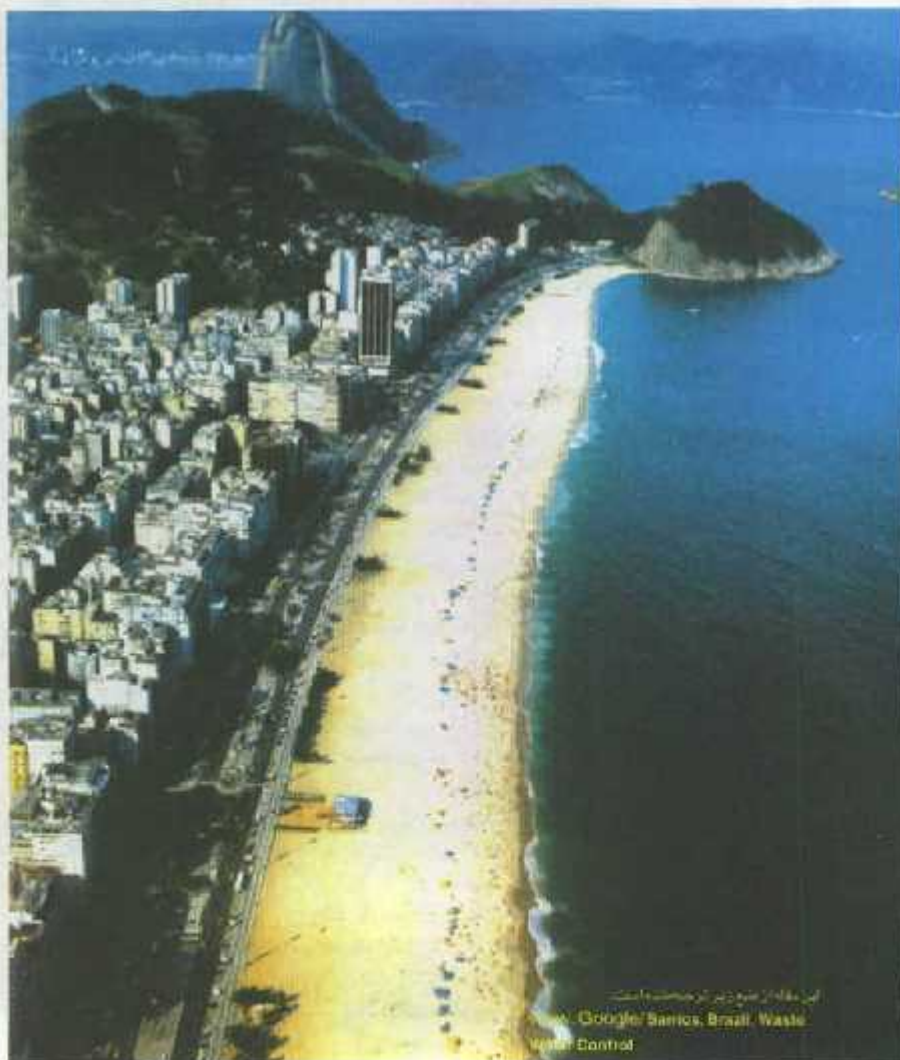
گروه‌ها که بر اساس ساختار اجتماعی - محلی شکل گرفتند، با تقسیم سواحل و واگذاری حفظ و نگهداری آن به گروه‌های ۱۰ نفره، طرح مشارکت مردمی را به صورت گسترده به اجرا درآوردند. وظیفه این عده پاک‌نگه‌داشتن و حفظ و مراقبت از محوطه مربوط خود برای استفاده گردشگران و سایر مردم است.

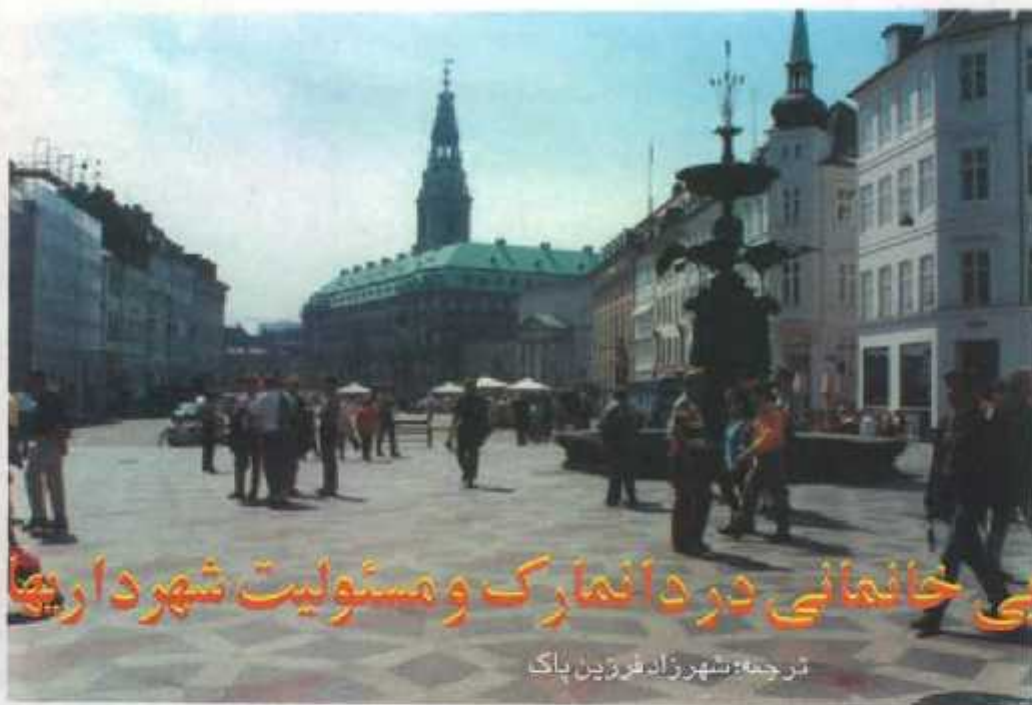
چندین اصل حیاتی و مهم برای به کارگیری و اجرای این طرح وجود دارد. میزان مشارکت سرمایه‌ها میان دو سازمانی که مسئول فاضلاب و کانالها هستند، همچنین مشارکت و هدایت مسئولان شهرداری و نظارت و پیگیری همه جانبه و مستمر آنان از عوامل مهم موفقیت به شمار می‌رود.

به لحاظ اینکه استمرار همکاری و مشارکت - همان گونه که ذکر شد - از عوامل مهم موفقیت به شمار می‌رفت، مذاکرات و بحث‌های گسترده‌ای با حضور مسئولان شهرداری شهر سانتوس و دیگر دست‌اندرکاران این طرح عظیم صورت گرفت تا میان همکاری‌ها به صورت مطلق و کوتاه مدت انجام شود به جرئت می‌توان گفت که این همکاری و مشارکت تنگاتنگ نه تنها در جذب پذیرش عمومی بلکه در ادامه و تشویق جریان طرح نیز نقش عمده‌ای داشته است.

در این طرح عظیم و ملی شهرداری شهر سانتوس از ۸ نفر اهل فن به صورت تمام وقت استفاده کرد که ۲ نفر از آنها دارای مدارک دانشگاهی و ۴ نفر نیز دارای مدارک فنی بودند. در ضمن در کنار این افراد، ۱۰ نفر دیگر هم به صورت تمام وقت مشغول به کار بودند که خود ایشان را نیز ۳۰ دانشجوی دانشگاه به صورت پاره‌وقت یاری می‌دادند.

بودجه تخصصی در این مورد ۱۹۵۰۰۰ دلار بود که این رقم تمامی هزینه‌های کار را - از جمله نیروهای متخصص و امکانات به کار گرفته شده - در بر می‌گرفته. به دلیل اینکه این طرح همچنان ادامه دارد، شهرداری شهر سانتوس به عنوان پایه‌گذار طرح و مجری اصلی و نیز به منظور کاهش فشار مالی بر روی شهرداری، در پی کسب حمایت مالی از صاحبان مشاغل و دیگر شرکت‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی علاقه‌مند به طرح است.





بی‌خانمانی در دانمارک و مسئولیت شهرداریها

ترجمه: شهرزاد فرزین پاک

شخص بی‌خانمان حق انتخاب گزینه‌هایی چون یک آنتن در خانه‌ای چند اتاقه، یک تخت در یک سرپناه سهمی از یک خانه اشتراکی، یک آپارتمان مستقل و نظایر اینها را دارد.

اصلاح اجتماعی سال ۱۹۹۷ تغییرات چندی را مطرح ساخت که به خصوص ۳ مورد آنها مهم و در خور بررسی است. اولین و مهم‌ترین تغییر، حذف «قیمومیت» بود؛ به این مفهوم که به هر فرد بی‌خانمان - چه در سرپناه زندگی کند چه در خیابان - حمایت‌های مالی و کمک‌های دولتی بعلق می‌گیرد. پیش از سال ۱۹۹۷ افرادی که در سرپناه‌های ویژه بی‌خانمانان زندگی می‌کردند، تابعی از قیمومیت بودند؛ بدین معنی که برخی حقوق قانونی خود را - از جمله حق زندگی شخصی - از دست می‌دادند. کارکنان بدون هماهنگی حق ورود به اتاق‌های ایشان و دخالت در ابعاد شخصی زندگی آنان را در مواقع لزوم داشتند. به عنوان مثال، کارکنان می‌توانستند مقرری آنها را بگیرند، شخص را تسویف کنند، نامه‌های او را اسانسور کنند و یا سلع انجام فعالیت‌های مجاز وی شوند.

تفسیر مهم دیگر، در افزایش میزان کمک هزینه و حمایت‌های دولتی بود. حال آنکه پیش از آن کمک کار و دیگر حمایت‌ها تنها مختص به افرادی می‌شد که به لحاظ فیزیکی یا روانی مشکل داشتند. در اصلاح اجتماعی سال ۱۹۹۷ اساس پرداخت کمک هزینه و دیگر کمک‌های لازم، بسته به سطح عملکرد شخصی تعیین می‌شد. پیش از سال ۱۹۹۷ تشخیص چالش‌های اجتماعی یک فرد، و در نتیجه بهره‌گیری از حمایت‌ها یا خدمات بیشتر، برای وی غیرممکن بود. اما اصلاح اجتماعی آن سال این ایده را طرح کرد که ارزیابی نیازهای خاص افراد و اقدام مطابق آن راه‌حل بهتری است.

سومین ابتکار همانا دخیل ساختن نیازها و خواسته‌های استفاده‌کنندگان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خدماتی است که این افراد محقق آن هستند. استفاده‌کنندگان زمان پس توانستند مطابق با خواست خود، در تصمیم‌گیری‌های مربوط به شکل اسکان مشارکت ورزند. قانون‌گذاری جدید همچنین به گروه‌های استفاده

وضعیت فعلی بی‌خانمانی، ناشی از تغییرات اقتصادی و سیاسی است، که از آن جمله‌اند افزایش بیکاری، فقدان خانه‌های دولتی در دوره زمانی خاص، کاهش امکانات مراقبت از افراد الکلی و معناد و کاهش دسترسی به نهادهای آموزشی برای این دسته از افراد، و نظایر اینها. گاه در طول زمان، گروه‌های جدیدی به این افسرد اضافه می‌شوند، و همین امر ایجاب می‌کند که راه حل‌های نیز مطابق با نیازهای اینان باشد. برای مثال، مدتی آوارگی در بین جوانان افزایش یافت و در زمانی دیگر میزان بی‌خانمانی در بین گروه‌های اقلیت فزونی گرفت. چند سال پیش نیز این بی‌خانمانی در میان بیماران روانی گسترش بسیاری یافت که دلیل آن بسته شدن مؤسسات مربوط به این گروه امور بود. از آنجا که بی‌خانمانان لزوماً همگن نیستند، پاسخ جامعه می‌بایست تطبیقی‌تر باشد تا راه‌حل‌های جدید بتواند پاسخگوی تغییر نیازها باشد.

آخرین تغییرات قانونی، هنگامی که دولت اصلاحات اجتماعی جدیدی را مطرح ساخت، در سال ۱۹۹۷ رخ نمود که در آن برای اولین بار به بی‌خانمانان اشاره شد.

به طور معمول و مرسوم، در مؤسسات بزرگ سرپناهی به افراد بی‌خانمان داده می‌شود که شبیه به جامعه کوچکی است که در آن علاوه بر نوعی سرپناه دائم، فرصت‌های شغلی نیز وجود دارد. در این سرپناه‌ها ضروریات زندگی، مراقبت‌های پرستاری، پشتیبانی‌های عاطفی و کمک‌های گوناگون در جهت گسترش مهارت‌های زندگی نیز به چشم می‌خورد. تا سال ۱۹۹۵ این مؤسسات نقش نمایندگان ارائه خدمات اجتماعی را داشتند و غذا و پوشاک و پول توجیبی هم به ساکنان شان ارائه می‌کردند. به این ترتیب تا زمانی که اشخاص آواره در این مؤسسات زندگی می‌کردند، از حمایت مالی یا حق بازنشستگی که می‌بایست به آنها تعلق بگیرد بهره‌مند نمی‌شدند. این موضوع با اصلاحات اجتماعی مطرح شده در سال ۱۹۹۷ تغییر یافت. در جامعه امروز هر بی‌خانمانی کمک هزینه مالی، و یا حق بازنشستگی دریافت می‌کند و فرصت‌های مختلفی برای انتخاب مسکن دارد - که البته می‌بایست اجاره بهای آن را بپردازد. هر

در دانمارک «بی‌خانمان» مفهوم گسترده‌ای دارد. در قانون این کشور کلمه بی‌خانمان به مفهوم افرادی به کار رفته است که بدون ایده‌ای برای زندگی خود مجبور به ترک خانه خود شده و بنابراین موقتاً بی‌خانمان گردیده‌اند. این افراد شامل زنان از کار افتاده و فرزندان شان، و همچنین بیماران روانی و معتادان هستند. گرچه این افراد فی‌نفسه بی‌خانمان نیستند اما به دلیل بی‌خانمانی موقتی شان، آنها را می‌بایست مطابق با قانون، بی‌خانمان محسوب کرد و خانه‌ای برایشان تدارک دید.

مفهوم گسترده بی‌خانمانی در دانمارک گاه دولت این کشور را در مقایسه با دیگر کشورهای که مفهوم محدودی از بی‌خانمانی را مدنظر می‌گیرند، با مشکل مواجه می‌کند. این مفهوم در دیگر کشورها به افرادی اطلاق می‌شود که خانه آنها خیابان یا دیگر مکان‌های عمومی است، البته در دانمارک نیز، به رغم مفهوم گسترده این کلمه، نکات کلی و مشترکی هم وجود دارد که با توجه به آن، گاه آوارگان موقت به عنوان بی‌خانمانان دائمی تلقی می‌شوند.

کننده این امکان را می دهند که کمیته های مخصوصی را در جهت افزایش حضور خود در تصمیم های زندگی شخصی شان، و به طریق اولی و تأثیر بر صحنه سیاسی، تشکیل دهند.

بنابر این اصلاح اقتصادی سال ۱۹۹۷ گام آگاهانه ای است در جهت تأسیس سازمانی ملی بررسی بی خانمانان، که هر بخش از کشور سهمی در آن داشته باشند.

طیف انتخاب مسکن

حسرت کشورهای غربی امروزه به سوی عدم تمرکز است. این موضوع در دانمارک نیز برانجام واکنش های لازم به بی خانمانی تأثیر گذاشته است. به طوری که خطایف مربوطه، هر دم بیشتر از حکومت ملی به بخشها، مناطق مختلف و شهر دارها محول می شود. بر این همه، در حالی که حکومت گماکان برای سهم هزینه های آن دسته از خانه های که بر اساس سیاست های اجتماعی جاری ساخته می شوند تصمیم گیری می کند، اما این مناطق اند که

نیادهای استانی یا شهرداریها نیز آنها را به اجرا در می آورند. به نظر می رسد که این سازمانها استعداد خاصی در پذیرش و مراقبت از استفاده کنندگان دارند. کارکنان این مؤسسات بیشتر برجته های انسانی افراد تأکید می ورزند.

با وجود اینکه در سالهای اخیر ضرورت احداث تعدادی سریناه جدید موقتی نیز مطرح شده است، اما اکثر سریناهها در قالب توانبخشی و آموزش شغلی شکل گرفته اند. استانداردها و شهرداریها نیز مکانهایی را برای گرد آمدن و تعامل مردم برپا کرده اند که در طول عصر و غروب - و گاه تمام شب - به فعالیت می پردازند. در این مکانها افرادی خانمان می توانند هم فکر و هم صحبتی پیدا کنند و مسائل و مشکلات خود را با کارکنانی که در آنجا حضور دارند در میان بگذارند.

آمار و ارقام

همان طور که قبلاً نیز اشاره شد، مفهوم گسترده بی خانمانی در دانمارک تعیین رقم دقیق افراد آواره را ناممکن کرده است. اخیراً به تمام سریناهها و پروژه های مسکونی اعلام کرده اند که هر ماهه ارقام مربوطه به استفاده کنندگان را نگه دارند. این اطلاعات از طریق شماره امنیتی اجتماعی افراد که مسئولان را در تخمین دقیق تر تعداد بی خانمانان یاری می کنند، جمع آوری می شود. اینکه افرادی خانمان چه کسانی هستند از چه سریناهها استفاده کرده اند در چه فاصله زمانی بر می گردند؛ و طول هر مدت اقامت ایشان چقدر است، از جمله این اطلاعات است. تعداد تخمینی بی خانمانان در دانمارک بر اساس ارقام است که سریناههای موقت دارند - و در زمان حاضر ۲۳۲۷ مورد است. همه واحدها ادعا کرده اند که صد در صد اشغال شده اند. همچنین برآورد شده است که به همین تعداد نیز بی خانمان در منازل اقوام و دوستان زندگی می کنند؛ و این نشان می دهد که رقم ۵ هزار نفر به واقعیت نزدیک تر است. هنوز تعداد افرادی که ساکنی برای استقرار شبانه ندارند، بسیار اندک (کمتر از ۱۲ نفر در هر یک از شهرهای بزرگ) است.

مسئولیت شهرداریها

در دانمارک تمام افراد با شماره شناسایی ملی در شهرداریها به ثبت رسیده اند و از آنها خواسته شده است تا نشانی خود را در هر تغییر مکان، به شهرداری محل اطلاع دهند و ثبت کنند. آخرین نشانی ثبت شده ای که هر فرد در شهرداری دارد نمایانگر حمایت صالی وی از طریق دولت است. هنگامی که فردی بی خانمان در یک واحد مسکونی واقع در حوزه شهرداری دیگری پذیرفته می شود، می تواند خدمات لازم را از همان شهرداری دریافت کند. در این حالت آن شخص به اداره کار ارجاع داده می شود، و این بدلی مفهوم است که حمایت های مالی تا زمانی که وی در یک فعالیت یا نوعی از اشتغال شرکت جوید، صورت می گیرد.

از سال ۱۹۹۷ که طرح جدید اصلاح اجتماعی ارائه گردید، وظایف هر چه بیشتری بر عهده شهرداریها از طرف دولت یا استانداردها (بها) گذاشته شد. به این ترتیب شهرداریها موظف به برنامه ریزی فعالیتهای شغلی برای بی خانمانی گردیدند که از کمکهای دولت بهره مند می شدند. علاوه بر این، شهرداریها می بایست طرحی برای مراقبت از این گونه افراد ارائه دهند. این طرح باید در بردارنده موضوعاتی چون آینده مسکن، بررسی موقعیتهای شغلی و نظایر آنها باشد. در عوض، شخص بی خانمان همواره باید آماده ورود در بازار کار باشد. اغلب شهرداریها یا پروژه های مسکونی که کارگاههای کارورزی دارند، قرار داد



دانمارک - کپنهاگ

مسئولیت فراهم آوردن واحدهای مسکونی لازم برای بی خانمانان را برعهده دارند.

اکثر مناطق دانمارک در ساخت این گونه واحدها از الگویی مشابه استفاده می کنند که حاصل کار ساختمانی است بزرگ شامل تعداد زیادی اتاق و واحدهای خاص پرسناری یا بهداشتی برای افرادی که نیاز به مراقبتهای پزشکی دارند. ساخت چنین خانه هایی موجب دید آوردن متاعل درمائی گوناگون می شود. علاوه بر این، آپارتمانی که در قالب واحدهای مسکونی دومتبقه در کنار این خانه های بزرگ قرار دارند به این خانه ها متصل می شوند. ساکنان این آپارتمانیها با کمک و حمایت کارکنان توانبخشی، می آموزند که چگونه می توانند دوباره به جامعه ملحق شوند.

در دانمارک سازمانهای خیریه، گروه تجلات بخش و جز آن وجود دارند که تحت قراردادی با دولت، مقاصد استان و یا شهرداری به مدیریت پروژه های مسکونی بی خانمانان می پردازند. اغلب پیشنهادها و برنامه ریزیها را این مؤسسات انجام می دهند، و

در دانمارک سازمانهای خیریه، گروه نجات بخش و جز آن وجود دارند که تحت قراردادی با دولت، مقامات استان و یا شهرداری به مدیریت پروژه‌های مسکونی بی‌خانمانان می‌پردازند

مؤلف به فراهم آوردن حمایت‌های لازم باشد. در زمان حاضر این گونه حمایت‌ها شامل آموزش مهارت‌های زندگی است، اما در این میان بر مراقبت از خانه در قالب نطق و خرید غذا تأکید بیشتری می‌شود.

نتیجه

بی‌خانمانی مسئله جدیدی در دانمارک نیست و با وجود سابقه سناخه‌هایی که در جهت محدود کردن این قشر به کار گرفته شده، همچنان در طول سال‌ها وسعت یافته است. ابتدا وزارت امور اجتماعی تلاش‌هایی را در جهت حذف بی‌خانمانی آغاز کرد. پس از آن میلیون‌ها نفر به منظور ارائه طرحی ملی برای توسعه فعالیت‌های مراقبتی، حمایت و تقویت مشارکت استفاده کنندگان، بهبود و اصلاح ایده طرح‌های مراقبتی، و همچنین فراهم آوردن تسهیلات توانبخشی و بازار پروری، به کار گرفته شدند. علاوه بر این، دولت در سافت که برای فعال ساختن طرح مراقبت، ضروری است که علاوه بر آموزش کارکنان لازم، سرمایه‌گذاری‌های نیز انجام شود.

به رغم این حقیقت که فراهم آوردن سقفی برای بی‌خانمانان در قانون پیش‌بینی و تضمین شده است، هنوز هم افرادی وجود دارند که ظاهراً ترجیح می‌دهند در خیابان‌ها زندگی کنند. این افراد هر دم بیشتر از جامعه متروی می‌شوند و در نظر افرادی که از خارج به زندگی آنها می‌نگرند، زندگی غیرانگیزی دارند. اغلب آنها افرادی هستند که به بیماری‌های روانی و یا مشکلات فیزیکی ناشی از تسویع زندگی شان دچارند. در زمان حاضر بخش عمده‌ای از افراد تسویع خود را صرف این موضوع می‌کنند که از طریق افرادی که در خیابان‌ها مشغول به کار هستند، خوراکی‌های چون سوپ و ساندویچ در اختیار افراد خیابان خواب بگذارند و از آنها مراقبت‌های پرستاری و حمایت‌های روحی و عاطفی به عمل آورند. البته هنوز این خدمات به سطح خیابان تعمیم داده نشده‌اند، چرا که ممکن است این کار نشانگر پذیرش شرایط بی‌خانمانی و زندگی خیابانی در جامعه باشد. شاید محدود کردن این تلاش‌ها و در معرض سوق دادن این سرمایه‌ها به سوی گزینه پروژه‌های مسکونی در جهت فراهم آوردن خانه‌هایی که اینان بتوانند در آن زندگی کنند، شرایط بهتری را به وجود آورد.

شاید این تنها نوعی آزمائگری باشد که جامعه بتواند شرایطی را فراهم سازد که هیچ فرد مترویی و رانده شده‌ای وجود نداشته باشد.

می‌بینند، تا در این راه به بی‌خانمانان یاری رسانند. اما میزان بهره‌مندی شدن افراد بی‌خانمان از این برنامه، بسته به همکاری مسئولان با شهرداری‌ها متغیر است. این موضوع ممکن است برای شهرداری‌ها و سوسانگیز باشد که با فراهم آوردن حداقل کمک به آوارگان و ناگاه نگه داشتن آنان از قوانین، بودجه مخصوص این کار را برای دیگر ضروریات حفظ کنند.

در اصل، شهرداری‌ها موظف به رعایت تشکیلات یکسانی برای کمک به بی‌خانمانان و دیگر اشخاص ساکن در حوزه شهرداری هستند. اما به هر حال جای نأسف است که شهرداری‌ها اغلب در قبال افراد ساکن شده در واحدهای مسکونی جدید، چندان فعال عمل نمی‌کنند و در واقع آنها را به استانداردها و می‌گذارند. این موضوع سبب دخالت دولت و اجبار شهرداری‌ها برای هر چه فعال‌تر کردن آنها شده است. به همین دلیل سازمان‌دهی جدیدی برای ارائه سرمایه‌ها در نظر است. اگر این توافق مبدل به قانون شود، شهرداری‌ها موظف به قبول کلیه مخارج افراد بی‌خانمانی هستند که تاگزیر شده‌اند به دلیل عدم موفقیت شهرداری در یافتن خانگای دائم برای آنها در عرض ۲ ماه، در واحدهای مسکونی موقتی زندگی کنند.

در دانمارک تمام افراد با شماره شناسایی ملی در شهرداری‌ها به ثبت رسیده‌اند و از آنها خواسته شده است تا نشانی خود را در هر تغییر مکان، به شهرداری محل اطلاع دهند و ثبت کنند. آخرین نشانی ثبت شده‌ای که هر فرد در شهرداری دارد نمایانگر حمایت مالی وی از طریق دولت است

اینکه چطور و چه وقت فرد آواره می‌تواند به شهرداری مراجعه کند، بستگی به موفقیت اقتصادی وی دارد. معمولاً نیمی از بی‌خانمانانی که در واحدهای مسکونی زندگی می‌کنند، مقرری مساهانه دارند. بنابراین ارتباط آنها با کار کلن بخش حمایت مالی، زیاد نیست. نیمی دیگر ارتباطی مداوم با این افراد دارند، چرا که می‌بایست برای دریافت چک خود گزارش کنند. اکثر بی‌خانمانانی که حقوق حمایتی دریافت می‌کنند، در عین حال محقق دریافت عایدی توانبخشی و بازار پروری نیز هستند و اجازه استفاده از کارگاه‌های سرپناه‌ها را - برای آموزش شغلی بیشتر - دارند.

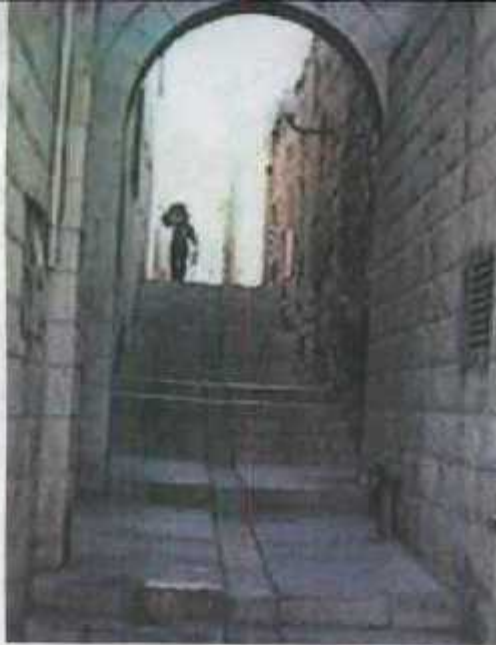
از آنجا که اشخاص بی‌خانمان عموماً از طرف اطرافیان شان تسرد می‌شوند، ترجیح می‌دهند زندگی مستقلی داشته باشند. سالیانه متعادل در دانمارک، به دلیل قوانین ساخت و ساز در بازار مسکن، کمبود مسکن به چشم می‌خورد. مسئولیت عرضه مسکن بیش از آنکه مربوط به وزارت امور اجتماعی باشد بر عهده وزارت مسکن است و نتیجه این امر در نظر گرفتن حق تقدم برای بقیه جمعیت و سپس بی‌خانمانان است. در شرایطی کاملاً دور از ذهن و بعید، چه بسا فرد بی‌خانمان یک آپارتمان امن در بین خانه‌های اجتماعی - و مبادارای مالکیت شخصی - پیدا کند که شهرداری

شهرداری اریحا گواهینامه ایزو ۹۰۰۲ گرفت

شهرداری اریحا در فلسطین به دلیل بهبود و توسعه مستمر در ارائه خدمات به شهروندان، موفق به دریافت گواهینامه ایزو ۹۰۰۲ در مدیریت کیفیت برتر شد. این شهرداری از سال ۱۹۹۹ طی قراردادلی به این موضوع رسمیت داد و استانداردهای بین المللی ایزو را در سازمان شهرداری پیاده کرد.

بدین ترتیب دوره‌های آموزشی متعددی به منظور آموزش مدیران و کارکنان بخشهای مختلف شهرداری برگزار شد و از دل تحقیقات جالبی، طرحها و روشهای تازه‌ای مبتنی بر قوانین مدیریت کیفیت حاصل گردید و دستورالعملهای به دست آمده نیز برای اجرا به تمام ساختار شهرداری ابلاغ شد.

همچنین نمایندگانی از شهرداری برای کسب اطلاع از سیستمهای آموزش و پرورش و آبرسانی به شهر لاردال نروژ سفر کردند و به بازدید از تأسیسات آبرسانی و انتقال تجربیات روشهای آموزشی کودکان و نوجوانان و سیستمهای اطلاع رسانی شهری پرداختند.



برگزاری کارگاههای آموزشی در زمینه مدیریت برنامه ریزی بحران، چگونگی جذب سرمایه گذارهای خارجی در پروژههای شهری و بررسی تأثیر صنعت جهانگردی بر اقتصاد شهری، از جمله برنامه‌های جالبی دریافت این گواهینامه بوده است.

www.Google.Jericho Municipality News

www.Google.Jericho Municipality News

ترویج فرهنگ صلح، عوامل اساسی در توسعه فرهنگ در تمامی زمینه‌های فردی و گروهی، دیدار و گفت‌وگو میان کمیته‌های فرهنگی و مذهبی در جهت شناخت نظام جدید بین المللی، تحکیم روابط انسانی به گونه‌ای که تمام فرهنگها و ملیتها بتوانند در توسعه آن برای ترویج آزادیها و مسئولیتهای فردی و گروهی سهیم باشند.

هم اکنون یارسلون اولین شهر اروپاست که بیش از دیگر شهرهای یونانی و نیروی لازم را در تحقق موارد ذکر شده دارد، چرا که بیش از این متکر کنفرانسهایی نظیر محیط زیست و توسعه پایدار در کشورهای حاشیه مدیترانه، همایشهای یونسکو در باره مشارکت در ترویج فرهنگ صلح و حقوق بشر و چگونگی جذب توسعه NGOها بوده است.

یارسلون می‌کوشد تا در سال ۲۰۰۴ افقهای تازه‌ای را در تحلی شهری طبرن و توسعه یافته ترسیم کند.

سازماندهی همایش مذکور را کمیتهای برنامه ریزی کرده است که این وظایف را نیز بر عهده دارد؛ ارائه تصویری درست از همایش، برقراری ارتباط با مؤسسات و سازمانها و نهادهای غیر دولتی، برنامه ریزی برای بهره‌برداری از منابع انسانی، مدیریت ساختار و قوانین کلی همایش و تعیین محدودیتهای حقوقی و تعهدات.

مدیریت این کمیته را نیز شورایی متشکل از شهردار یارسلون، نمایندگان دولت و نمایندگان مؤسسات غیر دولتی و مردم بر عهده دارد.

همچنین به منظور برگزاری هر چه بهتر همایش، مجموعه‌ای از ساختمانها و تأسیسات مختلف ساخته شده که به پیشرفتترین امکانات پذیرایی مجهز است.

از سوی دیگر سه تالار به نامهای «صلح»، «فرهنگ» و «شهرها» مهیا شده‌اند که به ترتیب در زمینه اشاعه فرهنگ صلح، ارائه راهکارهای فرهنگی و نوآوریهای اجتماعی و فعالیتهای مربوط به توسعه پایدار شهری فعالیت می‌کنند و تالاری نیز به نمایش دستاوردهای گروههای غیردولتی تخصیص یافته است.

شهر یارسلون در تابستان ۲۰۰۴ میلادی، برای گسترش پیغام صلح و همبستگی در هزاره پیش رو، میزبان تمامی شهرهای جهان خواهد بود.

مردم از سراسر جهان در یارسلون جمع می‌شوند تا برای مهیا ساختن شرایط لازم برای حفظ و برقراری صلح، با همکاری سازمانهای غیردولتی و طراحی تدابیر پیش گیرنده تلاش کنند.

در این سال جشن بزرگی با حضور تمام شهرهای جهان برای معرفی هویتهای ملی مختلف برگزار می‌شود و مشهورترین اندیشمندان و هنرمندان جامعه روشنفکری در آن حضور می‌یابند.

پیامهای اصلی این همایش، نوید از دنیایی نو برای بیخودن قرنی می‌دهد که اساس آن حرکت به سوی ایجاد کیفیت زندگی بهتر، پیشرفت اجتماعی و شکوفایی محیطهای شهری است.

مهمترین محورهایی که در این همایش بزرگ بین المللی مورد بررسی قرار خواهند گرفته عبارتند از: توسعه شهری و تکرانی جامعه بشری در این خصوص، تحلیل عوامل اساسی مکتول دولتها - که همانا سازمانهای غیردولتی اند - و نقش آنها در

بارسلون ۲۰۰۴، شهر صلح و دوستی



اسپانیا - کاستیجان - نمایش از شهر قدیمی و استیک - شهری روم

سازمانهای غیردولتی، نیمه دولتی و به ویژه سازمان ملل متحد نیز گردهایی را بر پایه نقش این عنصر اجتماعی در ساختار جامعه مدنی، برگزار می کنند.

عوامل ترویج فرهنگ صلح در دیدگاه غیر غربی و نهضت‌های اجتماعی که در راه ترمیم جهانی بهتر سهیم‌اند نیز از جمله موضوعات همایش است و در آن نقش و جایگاه آزادی، دموکراسی، امنیت، آرامش، جوانان، زنان، مذهب، معلولان و کمیته‌های محلی در پیشبرد فرهنگ صلح بررسی خواهد شد.

همچنین ایجاد انگیزه در شهروندان، حمایت از نوآوری‌های شهروندی، انتقال معیارها و سازوکارهای مثبت با اهداف انسانی و آشنایی با عقاید عمومی در این زمینه‌ها، در همایش یاد شده جایگاه ویژه‌ای دارند.

ترجمه: سحر حسینی
تصحیح: سحر حسینی

www.GoodCityofBarcelona



استفاده را از جلوی در منازل جمع می کنند و آنها را به خانواده‌های محتاج و کم‌نیات عرضه می‌دارند. مبلغان اسباب‌چاچی، دستگاه‌های برقی و سایر کالاها از جمله این موارد هستند. همچنین در طرح دیگری از این مؤسسه، خانواده‌هایی توصیه‌های کاهش زباله را تحت نظارت کارشناسان به کار گرفته‌اند.

پس از اجرای توصیه‌ها در خصوص استفاده مجدد از اجناس و تولید زباله کمتر، خانواده‌های یاد شده در روش زندگی خود و حتی عادات مربوط به غذا خوردن تغییراتی دادند.

با تعمیم نتایج طرح مذکور در بین یک میلیون شهروند، اکنون تولید زباله در بروکسل به میزان ۲۵ هزار تن کاهش یافته است.

IBGE در ترویج روش‌های خود از کودکان به عنوان گروه‌های اصولی‌ش پذیر و شهروندان فهیم حد اکثر استفاده را می‌کند و امکانات مناسبی را در اختیار مربیان شان قرار می‌دهد.

اصول‌های زیست-محیطی، تعارضات سابه‌های چینی و اجرای پروژه تکنیک زباله در مدارس از جمله مواردی‌اند که نتایج مثبتی به دنبال داشته‌اند.

لازم به ذکر است که تجهیزات خاصی نیز برای برگزاری بهتر همایش، متشکل از پیشرفته‌ترین فناوری‌های روز، به منظور انجام نشستهای گوناگون، تدارک دیده شده است و جوانان هم در این میان در کمپ ویزه به فعالیتهای خاص خود می‌پردازند.

موزه هنرهای ملی کاتالونین، موزه هنرهای معاصر بارسلون، تئاتر ملی، استادیوم المپیک، بازار بارسلون، موزه علوم و مراکز فرهنگی این شهر، در برنامه‌ریزی به عنوان مکانهای دیدنی برنامه جینی همایش در نظر گرفته شده‌اند.

در همایش یاد شده بیاسیهای ملیتهای مختلف در زمینه مشارکت شهروندی و اشاعه آنها مورد توجه قرار گرفته است.

باید خاطر نشان ساخت که این همایش به منزله نوعی نمایش نیست بلکه در آن دولت‌ها، ملل و شهرها با پذیرش قوانین بین‌المللی به تعزین و ترویج فرهنگ صلح می‌پردازند - که البته در این میان شهر دارین نقش اساسی بر عهده دارند.

البته در این خصوص، نقش مهم و مثبت مذهب و زمینه‌های مربوط به آن در ترویج فرهنگ صلح فراموش نشده است و

مؤسسه بررسیهای زیست محیطی بروکسل (IBGE) از زمان تاسیس آن در سال ۱۹۸۹، فعالیتهای مثبتی را در زمینه محیط زیست به انجام رسانده است.

این مؤسسه در واقع به عنوان مشاور شهروندان بروکسل در تمام مواردی که با محیط زندگی آنان مرتبط است - مانند هوا، فضای سبز، زباله، آلودگی صوتی و نظایر اینها - مشارکت می‌کند. IBGE فعالیتهای خود را بر مبنای روش‌شناسی اصولی و طی مراحل زیر انجام می‌دهد:

اولین مرحله شامل جمع‌آوری اطلاعات مطابق با درخواستهای رسیده در زمینه کیفیت هوا، مکانهای تولید صدا، وضعیت زباله‌های قابل بازیافت، فضای سبز و مانند اینهاست.

در مرحله دوم، این مؤسسه به تحلیل و بررسی مسائل می‌پردازد و این امکان را فراهم می‌سازد تا استراتژیها تعیین گردند و برنامه‌ریزی آغاز شود.

مرحله سوم شامل مشارکت در آمایش سرزمین و تحقیقات در این زمینه است تا راه‌حلها مشخص و ارائه شوند.

در مرحله چهارم نیز اطلاعات به دست آمده توزیع می‌شوند تا شهروندان از آنها آگاهی یابند. شهروندان می‌توانند با یک تلفن از خدمات واحد اطلاع رسانی محیط زیست بهره‌مند شوند.

این مؤسسه همچنین با برگزاری نمایشگاه، چاپ بروشور و جز آن برای مقاطع سنی مختلف، انگیزه‌هایی لازم را برای همکاریهای زیست محیطی به وجود می‌آورد.

در بروکسل اقدامات مثبتی در زمینه بازیافت زباله صورت گرفته و این مؤسسه نقش مهمی در هدایت آن بر عهده داشته است.

خط مشی بروکسل کاهش ۱۰ درصدی تولید زباله تا پایان سال جاری میلادی است که بدین منظور IBGE بروشورهایی را شامل توصیه‌هایی نظیر استفاده نکردن بی‌رویه از کاغذها و آگهی‌های تبلیغاتی، گفتگوهای گروهی برای بهره‌برداری صحیح از محیط زیست، رعایت بهداشت آبها، جلوگیری از استفاده از کالاهای موسوم به یکبار مصرف و استفاده بیشتر از کالاهای ماندنی، به چاپ رسانده است.

در این بروشورها مردم تشویق شده‌اند تا از کالاها حد اکثر استفاده را ببرند. همچنین گروه‌های ویژه‌ای کالاهای قابل

مؤسسه بررسیهای زیست محیطی، مشاوری برای شهروندان بروکسل

سبزو رنگ نیز زیاله‌های شیمیایی نظیر باتری، پاک‌کننده‌ها، مواد روغنی و دارویی را یکبار در ماه جمع می‌کنند.

همچنین به منظور ارائه خدمات و آموزش در خصوص زیاله‌ها، تأسیساتی در بروکسل ایجاد شده‌اند که زیاله‌های خانگی، فلزها، زیاله‌های مربوط به باغبانها، نخاله‌ها، مواد دورریختنی خودروها و زیاله‌های خطرناک به آنجا برده می‌شوند و با روشهای اصولی تفکیک می‌گردند.

از سوی دیگر، یک کارخانه زیاله‌سوز در بروکسل ۵۳۰ هزار تن زیاله را در سال می‌سوزانند و ۲۶ درصد از انرژی شهر را تأمین می‌کنند. این کارخانه به فیلترهایی مجهز است که از آلودگی هوا جلوگیری می‌کنند.

شایان ذکر است روزنامه‌ای نیز در بروکسل به طور رایگان توزیع می‌شود که حاوی اطلاعات مفیدی در خصوص زیاله و راههای جلوگیری از تولید مضاعف آن است.

ترجمه: بیژن سروری
شیخ

www.in.Centre.des.Villes

از دیگر برنامه‌های این مؤسسه برای آموزش کودکان، اهدای کارت پستال به هر دانش آموز است که در آن چندین توصیه کاربردی در مورد تولید کمتر زیاله در منزل یا مدرسه مطرح شده بود.

همچنین به مدارس، کیسه‌های زرد رنگی داده شد تا کودکان کاغذهای باطله را در آنها قرار دهند.

بدین ترتیب ساختار جدیدی در بروکسل شکل گرفته و مطابق آن استراتژیهای منطبق با توسعه و با امکان به دسترسی به امکانات آموزشی محیط زیست نیز به وجود آمده است.

از جمله فعالیت‌های اجرای IBGE با مشارکت بخش خصوصی، جمع‌آوری زیاله‌ها از مقابل منازل و ارائه آموزشهای رودروستند.

به منظور جمع‌آوری زیاله‌های خانگی و تفکیک آنها کیسه‌های خاکستری رنگ برای زیاله‌های تر، کیسه‌های آبی برای قوطیها و بطریها، و کیسه‌های زرد رنگ برای کاغذ و مقوا در نظر گرفته شده‌اند.

جمع‌آوری منسوجات و سایر لوازم خانگی را نیز مؤسسه خاص اقتصادی - اجتماعی برعهده دارند و کامیونهای کوچک

گان، نمونه‌ای از کیفیت بالای زندگی شهری

شهر بزرگ دانشگاهی گان در فرانسه با داشتن جمعیتی جوان، به عنوان شهری سالم و پرتکاپو مطرح است.

بهره‌برداری از خدمات مطلوب و در دسترس در تمام سطح شهر، موقعیتهای مناسب برای فعالیت شهروندان و زمینهای مشارکت آنان در تمامی محله‌ها، دسترسی آسان به امکانات تفریحی و ورزشی، امکانات مناسب برای نگهداری از کودکان و وجود گردشگاههایی با نشاط در تمامی نقاط شهر، از جمله نشانگرهای سطح بالای کیفیت زندگی در این شهر به شمار می‌آیند.

در نزدیکی مرکز شهر، ۷۳۰۰ جایگاه پارک اتومبیل رایگان و ۳۷۰۰ پارکینگ غیررایگان وجود دارند که به این تعداد می‌بایست ۵۰ پارکینگ زیرزمینی را نیز اضافه کرد.

بازارها و محله‌های خرید، مکانهای ورزشی، جایگاههای پرگسزازی کشتربها و کاروانهای شادی و نظایر اینها در گان از امکانات ویژه شهرداری بهره‌مند می‌گردند و همین باعث شده است که علاقه‌مندان بسیاری را به خود جلب کنند.

در طی ماههای «مه و ژوئن» جشنواره‌های بزرگ در شهر اجرا می‌شوند. از همین دست، در سال گذشته به مناسبت پرگسزازی جشنواره «صباح در شهر گان» تمامی شهروندان با شعار «محله‌ها شهر را می‌سازند» دست به فعالیتهای متعدد مشارکتی شهری زدند.

پرگسزازی نمایشگاهها و مراسم فرهنگی، شهروندان را بسیج می‌کند تا در بهسازی محیط شهری دست به دست هم دهند؛ و در این میان هنرمندان که نماینده قشر روشنفکر جامعه هستند، همواره سهم و نقش مؤثری از خود نشان می‌دهند.

وجود ۱۱ منطقه شهرداری در محله‌ها و حمایت آنان از کتابخانه‌ها، مهدکودکها و باشگاههای نوجوانان، و همچنین وجود مکانهای ورزشی و فضا‌های سبز و تفریحی، زندگی در گان را مسرت بخش کرده است.

جایه‌جایی در این شهر از طریق شبکه‌ای متشکل از ۳۳ خط اتوبوس به سهولت انجام می‌شود و از ۱۵ سال پیش تاکتین

سرویسهای ویژه‌ای نیز برای حمل و نقل معلولان در نظر گرفته شده است. اهالی گان از امکانات پزشکی پیشرفته‌ای بهره‌مندند، به طوری که ۲ کلینیک کاملاً مدرن در این شهر به ارائه خدمات می‌پردازند.

شایان ذکر است که این شهر در ارائه خدمات نگهداری از کودکان، گردش و تفریح خردسالان و تأمین اوقات فراغت شادی بخش برای آنها، مقام اول را در بین شهرهای مشابه به خود اختصاص داده است. در زمینه‌های آموزشی نیز در این شهر ۱۷ مرکز ویژه کودکان، که زیر نظر دانشگاه اداره می‌شوند، خدمات ویژه‌ای را ارائه می‌کنند.

از دیگر امکانات تفریحی - فرهنگی در گان، وجود «دهکده موسیقی» است که در آن می‌توان از طریق «موسیقی، آواز، نمایش و برنامه‌های دیدنی دهکده، با فرهنگهای ملل مختلف آشنا شد.

در این دهکده برنامه‌های دیگری نظیر برنامه «برایم قصه بگو»، مخصوص مهدهای کودکان اجرا می‌شود که هدف آن رشد و پرورش خلاقیت‌های کودکان در زمینه حکایت و قصه‌گویی است. در این بین برای نوجوانان ۱۴-۷ سال نیز روزی به نام «آشنایی با فرهنگ جهان» ترتیب داده شده که نقش مؤثری در ترغیب آنان به مطالعه در باره سایر ملل داشته است.



بنا بپردازد سطح دانش کودکان و معرفی اهمیت زندگی گروهی، ارائه آزادیهای انتخاب انواع فعالیتهای مشارکتی، شناساندن ارزشها و تواناییهای فردی و استفاده از دیدگاههای کارشناسان، از جمله دیگر فعالیتهای مدیران شهر در جهت بر کردن اوقات فراغت شهروندان است.

در فصل تابستان، گروههای ویژه‌ای برای اجرای نوآوریها و

پارکهای اجاره‌ای در ترکیه

در زمان حکومت عثمانی در ترکیه، به منظور نگهداری زمین و همچنین اشتغال زایی، برخی زمینهای مسطحی قرار دادی به افراد اجاره داده می‌شد و این قرار داد تا زمانی که مستأجر در آن زمینها به کار اشتغال داشته معتبر بود.

هم‌اکنون در کشورهای توسعه یافته نیز ایجاد پارکهای منسجم و بهره‌گیری از زمینهای خالی و خرابه‌ها در داخل و خارج شهرها، جزو پروژهای شهرداریها محسوب می‌شوند. بر اساس این پروژها، زمینهای خالی مطابق با شاخصهای معین قطعه قطعه می‌گردند و برای تبدیل به پارکهای کوچک، اجاره داده می‌شوند.



این در حالی است که در برخی کشورهای اروپایی حتی بخشی از فضای سبز مابین ساختمانهای مختلف نیز به صورت پارکهای کوچک درآمده است.

بنابر این تمامی زمینهای عمومی می‌بایست چه در داخل و چه در خارج شهرها در قطعاتی با وسعت بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر، به صورت پارک آماده‌سازی شوند.

این پارکها می‌بایست به گونه‌ای طراحی گردند که وسایل و مبلمان شهری به کار رفته در آنها در شرایط مختلف جوی قابل استفاده باشند.

در احداث بناغچه‌های متعدد در پارکهای یاد شده باید حفاظتهای مخصوصی را برای آنها در نظر گرفت؛ و به طور کلی هر آنچه در قالب زیباسازی و یا طراحی این قطعات اجاره‌ای صورت می‌گیرد می‌بایست مطابق با شاخصهای تعریف شده باشد.

سیستمی که هم‌اکنون در کشورهای یاد شده پیاده می‌شود، در واقع برگرفته از سیستم دوره عثمانی است.

امروزه در شهرهای بزرگی مانند استانبول، آنکارا، امیر و جز اینها باید عوامل مختلفی را برای حفظ و نگهداری شهر در نظر گرفت، که از جمله آنها حفظ و زیباسازی محیط است.

الودگی هوای شهرها، ترافیک و سایر مشکلات، شهرنشینان

ابتکارات شهروندی در زمینه گذران اوقات فراغت شهروندان در سطوح مختلف سنی بسج می‌شوند.

شهرداری در این شهر نیز همواره خود را مسئول و مؤلف به ایجاد امکانات لازم برای گذران اوقات فراغت شهروندان می‌داند.

ترجمه شهرزاد میرین پاک

منبع:

www.QUALITEdeltaVill

را وادار به پناه بردن به فضای سبز کرده است، به عبارتی دیگر، فواید و لزوم ایجاد پارکهای شهری را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

تبدیل زمینهای خاکی به فضای سبز که رفته رفته به خرابه تبدیل می‌شوند، ایجاد پارکها و تزیینات درون آنها به منظور زیباسازی شهر، از بین بردن تنشها و فشارهای ناشی از زندگی شهری، ایجاد امکان تفریحی برای سالمخوردگان و زنان خانه‌دار. در عین حال افراد می‌توانند با اجاره این پارکها، به کشت سبزیجات برای استفاده روزانه - یا بیش از آن - بپردازند.

از سال ۱۹۵۰ با گسترش شهرها و فزونی گرفتن روند مهاجرت در ترکیه، مشکلاتی از قبیل افزایش قشر فقیر جامعه و رواج فعالیتهای خلاف قانون، خصوصاً در زمینهای خالی و پارکها، روبه‌افزایش گذاشته است.

استانبول به عنوان شهری مهاجرپذیر، همواره شاهد هجوم مسافران برای بیتوته در پارکهاست - که البته این معضل با ایجاد پارکهای اجاره‌ای تا حد زیادی برطرف شده است.

در استفاده از مدل مذکور، این مراحل مورد توجه قرار گرفته است: در وهله نخست مناطق و مکانهایی که در آن قاچاق صورت می‌گیرد شناسایی می‌گردد و سپس در آن محلها پارکسازی انجام می‌شود. سپس با تفکیک زمینها در اندازه‌های ۱۵۰ الی ۳۰۰ متری و اجاره دادن آنها، مسئولیت کنترل و مراقبت از فضاهای سبز به مستأجر سپرده می‌شود و بدین ترتیب بسیاری از مسائل خود به خود برطرف می‌گردند.

دیگر اینکه، برای نگهداری پارکها و خصوصاً دریاچه‌ها و حوضچه‌های آنها، قوانین روشنی تعریف شده‌اند و این مکانها برای استفاده عموم مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

شهرداری استانبول برای حل مشکل کمبود فضاهای تفریحی، نخست به آماده‌سازی زمینهای خالی و بدون صاحب می‌پردازد و سپس شرایط اجاره آنها را اعلام می‌کند. با این حرکت نظافت این مکانها و جلوگیری از تبدیل آنها به محلهای بدون دفاع، تضمین می‌گردد.

آیستاری اراضی اگرچه به دست مستأجر صورت می‌گیرد اما این کار مستلزم آن است که شهرداری آنها را آب و نود و آب چاه را با شرایط خاص در اختیار آنها قرار دهد.

نکته دیگر اینکه، برای ایجاد تغییر ظاهری در این قطعه زمینها به دلخواه مستأجر، می‌بایست از شهرداری اجازه گرفته شود؛ اما به هر صورت وظیفه عمران، حفظ و آرایه‌بندی میلمان شهری در آنها بر عهده مستأجر است.

شایان ذکر است که با استفاده از روش یاد شده، بسیاری از مشکلات شهرداری استانبول - همچون وجود زمینهای بدون دفاع و کمبود فضاهای سبز شهری، برطرف شده است.

ترجمه شهرزاد میرین پاک

منبع:

www. Google/ Municipalities of Turkey

با فعال کردن پتانسیل کشاورزی

مون پلیه به شهری شاخص بدل گردیده است

به منظور ایجاد تحرک در توسعه اقتصادی، مون پلیه با تأسیس مرکز تحقیقات علمی کشاورزی به شهری مهم در فرانسه تبدیل شده است.

از ابتدای دهه حاضر، اتحادیه اروپا هزینه‌های مالی پروژه‌هایی را که به توسعه شهری کمک کند بر عهده گرفته است. مسون پلیه قطبی مهم در این زمینه محسوب می‌شود چرا که فعالیتهای تحقیقاتی در رشته کشاورزی و زمین‌های وابسته و همچنین انتقال فناوریهای صنعتی جدید جایگاه ویژه‌ای در این شهر دارد.



اهداف اصلی از اجرای پروژه مرکز تحقیقات علمی کشاورزی، عبارتند از: توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال، مشارکتهای گسترده در نوآوریهای شهری، اطلاع‌رسانی و تبادل علوم در عرصه بین‌المللی و توسعه شبکه‌های همکاری بین‌المللی در جهت تبادل تجربیات مفید.

از آغاز اجرای این پروژه تاکنون، فرستهای شفنی به میزان ۱۸ درصد افزایش یافته‌اند و این رشد کماکان در حال افزایش است و منافع بسیاری را نیز برای شهر به ارمغان آورده است.

از سوی دیگر، بزرگ‌ترین سازمانهای تحقیقات کشاورزی نیز در این شهر قرار گرفته‌اند و مؤسسات علمی در زمینه‌های وابسته به کشاورزی جذب این شهر شده‌اند و در نتیجه بستر تعامل و گفت‌وگو میان مؤسسات مطالعاتی بین‌المللی و ارتباط بین پژوهشگران تقویت گردیده است.

یکی دیگر از علل رشد شهر، ایجاد صنایع جانبی و فعالیتهای وابسته نظیر ساخت و ساز بخشهای اداری، سالنهای کنفرانس، هتل و تالارهای گوناگون است.

در واقع این شهر نقشی جهانی را در زمینه‌های اطلاع‌رسانی و انتقال فناوریهای مدرن، خصوصاً در بین کشورهای مدیترانه‌ای و استوایی، بر عهده گرفته است.

(۱۷۱) سمینار بین‌المللی، ۶۵۰ گرد همایی علمی و فنی و ۳۲۵ نشست، میان سران بلندیایه ۶۵ کشور جهان در خصوص توسعه پایدار و نوآوریهای کشاورزی، از جمله برنامه‌های اجرا شده در مون پلیه است.

اسروژه مسون پلیه به عنوان نماد توسعه در مناطق مدیترانه و استوایی در زمینه تحقق مشارکتهای مردمی مطرح شده است.

ترجمه: سید علی حسینی
مبدا

www. Le Projet Urbain

گسترش فضاهای عمومی، استراتژی شهرداری لیون

شهرداری لیون فعالیت‌های گسترده‌ای را برای گسترش فضاهای عمومی و آمایش مناظر و چشم‌اندازهای این شهر آغاز کرده است.

مشهورترین میدان شهر لیون بارنگهای سبز و صورتی آراسته شده است و طبق برنامه‌ریزی شهرداری، باغها و پارک‌هایی که در نقاط مختلف شهر قرار گرفته‌اند با هماهنگی خاصی در زیباسازی شهر سهیم گردیده‌اند.

در واقع هدف اصلی از اجرای سیاست یاد شده دستیابی به شهری است که هماهنگی خاص مناظر آن هویت و دستاوردهای ملی و بومی را نیز حفظ کند.

بدین منظور ۱۱۵ فضای عمومی در سطح شهر ایجاد شده‌اند که آرایش آنها به دست مشهورترین مراحان منظر صورت گرفته و سعی شده است که هماهنگی فضاها و مناظر حفظ شود. این هماهنگی به حدی مشهود است که گویا برای تمامی آنها از اصول مشابهی استفاده گردیده است.

لازم به ذکر است که فعالیتهای انجام شده برای آمایش فضاهای عمومی لیون، بر پایه اصول شهرسازانه و زیبایی‌شناسی منظر صورت گرفته است.

در این طرح سعی می‌شود تا گیاهان مختلف - و اطلاعات مفید در مورد آنها - در اختیار عموم قرار گیرد تا ضمن اطلاع‌رسانی، در بین شهروندان نیز علاقه نسبت به گیاهان تزئینی ایجاد شود.

بدین منظور، ده سال است که فضاهای کوچک عمومی با



فرانس - لیون

طراحیهای خاص در نزدیکی مجتمعهای مسکونی ایجاد می‌گردند. گلکاری و به کارگیری طراحی منظر در این گونه فضاها، نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان داشته است.

طراحی ورودی پارکهای لیون به گونه‌ای انجام شده است که این ورودیها نواحی شام‌رانه لژ حوادث مهم تاریخی این شهر باشند.

برای شهر، هماهنگی خاصی در تمام مناطق لیون به چشم می خورد.

افزون بر اینها، احیای بندرهای ماهیگیری نیز از اهداف مهم استراتژی شهر لیون است تا بدین وسیله پای گردشگران به شهر باز شود و اقتصاد شهر شکوفا گردد.

شرح: پلیر مرسور
منبع:

www.Equipement Urbain



تقریبی، یا در نظر گرفتن ترافیک و ساخت و سازهای درون شهری، ارائه شوند.

اساساً مشکلی که شهرداری فرانکفورت در اجرای «پروژه فرانکفورت زیبا» با آن روبه روست، فقدان فضاهای آزاد و زمینهای خالی در شهر است، و این شهرداری می کوشد با تملک فضاها و حداکثر استفاده از فضاهای موجود بر این مشکل غلبه کند.

هم اکنون در این شهر، نیمکت‌های شهری متنوعی در فضاهای سبز تعبیه می شوند و مکان‌هایی محفظه‌های زیبا، محله‌های پیارک دوچرخه و بیابان‌ها بر اساس اصول شهرسازی انجام می گیرند.

شرح: پلیر مرسور
منبع:

www.Google/Frankfurt Stadt



از جمله دیگر فعالیت‌های شهرداری لیون، بهسازی و زیباسازی میدان «ترو» (دومین میدان اصلی شهر) است.

مجموعه عملیاتی که در این میدان انجام شده، باعث گردیده است تا ارزش املاک اطراف آن افزایش یابد، ساختمانهای زیبایی در اطراف میدان برپا گردند و فعالیت‌های اقتصادی جدیدی نیز در کنار آن آغاز شوند.

به دلیل وجود استراتژی و برنامه‌ریزی شهری کاملاً مدرن

شهرداری فرانکفورت با اجرای پروژه‌های طراحی منظر و فضای سبز، برای زیباسازی این شهر بزرگ آلمانی تلاش می کند.

شهرداری فرانکفورت از سال ۱۹۹۹ این پروژه‌ها را به اجرا گذاشته است و قصد دارد طی برنامه‌ای دهساله، اهداف خود را در این زمینه جامه عمل بپوشاند.

با اجرای این پروژه موقعیتهای بسیار مناسبی برای استراحت و تفریح شهروندان به وجود می آید و مردم به لحاظ کیفیت هوا و چشم‌اندازهای مناسب زندگی بهتری خواهند یافت.

در بخشی از پروژه یاد شده، حصارها و نرده‌های موجود در شهر، خصوصاً در اطراف پارکها و فضاهای سبز برچیده می شود و میدان هماهنگ و زیبا در پارکها ایجاد می گردد.

شهرداری برای اجرای این برنامه‌ها واحدهای جدیدی ایجاد کرده است که صرفاً در زمینه طراحی فضای سبز شهری فعالیت می کنند.

همچنین از آنجا که ممکن است بر داشتن حصارها از برخی فضاها موجب بروز تهدیداتی برای خریداران شود، فضاهای یاد شده به وسیله گیاهان مناسب پوشانده خواهد شد.

از سوی دیگر، شهرداری برای ایجاد تغییرات و اجرای پروژه‌های زیباسازی از دیدگاههای ساکنان مناطق به طور خاص و شهروندان به طور عام استفاده می کند. تاکنون کار گه‌های مختلف عمومی طراحی فضاهای سبز که شکلی تعاملی دارند، در سطح شهر برگزار شده است، از شرکت‌های بزرگ ساختمانی نیز

برای تشکیل گروه‌های طراحی فضای سبز فرانکفورت دعوت به عمل آمده است تا بدین ترتیب ابتدا مشکلات بررسی شوند و سپس طرح‌هایی در جهت بهبود مشکلات ناشی از فقدان فضاهای

شهرداری استانبول به منظور مقابله با بحران انباشت زباله در شهر، اقدام به تأسیس کارخانه بازیافت زباله کرده است.

طی چند سال گذشته با افزایش جمعیت و گسترش شهر استانبول، هر روزه به انبوه زباله‌های شهری افزوده می شود، به گونه‌ای که تلاش شهرداری در دو نوبت برای جمع‌آوری روزانه زباله و جلوگیری از انباشت زباله‌ها و آلوده‌سازی فضا، بی نتیجه مانده است.

از سوی دیگر نیز دفن و سوزاندن زباله‌ها، مشکلات دیگری نظیر آلوده‌سازی آب‌های زیرزمینی و هوا را به دنبال داشته است. شهرداری استانبول برای رفع این مشکل، کارخانه بازیافت زباله را با همکاری وزارت بهداشت و با بهره‌گیری از ماشین‌آلات مدرن احداث کرده است.

روش کار در این کارخانه بدین شکل است که پس از جمع‌آوری زباله‌ها از سطح شهر، این مواد را کارگران پس از تفکیک، به گرو‌ه‌های مختلف -از جمله فلزات، منقوا و کاغذ، پلاستیک و جز اینها- دسته‌بندی می کنند.

فرانکفورت زیبامی شود

بازیافت زباله در استانبول راهی برای فرار از بحران

همچنین با توجه به اینکه باز یافت زیاده یکی از مسائل ضروری برای شهرها - خصوصاً کلانشهرها - است، آموزش و گسترش آگاهیهای لازم در میان شهروندان نقش عمده‌ای دارد. به همین منظور، شهرداری استانبول با شروع به کار این کارخانه درمندا اجرای برنامه آموزش همگانی برای شهروندان برآمده است.

از آن حمله می‌توان به ایجاد مکانهای مخصوص زیاده در هر یک از محله‌های شهر اشاره کرد. در این مکانها محفظه‌هایی با علائم و رنگهای متفاوت تعبیه شده‌اند که شهروندان بدین ترتیب به تفکیک زیاده‌ها در کیسه‌های مخصوصی که شهرداری در اختیارشان قرار می‌دهد ترغیب می‌شوند.

شایدان ذکر است که الگوی اجرای این پروژه از سوئد و نروژ گرفته شده و پیش‌بینی گردیده است که کارخانه مذکور در طول یک سال و نیم، کلیه هزینه‌های راه‌اندازی و از محل فروش مواد به دست آمده جبران خواهد کرد.

ترجمه: شهرزاد غریب‌پاد
منبع: مجله ۲۵، شماره ۱۰۰، شهریور ماه ۱۳۸۶

سپس این مواد ضد عفونی می‌شوند و به مواد ضد میکروب آفکننده می‌گردند و تحت حرارت قرار می‌گیرند و در نهایت نیز به زیر دستگاه پرس می‌روند.

در مورد زیاده‌های تفکیک شده‌ای مانند مواد غذایی و نیایی و برخی از مقادیر، روش کار کمی متفاوت است؛ بدین صورت که کنار خانه با افزودن برخی مواد شیمیایی به این نوع زیاده‌ها و حرارت دادن به آنها، کودهای گلخانه‌ای تولید می‌کند.

به این ترتیب علاوه بر کمکی که کارخانه به بهداشت شهر می‌کند، پس مانده زیاده کارخانجات با قیمت ارزان تهیه می‌شود و از جمع‌آوری غیربهداشتی زیاده و حتی زیاده دزدی در سطح شهر جلوگیری به عمل می‌آید، از سوی دیگر نیز، به دلیل غنی‌سازی کودهای تهیه شده از زیاده‌ها می‌توان به طرز قابل توجهی به فضای سبز شهر رسیدگی کرد.

لازم به ذکر است که زیاده‌های بیمارستانی به هیچ عنوان در دستور کار این کارخانه نیست، و در واقع محصولات به دست آمده کاملاً عاری از آلودگی است.

چگونگی کنترل ترافیکی در توکیو

ترافیک توکیو، کلانشهر پر جنب و جوش ژاپنی، به وسیله سیستم‌های پیشرفته هدایت و کنترل می‌شود. بدین منظور، اطلاعات از طریق سنسورهای ترافیکی که در خیابانها نصب شده‌اند، هلیکوپترهای پلیس، دوربینهای دوربینی و همچنین یک خط مستقیم مخصوص گزارشهای ترافیکی جمع‌آوری و پردازش می‌شوند.

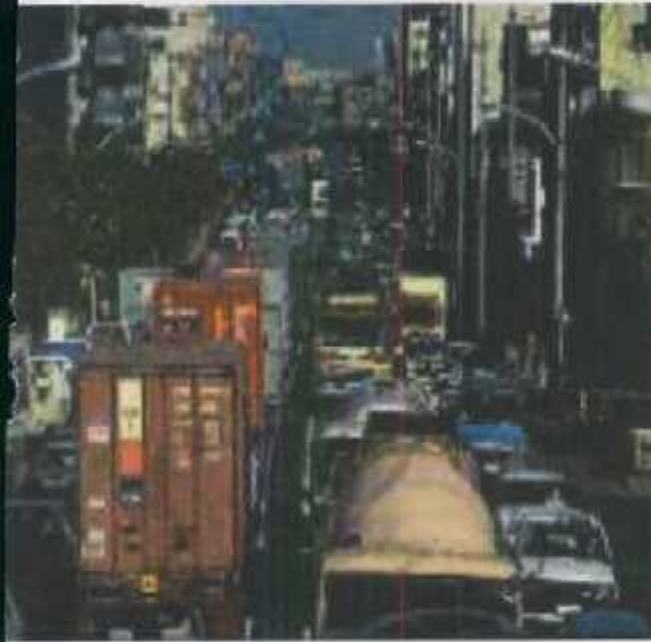
نتایج به دست آمده از وضعیت ترافیک بر روی تبلوهای خیسی، در اختیار پلیس و نیز مدیران شهر و شهروندان قرار می‌گیرد.

همچنین اطلاع‌رسانی به عموم مردم در خصوص ترافیک شهری به وسیله تلفن، نصابر و سایر وسایل ارتباطی صورت می‌پذیرد و مکانهای وقوع تصادفها به وسیله سیستم GPS به تمامی مراکز پلیس منعکس می‌شود تا نزدیک‌ترین واحد خود را به محل حادثه برساند و مانع از گره خوردن ترافیک شود.

همچنین با اتصال تلفن به اینترنت می‌توان از تمامی اطلاعات مربوط به وضعیت ترافیکی درون شهری و بیرون شهری زاین آگاهی یافت و بهترین مسیر را انتخاب کرد.

ترجمه: علی محمدیان
منبع:

Traffic Bureau, Tokyo Metropolitan Police Department.



ماهنامه شهرداریها آگهی می‌پذیرد

۵-۰-۳۴۶۲۷۷۸

پارک کوهستانی کرمانشاه؛ دامان پرطراوت ضمیمت

کنیموت ابراندوست
علی صفوری



کرمانشاه - میدان کرمانشاه، نقشه شروع یک تلاش

نحوای آب و باد در میان درختانش در کنار گیاهان خوش بو و برطراوت و صدای گوشنواز پرندگان، در دل خود دارد. شاید به همین خاطر است که جنبه‌های مختلف تاریخی و طبیعی این محیط دارای جایگاه ویژه‌ای در سروده‌ها و ادبیات فولکلور منطقه است.

زیبایی و بویایی طاق بستان در کرمانشاه با پیوند عمیق بین طبیعت و تاریخ این مکان همراه بوده است. به همین دلیل است که از گذشته هر گونه برنامه‌ریزی یا هدف توسعه اوقات فراغت و گردشگری در این شهر، طاق بستان را در برنامه کاری خود قرار داده است. بدین ترتیب در طی چند دهه گذشته این منطقه گسترش فراوان یافته و اندک اندک به مجموعه‌ای فرهنگی و تفریحی بدل گشته است. عناصر طبیعی، رفاهی، خدماتی و نقابری اینها دائماً در حال پوشش دادن و گسترش حوزه عملکرد این منطقه شده‌اند، و هر روز هم بر تعداد آنها افزوده می‌شود. قدمت این مجموعه پرشکوه و ماندگار تاریخی به دوران ساسانیان باز می‌گردد. کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های متعددی در این مجموعه به چشم می‌خورد که از آن جمله است صحنه‌هایی از تاج گذاری اردشیر دوم و خسرو پرویز و صحنه‌های شکار خسرو پرویز و همچنین دو نقش برجسته از شاهپور دوم و سوم و کتیبه‌هایی به خط پهلوی شکار گاه خسرو پرویز در جنوب کتیبه‌های طاق بستان و تپه تاریخی مراد حاصل را نیز باید به آنها افزود.

پارک جنگلی شرقی در حاشیه جاده قدیم تهران به وسعت ۵۵ هکتار و پارک جنگلی غربی به وسعت ۵۲ هکتار، که غالباً از درختان همیشه سبز تشکیل شده‌اند، در دو طرف آثار تاریخی قرار دارند. مرکز تفریحی و تاسیسات رفاهی و رستورانها در سمت جنوب و جنوب غرب این آثار جای گرفته‌اند. مجموعه نه‌تپه به دانشگاه رازی در سمت غرب محدود می‌شود. این مجموعه با بولوار زیبای خود به عنوان جزئی از مجموعه به آن پیوند خورده، با شهر ارتباط پیدا کرده است.

کوهستان طاق بستان و موهله که به تبع از نظم کوه‌های زاگرس دارای کشیدگی شمال غربی - جنوب شرقی است، با جنابیت وصف ناپذیری تمام حاشیه شمالی مجموعه را فرا گرفته

پنج‌صدگی و مشکلات زندگی شهری امروز و نیاز به وجود فضاهایی برای گذران اوقات فراغت، و همچنین تلاطم روند رویه کاهش فضاهای طبیعی در سراسر دنیا، باعث شده است که انسان بیش از پیش به این گونه فضاهای اهمیت دهد و نسبت به ساماندهی و تجهیز همین اندک فضاهای طبیعی باقی مانده حساس باشد.

این گرایش عمده به سمت استفاده از محیطهای طبیعی، علاوه بر سزایابی مذکور دارای اهمیت ویژه‌ای در زمینه توسعه‌های فرهنگی و اقتصادی هر کشور نیز هست. عدم برنامه‌ریزی مناسب برای بهره‌گیری از این گونه فضاهای می‌تواند باعث از دست رفتن فرصت‌های طبیعی آنها شود. برخی از این فضاها به دلیل استعدادهای بالقوه‌ای که دارند، می‌توانند از لحاظ برنامه‌ریزی گردشگری علاوه بر نقش محلی دارای نقش منطقه‌ای، ملی و حتی بین‌المللی نیز بشوند.

سلباً حوزه نفوذ و ابعاد عملکردی این فضاها را با تناسلهای محیطی و فرهنگی مکان و چگونگی برنامه‌ریزی و طراحی محیط تعیین خواهد کرد.

پارک کوهستانی کرمانشاه از جمله تجربه‌های جدید در این زمینه است که بررسی آن برای یافتن درکی صحیح از چنین طرحها و پروژه‌هایی مفید خواهد بود. به ویژه اینکه این پارک در جوار آثار تاریخی واقع در طاق بستان قرار گرفته است، و همین امر می‌تواند در رونق آن بسیار مؤثر باشد.

طاق بستان، شکوهی تاریخی و طبیعی

برای مردم کرمانشاه، و کسانی که به این شهر سفر کرده‌اند، طاق بستان یادآور خاطراتی شیرین و دلپذیر است و همواره گردش و تفریح در این شهر نام طاق بستان را تداعی می‌کند. کوه طاق بستان در حاشیه شمالی شهر کرمانشاه، از سویی حکایتگر دوران عظمت و شکوه تاریخی این دیار است و از سوی دیگر رمز و رازهای طبیعت و عظمت خلقت را با آدمی در میان می‌نهد. طاق بستان رازهایی از استواری و سرفرازی و اسراری از زیبایی و لطافت را با چشم‌اندازش، با پژواک صدا میان سخره‌هایش، با



کرمانشاه - ضعف نسبی ترکیب عناصر آب، سنگ و گیاه در منظر سازی

به علت موقعیت پارک و دوری آن از ایستگاههای حمل و نقل عمومی، عمدتاً افرادی به آن مراجعه می کنند که دارای وسیله نقلیه شخصی باشند

زیبایی و پویایی طاقستان در کرمانشاه با پیوند عمیق بین طبیعت و تاریخ این مکان همراه بوده است. به همین دلیل است که از گذشته هر گونه برنامه ریزی با هدف توسعه اوقات فراغت و گردشگری در این شهر، طاقستان را در برنامه کاری خود قرار داده است

موجب می گردد که پارک نمای جذاب و چشمگیری از دور داشته باشد.

بنابه دلایلی که ذکر خواهد شد، فاز ۱ پارک کوهستان با استقبال نسبی عمومی روبرو شد و مدیریت آن به فکر ادامه پروژه و گسترش آن و طراحی و اجرای فاز ۲ پارک در سمت غربی افتاد - که خوشبختانه این بار با پروژه های از پیش طراحی شده همراه بود.

فاز ۲ پارک کوهستان

فاز دوم پارک در غرب فاز یکم در دو سوی دره در زمینی با شیب متوسط ۱۵٪ طراحی شد که هم اکنون در حال اجراست. این بخش به دست کارشناسان مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر کرمانشاه (وابسته به شهرداری کرمانشاه) و به سفارش شهرداری کرمانشاه و با نظارت و راهنمایی شورای شهر طراحی و به اجرا گذاشته شد.

کل مساحت آن ۸۸۱۱۹ مترمربع است که شامل ۳۱۴۰۰ مترمربع فضای سبز، ۲۰۰۰۰ مترمربع معابر داخلی و ۱۶۴۲۰ مترمربع معابر سواره داخل و بیرونی است؛ و بقیه را آبناها، زمینهای مسازی، کاربری تجاری، سرویس بهداشتی و جز اینها تشکیل داده است. در جنوبی ترین قسمت فاز دوم دریاچه مصنوعی قرار دارد که تنها بخشی از فاز دوم است که به بهره برداری رسیده. اگر این قسمت را ورودی کل پارک در نظر بگیریم، دیواره های سنگی متعدد و پله ای که حکم چشم اندازی مسافت را دارد، در نظر هر بیننده را جلب می کند. ظاهر آبیانه سالها انتظار کشید تا رشد درختان و گیاهان بتواند تا حدی از تسلط سیمان و سنگ در این چشم انداز، و همچنین از خشکی آن بکاهد. در جنوب غربی دریاچه و در مجاورت بیمارستان امام

و روزانه پذیرای هزاران ورزشکار و دوستدار طبیعت است. علاوه بر اینها، پارک کوهستان نیز گه روند احداث آن از دهه گذشته آغاز شده است و اکنون هم ادامه دارد. دو سمت شمال غربی آثار تاریخی و سمت شمال پارک جنگلی غربی، در درون درهای که به دامنه کوه میوله کشیده شده است قرار دارند و از سه طرف کوهها آن را احاطه کرده اند و از سمت جنوب نیز به پارک جنگلی غربی محدود می شود.

احداث پارک کوهستان

به دنبال جنگ تحمیلی و ضرورت بازسازی و ساماندهی فضای شهر کرمانشاه، لزوم توجه به فضا و مراکز کثرت اوقات فراغت اجتناب ناپذیر بود. در پی آن پارکها و فضاهای سبز و تفریحی موجود شهر در اولویت ساماندهی و تجهیز و توسعه قرار گرفتند. در این میان طاقستان با توجه به سابقه تاریخی و فرهنگی در کانون توجه قرار داشت. از اوایل دهه ۱۳۷۰ تا دیدگاهها و ابتکارات فردی و بدون طرحی مشخص و مطالعات مورد نیاز، اولین اقدامات برای تأسیس پارک جدید در سمت شمالی پارک جنگلی غربی صورت گرفت که متأسفانه هیچ نقشه و گزارشی از آن برای بررسی در دست نیست؛ و حتی پس از اتمام آن نیز نقشه ای از آن تهیه نشده است.

این قسمت تقریباً طی ۶ سال و به مرور تکمیل شد که امروزه به فاز ۱ پارک کوهستان موسوم است. استعدادهای بالقوه و مکان مناسب بین پارک همواره نوعی ساماندهی را می طلبد. و مدیریت وقت در هر مقطع بخشی از آن را به صورت قطعه قطعه و با توجه به محدودیت بودجه در دستور کار خود قرار می داد و گاه نیز



بخشی دو اثر کمی بود بودجه مدتی نیمه کاره رها می شد. فاز ۱ پارک کوهستان شامل احداث یک جاده اصلی آسفالت، بازسازی جاده قدیمی، ترانس بندی کردن مسیر شیبدار، احداث دیوارها و پلکتهای سنگی متعدد و ایجاد دسترسی به نقاط مختلف پارک، احداث فضای سبز و درختکاری است. تمهید یک رستوران سه غرفه فروش تنقلات، نمازخانه، سرویس بهداشتی و سلسله های چوبی و فلزی از دیگر تأسیسات آن است.

با توجه به شیب زیاد (بیش از ۲۰٪) در این قسمت برای شکستن شیب، چشم انداز سکوها و ارتفاع پله های سنگی بیش از حد نمایان و بارز شده است. از دیگر اقدامات چشمگیر این فاز از طراحی پارک، نورپردازی محوطه پارک و اطراف آن است که در شب نه تنها باعث افزایش ایمنی و امنیت پارک می شود بلکه

کرمانشاه - هنوز هم با دوری از فاز ۲، بهبود دید پارک کوهستان

فضاهای موجود پارک توجه چندانی نشده است. به گفته مسئول مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی کرمانشاه، فضاهای موجود بسیار خشن هستند و فقط برای جوانان قابل استفاده‌اند.

استقبال نسبی عموم از طوح

فاز ۱ پارک به لحاظ کمبود فضای تفریحی و همچنین موقعیت مکانی استراتژیک پارک عملکرد نسبی موفقی داشته است. افسراد کاربر و استفاده‌کننده از پارک را عموم مردم تشکیل می‌دهند و به طیف خاصی تعلق ندارند.

در ایام تعطیل خصوصاً شیبا اکثر حاضران را خانواده‌هایی تشکیل می‌دهند که برای صرف یک وعده غذا دامیان بر طراوت

استقبال عمومی از پارک هرگز به معنی کامل بودن و فقدان کاستیها و مشکلات در آن نیست. توان محیطی بالقوه این مکان چنان است که حتی بدون دخل و تصرف در محیط نیز کارکرد تفریحی و گردشگری را دارد



حسین (ع) محوطه‌ای برای پارکینگ در نظر گرفته شده است که با توجه به امکان ورود خودرو به نقاط مختلف، کارایی آن چندان زیاد نیست. بقیه پارک به سمت شمال و دامنه کوه در حال ساخت است.

در انتهای آن و در دامنه کوه اخیراً یک چنند شهید گمنام هشت سال دفاع مقدس به خاک سپرده شده‌اند، که این خود بر تعداد گروه‌های اجتماعی حاضر و همچنین تنوع کارکردی پارک افزوده است.

آنچه که در مورد فاز دوم در خور توجه می‌نماید، تنوع و تداخل وسیع کاربریها در فضای محدود و خصوصاً کاربری تجاری بیش از ظرفیت است؛ به طوری که مکان‌هایی بیش از ۲۰ واحد تجاری که در سرتاسر پارک پراکنده می‌تواند عملکرد تفریحی و آسایش‌راییه نحو محسوسی تحت تأثیر قرار دهد. دابشلم مسئول مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی کرمانشاه در این باره اظهار می‌دارد که مرکز مطالعات به عنوان مشاور که طرح به آن سفارش داده شده، هیچ نقشی در تعیین کاربریها نداشته است. بلکه تنها طراحی به مرکز واگذار شده و جانیایی فضا از قبل قطعیت پیدا کرده‌اند. دیگر کارشناسان امور معتقدند که این تعیین قطعیت‌ها اصولاً بر پایه مطالعات درستی انجام نگرفته است. به طور مثال، گیاهان انتخاب شده برای این پارک اصولاً با شرایط اقلیمی اینجا تناسب ندارند و بیشتر گونه‌برداری از عملکرد پارک‌سازی در تهران است. علاوه بر آن، استفاده از درختان کاج به صورت انبوه در کنار یکدیگر احتمال بروز حریق در مواقع رعد و برق را در این حوزه کوهستانی افزایش می‌دهد، زیرا نوک درخت کاج حاوی روغن قابل اشتعال است.

به علاوه، به شرایط جسمانی سالمندان و کودکان نیز در

کرمانشاه - استفاده از فضای طبیعی محیط‌زیستی چندبهره‌گرها و مختلف اجتماعی

کوهستان را انتخاب کرده‌اند.

صبحها، به ویژه در ایام تعطیل، اکثریت با جوانان و افراد ورزشکاری است که پس از برنامه هفتگی کوهنوردی، در حال عبور از پارک هستند، یا لحظاتی را به استراحت و نرمش در آن می‌پردازند. مجسمه و نماد کوهنورد که در ابتدای ورود به ملاق بستان در جنوب پارک کوهستان نصب شده است، برای هزاران ورزشکاری که به صورت گروهی و انفرادی این مسیر را طی می‌کنند مانند خط آغاز و پایان مسابقه دو، نشانگر آغاز تلاشی زیبا و نشاط‌آور و پایان این تلاش است.

در ساعات و ایام عادی هفته به نظر می‌رسد که دو گروه در پارک بیشتر به چشم می‌خورند: جوانانی که غالباً به صورت جمعی در پارک حضور دارند، و خانواده‌هایی که برای گذراندن چند ساعت از وقت خود به پارک مراجعه می‌کنند. این دو گروه غالباً با وسیله نقلیه شخصی خود در این مکان حضور می‌یابند. این نکته نیز در خور توجه است که به علت موقعیت پارک و دوری آن از ایستگاههای حمل و نقل عمومی، عمدتاً افرادی به آن مراجعه می‌کنند که دارای وسیله نقلیه شخصی باشند.

در میان گروه‌های مراجعه‌کننده به پارک، علاوه بر افراد بومی، خانواده‌های گردشگر داخلی و گردشگران خارجی نیز به چشم می‌خورند.

از دیگر موارد در خور توجه که روبرو رشد نیز هست، حضور عروس و دامادهایی است که برای ماندگار کردن و به تصویر کشیدن لحظاتی از آغاز زندگی مشترک به این مکان مراجعه می‌کنند.

در کل با توجه به اینکه تاکنون فقط قسمتی از پارک به بهره‌برداری رسیده، با این حال با استقبال نسبتاً خوب شهروندان

بر برنامه) تا حدودی بر این کار کرد تأثیر مثبت داشته است. اما گفتنی است که رعایت برخی نکات و لحاظ کردن برخی موارد در روند احداث پارک، و نیز انجام اصلاحاتی در زمان حاضر، می تواند به میزان چشمگیری در ارتقای عملکرد آن مؤثر باشد. بیژن کلهرنیا، مهندس مشاور، در مورد این پروژه می گوید: «در ابتدا قرار بود که حاشیه جنوبی کوههای بیستون و طاق بستان و میوله از بیستون تا جاده سندیج - کرمانشاه به عنوان یک پارک طبیعی و گردشگری در نظر گرفته شود و پارک کوهستان به عنوان مرکز و کانون آن باشد. همچنین قرار بر این بود که در محیط دکالت چندان نشود اما به مرور اهداف و خواسته ها دچار تغییر و تحول شد. علت آن هم این نکته بود که هیچ طرح مشخصی برای آن در نظر گرفته نشده بود.»

به گفته وی، بزرگترین اشتباه در این پروژه عدم تعریف پارک بود چرا که نقش و عملکرد و اهداف مورد انتظار از پارک تعریف نشدند. به همین علت پارک نتوانست با عملکرد تاریخی، ورزشی و علمی اطراف خود هماهنگ شود و انتظارات عمومی را نیز برآورده کند.

به نظر کلهرنیا از نظر طراحی، ترکیب گیاه و آب و سنگ و توپوگرافی - که می توانند عناصر اصلی تعیین کننده باشند - در این

کرمانشاهی و گردشگران روپرو بوده است. دلایل این امر را نباید بصورت انتزاعی و منحصر به خود پارک در نظر گرفت بلکه عملکرد آن کاملاً با عناصر پیرامونی پیوند خورده و همین امر موفقیت آن را از نظر تعداد مراجعه کنندگان در پی داشته است. از دیگر دلایل این امر می توان موارد زیر را برشمرد:

- وجود آثار تاریخی طاق بستان، که به عنوان محور و مرکز مجموعه طاق بستان دارای شخصیت و هویتی فرامی است و سالانه هزاران گردشگر خارجی و داخلی از آن دیدار می کنند. وجود سراب زیبای طاق بستان در جوار آن که به صورت دریاچه ای اطراف آن را احاطه کرده، بر زیبایی آن افزوده است.

- پارک جنگلی غربی و شرقی طاق بستان که با وسعت ۱۲۷ هکتار مهم ترین فضای سبز کرمانشاه است و در چند دهه گذشته یکی از عمده ترین مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت شهروندان بوده است.

- کوههای طاق بستان و میوله که اطراف پارک را فرا گرفته اند به عنوان میعادگاه ورزشکاران و دوستداران طبیعت.

- چشم انداز شهر، پارک با توجه به اختلاف ارتفاع آن با شهر کرمانشاه، از معدود مکانهایی است که امکان مشاهده چشم انداز

ورود خودرو: به ویژه در ایام تعطیل آسایش و امنیت پیاده را در سطح پارک مختل می کند

ویژگی عمده پارک کوهستان، سکوت، آرامش و پیوند با محیط طبیعی است. لیکن با دخالت گسترده در محیط و دگرگونی آن، و نیز ورود خودرو و گسترش فضای اقتصادی، اندک اندک مزیت خود را در برابر محیط شهری از دست خواهد داد

گیری شهر از آن وجود دارد. این چشم انداز در شنها دارای زیبایی دوچندان است.

- وجود رستورانهای متعدد در سمت جنوبی مجموعه که از گذشته همواره مورد توجه شهروندان بوده است.

- علاوه بر اینها، نزدیک بودن دانشگاه رازی به پارک از جمله دیگر عواملی است که می تواند در حضور و جذب افراد خاصی به پارک مؤثر باشد.

بدین ترتیب با توجه به موارد مذکور، پارک کوهستان دارای موقعیتی منحصر به فرد و کم نظیر از لحاظ تولد جذب گردشگر است.

تقد و پیشنهاد

همان گونه که پیش تر ذکر شد، میزان استقبال عمومی از پارک هرگز به معنی کامل بودن و فقدان کاستیها و مشکلات در آن نیست. توان محیطی بالقوه این مکان چنان است که حتی بدون دخل و تصرف در محیط نیز کارکرد تفریحی و گردشگری را دارد. مداخله در محیط و ساماندهی آن (اگر چه به صورت ناقص و

تصویر مجازی از فاز دوم پروژه پارک کوهستانی



طرح تفصیلی فاز دوم پروژه پارک کوهستانی پارک نادیده گرفته شده اند.

وی ضمن اشاره به مشکلات دیگری از جمله غلبه خودرو، ناهماهنگی فضای سبز یا شرایط محیطی و مانند اینها، مهم ترین نیاز را در زمان حاضر تعریف پارک و تعیین نقش آن و انجام برخی اصلاحات می داند. همچنین با توجه به فرارگیری غار دواشکفته در دامنه های شمالی پارک، که آثاری از انسان ماقبل تاریخ در آن یافت شده، زمینه برای احداث یک پارک طبیعی و مورد تاریخ طبیعی بسیار مناسب است.

است. فعالیت هر غرفه محدوده وسیعی از اطراف آن را در بر گرفته و بخش موسیقی از بلندگوهای متعدد هر غرفه آغوشش صوتی پدید آورده است.

- کمبود درختان سایه‌دار و بلند در پارک، محسوس است.
- با توجه به ویژگی توپوگرافیکی محل و نحوه ساماندهی آن،

مجموعه طاق بستان می‌بایست به صورت پیوسته و به عنوان سیستمی در نظر گرفته شود که اجزای آن دارای روابط و تأثیرات متقابل خاص خود هستند. این مجموعه به طرحی جامع و همه‌جانبه نیاز دارد که در آن جایگاه و اهمیت و نقش هر جزء به صورت کامل در نظر گرفته شود

فضا بیشتر به جوانان تعلق دارد و در زمینه حضور دیگر اقشار ضعیف عمل شده است.

- اگر چه در طرح فاز ۲ مکان بازی کودکان در نظر گرفته شده است اما کمبود فضای مناسب برای کودکان و خردسالان بسیار محسوس است.

- ویژگی عمده پارک کوهستان، سکوت، آرامش و بیوند با محیط طبیعی است. لیکن بیادخالته گسترده در محیط و دگرگونی آن، و نیز ورود خودرو و گسترش فضای اقتصادی، اندک اندک این محدوده به مکانی اقتصادی و پرازدحام و پررفت و آمد تبدیل خواهد شد و مزیت خود را در برابر محیط شهری از دست خواهد داد.

آینده

روز به روز بر تنوع عملکردی مجموعه تاریخی، فرهنگی و تفریحی طاق بستان افزوده می‌شود و مشخص نیست که این روند تا کجا ادامه خواهد یافت.

هر روز با یک طرح و تصمیم نو عنصری بر این مجموعه افزوده می‌شود، که آخرین مورد آن پروژه احداث تله‌کابین است که در سمت جنوب غربی پارک جنگلی غربی تأسیسات ایستگاه آن در حال احداث است. مسلماً تأسیساتی نیز در ارتفاعات به منظور رفاه حال مشتریان و اقامت گردشگران احداث خواهد شد و روز به روز دامنه فعالیت اقتصادی در محیط طبیعی کوهستان، هر چه بیشتر گسترش خواهد یافت.

مجموعه طاق بستان می‌بایست به صورت پیوسته و به عنوان سیستمی در نظر گرفته شود که اجزای آن دارای روابط و تأثیرات متقابل خاص خود هستند. این مجموعه به طرحی جامع و همه‌جانبه نیاز دارد که در آن جایگاه و اهمیت و نقش هر جزء به صورت کامل در نظر گرفته شود، در غیر این صورت اشتباهات کوچک امروز مشکلات بزرگ فردا را در پی خواهد داشت.

شهرام دابلیوم، مسئول مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر کرمانشاه، در مورد انتقادات مطرح شده، ضمن اذعان به بیشتر موارد، معتقد است که مرکز مطالعات در تصمیم‌گیری و تعیین اهداف و روند تعیین خط‌مشی نقش چندانی نداشته و تنها خواستها و نظریات ارائه شده را به طرح تبدیل کرده است. به اعتقاد وی، مشکل عمده این است که پارک دارای یک طرح تفصیلی همه‌جانبه نیست.

ناصر مرادی، از کارشناسان مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر کرمانشاه و از محرمان طرح، معتقد است که در فاز ۲ برای رفع برخی کاستیها از جمله رعایت توپوگرافی محل و پوشش گیاهی و نظایر اینها کوشش خواهد شد اما هیچ برنامه‌ای برای اصلاح فاز نخست در نظر گرفته نشده است.

از جمله مشکلات و انتقادات کلی در مورد پارک کوهستان می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- ورود خودرو: در مسیر سواره‌پارک متوسط شیب بالای ۱۰ درصد است که اجازه ورود خودرو به آن منطقی و اصولی نیست. در موارد متعدد شیب زیاد موجب تصادف خودروها شده است. از سوی دیگر حضور خودرو به ویژه در ایام تعطیل آسایش و امنیت پیاده را در سطح پارک مختل می‌کند. به نظر می‌رسد سریع‌ترین اقدام



تصویر از مسیر سواره‌پارک کوهستان



طاق کلبه

شماره ۱۱۵۸

مورد نیاز در این زمینه، ممانعت از ورود خودرو به پارک (یا حداقل به بخشی از پارک) باشد.

- دخل و تصرف بیش از حد و نظرفیت محیط، چشم‌انداز خشک و ناهماهنگی با محیط اطراف را به نمایش گذاشته است. دیوارهای بلند و سنگی و شیبهای سنگ فرش شده و آسفالت شده امنیت کودکان و کهنسالان را کاهش داده است.

- وجود غرفه‌های متعدد تجاری، که مشخصاً در فاز دوم آن را از عملکرد خود دور ساخته و بیشتر آن را به نوعی بازارچه بدل کرده

اصول طراحی پیاده‌رو

حمید فتوحی

کارشناس ارشد مهندسی و برنامه‌ریزی حمل و نقل

معمولاً فقدان پیاده‌روهای مناسب و کاهش عرض آنها به علت ایجاد باغچه یا موانع دیگر، و همچنین عدم اتصال مناسب بین سوار رو و پیاده‌رو باعث گردیده است که عابران به ناچار از فضای سوار رو استفاده کنند و ضمن کاهش ظرفیت خیابان، در معرض تصادف قرار گیرند. در مراکز خرید و یا نقاط اداری - تجاری مرکز شهر نیز به علت عدم بررسی جریان ترافیک عابر پیاده، غالباً عرض کافی برای پیاده‌رو موجود نیست. در حالی که غالباً لازم است جریان ترافیک عابر پیاده همانند جریان ترافیک وسایط نقلیه مورد مطالعه قرار گیرد. حتی ممکن است بخشی از شبکه معابر در مناطق تجاری - اداری و یا تفریحی منحصرأ به عابر پیاده اختصاص باید و از عبور وسایط نقلیه موتوری به آن ممانعت به عمل آید. در این مقاله ویژگیهای لازم برای انجام مطالعات و طراحی پیاده‌رو و تعیین سطح سرویس عابر پیاده از جنبه‌های مختلف سرعت پیاده‌روی، حجم عابر پیاده و چگالی عابر پیاده مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

از نظر مهندسی ترافیک تمامی افراد بجز نوزادان و معلولان (که احتیاج به کالسکه یا صندلی چرخدار دارند) عابر پیاده محسوب می‌شوند. البته نوزادان و معلولان نیز گرچه عابر پیاده تلقی نمی‌شوند ولی محل عبور آنها نه در طول سوار رو بلکه در پیاده‌رو در نظر گرفته شده است.

از آنجا که هر سفری دارای مقداری پیاده‌روی است، لذا ایجاد تسهیلات لازم برای عابر پیاده، به عنوان یکی از بخشهای اساسی سیستم حمل و نقل مورد توجه مهندسان ترافیک و برنامه‌ریزان حمل و نقل است. برای انجام این منظور متخصصان ترافیک نیاز دارند که به ویژگیهای اساسی پیاده‌روی برای طراحی پیاده‌روها، گذرگاه‌های عرضی عابر پیاده، روگذرها و زیرگذرهای پیاده (سطلوح سبیلدار)، بله‌های ثابت و متحرک، نسمه‌های متحرک و سایر مسیرهای عابر پیاده آگاهی یابند. همچنین لازم است مسافتهای مناسب پیاده‌روی به منظور تعیین محلهای تسهیلات حمل و نقل - مانند پارکینگ و ایستگاههای حمل و نقل عمومی - شناخته شود.

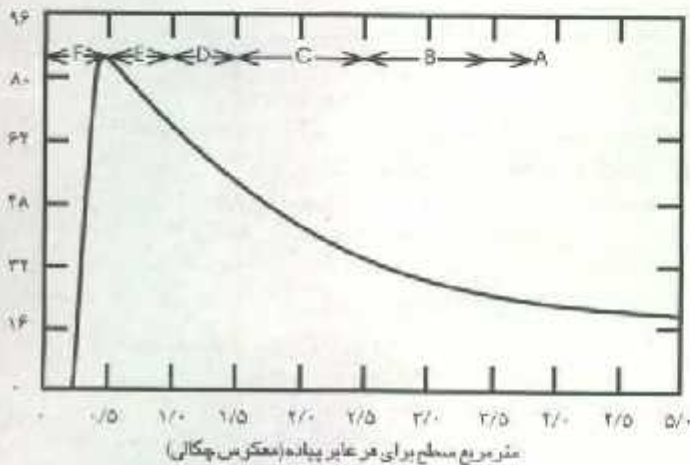
از آنجا که معمولاً عابران پیاده در رویارویی با وسایط نقلیه قرار می‌گیرند، لذا ضروری است توجه مخصوصی نیز به امکان تصادف عابر پیاده معطوف گردد. به بیان دیگر، می‌توان گفت که هدف اصلی مطالعات عابر پیاده شامل به حداقل رساندن برخورد عابر پیاده با وسایط نقلیه و طبعاً افزایش ایمنی عابر پیاده است. در اینجا بایستی دقت گردد که در بین گروههای مختلف عابران پیاده، کودکان و کهنسالان و تا حدودی نیز زنان دارای آسیب‌پذیری

بیشتری نسبت به دیگران هستند و لذا ویژگیهای متفاوت آنها بایستی در مطالعات عابر پیاده ملحوظ گردد. یادآوری می‌گردد که کودکان، عابران پیاده آسیب‌پذیری هستند که اکثراً در زاویه دید رانندگان نیستند و همین پایین بودن موقعیت چشم کودکان باعث می‌شود که ایمن موانع دیگر را زودتر از اتوموبیل ببینند. کهنسالان نیز که جزء عابران پیاده آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند دارای توانایی کمتری در ادراک اتوموبیل‌های در حال حرکت هستند و از عرض راه نیز نمی‌توانند سریع عبور کنند.

در مهندسی ترافیک، ویژگیهای عابر پیاده معمولاً تحت عنوانی چون «جابجایی عابر پیاده» و «پارک کنترل عابر پیاده» مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این مقاله تنها به آن بخش از مطالعات جابجایی عابر پیاده اشاره می‌گردد که با طراحی پیاده‌رو ارتباطا می‌یابد، و سایر نکات مربوط به گذرگاههای عرضی پیاده، روگذر و زیرگذر عابر پیاده، پلکانهای ثابت و متحرک و نظایر اینها مورد بحث قرار نمی‌گیرد.

۱- ابعاد فیزیکی عابر پیاده

آگاهی از ابعاد بدنی عابر پیاده برای طراحی پیاده‌رو ضروری است. به طور کلی در برنامه‌ریزی تسهیلات عابر پیاده از داده‌های «انترپومتری» (اندازه‌گیری اجزای فیزیکال یک انسان) استفاده می‌شود که شامل پهنا و عمق بدن افراد بالغ در حالت‌های مختلف پیاده‌روی است. با استفاده از جدول انترپومتری، بیشترین عمق و پهنا برای عابر پیاده در حالتی است که با هر دست یک چمدان حمل می‌کند - که مجموعاً ۰/۵۶ متر مربع از سطح را اشغال می‌سازد (موتلر شماره ۱).



می‌زنند، سرعت مردان به $1/17$ متر در ثانیه و سرعت زنان به $1/11$ متر در ثانیه کاهش می‌یابد یعنی زمانی که مسیرهای عابر پیاده شلوغ باشد سرعت کاهش پیدا می‌کند، زیرا سرعت قدم زدن طبیعی به طور آزاد در هنگامی که سطح بیشتری برای عابر پیاده موجود باشد، افزایش می‌یابد.

۲-۲- حجم عابر پیاده

حجم عابر پیاده یا جریان ترافیک عابر پیاده به تعداد افرادی که از آن می‌گذرد در واحد زمان از نقطه مشخصی عبور می‌کنند. این واحد زمان ممکن است بر حسب ثانیه، دقیقه یا ساعت اندازه‌گیری شود. در بعضی از موارد ممکن است حجم بر حسب نفر در دقیقه در هر متر عرض پیاده‌رو بیان شود. برای مثال، در استاندارد اروپایی حداکثر حجم عبوری پیاده‌رو برابر با ۵۶ نفر در دقیقه در هر متر عرض پیاده‌رو در نظر گرفته می‌شود. به هر حال، شایان ذکر است که برای یک حجم معین، سرعت عابر پیاده برای سفرهای منزل به محل کار و برعکس، بیشتر از سرعت حرکت برای سفرهای تفریح و خرید است.

۲-۳- چگالی عابر پیاده

چگالی یا تراکم عابر پیاده عبارت است از تعداد عابر پیاده در واحد سطح - که چون معمولاً عدد کوچکی است - می‌توان آن را در ضربی از ۱۰ ضرب کرد:

$$\text{چگالی عابر پیاده} = \frac{\text{تعداد عابر پیاده}}{\text{سطح (متر مربع)}} \times 10$$

چنانچه دو عابر پیاده را بازو در بازو در نظر بگیریم، سطحی معادل $0/6$ متر مربع با ابعاد $1/4 \times 0/43$ متر اشغال می‌کنند. به هر صورت مقداری فضای اضافی نیز برای راحتی و همچنین حرکت عابر پیاده مورد نیاز است. سطح خالصی که برای عابر پیاده بدون بار تحت شرایط گوناگون - اعم از ایستادن در صف و یا هنگام پیاده‌روی - مورد نیاز است، از $2/3$ متر مربع برای هر عابر پیاده در حالت آزاد پیاده‌روی و بدون برخورد با دیگران تا $0/125$ متر مربع به ازای هر نفر در حالت ایستاده و تماس نزدیک با دیگران، متغیر است.

۲-۴- ویژگی‌های جایجایی عابر پیاده

گرچه عابر پیاده در مقایسه با وسیله نقلیه آهسته‌تر حرکت می‌کند و مشخصات جسمی و روانی عابر در حرکت تأثیر می‌گذارد ولی مطالعه ترافیک عابر پیاده بسیار شبیه به ترافیک وسایل نقلیه است و با سه معیار «سرعت، حجم و چگالی» شناخته می‌شود.

۲-۱- سرعت پیاده‌روی

سرعت پیاده‌روی بسته به شرایط فیزیکی گروه‌های مختلف عابر پیاده (کودکان، افراد بالغ و کهنسالان) و همچنین منتهای روانی هر فردی متغیر است. به طور کلی بیشتر از ۹۰٪ عابران پیاده با سرعتی معادل یا $1/2$ متر بر ثانیه ($4/4$ کیلومتر در ساعت) یا بیشتر قدم می‌زنند و این سرعت منتهای اکثر طرح‌هاست.

کودکان بسیار سریع‌تر و با میزان $1/6$ متر در ثانیه حرکت می‌کنند و سرعت متوسط پیاده‌روی زنان $1/13$ متر در ثانیه برآورد شده است. وقتی که گروه‌هایی از عابران پیاده با هم قدم

پیاده‌رو در دهه‌های اخیر دارد. برای شرایط ایران نیز، همان گونه که در شماره ۴ دیده می‌شود، برای سطوح سرویس بالاتر کیفیت بالاتری در نظر گرفته شده است.

بر مبنای این نمودار، حداکثر حجم عبور پیاده برابر ۶۸ نفر در دقیقه در هر متر (سطح سرویس «۵») است که در فضای حرکت برابر ۱/۶ متر مربع بر هر نفر واقع می‌شود. در شماره ۵ معیارهای سطح سرویس پیاده‌روها در شرایط ایران بر اساس میانگین مساحت موجود برای هر عابر در جریان تردد پیاده، سرعته، حجم و نسبت حجم به ظرفیت ارائه شده است.

۴- سطح سرویس صف

سطح سرویس برای افرادی که در حالت استاده و یا در داخل صفها واقع می‌شوند، بستگی به فاصله افراد از یکدیگر دارد تا تماس نزدیک بین آنها. برای این حالت نیز شش سطح سرویس وجود دارد که از وضعیت A (الف) - که قابلیت چرخش در بین افراد وجود دارد - تا وضعیت F (و) - که تماس نزدیک و فشرده وجود دارد - متغیر

تا حدود زیادی بدون برخورد با دیگران امکان پذیر است. سطح سرویس C - ایستادن در صف برای فرد یا جهت ناراحتی او نمی‌گردد.

سطح سرویس D - ایستادن بدون برخورد با دیگران مقدور است ولی چرخش محدود است، و می‌تواند به صورت گروهی انجام شود.

سطح سرویس E - ایستادن در صف برای مدت طولانی موجب ناراحتی فرد می‌شود.

سطح سرویس F - ایستادن در صف در حالت تماس فیزیکی است، چگالی بسیار بالاست و در این حالت چرخش امکان پذیر نیست و افراد در وضع ناراحت کشته‌های قرار دارند و هیچ فضای خالی وجود ندارد.

سطح سرویس صف برای شرایط ایران در شماره ۷ برحسب میانگین اشغال فضا و فاصله بین افراد ارائه گردیده است. شایان ذکر است که از سطوح سرویس صف می‌توان در وضعیت

سطح خدمت	ظرفیت (نفر در متر مربع)	فرمول‌های پیشنهادی		
		میانگین سرعت (متر در دقیقه)	فاصله بین افراد (متر)	نسبت عبور به ظرفیت (٪)
۱	≥ ۱۶	≥ ۲۰	≥ ۰.۸	≤ ۱
۲	≥ ۱۲	≥ ۱۵	≥ ۰.۶	≤ ۰.۲
۳	≥ ۸	≥ ۱۰	≥ ۰.۴	≤ ۰.۲۷
۴	≥ ۶	≥ ۷	≥ ۰.۳	≤ ۰.۱۸

شماره ۷ معیارهای انتخاب سطح سرویس پیاده‌رو بر اساس شرایط ایران

سطح سرویس	چگالی (نفر در متر مربع)	میانگین فاصله بین افراد (متر)
A (الف)	کمتر از ۰.۱۸	بیشتر از ۱/۲
B (ب)	۰.۱۸-۰.۱۶	۱/۲-۱/۱
C (ج)	۱/۱-۱/۵۲	۰.۱۶-۰.۱۴
D (د)	۱/۵۲-۲/۳۳	۰.۱۴-۰.۱۲
E (ه)	۲/۳۳-۵/۵۵	کمتر از ۰.۱۲
F (و)	بیشتر از ۵/۵۵	تماس فیزیکی

شماره ۷ معیارهای سطح سرویس صف بر مبنای استاندارد HCMSS

است. در واقع این سطوح طبقی را شامل می‌شود که از وضعیت راحتی فرد تا وضعیت ناراحت کننده تغییر می‌کند. این سطوح در متیج HCM به صورت جدول ارائه شده در شماره ۶ طبقه‌بندی شده‌اند.

ممکن است چگالی با توجه به منابع قدیمی‌تر در سطح سرویس F به جای حداقل ۵/۵ نفر در متر مربع برابر با ۸ نفر در متر مربع در نظر گرفته شود ولی به هر حال وضعیت افراد را در حالت ایستاده، با توجه به جدول ارائه شده در نمودار شماره ۶ می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

سطح سرویس A - ایستادن بدون برخورد با دیگران امکان پذیر است و می‌توان در داخل صف اقدام به چرخش کرد. سطح سرویس B - ایستادن و چرخش در صف یا محل انتظار

	سطح خدمت ۱ میانگین اشغال فضا توسط عابر: ۰.۲ تا ۰.۳ متر مربع بر هر نفر میانگین فاصله میان اشخاص: ۱.۲ تا ۱.۵ متر توجه: ایستادن و تردد آزاد بر جاده صف بدون هیچ موانعی برای سایر افراد داخل صف امکان پذیر است.
	سطح خدمت ۲ میانگین اشغال فضا توسط عابر: ۰.۳ تا ۰.۴ متر مربع بر هر نفر میانگین فاصله میان اشخاص: ۰.۹ تا ۱.۲ متر توجه: ایستادن و تردد آزاد در صف محدود بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران فراهم است.
	سطح خدمت ۳ میانگین اشغال فضا توسط عابر: ۰.۴ تا ۰.۶ متر مربع بر هر نفر میانگین فاصله میان اشخاص: ۰.۶ تا ۰.۹ متر توجه: امکان ایستادن و تردد محدود بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران فراهم است.
	سطح خدمت ۴ میانگین اشغال فضا توسط عابر: ۰.۶ تا ۰.۸ متر مربع بر هر نفر میانگین فاصله میان اشخاص: ۰.۴ تا ۰.۶ متر توجه: ایستادن بدون فضای حرکت آزاد با چگالی متوسط تا ایجاد مزاحمت برای دیگران فراهم است.
	سطح خدمت ۵ میانگین اشغال فضا توسط عابر: ۰.۸ تا ۰.۳ متر مربع بر هر نفر میانگین فاصله میان اشخاص: ۰.۳ تا ۰.۴ متر توجه: ایستادن بدون فضای حرکت آزاد با چگالی بالا و احتمال مزاحمت با دیگران فراهم است.
	سطح خدمت ۶ میانگین اشغال فضا توسط عابر: ۰.۳ تا ۰.۴ متر مربع بر هر نفر میانگین فاصله میان اشخاص: ۰.۱ تا ۰.۲ متر توجه: ایستادن بدون فضای حرکت آزاد با چگالی بسیار بالا و احتمال مزاحمت با دیگران فراهم است.
	سطح خدمت ۷ میانگین اشغال فضا توسط عابر: ۰.۳ تا ۰.۴ متر مربع بر هر نفر میانگین فاصله میان اشخاص: ۰.۱ تا ۰.۲ متر توجه: ایستادن بدون فضای حرکت آزاد با چگالی بسیار بالا و احتمال مزاحمت با دیگران فراهم است.

مخلفهای انتظار عابران پیاده، مانند ایستگاههای حمل و نقل عمومی و تجمع در گوشه تقاطعهای چراغ‌ها، بر حسب مورد استفاده کرد.

۵- عرض پیاده‌رو

عرض پیاده‌رو با توجه به سطح سرویس مورد نظر برای آن در نظر گرفته می‌شود. معمولاً سطح سرویس C (ج) برای پیاده‌روی مناسب است؛ یعنی با توجه به حجم ترافیک عابر پیاده و سرعت میانگین ۱/۲ متر بر ثانیه، می‌توان در یک متر عرض مفید پیاده‌رو، به طور متوسط ۴۰ نفر را در دقیقه عبور داد.

بایستی در نظر داشت که در طراحی پیاده‌رو عرض مفید مبنای محاسبه قرار گیرد؛ زیرا عابران پیاده به لحاظ رفتاری، از موانع فاصله می‌گیرند و یک مقدار از عرض کل پیاده‌رو را تلف می‌کنند، در

شماره ۷ - سطح سرویس صف برای شرایط ایران

نوع مانع	عرض اشغالی (سانتی‌متر)
چراغ راهنمای و چراغ روشنایی	۸۰-۱۰۰
شیر آتش‌نشانی	۸۰-۹۰
پارکومتر	۶۰
درخت	۶۰-۱۲۰
تل‌فون عمومی	۱۲۰
سطل زباله	۹۰
صندوق پست	۱۰۰-۱۱۰
نیمکت	۱۵۰
دکه روزنامه فروشی	۱۲۰-۴۰۰

ایمنی مورد توجه قرار گیرد، ضمناً مسیر پیاده‌رو حتی الامکان باید منطبق بر کوتاه‌ترین مسیر باشد.

۲-۶- پروفیل طولی پیاده‌رو

پروفیل طولی پیاده‌روها حتی الامکان باید از پروفیل طولی سواره‌رو مجاور تبعیت کند. در این صورت مسائل شیب‌بندی و ترازبندی پیاده‌رو به ویژه در محل تقاطعها به حداقل خواهد رسید. از نظر رعایت حال عابران پیاده معلول و آسیب‌پذیر، شیب طولی پیاده‌روها ۵٪ - و کمتر از آن - توصیه می‌شود ولی اگر طول بخش شیب‌دار کمتر از ۱۰۰ متر باشد می‌توان شیب طولی را تا ۷٪ نیز در نظر گرفت.

در طول پیاده‌رو نباید اختلاف سطح ناگهانی وجود داشته باشد؛ یعنی احداث پلکان در طول پیاده‌رو مجاز نیست بلکه باید اختلاف سطح را با خاکریزی یا خاکبرداری از بین برده و پلکان را در صورت لزوم در عرض پیاده‌رو و در جنب در ورودی معازرها یا ساختمانها احداث کرد. با وجود این در بعضی از موارد که عرض پیاده‌رو از ۴ متر بیشتر باشد می‌توان در اختلاف سطح از پله استفاده کرد. در این

شماره ۸، عرض اشغال شده برای تعدادی از موانع مختلف ارائه گردیده است. برای احتساب فاصله جایی که معمولاً بین عابران و موانع وجود دارد، باید به میزان ۲۰ الی ۵۰ سانتیمتر دیگر نیز به عرض اشغالی موانع افزود. منظور از عرض اشغالی، فاصله از جدول پیاده‌رو یا دیوار ساختمان تا لبه خارجی مانع است. برای لحاظ کردن تأثیر کنارگیری عابران از دیوار ساختمانها یک کاهش عرض ۲۰ الی ۵۰ سانتیمتری نیز اعمال می‌گردد.

عرض پیاده‌رو که با توجه به سطح سرویس و در نتیجه حجم جریان و سرعت عابر پیاده تعیین می‌گردد بر حسب عملکرد معبر تعیین می‌گردد. در معابری مانند آزادراهها که فقط جنبه حرکت در آنها مطرح است و در اطراف آنها کاربریهای خرد وجود ندارد، اصولاً پیاده‌رویی معنی است؛ ولی به هر حال راه‌پای یکی به عرض ۹۵ سانتیمتر به عنوان پیاده‌رو پیش‌بینی می‌گردد. در معابری که در مناطق تجاری و مراکز خرید واقع‌اند و تعداد دسترسها به واحدهای کوچک زیاد است، پیاده‌روها را عرض (بین ۶۰ تا ۲/۵ متر) در نظر می‌گیرند. در مجاورت ایستگاههای اتوبوس، ساختمانهای عمومی و تروشگاههای بزرگ نیز بهتر است پیاده‌روها را عرضی تر در نظر گرفت.

برای محاسبه عرض مؤثر پیاده‌رو در حجم عبور مشخص، ابتدا باید سطح سرویس مناسب انتخاب شود و سپس حجم عبور بر حجم عابر سطح سرویس مربوط (بر حسب نفر بر دقیقه بر متر) تقسیم گردد. پس از آن با اعمال تصحیحات مربوط به موانع موجود در پیاده‌رو عرض کل پیاده‌رو محاسبه می‌گردد. برای مثال، اگر یک پیاده‌رو برای عبور ۶۰ عابر پیاده در دقیقه در سطح سرویس B (ب) در نظر گرفته شده باشد، در آن صورت محاسبات لازم برای عرض کل پیاده‌رو به شرح زیر به دست می‌آید:

عابر در دقیقه - ۶۰ = حجم عبور

(شماره ۵) نفر در دقیقه در هر متر = میانگین حجم عابر

در سطح سرویس B

۳/۷۵ متر = ۶۰ : ۱۶ = عرض مؤثر پیاده‌رو

۰/۴۵ متر = عرض اضافی لازم برای کنارگیری از دیوار

۴/۲۰ = ۳/۷۵ + ۰/۴۵ = عرض کل پیاده‌رو

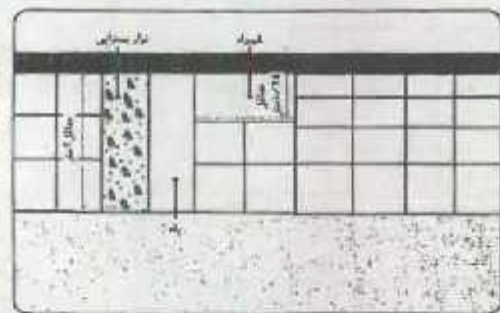
باید توجه داشت که اگر توزیع رفت و برگشت عابر پیاده به صورت ۵۰/۵۰ باشد، در آن صورت جریان دو طرفه یا جریان یکطرفه تقریباً معادل‌اند؛ و در غیر این صورت کل جریان ترافیک به حدود ۱۵٪ کاهش می‌یابد.

۶-۶- ضوابط طرح هندسی پیاده‌رو

مهم‌ترین نکته در طراحی پیاده‌رو این است که در سالهای اخیر به علت افزایش ایمنی عابر پیاده و تشویق پیاده‌روی، استانداردهای مربوط به عرض مفید پیاده‌رو و سطح سرویس و راحتی عابر پیاده افزایش یافته است و تسهیلات بیشتری برای این گروه از استفاده کنندگان از راه در نظر گرفته می‌شود.

۱-۶- پلان پیاده‌رو

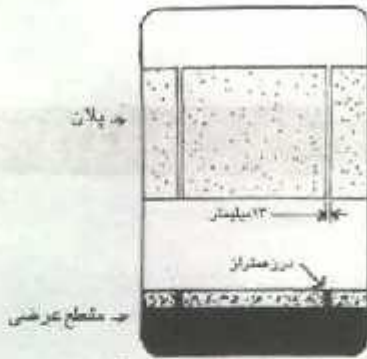
شکله پیاده‌روی در سطح شهر بایستی پیوسته باشد و لذا گذرگاه عرضی یاده در ادامه پیاده‌رو محسوب شود و نبایستی با جوی آب یا موانع دیگر از پیاده‌رو جدا شده باشد. همچنین بین پیاده‌رو و ایستگاههای اتوبوس حتماً بایستی اتصال مناسب وجود داشته باشد. به طور کلی نحوه اتصال پیاده‌رو و سواره‌رو باید به شکلی باشد که عبور کالسکه حامل نوزادان و صندلی چرخدار حامل معلولان میسر باشد و عبور کودکان و کهنسالان نیز با ایمنی کامل مقدور گردد. بنابراین در پلان پیاده‌رو بایستی پیوستگی و



صورت برای رعایت حال معلولان جسمی، قسمتی از پیاده‌رو (حداقل به عرض ۱/۲۵ متر) به صورت رمپ ساخته می‌شود (شماره ۹).

۳-۶- مقطع عرضی پیاده‌رو

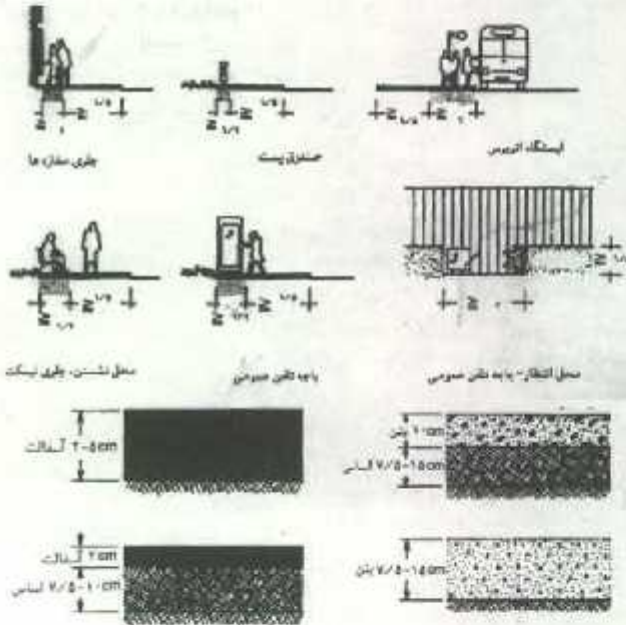
مقطع عرضی پیاده‌رو در حد فاصل دو تقاطع حتی الامکان بایستی یکسان باشد. مکان‌هایی تجهیزاتی خرابی در پیاده‌رو نیز بایستی با توجه به حجم عابر پیاده در ساعات اوج انجام گیرد تا به راحتی عبور آنها اطمینان نزدیک. در شماره ۱۰ نمونه‌هایی از مقطع عرضی پیاده‌رو با توجه به مکان‌هایی تجهیزاتی شهری مشاهده می‌گردد. همان‌طور که قبلاً ذکر گردید، عرض پیاده‌رو با توجه به سطح سرویس و حجم عبور تعیین می‌گردد ولی عرض مفید آن برای تردد یکطرفه نباید کمتر از ۹۰ سانتیمتر و برای تردد دو طرفه نیز کمتر از ۱۲۵ سانتیمتر باشد. همچنین عرض مفید پیاده در مناطق مسکونی پرتراکم نباید کمتر از ۱/۵ متر و در مناطق مسکونی کم تراکم و یا با تراکم متوسط کمتر از ۱/۲۵ متر باشد. در



مخلوط رودخانه‌ای، قلوه‌سنگ، آسفالت یا بتن باشد. رویه پیاده‌رو ممکن است از جنس خاک تثبیت شده آسفالت، بتن، سنگ، آجر و سوزاییک باشد. پوشش پیاده‌رو با خاک تثبیت شده معمولاً در گردشگاهها، میدانها و زمینهای بازی کاربرد دارد. آسفالت در واقع رویه‌ای مناسب و رایج برای معابر پیاده‌است. حداقل ضخامت رویه آسفالتی پیاده‌رو ۲ سانتیمتر است. رویه بتنی را می‌توان به صورت دال بتنی بنا فرش بتنی اجرا کرد. فرش سوزاییکی یا سیمانی از دو قشر رویه و آستر تشکیل شده است که سطح رویه آن در معرض سایش قرار می‌گیرد و باید دارای مقاومت کافی باشد. پوشش آجری در معابر کم تردد مورد استفاده قرار می‌گیرد و به دو روش آجر چینی روی ملات و آجر چینی روی ماسه امکان پذیر است.

آجر چینی روی ملات مستلزم زیرسازی مقاوم و محکم از بتن و همچنین تعیبه درز انبساط است. در آجر چینی روی ماسه باید خاک بستر مقاومت خوبی داشته باشد، چرا که در غیر این صورت ایجاد اساس بتنی ضروری خواهد بود. پوشش سنگی عمدتاً برای استفاده در فضاهای عمومی سرپوشیده است، سنگ مصرفی در پیاده‌سازی باید زیر، محکم، بدون رگه و مقاوم در برابر عوامل جوی و یخبندان باشد.

مناطق تجاری این عرض نباید از ۲ متر کمتر باشد. از نظر دفع آب پهای سطحی شیب عرضی پیاده‌رو نبایستی آنقدر کم باشد که آب بارندگی در سطح پیاده‌رو بماند. نیز نباید آنقدر زیاد باشد که موجب ناراحتی گردد. لذا شیب عرضی در حدود ۲٪ مناسب به نظر می‌رسد. در پیاده‌روها و سایر فضاهای پیاده‌روی باید حداقل ارتفاع از معادل ۲/۱۰ متر فراهم گردد. پیاده‌رو باید به نحو مقتضی از سواره‌رو جدا باشد تا در مقابل ورود احتمالی وسایل نقلیه محافظت شود. لذا حتی الا حاکان باید تر از پیاده‌رو به اندازه ۱۵ سانتیمتر از سطح سواره‌رو بالاتر باشند. در صورتی که پیاده‌رو هم‌تراز یا پایین‌تر از سطح سواره‌رو باشد، جداسازی را می‌توان با جدول گذاری انجام داد. طرفین جویهای رویار تخته آبهای سطحی نیز به جدول گذاری نیاز دارد و میان لبه پیاده‌رو و جدول جوی، حاشیه‌ای حداقل به عرض ۱/۵ متر (و ترجیحاً ۱ متر) در نظر گرفته می‌شود. طراحی باغچه یا هر مانع دیگری در پیاده‌رو، چنین نیست که در هر مقطعی از پیاده‌رو مجاز باشد؛ و برای انجام این کار بایستی عرض مفید پیاده‌رو را با توجه به سطح سرویس آن در نظر



شماره ۱۱ - مسطح عرضی باید تنوع به پیاده‌رو از حسب مقرر با توجه به مکان‌های شهری و اتصالات

شماره ۱۱ - ضخامت رویه و لایه اساسی در روسازی‌های پیاده‌رو



درزهای اجرایی و انبساطی باید حداکثر به عرض ۱۳ میلی‌متر، و مسود پرکننده آن نیز حتی الامکان همسطح پیاده‌رو باشد (شماره ۱۲). تعداد درزها باید در حداقل ممکن نگاه داشته شود و حتی المقدور از کاربرد قطعه‌های پیش ساخته روسازی به صورت مستقل و بدون اتصال با قطعات مجاور پرهیز شود. به هر حال نوع و جنس رویه باید به گونه‌ای انتخاب شود که دارای سهولت اجرا و همچنین مرمت و نگهداری آتی باشد. پوشش سطح پیاده‌رو از نظر جذب اشعه خورشید نیز باید متناسب با شرایط اقلیمی منطقه باشد. در مناطق گرمسیری پوشش کف به رنگ روشن است و یخچن عمدتاً اشعه را منعکس می‌کند و در مناطق سردسیری پوششهای تیره رنگ و جذب اشعه سفیدتر خواهد بود.

۷- روسازی پیاده‌رو
 روسازی پیاده‌رو باید با مصالح سخت، پایدار و غیر لغزنده انجام گیرد و در مقابل سواد شدید و محلولهای پاک کننده و مواد شیمیایی مقاوم باشد.
 روسازی پیاده‌رو باید متناسب با نیازهای عملکردی آن انتخاب و طراحی شود. ملاحظات از قبیل فراهم بودن مصالح در محل، مهارت محلی در اجرای آن، وضعیت اقلیمی، زیبایی و شکل ظاهری و بصرفه بودن نیز باید مورد توجه قرار گیرد. نوع و تعداد لایه‌های روسازی بستگی به موقعیت و کاربرد پیاده‌رو دارد. در پیاده‌روهای با عرض بیشتر از ۲/۵ متر روسازی شامل یک لایه اساس و پوشش کف است، در حالی که در پیاده‌روهای با عرض ۲/۵ متر و کمتر نیازی به اجرای لایه اساس وجود ندارد و می‌توان پوشش کف را مستقیماً روی زیرسازی بستر اجرا کرد (شماره ۱۱). لایه اساس پیاده‌رو می‌تواند از جنس شفته آهنکی،

۱- تصویبات پیاده‌روی، توصیه‌ها و معیارهای فنی سازمان برنامه و بودجه تهران ۱۳۷۵.
 ۲- آیین‌نامه طراحی راههای شهری (بخش جان پندان) وزارت مسکن و شهرسازی تهران ۱۳۷۵.
 3- Highway Capacity Manual (HCM), 1965.
 4- H. Wright, Paul; Transportation Engineering, 1989.
 5- Homburger, W. Transportation and Traffic Engineering Handbook, 1982.

استکھلم

آمیزه‌های موفق از برنامه ریزی و مدیریت

گزارشی از نتایج سفر اعضای شورای شهر تهران به استکھلم (تسعت اول)

تنظیم: نازیلا مرادی

ساکنان دائمی، از سوئدی تبارها و یا ملیتهای دیگر کشورها که بیش از ۱۸ سال سن دارند، می‌توانند در انتخابات شورای شهر و شهرداری شرکت کنند.

خانم سونسون یکی دیگر از اعضای شورای شهر استکھلم و مسئول کمیته رفاهی و اجتماعی و آموزشی این شورا در دیدار با هیئت اعضای ایرانی، به تشریح نحوه تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان در سوئد پرداخت و گفت: «در جامعه ما «کار» دارای ارزش زیادی است و با توجه به حاکمیت خوب سوسیال دموکرات در سوئد، تأمین رفاه اجتماعی و رفاه همگانی، از وظایف دولت است. به همین دلیل با توجه به شافل بودن والدین، کودکان از زمانی که متولد می‌شوند، اوقات خارج از خانه را تحت نگهداری و تربیت در مهد کودک‌های گذرانند. مالیاتی که مردم می‌پردازند شامل نگهداری از کودکان و نوجوانان، بیمه خدمات درمانی و نگهداری از سالمندان می‌شود. این امر با توجه به شافل بودن درصد زیادی از زنان، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. می‌توان گفت ۹۰٪ کل کودکان سوئدی در این مراکز نگهداری می‌شوند. در کشور سوئد کودکان در دوره مهد کودک، در کمپن‌ها تحت تعلیم هستند و پس از آن در شش سالگی به دبستان می‌روند - هر چند که در هر دوره، ارتباط با خانواده قطع نمی‌شود. شورای شهر استکھلم از سطح مناطق و محله‌ها تا سطح محتمهای ساختمانی گسترش داده است تا والدین کودکان خود را در مسائلهای زیاد جابه‌جا نکنند.

از دیگر مسائلی که شورای شهر با آن مواجه است، اعتیاد به مواد مخدر در میان نوجوانان است. به همین دلیل از نوجوانان بالای ۱۵ سال در مدارس آزمایش اعتیاد به عمل می‌آید. با توجه به اهمیت مبارزه با اعتیاد، امروزه برخی از اعضای شورای شهر خواهان انجام این آزمایشها در سطح نوجوانان تا ۱۲ سال شده‌اند. سونسون به نگاه علمی از سالمندان به عنوان یکی دیگر از مهم‌ترین وظایف شورای شهر پرداخت و گفت: «جامعهای که توان نگهداری از سالمندان و رسیدگی به امور پیران و کودکان را نداشته باشند، نمی‌تواند در دنیای امروز خود را متعین و مدرن بنامد. این

شورای اسلامی شهر تهران طی برنامه‌های مدون و به منظور بهره‌برداری از تجارب کشورهای مختلف در عرصه مدیریت شهری، مقدمات سفر و دیدار از این کشورها را برای اعضای شورای شهر تهران فراهم آورده است. بدیهی است این سفرها می‌تواند با حفظ اصل تبادل تجربه - به ویژه در حوزه مسائل شهری - نقش پر اهمیتی داشته باشد.

شورای اسلامی شهر تهران با توجه به تجارب علمی و زیست محیطی کشور سوئد و اعلام آمادگی این کشور در جهت حل معضلات زیست محیطی کشور ما، به دعوت شورای شهر استکھلم پاسخ مثبت داد و در اردیبهشت ماه ۱۳۸۱ هیئتی را به آن کشور اعزام کرد تا از تجربیات یکی از قدیمی ترین شوراهای موفق دنیا بهره‌مند گردد.

گزارش پیش رو، نگاه گذرایی از سفر هیئت ایرانی به کشور سوئد است. در این سفر محمد ابراهیم استرزاده، مرتضی لطفی، احمد حکیمی پور، محمد حسین درودیان، فاطمه جلالی پور، عبدالر سول تقضلی و مجید سعادت مندی، اعضای هیئت ایرانی اعزامی از شورای شهر تهران را تشکیل می‌دادند.

برنامه هیئت اعزامی به استکھلم به دو بخش کلی تقسیم می‌شد: نخست ملاقات و گفت‌وگو با اعضای شورای شهر استکھلم و سپس بازدید از مراکز تصفیه آب و کنترل ترافیک استکھلم و کارخانه‌های بازیافت زباله و اسکاتیا.

گفت‌وگو با اعضای شورای شهر استکھلم

«اکسل ورنر هولم»، رئیس شورای شهر استکھلم، در ملاقات با اعضای شورای شهر تهران به بیان ویژگیها و مشخصات شورای این شهر پرداخته و گفت:

«شورای شهر استکھلم هیئت عالی تصمیم‌گیری این شهر است. این شورا ۱۰۶ عضو دارد که آنها را مردم از طریق انتخابات شهری بر می‌گزینند. این انتخابات همزمان با انتخابات پارلمانی و انتخابات انسانی و منطقه‌ای برگزار می‌شود. این شورا هر ماه دوبار تشکیل جلسه می‌دهد و طرحهایی را که ابتدا در شوراهای مناطق شهری، هیئتها و کمیته‌ها بررسی شده است، تصویب می‌کند. این مصوبه‌ها را بعداً کارکنان اجرایی شهری به اجرا در می‌آورند. تمامی

می‌تواند تا ۲۰۰ لیتر آب مصرف کند. هزینه آب در هر متر مربع مکعب ۱۴ کرون سوئد معادل هزار و پنجاه تا هزار و صد تومان ایران محاسبه می‌شود.

یکی از مسئولان این اداره در توضیح دیگر برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی این اداره معتقد بود که در اروپا بیش از حد لازم آب مصرف می‌شود و این امر با وجود اینکه سوئد در میان آب‌خاظه شده است، باز هم بدیهی نیست. این در حالی است که آب مصرف شده در واحد خانواده پس از استفاده دوباره تصفیه می‌شود و به چرخه مصرف باز می‌گردد. این مسئول شهری همچنین اظهار امیدواری کرد برای صرفه جویی در مصرف آب، ضروری است تا شبکه آب‌رسانی با سیستم‌های توأحادات گرداند و روش‌های جدیدتری برای این امر به کار گرفته شوند.

بازدید از مرکز کنترل ترافیک

اعضای شورای شهر تهران در بازدیدی که از مرکز کنترل ترافیک شهر استکهلم داشتند، با روش‌های اجرایی و مدیریتی این سازمان آشنا شدند. این مرکز که مجموعه‌ای از وزارت راه سوئد و شهرداری استکهلم است، کلیه امور ترافیکی و مدیریت مربوط به کنترل آن را در دست دارد. در این دیدار یکی از مسئولان این مرکز توضیحاتی در مورد نحوه کنترل ترافیک شهر استکهلم ارائه کرد. بر طبق این توضیحات، شهرداری خود بزرگ‌ترین مالک زمین‌های شهری است و از این رو در احداث راه‌های مختلف - از جمله راه‌های کمربندی - با مشکلی مواجه نیست. یکی از راه‌های کمربندی اصلی که از مرکز شهر می‌گذرد، حجم وسیعی از ترافیک را منتقل می‌کند. در خیابان‌های اصلی استکهلم روزانه ۱۲۰ هزار اتومبیل در حال تردد هستند.

این مسئول شهری با اشاره به سطح نیازهای موجود افزود: «از آنجا که مردم در زمان حائس این شبکه ترافیکی را مطلوب نمی‌دانند، هرگز کنترل ترافیک در صند برآمد تا سیستم جدید عبور و مرور را پایه‌ریزی کند. این کار با صرف هزینه فراوان (حدود ۷ میلیارد کرون - معادل ۷۰۰ میلیون دلار) امکان‌پذیر خواهد شد. پیش‌بینی مرکز کنترل ترافیک استکهلم این است که مسیرها و تونلهای جدید در حال احداث تا دو سال آینده به بهره‌برداری برسد. این مقام شهری با اشاره به اینکه در کنار گسترش مسیرهای عبور و مرور، استفاده از ابزار کنترل ترافیک نیز بسیار مؤثر است، گفت: «استفاده از ماهواره‌ها برای بررسی وضعیت مسیرها و اطلاع آن به رانندگان در حال حرکت از مهم‌ترین این ابزارهاست. یک مثال عطفی روشن کننده حساسیت این موضوع است. با استفاده از ماهواره و تعیین مسیری که در آن گره ترافیکی به وجود آمده است، اطلاعات لازم به گوش رانندگان می‌رسد و در فواصل معین برای اجتناب از تجمع در محل موردنظر میزان سرعت لازم برای در جریان بودن مسیر تعیین می‌شود. از سوی دیگر، سیستم شنیداری اتومبیلها چنان تنظیم شده است که حتی در صورتی که راننده وسیله نقلیه در حال گوش کردن به ضبط صوت و یا می‌دی باشد، اخبار ترافیکی به اطلاع وی برسد.»

نکته مهم دیگر در باره ناوگان حمل‌ونقل شهری استکهلم آن است که با توجه به اینکه این شهر از یک سو به دریا متصل است، سیستم قایقرانی نیز در تردد مسافران شهری نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

از دیگر برنامه‌ریزی‌های اجرایی برای کنترل ترافیک این شهر، برنامه‌ریزی ترافیکی متفاوت برای ساعات پیش از ظهر و بعد از ظهر است. همچنین ساعت‌های فعالیت‌های اجتماعی به گونه‌ای تنظیم



عضو شورای شهر استکهلم با اشاره به ضرورت وجود سازمان‌های داوطلب در امور اجتماعی اظهار داشت: «داشته‌ایم فعالیت‌های این سازمان بسیار وسیع است و شورای شهر استکهلم به این سازمان‌ها سوبسید می‌پردازد تا بتوانند به نحوی فعال به عملکرد خود ادامه دهند. این سازمان‌ها از دوخت لباس تا دیدار از سالمندان را به عهده می‌گیرند و به دیدار خانواده‌های افراد زندانی می‌روند. حتی همراهی سالمندان برای قدم زدن در پارک، تا خواندن کتاب و روزنامه برای آنان نیز از جمله مواردی است که در دستور کار این سازمان‌ها قرار دارد. مراقبت‌های کوتاه مدت از کودکان و ایفای نقش پدر بزرگ و مادر بزرگ برای نوجوانان نیز از این گونه امور است.»

بیشتر شهروندی که از خدمات این سازمان‌های داوطلب بهره می‌گیرند، سالمندان و معلولان و بیماران هستند. اما این مطلب به این معنی نیست که جوانان و افراد سالم در صورت نیاز نتوانند از مساعدت سازمان‌های مذکور بهره‌مند شوند. در واقع عضویت در این سازمان‌ها برای همه اقشار و گروه‌های شهروندان آزاد است. مسئول کمیته رفاهی، اجتماعی و آموزشی شورای شهر استکهلم در بیان ملاقات خود با اعضای شورای شهر تهران درباره دوره جدید فعالیت شورای شهر استکهلم چنین اظهار داشت: «در این دوره ریاست کمیسیون‌ها و کمیته‌های کاری با بانوان خواهد بود و به این ترتیب می‌توان گفت زنان اداره شهر را بر عهده خواهند داشت.»

بازدید از شرکت آب استکهلم

اعضای شورای شهر تهران در یکی از دیدارهای خود، از شرکت آب استکهلم بازدید کردند و ضمن آشنایی با قسمتهای مختلف تصفیه آب، با سیاست‌ها و روش‌های اجرایی این اداره آشنا شدند. اعضای هیئت مدیره این سازمان را کمون‌ها، بدون توجه به مسائل سیاسی، انتخاب می‌کنند.

این سازمان برای تأمین هزینه‌های خود متکی به دریافت آب بها از خانوارهاست و حق ندارد بیشتر از آنچه از آب بها دریافت می‌دارد هزینه کند. طبق استانداردهای سوئد هر خانوار در روز

موتورهای دیزلی مورد توجه و بررسی قرار داد.

مسئول بخش موتورهای گازسوز دیزلی در این زمینه توضیحاتی به هیئت ایرانی ارائه کرد و گفت: «موتورهای دیزل برای سوخت و نگهداری آنها افزایش می دهد؛ در حالی که موتورهای دیزلی گازسوز شرکت اسکاتیا بدون نیاز به کاتالیزور عمل می کنند و همین امر موجب کاهش هزینه‌ها می شود.

در زمان حاضر شرکت اسکاتیا وظیفه گازسوز کردن اتوبوسهای شرکت واحد ایران را نیز در دست بررسی دارد. در این زمینه هشتی به ایران آمده و با معاونت حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران وارد مذاکره شده است.

اکنون برخی از شرکت‌های اتوبوس سازی در ایران، مانند شهاب خودرو، تعداد محدودی از این اتوبوسهای دیزلی را از شرکت مذکور خریداری کرده است. شرکت اسکاتیا آمیلوار است که سطح همکاری خود را با شرکت‌های ایرانی افزایش دهد و آن را به نقطه مطلوبی برساند.

این بازدید با نمایش فیلمی از مراحل شکل گیری و ساخت ماشینهای این کارخانه، از ابتدای ترین اتومبیلها تا پیشرفته ترین کامیونها، همراه بود. پس از آن اعضای شورای شهر همراه با مسئولان کارخانه از بخشهای مختلف آن بازدید به عمل آوردند.

با توجه به اینکه تجربه گازسوز کردن موتورهای دیزلی به جنگ دوم جهانی بازمی گردد، می توان گفت کشور سوئد و شرکت اسکاتیا در این زمینه تجربیات بسیار ارزشی دارند و این شرکت تاکنون در سطح جهانی بیش از ۱۰۰۰ موتور استاپ قوی تولید کرده است.

این شرکت از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۴ در مجموع ۱۰ هزار کامیون باری به ایران ارسال کرده است و اکنون در کنار پروژه گازسوز شدن موتورهای دیزلی، قراردادی را نیز با شرکت عقاب در سمنان در دست بررسی دارد.

اعضای هیئت مدیره شرکت واحد اتوبوسرانی تهران نیز در جلسه جداگانه‌ای با مدیر بخش گازسوز کردن اتوبوسهای کارخانه اسکاتیا حضور یافتند. در این جلسه مقرر شد که در مورد نحوه گازسوز کردن و ارائه خدمات پس از فروش و استعلام‌های این شرکت، در مقام قیاس با شرکت‌های مشابه، اطلاعات لازم در اختیار شورای شهر تهران قرار گیرد. این شرکت ماهیتاد سال سابقه، پیشرفته‌ترین سیستمها و فناوریهای ساخت را در خود دارد.

شورای شهر استکهلم مسئولیت رفاه شهروندان، آموزش پایه، خانه سازی، جاده سازی، تأمین آب و فاضلاب، برق، فعالیت‌های فرهنگی، حفظ و نگهداری از فضای سبز و جنگل‌ها و همچنین ایجاد مراکز تفریحی و ورزشی و بهداشتی و درمانی را بر عهده دارد. این شورا همچنین برای کاهش ترافیک در شهر و حمل و نقل عمومی شهری، یارانه پرداخت می کند. این برنامه‌ها موجب شده است که همه ساله حیات‌هایی از سوی کشورهایی دیگر، به منظور دستیابی به چگونگی نحوه عملکرد این دولت - شهر از استکهلم دیدار می کنند.

به این ترتیب می توان آمیلوار بود دست‌انتر کاران و مدیران شهری در بازدیدهایی از این دست یا کوله‌باری از تجربه و آموزه به وطن باز گردند. آموزه‌هایی که به خلاقیت در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری می انجامد.



شده است که با یکدیگر تداخل نکنند. برای این منظور ساعت شروع به کار مدارس یا ادارها و سازمانها فاصله دارد. به این ترتیب ساعات اوج ترافیک از مرکز خارج می گردد و بخش می شود. به علاوه، اتومبیل‌هایی به نام «راه‌یار» نیز به محض خراب شدن اتومبیلها در مسیر، به سرعت به محل می رسند و در صدد رفع مشکل برمی آیند. از ویژگی‌های اتومبیل‌های راه‌یار، سرعت زینین آنها به محل مورد نظر است.

نکته در خور توجه دیگر آن است که در سوئد مسیره‌های ویژه دوچرخه که دو ترمای ابعاد بیش بینی شطنت، حجم عملی از حمل و نقل شهری را جابه‌جا می کنند.

بازدید از مرکز جمع آوری و بازیافت زباله

هیئت ایرانی در ادامه دیدارهای خود، از مرکز جمع آوری و بازیافت زباله بازدید کرد. در این دیدار چگونگی فرایند تبدیل مواد زائد به فرآورده‌های قابل استفاده، برای این هیئت تشریح شد. فردریک وائن، عضو شورای شهر و مسئول کمیته مربوط به مسائل خدمات شهری استکهلم، نیز در مورد نظافت و رفعت و روت و جمع آوری زباله، و همچنین بازیافت مواد توضیحاتی ارائه کرد.

ناگفته نماند که عمده سرمایه گذاریهای این بخش متعلق به بخش خصوصی است. همچنین مقدماتی فراهم آمده است تا عوارض زباله بر مبنای مساحت آپارتمان و ویلا و تعداد ساکنان وصول گردد.

بازدید از کارخانه اسکاتیا و بررسی گازسوز کردن اتوبوسهای دیزلی

هیئت اعزامی شورای شهر تهران، در بازدید از کارخانه اسکاتیا تجربیات موفق این شرکت را در زمینه گازسوز کردن

مجسمه‌های شهری؛ زشت، زیبا، بلا تکلیف

مروری به وضعیت احجام و مجسمه‌های شهری

قهیمه مزیانی



شهرهای امروز انباشته از عناصر رنگ‌رنگ و جوراجور، با چهره‌های بس متفاوت بنا گذشته، و فضاهایی مغشوش و آشفته‌اند.

آشفته‌گی امروز شهرها بیش از هر چیز ذهن و روان شهروندان را آسیب خود می‌کند و در حرکتی شتابان هویت آنان را می‌رباید.

شهروند امروز در شهری زندگی می‌کند که با گذشته او بیگانه، و فاقد عناصر هویت‌بخش، هماهنگ و منسجم است. شهرهای مملو از طرح و حجم و رنگ براغتشاش ذهن شهروندان می‌افزاید و حس تعلق شهروند را به فضای زندگی و محیط‌های شهر خود از بین می‌برد.

آشفته‌گی عناصر سازنده شهر، از جمله احجام و تندیسها، در کنار طراحی نامناسب محیط‌های شهری، دست به دست هم داده‌اند و تصویر آشفته آنها ادراک و برقراری ارتباط با محیط‌های شهری را دشوار کرده است. اکنون حساسیت شهروندان نسبت به شهر و عناصر آن از بین رفته و در سایه این بی‌تفاوتی، حس آرامش، رضایت و پیوند و تعلق شهروندان به شهر قربانی شده است.

علاوه بر معماری و طراحی فضاهای شهری، عناصری که در شهر جای گرفته‌اند جزئی از مکان هستند که در صورت هماهنگی و انسجام با یکدیگر، مضامین و مفاهیم مشترکی را بیان می‌کنند و حس مکان با تعلق به شهر را در شهروندان به وجود می‌آورند. در صورت هماهنگی اجزای هر شهر با ارزشهای فرهنگی و اجتماعی و روانی شهروندان، حس قوی از مکان ایجاد می‌شود.

با ایجاد حس قوی مکان احساس رضایت، لذت و آرامش نیز شکل می‌گیرد اما در صورتی که عناصر یک مکان فاقد هماهنگی انسجام بصری و ارتباط با هویت شهروندان باشد، احساس سردرگمی و بیگانگی با شهر ایجاد می‌شود.

احجام و مجسمه‌ها به عنوان جزئی از شهر، نقش مهمی در خلق حس مکان یا -برعکس- آشفته‌گی بصری در سیمای شهرها دارد.

مجسمه‌ها و تندیسها به عنوان ساختارهای حجمی مؤثر بر ذهن بیننده، می‌توانند در مکان‌سازی و طراحی محیط‌های شهری به کار گرفته شوند. نکته مهم در استفاده از این عنصر، توجه به وحدت و انسجام مجسمه‌ها با محیط و نیازهای سیمای شهر است تا فضایی قابل فهم و هویت‌بخش ایجاد شود، نه اینکه عنصر مزاحم دیگری بر سایر عوامل مغشوش‌کننده محیط‌های شهری افزوده گردد.

با نگاهی به وضعیت کنونی سیمای شهرها و نقش مجسمه‌ها و احجام در شکل‌دهی به محیط‌ها و مناظر شهری، مشاهده می‌شود که استفاده از این عنصر شهری به میدانیهای کوچک و بزرگ ختم شده است و اکثر این احجام نیز بدون پیروی از اصول زیبایی‌شناسی، چنان اشکالی زمخت و فاقد روح‌چاند این احجام و مجسمه‌ها نه تنها موجب روح دادن به شهرها و زیبا سازی آنها نشده‌اند، بلکه خود به عاملی در جهت آلودگی

بصری و اغتشاش هر چه بیشتر مناظر شهری بدل گردیده‌اند. لقای، استاد معماری منظر دانشگاه تهران، در خصوص زیبا سازی و درک شهروند از محیط شهری می‌گوید: «وقتی انسان در محیطی قرار می‌گیرد، با تمام حواس خود محیط پیرامون را درک می‌کند. عوامل ذهنی و روانی متفاوتی بر این فرایند اثرات محیط تأثیر می‌گذارند که موجب درک متفاوت هر شخص از یک محیط ثابت می‌شوند. همچنین درک یک محیط، بر اساس تجربیات شخصی و اجتماعی فردی، معنایی را خلق می‌کند که موجب ارتباط فرد با محیط می‌گردد. وقتی صحبت از محیط شهری به میان می‌آید، شمار انبوهی از مردم نیز مطرح می‌گردند، که هر یک دارای شرایط روحی و ذهنی متفاوتی هستند و به تبع این شرایط درک متفاوتی از محیط شهر خود دارند. پس باید توجه کرد که عناصر و محیط‌های شهری به گونه‌ای طراحی شوند که در آنها تمامی طیفها و شرایط حسی - روانی افراد مختلف مورد سنجش و شناخت قرار گرفته باشد.»

وی می‌افزاید: «اولین نکته‌ای که در به کارگیری مجسمه در شهر باید توجه کرد، مکان مناسب قرارگیری آن است. مجسمه در مکانی مناسب می‌تواند به عنوان عنصری در زیبایی شهری یا خلق معنایی خاص برای شهروندان موفق باشد. به عنوان مثال، اگر در خیابان شلوغی چون لاله‌زار تهران مجسمه‌ای نصب شود، هیچ‌گاه شهروندان آن را درک نمی‌کنند چرا که عوامل بازدارنده حس متعددی در این محیط حضور دارند که مانع درک درست و دقیق مجسمه می‌شوند. از طرف دیگر، به دلیل تفاوت‌های ادراکی افراد، وقتی قرار است از مجسمه‌ای برای یادآوری پدیده‌ای خاص استفاده شود، اگر مکان‌یابی درستی انجام نگردد، مجسمه عنصر ناچیزی می‌شود که هیچ سختی با محیط اطراف خود ندارد. بدین ترتیب بیننده درگیر و دار ترافیک و آلودگی بصری محیط، دچار سردرگمی و دریافت تصاویر ضد و نقیض می‌شود.



با ایجاد حس قوی مکان احساس رضایت، لذت و آرامش نیز شکل می‌گیرد اما در صورتی که عناصر یک مکان فاقد هماهنگی انسجام بصری و ارتباط با هویت شهروندان باشند، احساس سردرگمی و بیگانگی با شهر ایجاد می‌شود

حالت از آنجا که انسان در حافظه خود تصاویر متراکمی از پدیده‌هایی دارد که در طول زندگی تجربه کرده است، با ایجاد انگیزه قادر به یادآوری و خلق معنایی خاصی از محیط است. اما اگر عناصری به طور مرتب مورد تأکید قرار گیرند و نشان داده شوند، ذهن افراد قادر به پذیرش آنها نخواهد بود و شروع به عادی‌سازی این پدیده‌ها می‌کند. پس به دلیل اینکه نمی‌توان ذهن انسانها را به اسارت گرفت و معنایی را مرتب به آن دیکته کرد، باید به هدایت ذهن بیننده پرداخت، و به مکانها و به موضوعاتی اهمیت داد که معنا و تصاویری خاص در ذهن افراد ایجاد کنند.

لقای در ادامه به عوامل مؤثر در تأثیر مثبت یا منفی عناصر شهری اشاره می‌کند و می‌گوید: «عوامل بیرونی و درونی مختلفی وجود دارد که در ادراک پدیده‌ها تأثیر دارند. از جمله این عوامل می‌توان به شرایط اجتماعی، اقلیمی، فرهنگی و آداب و سنن گوناگون اشاره کرد که توجه به آنها نقش مؤثری در مکان‌سازی و خلق معنایی دارد. به عنوان مثال، از آنجا که مردم کشور ما با توجه به شرایط زندگی خود به محیطهای سایه‌دار و نزدیک به آب تمایل دارند، بنابراین وقتی پارکی ساخته می‌شود و درون آن یک فضای شهری ایجاد می‌گردد، مورد پسند مردم قرار می‌گیرد. در چنین فضایی استفاده از عناصر شهری همچون مجسمه‌ها برای القای معنا و مفهومی خاص مؤثر خواهد بود. اما در زمان حاضر این اشتباه مرتب تکرار می‌شود که در فضاهای شلوغ و پرترافیک، که مردم تمایل به ترک هیچ عنصری ندارند، بر تعداد عناصر افزوده می‌گردد و باز بین رفتن آسایش بصری، سردرگمی و بی‌حسی در ذهن و ترک همان چیزی می‌شوند که مد نظر بوده است.»

می‌آید، باید به مکان بجا و مناسب برای آن توجه کرد و در این راه از نظر سنجی از شهروندان کمک گرفت تا رضایت خاطر آنها فراهم شود.»

همان گونه که اشاره شد، هویت مکانی بخشی از زیرساخت هویت فردی جامعه و حاصل شناخت عمومی آنها از محیطی است که در آن زندگی می‌کنند؛ و هر چه هویت مکانی افراد قوی‌تر باشد، ارزیابی مثبت‌تری از کیفیت محیط شهر خود خواهند داشت. همچنین ارزیابی مثبت از محیط و کیفیت شهر بر عمق شناسایی افراد از محیط و هویت مکانی آنها مؤثر است. نکته دیگر اینکه هویت مرتبط با شهر تأثیر مثبتی بر توانایی و اتکا به نفس شهروندان دارد و به نوعی شهروندان یک شهر را از غیر شهروندان متمایز می‌کند.

آسا امروزه با یکسان و یکنواخت شدن مکانهای شهری، احساس ریشه‌دار بودن و وابستگی به مکان کمرنگ شده است و آشفتگی عناصر و فضاهای شهری سلامت روانی و ذهنی شهروندان را تهدید می‌کند.

لقای در این خصوص می‌گوید: «فضاهای شهر باید به گونه‌ای باشند که شهروندان به راحتی آن را درک کنند و بتوانند با شهر ارتباط برقرار سازند و ریشه‌های تاریخی و فرهنگی خود را پیدا کنند. به همین دلیل استفاده از عناصر تاریخی و فرهنگی در شهر اهمیت بسیاری دارد. به خصوص در کشوری مثل ایران که سابقه چندین هزار ساله دارد و فرهنگ آن مملو از عناصر مفاهیم غنی است، معماری و طراحی شهرهای ما نباید از تاریخ ما جدا باشد. چرا که این تاریخ سند شناسایی و هویت فرهنگی ما است و اگر ریشه تاریخی نداشته باشیم مانند درخت خشک خواهیم شد. عناصر فضای شهری، مانند مجسمه و تندیس، ارتباط ما را با فضاهای برقرار می‌سازند و ما را به ریشه‌های تاریخی مان نزدیک می‌کنند. در اینجا باید به این نکته توجه کرد که استفاده از مجسمه و عناصر تاریخی باید در مکانی صورت گیرد که مناسب این امر باشد. له در فضایی که دارای تصاد شدید با عنصر تاریخی است، در واقع استفاده از تصاد وقتی مناسب است

مجسمه‌ها و تندیسها به عنوان ساختارهای حجمی مؤثر بر ذهن بیننده، می‌توانند در مکان‌سازی و طراحی محیطهای شهری به کار گرفته شوند. نکته مهم در استفاده از این عنصر، توجه به وحدت و انسجام مجسمه‌ها با محیط و نیازهای سیمای شهر است تا فضایی قابل فهم و هویت بخشی ایجاد شود، نه اینکه عنصر مزاحم دیگری بر سایر عوامل معشوش کننده محیطهای شهری افزوده گردد

لقای آشفتگی محیطهای شهری را یکی از معضلات شهرها عنوان می‌کند و حرکت در جهت کم کردن عناصر محلی آسایش بصری را اولین گام در زیباسازی شهرها می‌داند. وی در ادامه، توجه نکردن به خواست و تمایل مردم را عامل بی‌توجهی آنها به طرحها و مجسمه‌ها برمی‌شمارد و می‌افزاید: «با حذف عناصر زائد و بازگرداندن آسایش بصری در شهرها، می‌توان در مسیر زیباسازی قرار گرفت. بنابراین زمانی که صحبت از به کارگیری یک تندیس برای هویت دادن به یک فضا به میان

شهرسازی خاص خود را داشت.»

وی در ادامه می‌گوید: «نداشتن شناخت درست از هنر مجسمه‌سازی باعث گردیده است تا مجسمه‌های نصب شده در میدانهای شهرها به دست افراد ناشی ساخته شود و بدین ترتیب آشنایی نامانوس و نامناسب خلق گردد. ساخت و نصب مجسمه‌های مشاهیر تاریخی و ادبی که کمتر با چهره واقعی آنها شباهت دارد، نه تنها افتخار آفرین نیست بلکه مضحک و خنده‌دار است. مجسمه تصادی از فرهنگ مردمان است؛ حال آنکه در کشور ما بین آثار حجمی و فرهنگ مناطق مختلف هیچ سنجشی وجود ندارد.»

امین بُداعی، دبیر بخش معماری مجله مجسمه نیز در این باره می‌گوید: «مجسمه به عنوان نوعی نشانه شهری موجب گویایی شهر می‌شود و عنصری مهم در تعریف فضاهای شهری است. شهر تنها با معماری تعریف نمی‌شود و مجسمه در شهرهایی چون وین و ژن نقش تعیین کننده و مهمی دارند. اما در زمان حاضر مجسمه در شهرهای ما وضعیت نامطلوبی دارد یکی از مسائل این است که اندازه‌ها متناسب نیستند و مثلاً در یک میدان بزرگ از مجسمه‌های کوچک استفاده شده است که هیچ



که همه چیز منظم و سر جای خود باشد، نه اینکه شلوغ و درهم باشد.»

وی با اشاره به یکسان سازی فضاهای شهری می‌افزاید: «استفاده از عناصر باید متناسب با فرهنگ و اقلیم هر منطقه باشد. نه اینکه الگویی ساخته شود و در تمام شهرها تکرار گردد؛ چرا که در این صورت نوعی عادی‌سازی انجام گرفته و بی‌هویتی به تمام شهرها تشری داده شده است. این کاری است که امروزه در بسیاری از شهرها انجام می‌شود و یک تندیس تکراری در همه شهرها به کار می‌رود. به طوری که اکنون در هر شهری دایره‌های به نام میدان و تندیس نیز در مرکز آن قرار داده.»

لقبایی نقش دیگر مجسمه را از نقای کیفیت بصری و فرهنگی شهر و ندان عنوان می‌کند و معتقد است که مجسمه می‌تواند فضای مناسبی را برای اشاره ارزشهای فرهنگی و آموزش به شهروندان ایجاد کند.

وی مجسمه را عنصری مهم در شناسایی مکانهای شهری و تشخیص موقعیت فرد در شهر می‌داند و پرهیز از به کارگیری مجسمه را در فضاهای شلوغ توصیه می‌کند. وضعیت کنونی مجسمه‌ها و تندیسهای شهرها گویای بی‌توجهی مسئولان شهری به حضور مؤثر این عنصر شهری در هویت بخشیدن به شهرهاست؛ کما اینکه اکثر طرحها و مجسمه‌ها تکراری و پراساس قالبهای مرسوم‌اند و کمتر از هنر دست مجسمه‌سازان کشور استفاده می‌شود. به همین دلیل در کنار مجسمه‌های قالبی، احجام مضحک و بی‌معنایی هم به نام مجسمه تزئین کننده فضایی شهرها شده‌اند.

پروینز تناولی، مجسمه ساز بنام کشور، در سومین نمایشگاه دو سالانه مجسمه‌سازی می‌گوید: «فضاهای شهرهای ما در حال یکسان شدن است و از هر یک از مشاهیر دهها مجسمه در میدانها و پارکهای شهرها نصب شده است. این مجسمه‌ها دارای کیفیت مناسبی نیستند و هیچ تناسبی بین فضا و مجسمه‌های نصب شده وجود ندارد. از طرف دیگر، همه شهرستانها از الگویی نامناسب پیروی می‌کنند، حال آنکه در گذشته هر اقلیمی

اگر در خیابان شلوغی چون لاله‌زار تهران مجسمه‌ای نصب شود، هیچ‌گاه شهروندان آن را درک نمی‌کنند چرا که عوامل بازدارنده حسی متعددی در این محیط حضور دارند که مانع درک درست و دقیق مجسمه می‌شوند

توجهی را جلب نمی‌کنند؛ یا از توانایی با معماری و محیط اطراف خود ندارد و یا به عنوان عنصری مزاحم مانع دید می‌شود و منظری زشت به وجود می‌آورد.»

وی می‌افزاید: «مجسمه باید نقطه عطف میدان باشد و به عنوان عنصری در مرکز میدان از هر طرف دیده و درک شود. لیکن در شهرهای ما میدانها تنها محل عبور خودروها و گروههای تفریحی‌اند، به طوری که عابران پیاده امکان نزدیک شدن به مجسمه را ندارند و نمی‌توانند حضور مجسمه را حس کنند.»

بُداعی در مورد فضاهای مناسب برای نصب مجسمه چنین می‌گوید: «فضاهای تعامل اجتماعی و تجمع مردم - از قبیل محورهای پیاده، که فضای تنفس در شهرند - مکان مناسبی برای حضور مجسمه‌ها هستند. همچنین در پارکها، باغ مجسمه، فرهنگسراها، میدانهای محلی، روبروی سینماها و ادارات نیز مجسمه‌ها نقش مؤثری ایفا می‌کنند.»

آنچه گفته شد، نشان دهنده ضرورت تدوین معیارهایی خاص به منظور استفاده از تندیسها و احجام و توجه به نقش آنها در فضاهای شهری است. همچنین به کارگیری آثار هنرمندان



مجسمه سازه ارزش دادن به آثار هنری، و حمایت مسئولان شهری از هنرمندان و استفاده از هنر مجسمه‌سازان بومی هر منطقه از ضرورت‌های دیگری است که باید مورد تأکید قرار گیرد. در بین مجسمه‌ها و احجام نصب شده در شهرهای ایران که علاوه بر در نظر گرفتن ریشه‌های بومی و فرهنگی و اجتماعی یک منطقه، به دست هنرمندی بومی خلق شده‌اند می‌توان به مجسمه‌های نصب شده در میدانها و پارکهای سنجج اشاره کرد - که به دست هادی ضیاءالدینی مجسمه ساز این شهر ساخته شده‌اند. مجسمه‌هایی چون مجسمه آزادی، مرد جوان، مادر و جز اینها از این دست‌اند که با هنرهای اندک و با در نظر گرفتن فرهنگ و تاریخ منطقه ساخته شده و به این ترتیب ارتباط نزدیکی با شهر و تعلق ایجاد کرده‌اند.

هادی ضیاءالدینی، هنرمند مجسمه‌ساز، در خصوص وضعیت فعلی مجسمه‌های شهری می‌گوید: «در زمان حاضر و مجسمه‌های نصب شده در میدانها و پارکها محدود به مشاهیر و چند موضوع کلی شده و نحوه ساخت و ارائه آنها بسیار خشک و بی‌احساس است. اولین مسئله در این زمینه سفارشی بودن کارهاست؛ به این ترتیب که با سفارش کار به هنرمند، عرصه مردم هر منطقه، پر هیچ از تقلیدهای شبه‌روشنفکرانه و عدم دخالت غیر تخصصی سفارش دهندگان دولتی اشاره کرد. با رعایت این اصول می‌توان شهر و میدان خموده امروز را از طریق مجسمه‌ها به تأمل و ارتباطی متفاوت‌تر روزمره‌گی‌ها و یادداشت‌ها ضیاءالدینی تشکیل هیتی هر کم از هنرمندان صاحب نظر و با تجربه را برای تصمیم‌گیری بی‌غرض و صحیح در خصوص مجسمه‌های شهری و حمایت مسئولان از هنرمندان، گامی در جهت بهبود وضعیت فعلی عنوان می‌کند و می‌گوید: «مجسمه یک میدان یا فضای شهری صرفاً تشخیص، درک هنری، سطح آگاهی و درجه شعور یک ملت است؛ اما مجسمه‌های فعلی نه تنها چنین کارکردی ندارند بلکه مایه کسر شأن ملی و سرفرازی‌کنند در نتیجه بهتر است مجسمه‌های غیر هنری از سطح شهرها جمع‌آوری شوند».

یکی از شهرهایی که مجسمه‌ها و تندیس‌های آن در اندازه‌های بسیار کوچک و یا ساخت و ظاهری نامناسب ارائه شده، بندر گناوه است.

در این شهر تعداد محدودی مجسمه وجود دارد که به عنوان عنصر مرکزی میدانهای شهر نصب شده‌اند اما به دلیل مشکلات ظاهری شان آلودگی بصری بیشتری در شهر ایجاد کرده‌اند.

سید باقر حسینی، شهردار گناوه، هدف نصب تندیس‌های این شهر را توجه به ارزشها و افتخار مختلف شهر عنوان می‌کند و هر یک از مجسمه‌های نماز، معلم، ماهیگیر، ناخدا، نوب و جز اینها را نمادی از هر یک از بخشهای موجود در شهر می‌داند.

وی در خصوص نامطلوب بودن مجسمه‌های این شهر می‌گوید: «برای ساخت و نصب مجسمه‌ها هزینه زیادی صرف نشده، و در واقع سعی گردیده است تا حداقل هزینه نمادهایی در شهر حضور داشته باشند. به هر حال در آمد شهرداری گناوه در حدی نیست که قادر به خریداری مجسمه‌های چند میلیونی باشد

هویت مر تعلق با شهر تأثیر مثبتی بر توانایی و اتکا به نفس شهروندان دارد و به نوعی شهروندان یک شهر را از غیر شهروندان متمایز می‌کند

شمالیت و هنرنمایی محدود می‌شود. حال آنکه اگر این روال به صورت عکس در آید و هنرمند قادر باشد فراتر از محدودیتهای موضوعی پیشنهاد شده در خلوت خود آزادانه به آفرینش احجام و مجسمه‌ها بپردازد، تنوع و گستردگی چشمگیری در آثار ایجاد می‌شود».

وی می‌افزاید: «وقتی مجسمه‌ای در مسیر چشم شهروندان قرار می‌گیرد و آنها مجبور به مشاهده آن می‌شوند، می‌بایست اثری ملموس و آشنا با روحیات و تاریخچه ذهنی آنها باشد تا آنها نیز بتوانند آن را درک کنند».

از دیگر ویژگی‌های مجسمه می‌توان به همخوانی آن با محیط پیرامون و نزدیکی با فضای فرهنگی، رعایت اصول هنرهای تجسمی و مبانی جغرافیایی، درک صحیح از رابطه بین فضا و حجم و ارتباط ننگارنگ آن با مکان و محل نصب، تأکید بر ویژگی‌های فرهنگی و ملی ایران و توجه به خواست‌زیایی‌شناسی

در زمان حاضر این استیاه مرتب تکرار می شود که در فضاهای شلوغ و پرترافیک، که مردم تمایل به درک هیچ عنصری ندارند، بر تعداد عناصر افزوده می گردد و با از بین رفتن آسایش بصری، مردم مجبور به دیدن و درک همان چیزی می شوند که مد نظر بوده است

خود را درباره طرحهای ارسالی، براساس تجربیاتی که در این زمینه داشته اند ارائه و مجسمه ها را به سه دسته عالی، مطلوب و نامطلوب تقسیم بندی می کنند. به این ترتیب آثار عالی به نمایشگاهها و دو سالانه معرفی می گردند و آثار مطلوب «مجاز» نصب در شهرها را دریافت می کنند البته چون معیار مشخصی تعیین نشده است، این ارزیابیها بیشتر متکی بر تجربیات و دیدگاههای اعضای شورای است و اعمال سلیقه هم در آن نقش دارد.

وی درباره اینکه طی سالهای گذشته عموماً چه آثار و موضوعاتی موفق به دریافت مجوز می شدند، می گوید: «عمدتاً آثاری که انگیزه سیاسی نداشتند و یا اهداف فرهنگی و اجتماعی ساخته می شدند، مورد تأیید شورای قرار می گرفتند. البته رعایت اصول هنری در ساخت مجسمه نیز مورد تأکید بوده است. رعایت حدود شرعی براساس فتوای مقام رهبری، به این معنوی که حجم کامل بدن ذی روح نباید ساخته شود، نیز یکی دیگر از معیارهای تصمیم گیری است.»

تحقیق و تجزیه و تحلیل وضعیت و موقعیت مجسمه های شهری و تهیه شناسنامه احجام تهران، یکی دیگر از برنامه های اداره حجم است تا به این ترتیب روند شکل گیری مجسمه های شهری، عوامل موثر بر آنها، ارتباط احجام با محیط و معماری پیرامون خود، نقش مجسمه به عنوان نشانه شهری، و شناخت جنس و سبک مجسمه ها مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین ارتباطات سازمانها و سازمانهای مختلف دولتی که اقدام به سفارش، ساخت و نصب مجسمه می کنند از دیگر برنامه های این اداره است، تا با ایجاد هماهنگی و ارائه طرحها و ایده های مناسب به این ادارات، وضعیت احجام و نقش برجسته های شهری بهبود یابد.

برقراری ارتباط با مجامع و انجمنهای هنری، به ویژه انجمن مجسمه سازان و دانشگاهها و نمایشگاههای دانشجویی، برنامه دیگر اداره حجم است تا از این طریق از ایده ها، طرحها و مشارکت هنرمندان جوان کشور بهره گیری شود و فضای حمایت از هنرمندان و گسترش روابط متقابل بین سازمانهای دولتی و هنرمندان - به عنوان سفارش دهنده و سفارش گیرنده - فراهم آید.

شاید تلاش اداره حجم سازمان زیباسازی و استقبال شهرداریها در استفاده از آثار هنرمندان، سیمای آلوده تهران - و به تبع آن سایر شهرها - را سامان دهد و بدین ترتیب زیبا کردن شهرها به دست اهل آن سپرده شود.

درک مسئولان از این واقعیت که هر مجسمه ای شایستگی حضور در شهر و عرض اندام در مقابل چشم شهروندان را ندارد، راهی است برای افزایش آسایش بصری شهروندان که بی رحمانه مورد هجوم احجام زشت و زحمت و طرحهای سنگین قرار گرفته اند و هر روز مجبور به دیدن می شوند، بی آنکه توجهی به خواستها و ریشه های ذهنی و روانی آنها در برنامه ریزی مسئولان شهری شده باشد.

همچنین ارائه الگوهای صحیح برای سایر شهرها، استفاده از هنرمندان بومی مناطق، تعویض مجسمه های که فاقد اصول زیبایی شناسی اند و حذف مجسمه هایی که منجر به آلودگی بصری و مزاحمت فضای دید شهروندان شده اند، گام دیگری در این زمینه خواهد بود.

و شهر مشکلات و کمبودهای جدی تری دارد که باید بیشتر برای حل آنها سرمایه گذاری شود.»

از جمله اقداماتی که برای سیاست گذاری و نظارت بر نصب مجسمه های شهری انجام شده است، می توان به تشکیل شورای حجم در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی اشاره کرد.

براساس این مصوبه، در سال ۱۳۷۶ قرار شد تا نمایندگان کلیه سازمانها و وزارتخانه ها و اداراتی که به نوعی با این امر مرتبط بودند گرد آیند و در خصوص نحوه ساخت و نصب مجسمه و تدبیر در شهرها برنامه ریزی کنند.



با آنکه پس از مدتی آیین نامه ای تدوین گردید و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید، اما هنوز دستورالعملهای اجرایی - که شیوه ها و معیارهایی را مشخص کند - تدوین نشده است. روند کار به این صورت بود که طرحها و درخواستهای بخشهای مختلف از طریق ادارات ارشاد شهرها جمع آوری و به شورای حجم فرستاده می شد تا مورد بررسی و تأیید قرار گیرد. اما به رغم ابلاغ این مصوبه، تعدادی از تدبیرها بدون دریافت مجوز نصب شده اند و اصول مشخص هم برای ارزیابی آنها وجود نداشته است.

مهدی حبیب مقدم، معاون فنی سازمان زیباسازی شهرداری تهران و نماینده وزارت کشور در شورای حجم، در خصوص نحوه ارزیابی آثار حجمی می گوید: «اعضای شورای حجم دیدگاههای

شهرت جهان گستر گلاب قمصر، در تمامی پهندشت ایران زمین بر کسی پوشیده نیست. عطر گل‌های محمدی و گلستانهای دل انگیز قمصر، مشام رهگذران، گردشگران و خسته‌دلان بسیاری را سرمست و شاداب کرده است. جامهای گلاب ناب در تمام ایام سال حامل این عطر روح افزا به اطراف و اکناف جهان و نویدبخش طراوت و شادابی‌ای است که رایحه آن حتی بر لباس مقدس کعبه نیز جانها را سیراب می‌کند.

در برخی از منابع قمصر [یا به روایتی، غمسر] را به مثابه جایی دانسته‌اند که با رسیدن به آن، غم به سرآید. در باره وجه تسمیه قمصر (یا غمسر)، نظریات متعددی وجود دارد مبنی بر اینکه از دو واژه «قم» و «صر» تشکیل شده است. در متون فارسی میانه (دوران اشکانی) چنین آمده است که این نام در اصل از کلمه «کم یا کوم» سرچشمه گرفته که به مفهوم محل حفر چاه یا قناتهای بسیار یا استخراج و تأمین آب بوده است. واژه «صر» ابدال شده واژگ «سر» است. قمصر که همان «گمسر یا کومسر» است، به معنای کانون پایدار آب یا آبگیر دائمی است؛ چرا که قمصر یا این همه سبزی و لطافت و اقلیم در نزدیکی دشت گرم و خشک کاشان دل‌تشنه کویر را سیراب می‌کند.

قمصر، شهری سبز در حاشیه کویر

خاتون میرراشد

قمصر به لحاظ موقعیت جغرافیایی در محدوده طول شرقی ۵۱ درجه و ۲۶ دقیقه و عرض شمالی ۵۴ درجه و ۳۲ دقیقه و در ارتفاع هزار و نهصد متری از سطح دریا، چون لکه‌ای سبز در کویر واقع شده است. این نگین سبز به طول ۹ کیلومتر و عرض ۴ کیلومتر و در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی شهرستان کاشان واقع است و از سمت شمال کوه «شم آبی»، از غرب «تخت فرمین»، از شرق «لاقارت» و «شک» و از جنوب کوههای «مقدم» آنرا در میان گرفته‌اند. از آسمان کویر، قمصر به شکل یک برگ گمو (ناگ) دیده می‌شود.

این شهر مرکز بخش قمصر و از توابع فرمانداری کاشان و جزء استان اصفهان است.

پیشینه و تاریخچه قمصر مانند بسیاری از شهرهای دیگر ما، در گذر زمان با تغییر خاطرات پوشیده شده است. مطالعات تاریخی و نیز بسیاری از اسناد معتبر، برای این دیار قدمتی معادل ۲۵۰۰ سال را رقم زده‌اند. چه بسا کشف سکه‌هایی متعلق به دوره هخامنشی، سلوکی و ساسانی، حکایت از قدمت کهن این دیار دارد. بقعه دو تن از خاندان بنی‌هاشم - یعنی «داوود بن حسن بن

علی» و فرزندش «سلیمان بن داوود» - نیز نشان از قدمت زیاد این شهر دارد.

علاوه بر اینها، مسجد جامع شهر با چنار کهنسالش که از روزگاران دور چتر خود را سخاوتمندانه در کنار مسجد گسترانیده و همچنین مسجد امام حسن مجتبی که قدیمی ترین مسجد قمصر است، با محرابی که گچبریهایش به دوران حکومت طغرل سلجوقی بازمی گردد، نیز حکایت از قدیمی بودن شهر می کنند. در بسیاری از روایات آمده که این مسجد برای محقق بزرگ، قیص کاشانی ساخته شده است.

قمصر با مساحتی حدود ۳۶ کیلومتر مربع، ۱۱ محله را (پایین، بالا، میان ده، سادات یا درب آتش، ده، سررود، بن رود، سازگان، فرمتهان - که رودخانه مرکزی شهر از این محله می گذرد - سردشت و جزاوند) شامل می شود که جمعیتی حدود ۳۳۰۰ هزار نفر با خلق و خوی و آداب و رسوم خاص محلی را در خود جای داده اند. سادات محله، سرسبزترین محله و در عین حال محله مرکزی قمصر بشمار می رود.

حرفه اصلی مردمان قمصر باغداری است و بخش عمده ای از جمعیت آن به پرورش و پرورش گل محمدی، و در کنار آن تولید گلاب، اشتغال دارند. به همین دلیل حدود ۵۰۰ کارگاه گلابگیری در قمصر مشغول به چرخاندن اقتصاد شهر است. وعده دیگری نیز در حرفه قالیبافی و صنایع دستی مشغول به کارند و برخی دیگر از طریق کارهای صنعتی و خدمات امرار معاش می کنند. در این میان تنها محصولات باغداری، آلوچه و گوجه سبزند.

قمصر در شروع بهار، زیبایی خیره کننده ای دارد. انبوه شکوفه های بادام و به و آلو در رنگهای بهشتی، لباسی از حریر به تن می نوزند و هرنگاهی را مجذوب خویش می سازند. همین سهویت الهی باعث جذب مسافران و گردشگران بسیاری از اقصی نقاط ایران می گردد.

برگزاری جشنواره گل و گلاب بهانه ای بود برای ساماندهی از حجام جمعیت ۷۰ هزار نفری گردشگران به قمصر، که از این

طریق شهرداری توانست حتی الامکان از محصولات طبیعی بهر بهره برداری کند.

عباسعلی خلیق، شهردار قمصر، جشنواره را عامل مهمی در ایجاد حرکت و پویایی شهری که ۶ ماه از سال را خفته است می داند و اهداف مهم آن را چنین برمی شمارد: اشتغال زایی بیشتر در زمینه گل و عرقیات گیاهی، افزایش تولید گل محمدی به طریق علمی، افزایش کیفیت تولید و بسته بندی و صادرات گلاب سنتی و صنعتی، رونق و توسعه صنعت گردشگری در منطقه، ایجاد محیطی شاد و به یادماندنی و نظایر اینها.

خلیق در خصوص اقدامات شهرداری برای توسعه و رونق شهر توریستی و گردشگری قمصر گفت: «با توجه به توریستی بودن قمصر و کمبود امکانات برای اقامت و نیز امکانات رفاهی - تفریحی گردشگران، شهرداری در صدد سرمایه گذاری برآمد و با تشویق بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در ایجاد کانونهای فرهنگی، موفق به اجرای این امر شد».

شهرداری قمصر بنا به کارگیری نیروی متخصص خود توانست فضای سبز شهر را گسترش دهد و این کار را با احداث گلخانه های در قسمت غربی قمصر در «دانشه کوه قبله» به ثمر رساند.

نوابی، کارشناس فضای سبز که پرورش دهنده گونه های مختلف گیاهی است، فعالیتها و خلاقیت های زیادی را در گلخانه شهرداری به انجام رسانده است. وی درباره چگونگی پرورش گونه های گیاهی می گوید: «پرورش گیاهان در فصل بهار و تابستان به خوبی صورت می گیرد ولی برای جلوگیری از سرمازدگی در فصل زمستان، تصمیم به استقرار یک مشعل حرارتی در گلخانه گرفته شد تا از طریق آن از یخ زدن بسیاری از گلها جلوگیری به عمل آید. به علاوه، ایجاد گلخانه زیرزمینی برای پرورش انواع گوناگون گیاهان، از دیگر کارهایی بود که در تبادلات حرارتی و هوا مؤثر بوده است».

وی در ادامه اظهار داشت: «با خاک برداری و تمویج خاک و جایگزینی خاک مرغوب و همچنین از بین بردن علفهای هرز، امکان پرورش گل های گلایل، آهار، جعفری، عروس، سینا بر توری، بیدخشک و ژژ «میناتور» به وجود آمد».

نوابی در پاسخ به اینکه آیا از این گلها در آرایش فضای سبز شهری هم استفاده می شود یا نه، چنین گفت: «این گلها تأثیر بسزایی در زیباسازی شهر داشته است. در ورودی شهر دو گونه گیاهی به نامهای پدزایی (قرمز رنگ) و یاس زرد وجود دارد، که یاس زرد در اسفند ماه شکوفه می زند و پدزایی نیز در بهار طراوت و شادابی خاصی به شهر می بخشد».

اماکن تفریحی و دیدنی قمصر، شامل پارک ورودی شهر، بوستان گلها، ساحل، قلاطیمه و جز اینها، دارای پوششهای گیاهی اند و تأثیر بسزایی در جذب گردشگر دارند. بوستان گلها با مساحت ۱۵ هکتار که بزرگ ترین بوستان شهر است، مکان



قمصر - ورودی شهر



بسازی در فروش گلاب آنان داشته است. به همین دلیل مردم که تا قبل از این از پرداخت کمترین مبلغ هم به عنوان عوارض به شهرداری امتناع می کردند، اکنون به راحتی عوارض ناشی از فروش گلاب را به شهرداری پرداخت می کنند.

خلیق مهاجر فرستی و تاثیر آن در کاهش زمینهای مخصوص پسرورش گل محمدی را از مشکلات شهر برشمرد و افزود: دهستانخانه بسیاری از جوانان قمصر، آن را با سودای زندگی بهتر شهری ترک کرده اند و به همین دلیل قمصر دچار پیر سی شد به علت کمبودت و عدم توانایی افراد باقی مانده برای اداره زمینها و گلستانها و باغهای میوه بسیاری از زمینها و محصولات آن از بین رفت و تنها محصول گلگیری به شیوه سنتی به قیمت خود باقی ماند. حتی صایع دستی و قالیبافی هم به مرور کم رنگ شد. حال، از دیگر تأثیرات مثبت جشنواره و همچنین تسهیلات رفاهی - اقامتی، این بود که قمصر از این حیث گویی احیا گردید. تا آنجا که ارزش افزوده اسلاک - ۱ برابر شد و طی یک سال قیمت زمین بسیار افزایش یافت.

وی در پایان افزود: «ملی برنامهریزیهایی که برای آینده قمصر انجام گرفته، و براساس قولهایی که وزارت کشور برای حمایت از شهرداری داده است، تصمیم بر این است که قمصر تبدیل به یک «دهکده توریستی» شود با مذاکراتی که در ستاد توسعه گردشگری استان صورت گرفته، و بنا به مصوبات آن، قرار است که جشنواره گل و گلاب شکلی بین المللی به خود بگیرد و از مهمانان خارجی نیز استقبال شود.»

در این گفت و گو شواهد و قراین نشان می دهد که شهرداری با فعالیتهای جدی خود، که این شهر خلوت و به دور از هیاهو را دوباره زنده کرده، توانسته است به رشد ۵ برابری بودجه (از ۶۸ میلیون ریال به ۳ میلیارد ریال) دست یابد، که این خود را «تای درجه شهرداری از ۴ به ۵» نیز به دنبال داشته است. اجرای کارهای عمرانی شهرداری از قبیل خط کشی خیابانهای شهر، تأمین روشنایی و نوسازن میدانها، میلان شهری، و احداث آلاچیق زیبای چوبی دو طبقه در بوستان بام بهشت و نظایر اینها، خود نشانگر مدیریت در ستا شهری است.

مناسبی برای برپایی جشنواره اسفال بود، و به طور میانگین روزانه ۶۰ الی ۷۰ هزار گردشگر را در خود جای می داد.

از دیگر استکارات و نوآوریهای شهرداری، نام گذاری یکی از میدانهای شهر به نام «میدان جشنواره» بوده است. بین این میدان و بوستان گلخانه، با شنهای بادامی و نخودی و سنگهای رودخانه ای و نخته سنگهای بزرگ، شریانی از تیاطی برقرار شد، که گردشگران هم از آن بسیار استقبال کردند. بخش عمده ای از سرمایه گذار بهادر خصوصاً زیبا سازی شهر و ایجاد (یا احیای) مکانهای اقامت برای گردشگران، با احداث رستورانها و سفره خانه ها و قهوه خانه های سنتی صورت گرفت و شهرداری با اجاره منازل افراد داوطلب (آنها ای که چند منزل مسکونی داشتند)، توانست مشارکت شهروندان را به سرمایه گذاریهای خصوصی جلب کند.

اشتغال زایی مهم ترین فرایند پس از برپایی جشنواره بود و شهرداری توانست پتانسیل نیروهای جوان بسیاری را به کار گیرد. شهردار قمصر در پاسخ به این سؤال که آیا اشتغال زایی برای شهرداری درآمدزا بوده یا نه، گفت: «قمصر همیشه شهری



سردار جاب شهردار قمصر در دیدار با مسئولان شهرداری گلستان از قدیمی ترین و زیاده ترین شهرهای کشور

توریستی و گردشگری بوده است ولی مردم به اندازه کافی از مزایای طبیعی بهر منند ن بهره نمانند. بنیه اقتصادی شهرداری نیز ضعیف بود. به همین دلیل با ایجاد منبع درآمد از طریق احداث بوستانهای مختلف، مکانهای تفریحی و تفریحگاهی شهرداری یک کانون فرهنگی - تجاری دایر کرد و با کار به آن به بخش خصوصی، علاوه بر ایجاد اشتغال زایی، توانست با دریافت کرایه از آنها، منبع درآمد خود را تقویت کند و بسیاری از مشکلات گردشگران را از قبیل غذا و مایحتاج اولیه برطرف سازد.»

وی افزود: «یکی از منابع درآمدی شهرداری، عوارض گلابگیری است که تا قبل از این نقشی در تأمین اعتبارات شهرداری نداشت و تا سال ۱۳۷۹ بودجه شهرداری بسیار ناچیز بود؛ ولی طی دو سال اخیر، با اقدامات عینی که شهرداری انجام داده، توانسته است به رشدی ۵ برابری برسد.» شهردار قمصر همچنین خاطر نشان ساخت: «از آنجا که منبع درآمدی هزار خانوار در قمصر از گلگیری تأمین می شود و این خانوارها با وجود تولید ۱۵۰۰ تن گلاب در سال برای فروش آن همیشه با مشکل مواجه بوده اند، شهرداری با ایجاد تسهیلاتی از قبیل برگزاری جشنواره، نقش

برخی از اطلاعات و آمار ذکر شده در این مطلب از شهرداری قمصر استخراج شده است



مشهد - پروژه و چهارماری هفت طبقه به همس راه پنج طبقه سونیت آمار همان که با همکاری و سرمایه گذاری بخش خصوصی به مرحله اجرا در آمده است

بخش خصوصی کارآمد در تأمین منابع مالی شهرداریها

(گزارشی از نقش سرمایه گذاری بخش خصوصی در تأمین منابع مالی شهرداری مشهد)

نازیلا مرادی

مشارکت در عرصه مدیریت شهری، دو مفهوم ویژه مشارکت مردمی و مشارکت بخش خصوصی را در بر می گیرد. آنچه که در این گزارش به آن پرداخته خواهد شد، نگاهی دقیق تر به کارکرد بخش خصوصی، سازوکار و زمینه های سرمایه گذاری این بخش در طرح های شهری است. ناگفته پیداست که این امر علاوه بر کاهش فراوان هزینه های شهرداریها، موجب افزایش درآمد آنها نیز خواهد شد.

شهرداری مشهد با تأسیس کمیسیون مشارکتهای کلان اقتصادی شهر، اکنون ۱۸ پروژه مشارکتی را در کارنامه خود دارد. گفت و گویا احمد نوروزی، شهردار مشهد، و محمد حسین پور، مدیر منطقه ۸ شهرداری مشهد و مدیر دفتر مشارکتهای کلان اقتصادی، نخستین گام برای پاسخ به یک سؤال بود: شهرداری مشهد چگونه و با چه سازوکاری توانسته است کلنگ خیال طرح های عظیم مشارکتی را به زمین واقعیت بنشانند؟

آنچه که اهمیت دارد، آن است که برای تحقق امری چنین سترگ و پر اهمیت تنها باید در حوزه مدیریت شهری به معنای واقعی مسئولانه برخورد کرد. و این رازی بود که ما در بدو ورود و گفت و گو با این دو مدیر شهری از آن آگاه شدیم. ملاقات ما با شهردار مشهد در ساعت ۶ صبح نخستین روز هفته انجام شد.

هنگام ورود به دفتر شهردار با مسئولانی مواجه شدیم که پس از جلسه ای پربار با شهردار شهر خود، اتاق کار او را ترک می کردند. برگزاری جلسه در ساعت ۵ صبح برای ما کمی عجیب بود ولی گویی این مسئله به صورت یک شیوه معقول در شهرداری مشهد مورد پذیرش همگان قرار می گرفت.

گفت و گویا حسین پور مدیر منطقه ۸ شهرداری مشهد نیز در وضعیت مشابه صورت گرفت. در نخستین ساعات یک روز جمعه مدیر دفتر مشارکتهای اقتصادی شهرداری مشهد با ما به گفت و گو نشست تا چند و چون جلب سرمایه گذاری بخش خصوصی را در طرح های شهری مشهد برای ما بازگو کند.

سوق داده است.

بخش خصوصی، پاسخی برای یک نیاز

با توجه به مشکلاتی که پیش تر ذکر شد امروز مشارکت و سهیم کردن مردم در اجرای پروژه های مختلف شهری و استفاده از سرمایه های راگد مردم در اجرای پروژه های درازمدت بسیار پراهمیت جلوه می کند.

حسین پور بحث استفاده از سرمایه های بخش خصوصی را با موضوع مهم مدیریت واحد شهری پیوند می دهد. او درباره لزوم چنین اقداماتی می گوید: «اگر ما به ضرورت مدیریت واحد شهری پی ببریم، آن گاه برای اجرای پروژه ها با خلا مشارکت اقتصادی رو برو می شویم. امروزه تعریف شاخص های شهری کاملاً دگرگون شده است.

با نگاهی به قانون شهرداریها که چهار دهه از تدوین آن می گذرد، می توان مشاهده کرد که این قانون بر مبنای مدیریت واحد شهری شکل گرفته، اما به مرور زمان همواره حقوق و قوانین

ضرورت جلب سرمایه گذاری بخش خصوصی، نخستین بار پس از حذف کمک های مالی دولت و وزارت کشور به شهرداریهای بزرگ رخ نمایانند. حذف این کمکها موجب شد که مساعده های مقطعی و متاثر از نوسانهای سالیانه اقتصادی نیز مشکلات شهرداریها را مرتفع نکند. به هر حال این شهرداریها به دلیل کمبود بودجه، از این مساعده های گاه و بیگاه طر فی نیستند و آنها را صرف کارهای جاری شهرداری، و نه اقدامات زیربنایی و ضروری، کردند. اما واقعیت این بود که شهرها و اعمال مدیریت شهری کارآمد مستلزم بهره مند بودن از منابع درآمدی مستمری است که کمتر آسیب پذیر باشند. نقطه آغاز توجه به بخش خصوصی در ک این واقعیت از سوی شهرداریها بود که دیگر عوارض دریافتی شهرداریها از ساخت و ساز و جز آن عمده ترین منابع مالی شهرداری را تشکیل نمی دهند. به ویژه آنکه حذف موارد متعددی از عوارض شهرداریها از سوی دیوان عدالت اداری طی چند سال اخیر دغدغه شهرداریها را به سوی یافتن راهکاری برای کسب درآمدهای پایدار

شهرداری مورد تعرض واقع شده است. در این میان شهرداریها قسمتی از مطالب خود را از دست داده اند و بخش از وظایف آنها هم وارد حوزه تصدی گری شده است. ورود به تصدی گری در شهرداری یعنی هزینه کردن رقمهای بالای اقتصادی. از سوی دیگر، قطع کمکهای مالی دولت به شهرداریها باعث شد که هر شهرداری برای کسب درآمد به شیوه خاصی متوسل شود. یا اینکه گذشتگان ما شهرها را ساختند و ما از قبل آنها درآمدهای خوبی به دست آوردیم اما اکنون برای آیندگان چیزی نداریم. نکته دیگر اینکه، طرحهای جامع شهری ترزهای مالی درستی را به دنبال نداشت و پیش بینی های طرحهای جامع به واقعیت نزدیک نبود. بنابراین برای اجرایی کردن این پروژهها باید به منابع درآمدی پایدار برای شهرداریها تکیه کرد.

حسین پور با اشاره به اینکه تصدی طرحهای عمرانی باید از شهرداریها سلب شود، به نکته مهمی اشاره می کند؛ و آن اینکه خروج از مسائل اجرایی و تصدی گری، سپردن بخش اجرایی به بخش خصوصی و ورود شهرداریها به حوزه نظارت و اجرا، از راهکارهای مناسب برای تأمین منابع مالی شهرداری به شمار می رود.

به هر حال باید پذیرفت که شهرداریها متولی و متصدی خدمات نیستند بلکه تدارک خدمات بر عهده آنان است. در چنین شرایطی اجرایی برخی وظایف به بخش خصوصی واگذار می شود و نقش شهرداری بیشتر در عرصه سیاست گذاری و تصمیم گیری درباره کیفیت و کمیت خدمات و نظارت و ارزیابی عملکرد بخش خصوصی خواهد بود.

ساز و کارهای جلب سرمایه گذاری بخش خصوصی ۱) تشکیل کمیسیون مشارکتهای کلان اقتصادی در شهرداری مشهد

این کمیسیون با هدف تأمین نیازهای توسعه شهری، ارائه خدمات بهتر و تجهیز شهرداری به امکانات مطلوب از طریق ایجاد منابع درآمدی ثابت تأسیس شد. در این کمیسیون شهردار مشهد، دو تن از اعضای شورای اسلامی شهر، دو کارشناس اقتصادی و دو نفر به عنوان مدیر و دبیر مشارکتهای اقتصادی به تئین راهکارهای مختلف درآمدی برای شهرداری پرداختند. این کمیسیون در نخستین قدم برای اجرای پروژههای عمرانی با خلأ قانونی روبرو بود. حسین پور با اشاره به این خلأ قانونی، چنین می گوید: «در این نامه مالی شهرداری دو شیوه اقتصادی مزایده و مناقصه مرسوم است، اما مشارکتهای اقتصادی در قالب معاملات عمده می گذرد. به همین دلیل باید سرمایه گذار را پیدا کرد و با او به تعامل، صحبت و معامله پرداخت. سرمایه گذار به نوعی شریک شهرداری محسوب می شود، نه پیمانکار آن. اما برای تحقق این امر باید ابتدا اعتمادسازی صورت می گرفت. این کمیسیون که هر ۱۵ روز یک بار تشکیل جلسه می دهد، در گام نخست پارکها و مراکز اقتصادی کوچک را به بخش خصوصی واگذار کرد. دیگر گامهای بلند اما آرام کمیسیون، طرح و اجرای پروژه بزرگ مشارکتی بود.»

۲) اطلاع رسانی

پس از ارائه طرحهای مذکور، آگهی و فراخوان عمومی برای سرمایه گذاری در سطح روزنامهها منتشر شد. شناسایی شرکتها، و دعوت از سرمایه گذران و برگزاری سمینارهای توجیهی، از دیگر راهکارهایی است که کمیسیون مشارکتهای اقتصادی کماکان از آن سود جسته است و در آینده نیز بیشتر از آن بهره خواهد برد.



غلامرضا حسین پور

۳) ساز و کار تشویق و امتیاز دهی

نخستین مخاطبان در توجیه اقتصادی طرحهای مشارکتی شهرداری مشهد، خانواده بزرگ این شهرداری بود. حسین پور می گوید: «اگر ما قادر شدیم پروژهها و طرحهای اقتصادی و عمرانی را برای پرسنل خود به طرز مناسبی توجیه و بازگو کنیم، آنها نیز در سطح شهر و برای مردم بازگو می کنند. به همین دلیل بنا تصویب بورس ملت (کارانه) در قبال جلب سرمایه گذاری بخش خصوصی، کنار کسان و عوامل شهرداری نسبت به این مسئله مسئولیت پذیر و دقیق تر شدند. به عنوان مثال، اگر رایزنها و تلاشهای یکی از کارکنان در یک منطقه تا سقف ۱ میلیارد تومان منجر به جلب سرمایه گذاری بخش خصوصی شود ۱ درصد کارانه به او تعلق می گیرد.»

نوع دیگر ساز و کار جلب سرمایه های بخش خصوصی امتیاز دهی است. به عنوان مثال، شهرداری مشهد به تازگی با شرکتی خارجی تفاهم نامهای را مبنی بر اجرای ۲۰۰ میلیون دلاری پروژههای عمرانی به امضا رسانیده است. در مقابل، امتیاز وزمین برای اجرای هتل و مجموعه های اقامتی به این شرکت تعلق می گیرد.

شکل دیگری از اعطای امتیاز به شرکتها خارجی و داخلی

ضرورت جلب سرمایه گذاری بخش خصوصی،

نخستین بار پس از حذف کمکهای مالی دولت

و وزارت کشور به شهرداریهای بزرگ رخ

نمایاند. حذف این کمکها موجب شد که

مساعدهتهای مقطعی و متاثر از نوسانهای

سالیانه اقتصادی نیز مشکلات شهردار بهار را

مرتفع نکند. به هر حال این شهرداریها به دلیل

کمبود بودجه، از این مساعدتهای گاه و بیگاه

طرفی نیستند و آنها را صرف کارهای جاری

شهرداری، و نه اقدامات زیربنایی و ضروری،

کردند

که علاقه مند به سرمایه گذاری در طرحهای کوچکتر هستند. اجازه تبلیغ به آنهاست. به عنوان نمونه، یکی از پارکهای مشهد اکنون با سرمایه گذاری یکی از مؤسسه های صوتی و تصویری مشهور دنیا در حال راه اندازی است. قرار بر این است که این مؤسسه در طراحی پارک به گونه ای عمل کند که تبلیغ همیشگی و مناسبی برای خود به وجود آورد.

نکته دیگر اینکه، بخشی از پروژه های خاص مثل مجموعه های ورزشی - تفریحی، با استفاده از ماده ۱۶ دستورالعمل آیین نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض شورای اسلامی مشهد طرح و انگاری این پروژه های خاص را به بخش خصوصی تصویب رسانند.

سوروزی شهردار مشهد، با اشاره به مشکلات شهردار بهار در جذب نقدینگیهای سرگردان، به حساسیت و فرآیند بوجن سرمایه و سرمایه گذار اشاره می کند و می گوید: «اگر سرمایه گذار در سرمایه گذاری اش سرسوزنی احساس خطر کند امکان ندارد به این عرصه وارد شود. از سوی دیگر، فرهنگ مشارکت با شهرداری نیز در میان شهروندان جاافتاده است. این فرهنگ در

مجموعه شهرداری و شورای اسلامی و در میان مردم نیز هنوز به خوبی جانفشانه است. به همین دلیل شهرداری مشهد نخستین حرکت خود را به صورت واگذاری پروژه‌های کوچک از طریق فراخوان و آگهی آغاز کرد.

نوروزی با تأکید بر روش امتیاز دهی به سرمایه گذاران، به دو نوع تعریف از مشارکت اشاره می‌کند: نوع نخست، مشارکت بخش خصوصی در قبالت اعطای امتیازات ویژه به آنها؛ و نوع دیگر، واگذاری پروژه‌های پُر بازده به بخش خصوصی. او درباره نوع دوم مشارکت بخش خصوصی چنین می‌گوید:

«مهمترین مشکل شهرداری برای استفاده از پتانسیل‌های شهری، نامین منابع مالی است. مطابق قانون ۲۴ نوسازی و عمران شهری، برخی از پروژه‌ها با سود بیشتری برگشت می‌کند. به عنوان مثال، اگر معبری بازگشایی می‌شود یا سیردن آن به بخش خصوصی می‌تواند کاربردی تجاری در معبر پیش‌بینی کرد.»



احمد نوروزی

و واحدهای اقامتی، توجیه اقتصادی مناسبی برای طرح میدان شهدا ایجاد می‌کند. شهرداری مشهد با تبیین توجیه اقتصادی مناسب برای این طرح، و انتشار و فروش اوراق مشارکت مردمی در آینده موجب خواهد شد که علاوه بر پیشرفت سریع پروژه، مردم نیز از سود سالیانه اوراق مشارکت یا سود ناشی از تملک واحدهای تجاری و اقامتی بهره‌مند شوند.

لزوم مطالعه و تحقیق برای جذب سرمایه‌های بخش خصوصی

یکی از مهم‌ترین علل تمایل برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های شهرداری، بهره‌مند شدن از ظرفیت و توان گردشگری فراوان شهر است. سفر سالانه ۱۳ میلیون زائر به مشهد، در واقع سفر ۱۳ میلیون گردشگر بالقوه به این شهر است. شهرداری مشهد برای جلب این گردشگران بالقوه باید امکانات مناسبی هم داشته باشد. حسین پور در پاسخ به این سؤال که مهم‌ترین موانع مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری‌ها از این دست چیست، می‌گوید:

«مسائل شهری با وضعیت اقتصادی مردم گره خورده است. تغییرات و نوسانات اقتصادی حتی ممکن است در نحوه بهره‌برداری از پروژه‌ها نیز مؤثر باشد به عنوان مثال، اگر اتوبوسرانی کاملاً به بخش خصوصی سپرده شده، این نوسانات بخش خصوصی را همچون بخش دولتی مقید به دادن سوبسید نمی‌کند. با این همه، اگر شهرداری‌ها در توجیه و تبیین اقتصادی طرح‌ها کارهای مطالعاتی و زیربنایی انجام دهند، می‌توان امیدوار بود که آفت جدی گریبان‌گیر بخش خصوصی نشود.»

مشارکت محلی، سنگ بنای مشارکت بخش خصوصی

نوروزی شهردار مشهد با اشاره به اینکه مشارکت باید برای مشارکت‌کننده منافی را در پی داشته باشد می‌گوید: «ما برای اجرای پروژه‌های خود در سطح مناطق و محلات یک‌زمان بندی کوتاه در نظر گرفتیم. سپس از بین ساکنان پیرامون پروژه یک هیئت امناء انتخاب کردیم تا از طریق مذاکره با مردم آنها را نسبت به ساز پرداخت بدی خود به شهرداری متقاعد کنند و در مقابل امتیاز بگیرند.»

از شورای اسلامی شهر نیز مصوبه‌ای دریافت کردیم. براساس این مصوبه کل درآمدی که ما از محدوده یک پروژه خاص داریم فقط صرف همان پروژه خواهد شد. به این ترتیب بسیاری از اموری که خارج از توان ما بود توسط مردم براحتی صورت می‌گرفت. ما عنوان پروژه‌هایی از این دست را «مشارکت منطقه‌ای» نام گذاری کردیم.»

از جمله مشارکت‌های منطقه‌ای کاری بود که در منطقه ۹ شهرداری مشهد انجام شد. در این منطقه ۷ خیابان که بازگشایی آنها از ۳۰ سال پیش در طرح جامع پیش‌بینی شده بود با همین مکانیزم بازگشایی شد.

در مناطق مختلف شهرداری مشهد، بسیاری از طرح‌ها مثل آسفالت معابر و جوی‌سازی و پیاده‌سازی با کمک و سرمایه‌گذاری مردم همان محله انجام گرفته است.

نقش NGO ها در کاهش تصدیدی شهرداریها

اگر شهرداری‌ها به معنای واقعی در پی جلب مشارکت‌های مردمی هستند، باید ساز و کار این نوع از مشارکت را کاملاً تبیین نمایند. بهترین نوع مشارکت‌های مردمی، استفاده از توان شهروندان در قالب سازمان‌های غیردولتی است. بسیاری از امور

۴) انتشار اوراق مشارکت

در طرح‌های توسعه شهری با توجه به اراضی در اختیار و یا قابل تملک به وسیله شهرداری، باید محدودهای از شهر برای کارهای تجاری و اداری پیش‌بینی گردد تا پس از تصویب طرح، با اعمال کارهای عمرانی لازم در اطراف این اراضی و ایجاد ارزش افزوده برای آنان، مشارکت بخش خصوصی و انتشار مختلف مردم جلب گردد. فروش اوراق مشارکت به منظور ایجاد و بهره‌برداری از این گونه تأسیسات تجاری-اداری و سهمی کردن مردم شهر در درآمدهای ناشی از سرمایه‌گذاریها، نکته‌ای است که می‌تواند بسیار مورد توجه مسئولان و مدیران شهری قرار بگیرد.

یکی از اقدامات کمیسیون مشارکت‌های اقتصادی، مطالعه بر روی فروش اوراق مشارکت در طرح بزرگ میدان شهدای مشهد است. براساس این نامه اجرایی وضع عوارضی که در اختیار شورای اسلامی شهر است، فروش اوراق مشارکت می‌تواند از تصویب شورای شهر بگذرد.

بنابراین وجود زیرگذر و روگذر، پارکینگ، امکانات اقتصادی

خدمتانی، فرهنگی و آموزشی شهرداریها می‌تواند بوسیله گروه‌های غیردولتی فعال در مناطق با محله‌ها اجرا شود. اما شهرداری هنوز به این باور دست نیافته است. شاید یک دلیل مهم عدم اعتماد مردم به شهرداری سابقه تاریخی این مسئله است. حسین پور در این باره می‌گوید: «در دو سه دهه گذشته، شهرداری‌ها همواره به شیوه دولتی اداره شده‌اند و این شیوه آمیزه‌ای از شیوه دولتی و راهکارهای قانونی بوده است. شهرداری‌ها همیشه خود را نماینده مردم می‌دانستند اما هنوز هم تصمیمات دولت را اجرا می‌کنند. اما فلسفه تشکیل شهرداری‌ها مشارکت است. مردم از طریق شوراهای می‌توانند در حوزه تصمیم‌سازی با شهرداری مشارکت نمایند و در قالب سازمان‌های غیردولتی به عرصه مسائل اجرایی قدم بگذارند.»

شهرداری مشهد با هدف جلب مشارکت بخش خصوصی، طرح‌ها و ساز و کارهایی را تعریف کرده است که تحقق پذیری آنها بسیار ممکن به نظر می‌رسد. مهم‌ترین پروژه‌هایی که منجر به جلب مشارکت بخش خصوصی در مشهد خواهد شد، موارد زیر را در بر می‌گیرد:

با اینکه گذشتگان ما شهرها را ساختند و ما از قبل آنها درآمد‌های خوبی به دست آوردیم اما اکنون برای آیندگان چیزی نداریم

در این نامه مالی شهرداری دو شیوه اقتصادی مزایده و مناقصه مرسوم است. اما مشارکت‌های اقتصادی در قالب معاملات عمده می‌گنجد. به همین دلیل باید سرمایه‌گذار را پیدا کرد و با او به تعامل، صحبت و معامله پرداخت

۱- بانک زمین

مدیریت صحیح سرزمینهای سمت توسعه شهر می‌تواند ضمن جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز و تأمین اراضی مورد نیاز طرح‌های عمرانی، بزرگترین منبع درآمدی برای شهرداری باشد. چون در وضع موجود مالک اصلی، زمین خود را با حداقل قیمت واگذار می‌کند و واسطه‌ها مدیریت زمین را عهده‌دار می‌شوند و چندین برابر مالک سود می‌برند و باعث رواج حاشیه‌نشینی در شهر می‌گردند. در این طرح پس از تملک اراضی، بخش محدودی به کاربری مسکونی، گردشگری و مجتمع‌های کارگاهی اختصاص می‌یابد و مابقی به عنوان فضای سبز و اراضی ذخیره در خنک‌سازی خواهد شد. همچنین از این رهگذر هزینه تملک اراضی حاشیه شهر داخل محدوده قانونی که در معرض تخریب قرار دارد، تأمین می‌شود و از گسترش حاشیه‌نشینی در شهر نیز کاملاً جلوگیری به عمل می‌آید. علاوه بر آن، زمین مورد نیاز تمامی طرح‌های بزرگ، فراهم خواهد شد. گفتنی است که پس از تهیه و تصویب طرح، زمین در داخل محدوده خدمت‌های شهر قرار می‌گیرد. چندین برابر ارزش افزوده پیدا می‌کند و پس از تأمین اعتبار اولیه طرح خودگردان خواهد شد.

۲- طرح گردشگری ارتفاعات جنوب شهر مشهد
این طرح در اراضی ارتفاعات جنوب شهر مشهد اجرا خواهد

شد و اهداف آن عبارتند از:

- گردشگری
- جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز
- توسعه فضای سبز و اجرای کمربند سبز
- ایمن‌سازی شهر در مقابل سیلابها
- آبخیزداری و بهره‌گیری از روان آب‌ها
- ایجاد فضاهای تفریحی برای شهروندان

گفتنی است که هم‌اکنون مشاور طرح انتخاب شده و مطالعات آغاز گردیده است و اجرای این طرح در واقع نقطه عطفی در توسعه و عمران اصولی و پایدار شهر مشهد خواهد بود.

۳- محور گردشگری توس - مشهد

در این طرح، با هدف احیای ارزشهای دینی و ملی در حد فاصل مشهدالرضا «ع» تا شهر توس، اراضی طول مسیر با عمق مناسب تملک و در آن ضمن احداث مسیر ویژه گردشگری طرحی ویژه و جذاب اجرا خواهد شد. از جمله در مسیر مشهد به توس مراکز گردشگری با طراحی و کاربریهای مناسب تحت عنوان هفت خوان رستم و سایر وقایع با الهام از شاهنامه فردوسی، اجرا خواهد شد.

۴- طرح ایجاد مراکز بزرگ رفاهی - تفریحی

امروزه جلب گردشگر در دنیا به عنوان صنعتی مهم، می‌تواند بزرگ‌ترین منبع تولید و اشتغال پایدار تلقی گردد. کما اینکه درآمد کشورهای کوچک که به جذب توریست پرداخته‌اند، بیش از درآمد نفت کشور است. طرح ایجاد مراکز بزرگ رفاهی - تفریحی، درآمد پایدار فرولانی را نصیب شهرداری می‌کند و شهرداری را از فروش تراکم، پارکینگ و تئیسز کاربری بی‌نیاز می‌سازد. به عنوان نمونه می‌توان به این طرحها اشاره کرد - مجتمع تفریحی مسدن با پیشرفته‌ترین وسایل بازی با استانداردهای جهانی.

- مینی ایران یا مینی آسیا از طریق اجرای نادهای شاخص شهرهای ایران و یا کشورهای آسیایی در مقیاس کوچک، با بهره‌گیری از نمونه‌های مینی یورپ در بروکسل و مادر دام در هلند و جز اینها.

- پارک پرندگان، مشابه پارک پرندگان کوالا لامپور.
- باغ گلها و باغ بوتانیک (گیاه‌شناسی).
- پارک ژوراسیک که در آن مجسمه متحرک حیوانات عظیم‌الجثه ماقبل تاریخ به نمایش گذاشته می‌شود.
- پارک آبی، شامل (۱) تفریحات آبی و (۲) رقص آب و نور (مشابه پارک ستورز در سنگاپور).
- آسواریم بزرگ با انواع آبزیان و حیوانات دریایی مانند دلفین، فیل و اسب آبی، و فک.
- باغ وحش کامل با فضا سازی طبیعی با انواع و اقسام حیوانات.

پارک و باشگاه هوایی شامل هواپیماهای ملخی، مدل و جز آن.

- سوره‌های علمی - تفریحی برای رشد علمی کودکان و جوانان و برگردن اوقات فراغت آنان، با اقتباس از موزه علمی پچه‌ها در شهر هیروشیما.

۵- مراکز ویژه شهری (ECC)

احداث واحدهای تجاری خطی در حاشیه بولوارها و خیابانها، به دلیل نشانستن پارکینگ مناسب و در دسترس و توقفهای غیرمجاز خودروهای مراجعه کنندگان در حاشیه خیابانها، موجب کند شدن ترافیک و اتلاف وقت شهروندان و نارضایتی روحی روانی و نارضایتی مردم شده و سرمایه‌گذارهای سنگین برای

بهبود عبور و مرور را از حیث ارتفاع خروج کرده است. از طرفی، مکان‌یابی قطعی بازارها و احداث چند مرکز ویژه شهری را که از Shopping Center در اروپا و City Center دبی و mall های امریکا اقتباس شده است، ضروری می‌نمایاند. این مراکز شامل فضاهای ذیل خواهند بود:

- فضای گسترده تجاری،
- فضای وسیع و مناسب پذیرایی و تفریحی،
- مراکز نمایش فرابند تولید و عرضه هنرهای سنتی در حال اقتراض،
- سایر بناهای مورد نیاز مجموعه به صورت شکل.

۶- بازسازی بافت‌های فرسوده هسته مرکزی شهر با اولویت حریم حرم

هسته مرکزی شهر مشهد، بجز محور خیابان امام رضا که قبل از انقلاب احداث گردیده، از نظر معماری و شهرسازی دارای بافت فرسوده و قدیمی است و چهره‌های نامناسب دارد. در حالی



که بررسی اولیه حاکی از بازده اقتصادی فوق‌العاده ناشی از بازسازی بافت‌های قدیمی شهر است.

شایان ذکر است مرحله مطالعات و تهیه طرح تفصیلی هسته مرکزی شهر پایان یافته و اکنون مرحله تهیه طرح اجرایی و تعریف پروژه‌هاست. چنانچه این کار با مشارکت ساکنان بافتها و حفظ نقش آنان در بازسازی و اختصاص بخشی از ارزش افزوده اجرا شود، تحقق طرح به آسانی امکان پذیر خواهد بود و یسر مناسبی برای جذب سرمایه‌گذار فراهم خواهد شد. در ذیل به چند پروژه مهم اشاره می‌شود:

۱- طرح بازسازی بافت حریم حرم، شامل پروژه‌ها و ریزپروژه‌های فراوان تجاری، پارکینگ، مسکونی، اقامتی.

۲- طرح میدان شهدا، شامل پروژه میدان شهدا در محور صاحب الزمان

که هر کدام دارای ریزپروژه‌های متعدد با کاربری‌های مختلف‌اند.

۳- طرح تعریض و بهسازی خیابانهای مرکزی شهر،

که براساس مطالعات طرح جامع حمل‌ونقل و به ویژه در

سه خیابان منتهی به حرم مطهر و اعمال ماده ۲۴ قانون نوسازی قابل اجراء است.

۷- طرح آبیاری تحت فشار فضای سبز شهر مشهد

اجرای آبیاری تحت فشار باعث حفظ فضای سبز و استفاده بهینه از منابع آبی به ویژه در خشکسالی‌ها می‌شود. مکانیزه شدن سیستم آبیاری، صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری شهرداری را در پی خواهد داشت و حداکثر ظرف سه الی چهار سال کل هزینه‌ها از محل صرفه‌جویی جبران خواهد شد.

در صورت مشارکت بانکها و مجریان، پیش‌بینی می‌شود طرح در تمام فضاهای سبز شهر مشهد ظرف حداکثر یک سال اجرا گردد.

۸- تکمیل سیستم حمل‌ونقل

سیستم حمل‌ونقل شهر مشهد متناسب با جایگاه دومین کلان شهر مذهبی جهان و دومین کلان شهر ایران نیست و لازم است هر چه سریع‌تر طرح جامع حمل‌ونقل ریلی مشهد و شبکه دسترسی ویژه به حرم مطهر از شعاع ۲ الی ۳ کیلومتری و سایر نقاط دبدی، با استفاده از سیستم‌های جدید (بادران، متوریل برقی و نظایر اینها) به اجرا درآید. در این خصوص امکان استفاده از ردیف‌های اعتباری ملی و تسهیلات جهانی که به ایران اختصاص داده می‌شود نیز وجود دارد.

۹- خارج کردن مراکز نامرتب با محیط شهری

با توجه به توصیه‌های برنامه سوم توسعه مبنی بر ضرورت خروج اماکن نظاصی و یادگنها از شهرها، می‌توان انتقال مراکز با مانند فرودگاه، راه‌آهن، زندان و مانند اینها را نیز پی‌گیری کرد. با بهره‌گیری از ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری اراضی و تأسیسات موجود، هزینه جایجایی مراکز، کمک به توان امنیتی کشور، حل معضلات شهری، ایجاد مراکز مورد نیاز شهری، بهبود محیط زیست و نظایر اینها نیز فراهم خواهد شد.

۱۰- اجرای کمربند ترافیکی جنوب شهر مشهد

اجرای این گونه پروژه‌ها، ضمن تأثیر مثبت در عبور و مرور شهری، موجب افزایش ارزش افزوده در اراضی حاشیه جاده کمربندی می‌گردد. از جمله با مطالعه اقتصادی و تهیه برنامه اجرایی و بهره‌گیری از پتانسیل‌های اقتصادی که در حاشیه این آزادراهها ایجاد خواهد شد، می‌توان با استفاده از اعتبارات دولتی و کمک شهرداری، نسبت به اجرای پروژه کمربندی جنوبی که نقش تعیین‌کننده‌ای در ترافیک شهر مشهد خواهد داشت، اقدام کرد.

با همین نگرش امکان اجرای چند مسیر مواصلاتی دیگر در اطراف شهر نیز وجود دارد.

۱۱- مکانیزه کردن جمع‌آوری و انتقال و بازیافت مواد زاید شهری

با توجه به حدود ۱۶۰۰ تن زیاده (طلای کثیف) تولیدی روزانه شهر، می‌توان به تجهیز شهرداری به ماشین‌آلات مدرن و احداث منابع بازیافت پرداخت. این طرح جامع دارای بازده اقتصادی مطلوبی است و می‌تواند باعث کاهش هزینه‌ها، استفاده مجدد از مواد زائد، اشتغال‌زایی فراوان و کسب درآمد برای شهرداری و سرمایه‌گذار شود.

۱۲- ساماندهی مراکز جمعیتی حاشیه شهر

ساخت و سازهای غیرمجاز و غیراصولی حاشیه شهر از گذشته تا به امروز، نقش تخریبی بسیاری در شهر مشهد داشته است - و خواهد داشت. حاشیه‌نشینی همواره به دلیل عدم اجرای معابر و فضاهای خدماتی و الحاق آن پس از چندسال به حوزه خدمات شهری، به عنوان بزرگ‌ترین کانون هزینه شهرداری

عمل می کند. این روند به دلیل عدم برنامه ریزی صحیح کماکان ادامه دارد و تبعات امنیتی و اجتماعی فراوانی را نیز ایجاد می کند. هر چند هم اکنون ساماندهی حاشیه شهر در اولویت مطالعه و اقدام قرار دارد، لکن پشتیبانی فکری و همسازگی تمامی صاحب نظران و دولتمردان را طلب می کند تا طرحی جامع تدوین و به اجرا درآید. اجرای طرح می تواند ضمن ساماندهی کالبدی مراکز جمعیتی (۶۵۰ هزار نفری) حاشیه شهر، در بهنجار سازی رفتارهای اجتماعی این مناطق، با هدف ارتقای شخصیت انسانی و اسلامی مردم و جلوگیری از بحرانیهای جدی آینده (همچون وقایع ۹ خرداد ۷۱)، مؤثر باشد.

۱۲- احداث اماکن اقامتی

۱۲ میلیون زائر هنگام حضور در شهر مشهد، به ویژه در ایام خاص و تعطیلات، از نیاز دسترسی به اماکن اقامتی خاصه ارزان قیمت در مضیقه ماندن از طرفی، بررسیها نشان می دهد که عمده آسایش تفریحی و اجتماعی مسکنهای مسکونی بزرگ - مانند زیست خاور و بانک ملی - را زائران خریداری کرده اند و اشتیاق خرید واحدهای مسکونی در مجتمعهای نزدیک حرم در آنها بالاست. لذا لازم است در زمینه تولید واحدهای اقامتی انبوه و همچنین اماکن اقامتی ارزان و گروهی (که در خارج از کشور به صورت گسترده وجود دارد و جهانگردی مثلاً یک تخت را در یک سالن اجاره می کند و از سرویسها نیز به صورت جمعی استفاده می کند) برنامه ریزی شود و با مشارکت سرمایه گذاران به اجرا درآید و در سطح کشور نیز به صورت پیش فروش، مالکیت زمانی و یا فروش نقدی و یا اقساط واگذار شود. در این طرح از جمله پروژههای ذیل در دستور کار قرار دارد:

- احداث ده هزار واحد اقامتی کوچک در مجتمعهای بزرگ، احداث دو هزار واحد اقامتی گروهی.

۱۳- احداث مجتمعهای بزرگ کارگاهی

فصلیات پارسای مشاغل در بافتهای شهری موجب بروز مشکلاتی از بعد زیست محیطی، ترافیکی، آلودگی صوتی و جز اینها برای شهروندان می شود. اعمال فشار از طریق کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۰۰ برای انتقال مشاغل به محیطهای مجاز، بدون پیش بینی زیرساختها و حمایت از صاحبان مشاغل مذکور، عملاً تعطیلی کارگاهها و از بین رفتن مشاغل قدیمی را به دنبال خواهد داشت. لذا احداث مجتمعهای کارگاهی متعدد در نقاط مختلف شهر ضمن حل مشکلات زیست محیطی، باعث حفظ و گسترش این قبیل کارگاهها، افزایش سطح اشتغال، سالم سازی محیط شهری و کسب درآمد برای سرمایه گذاران خواهد شد.

۱۴- مرکز خدمات ساختمانی

ساختمان سازی در کشور ما به رغم آنکه بزرگترین بازار سرمایه گذاری و اشتغال به شمار می آید، هنوز ساماندهی مناسبی ندارد و کیفیت پایین اجرای کار باعث کوتاه شدن طول عمر ساختمانها و زمان احداث بنا می گردد.

با توجه به پراکنده بودن جزئیات مختلف مورد نیاز ساختمان سازی و مراکز فروش مصالح ساختمان، احداث مراکز ویژه عرضه مصالح ساختمان سازی در سطح وسیع و تأمین کننده تمامی نیازهای سازندگان، می تواند باعث رقابت سالم و افزایش کیفیت شود و نقش مؤثری در ارتقای صنعت ساختمانی کشور داشته باشد (مانند نمونه های که در کشور ترکیه ایجاد شده است). در این مرکز انواع و اقسام مصالح و لوازم ساختمانی به نمایش گذاشته می شود و دفاتر مختلف خدمات فنی و مهندسی تمامی نیروها و تخصصهای مورد نیاز ساختمان سازی را - اعم از کارگر ساده، بنا و معمار، مهندس، آرشیتکت، مشاور و شرکتیهای ساختمانی و اجناس ارتباطی، تأمین گزینهای مختلف از پلان و نمای ساختمان

و جز اینها - برای انتخاب الگو ارائه کند.

گفتنی است که این پیشنهاد مورد استقبال چند تن از مدیران و سرمایه گذاران داخلی و خارجی قرار گرفته است و آنان برای مشارکت در احداث این مرکز اعلام آمادگی کرده اند.

۱۵- طرح جامع بهره گیری از فناوریهای جدید اطلاعات در شهر مشهد

امروز استفاده از صنعت IT در کشورهای پیشرفته، ایجاد شهرهای الکترونیکی، تجارت الکترونیک و حذف بوروکراسی از خدمات اداری، تبادل اطلاعات الکترونیکی و نظایر اینها، در ارائه سرویسهای سریع و مناسب به مراجعین کندگان، کاهش تردهای درون شهری، کاهش هزینه ها و مواردی از این دست رونق بسیار دارد. با توجه به موانع فنی چنین سیستمی در شهر مشهد، وضعیت شبکه موجود مخیلاتی، اجرای طرح جامع یا مشارکت شهرداری، شرکت مشاورات و بخش خصوصی با اهداف ذیل امکان پذیر است:

- برقراری ارتباط الکترونیکی بین کابینه مجموعه های شهرداری و خدمات گیرندگان، به منظور حذف بوروکراسی اداری و ارائه خدمات سریع.

- ایجاد شبکه تجارت الکترونیک برای بخشهای مختلف خدمات مورد نیاز مردم، از جمله نگاهبانی املاک، اتومبیل و جز اینها.

- ارائه خدمات الکترونیک به شهروندان در سایر زمینه ها، در صورت وجود ظرفیت مناسب.

- ایجاد بانک اطلاعات الکترونیکی شهر مشهد که زیربنای برنامه ریزی و توسعه شهری است.

- ایجاد مراکز IT برای شهر مشهد.

۱۶- جمع آوری آبهای سطحی

وجود ۱۵۰ کیلومتر کانال و سیل در سطح شهر چشم انداز نامطلوبی را ایجاد کرده است و همواره آلودگی شهروندان را تهدید می کند. علاوه بر آن، عدم جمع آوری و هدایت صحیح آبهای سطحی بسوی نقاطی در هسته مرکزی ایجاد کرده و آلودگیهای زیست محیطی به همراه آورده است. لذا در قالب طرحی کلان می توان با استفاده از پتانسیل اراضی حاشیه کنالها و اعتبارات دولتی و منابع مالی شهرداری، طرح هدایت و جمع آوری آبهای سطحی را به عنوان منبع تأمین کننده آب مورد نیاز فضای سبز شهر به اجرا درآورد.

۱۷- طرح جامع زیرگذرهای اقتصادی (عابر پیاده)

احداث زیرگذرهای برای عبور افراد پیاده از عرض بزرگراهها و بولوارها و حتی در طول خیابانهای اصلی ضروری است. از طرفی به دلیل مناسب نبودن فضای عبوری، تعالی مردم به استفاده از این مسیرها کم است. با ایجاد فضاهای مناسب تجاری و کاربریهای مختلف در کنار زیرگذرها - به ویژه در عرض و طول خیابانهای سطحی به حرم مطهر - ضمن استفاده از پتانسیل فضای زیرزمین شهری و افزودن بر امنیت این مسیرها، فضاهای شهری مناسبی برای عبور و حضور مردم، و فعالیتهای اقتصادی مناسب و کسب درآمد پایدار برای شهرداری و سرمایه گذار فراهم می آید. جمله اینهاست:

۱- پروژه زیرگذر میدان بیت المقدس

۲- پروژه زیرگذر انتهای بولوار سجاد

۳- پروژه بولوار شهید مدرس

۴- پروژه زیرگذر میدان شهدا تا حرم مطهر، میدان بیت المقدس تا چهارراه خسروی و چهارراه شهدا، خیابان طبرسی.



کاشان - خانه سلیمانیاها

تدوین ۲۰۴ برنامه در سازمان رفاهی و تفریحی کاشان آزاده ابقشار

سازمان رفاهی -
تفریحی شهرداری
کاشان به منظور استفاده
بیشتر مردم از امکانات
تفریحی، با اعتبار ۶
میلیارد ریال در سال جاری
۲۰۴ عنوان برنامه
زمان بندی شده تدوین
کرد.

سلطان امیر احمد) و طرح جامع گردشگری و برنامه ریزی برای جذب بیشتر گردشگران به شهر کاشان را به انجام رسانده است. بخش برنامه های ورزشی نیز موفق به برگزاری جشنواره بازی های بومی و محلی، و فراهم کردن امکاناتی نظیر مدرسه فوتبال، مدرسه شنا، مجموعه جوان و استخر شده است.

پسایه گزارش این معاونت، گروه تبلیغات شهری و خدمات ایمنی و میلان شهری تاکنون اقدام به ساخت و نصب تابلوهای راهنمای مسیر شهر، نقشه راهنمای شهر، تهیه و تجهیز میلان شهری مناسب با بافت شهر و جمع آوری پرده ها و پوسته های تبلیغاتی بدون مجوز در سطح شهر کرده است.

گروه پارکها و فضای سبز در انجام برنامه های خود، پارکها و فضاهای مورد نیاز شهر را اصلاح و بهسازی کرده و به علاوه، به منظور ایجاد فضایی متنوع و دوست دانه برای شهروندان نور نماهای گوناگونی را در سطح پارکها و میدانهای شهر نصب کرده است.

شایان ذکر است که گروه طراحی و برنامه ریزی معاونت فنی، ایجاد بخشهای مختلفی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است، که از آن جمله اند: مجموعه پروازی، مجموعه تیراندازی، باغ پرندگان، استخر تفریحی صید ماهی، تله کابین درین، و مانند اینها.

از جمله اهداف برنامه های سازمان رفاهی تفریحی در تدوین برنامه مذکور، ایجاد فضاهای فراغتی - تفریحی متناسب با نیاز شهروندان، تلاش در جهت ارتقای فرهنگ شهر نشینی، ایجاد سادایی و نشاط در شهروندان، و بررسی و ایجاد بسترهای لازم برای مشارکت بیشتر شهروندان در اداره امور شهری است.

در این میان ۸۲ برنامه به معاونت فرهنگی و تفریحی سازمان، و ۶۲ برنامه نیز به معاونت فنی و زیباسازی اختصاص یافته است.

معاونت فرهنگی - تفریحی تاکنون ۴۰ درصد از برنامه های سازمان را در بخشهای امور اجتماعی، فرهنگی - هنری، ورزشی و گردشگری اجرا کرده، و حوزه امور اجتماعی نیز موفق به طرح و ایجاد پارلمان شهری شده است. علاوه بر اینها، اموری چون واکنشهای پروژه های فرهنگی به کامیونتهای سطح شهر و حومه، و ایجاد و راه اندازی تشکلهای و انجمنهای غیر دولتی (جمعیت کویر سبز و حامیان گردشگری کاشان) را نیز به انجام رسانده است.

بخش امور فرهنگی - هنری برنامه های مختلفی را در فرهنگسرای مهر و معراج اجرا کرده و برگزاری جشنواره آموزش شهروندی و نیایش را بر عهده داشته است.

این سازمان در حیطه برنامه های گردشگری، اموری چون ساماندهی بافت سنتی شهر (خانه طباطبایی، عباسیان، حمام

احداث فضای سبز اراضی حاشیه شهر حمیدیا

شهرداری حمیدیا به منظور توسعه فضای سبز شهر، محل تخلیه غیرمجاز نخاله‌های ساختمانی را به فضای سبز تبدیل کرد.

به گزارش خبرنگار ما، بدین منظور شهرداری حمیدیا با تسلیح و تعویض خاک ۱/۵ هکتار از زمینهای حریم شهر اقدام به عرس نهال در حاشیه شهر کهای قدس و لاله کرده است. این شهرداری برای آبیاری نهالها، سیستم آبیاری قطره‌ای را به کار گرفته است.

شهرداری حمیدیا با این اقدام علاوه بر اینکه از نخاله نخاله در مناطق غیرمجاز جلوگیری کرده، گام مهمی نیز در جهت زیبایی حریم شهر یزد برداشته است. همچنین با توجه به همجواری منازل مسکونی با محل اجرای درختکاری، بدین ترتیب مکانی مناسب برای گذران اوقات فراغت شهروندان نیز به وجود آمده است.

شاپان ذکر است که در ادامه این حرکت، شهرداری حمیدیا قصد دارد مساحتی بالغ بر ۵ هزار مترمربع را زیر پوشش درختان قرار دهد.

نگاهی به عملکرد فرهنگی شهرداری مبارکه

ساخت و تقسیم فضاهای فرهنگی - تفریحی و همچنین احداث فرهنگسراها، از مهم‌ترین اقدامات شهرداری مبارکه در سال گذشته بوده است.

مسروزه مجتمعی فرهنگی با هدفهایی از این دست احداث می‌گردند؛ برحسب از نابرابری امکانات فرهنگی و ایجاد تعادل نسبی در محله‌های شهری، ارتقای سطح فرهنگ عمومی شهر و شهروندان، تحقق و تقویت آموزش، پرکردن اوقات فراغت نسل جوان و تحلی خلاقیت‌های علمی و هنری کودکان، نوجوانان و جوانان، و مانند اینها.

مهم‌ترین اقدامات شهرداری مبارکه در این زمینه عبارتند از: احداث خانه فرهنگ حافظیه در محله درچه، احداث خانه فرهنگ قهنویه، اهدای زمین به اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی برای احداث کتابخانه مرکزی شهر، کلنگ‌زنی مرکز فرهنگی «شهید دهنو»، تجهیز سایر مراکز فرهنگی، کتابخانه مدارس و مساجد و تقویت بنیه مالی فرهنگسرای غدیر و خانه فرهنگ صفائیه. ترمیم نقشه و احداث بناهایی با کاربردهای فرهنگی و ملهم از معماری سنتی اسلامی ایران، از دیگر اقدامات این شهرداری به شمار می‌رود.

لازم به ذکر است که به منظور تبادل افکار و تعامل هرچه بیشتر میان شهروندان، هر یک از کتابخانه‌ها از امکانات نظیر کلاس آموزش عمومی و اختصاصی، کلاسهای سمعی و بصری، برگزاری نمایشگاههای مختلفه جلسات شب شعر و مسابقات فرهنگی بهره‌مند شده‌اند.

تربت حیدریه لوح برتر جایزه ملی محیط زیست ایران را از آن خود کرد

به دلیل موفقیت شهرداری تربت حیدریه در حفاظت از عرصه‌های محیط زیست و فضاهای شهری، لوح برتر جایزه ملی محیط زیست ایران به این شهرداری اهدا شد.

بر اساس گزارش خبرنگار ما، این لوح را معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور به شهرداری تربت حیدریه اهدا کرد.

اردشیر ریاحی، شهردار تربت حیدریه، در این خصوص گفت: «گسترش فضای سبز در حاشیه شهر، و تشویق و جلب مشارکتهای مردمی در امر محیط زیست، از جمله اقداماتی بود که موجب شد این جایزه ملی به شهرداری تربت حیدریه تعلق بگیرد.»



فعالیت ۲۲۶ دهیاری در تربت حیدریه

برای اولین بار در کشور، ۲۲۶ دهیاری به طور همزمان در شهرستان تربت حیدریه آغاز به کار کردند.

رسول، استاندار خراسان، در مراسم آغاز به کار این دهیارها گفت: «ما باید فضایی فراهم سازیم که نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی از طریق سیستم شورایی یا مردم از تباطؤ برقرار کنند.» وی با اشاره به اینکه ۱۰۷ هزار نفر از افراد منتخب مردم در قالب شوراهای اسلامی شهرها و روستاها می‌توانند بخشی از مدیریت جامعه را به عهده گیرند در مورد آغاز به کار دهیارها به این نکته اشاره کرد که این واحدهای سازمانی تکلیف مدیریت روستایی را پس از ۲۴ سال مشخص خواهند کرد.

شایان ذکر است که در این مراسم علاوه بر استاندار خراسان، اعضای شورای اسلامی شهرها و روستاهای شهرستان تربت حیدریه، نمایندگان مردم شهرستان تربت حیدریه در مجلس و فرماندار تربت حیدریه حضور داشتند.



در نشستی با حضور شهردار و مدیران مطبوعاتی

تخلیفات دکه‌های مطبوعاتی در مشهد بررسی شد

شهردار مشهد در نشست با مدیران مطبوعات استان، تخلیفات صنعتی دکه‌های مطبوعاتی را مورد بررسی قرار داد. در این نشست مدیران مطبوعات به اتفاق اعلام کردند که دکه‌های مطبوعاتی بیش از آنکه به عرضه مطبوعات میدارت و ورزند کالاهای غیرمرتبط را عرضه می‌کنند و حتی گاهی از تحویل برخی از جزواید طبقه می‌روند. مدیران مطبوعات خاطر نشان ساختند که برخی از دکه‌داران افرادی هستند که به هیچ وجه با مسائل فرهنگی آشنایی ندارند. این باعث شده است که دکه‌های مطبوعاتی به نگاه‌های معاملاتی تبدیل شوند، و عرضه مطبوعات بخش کوچکی از کار آنان باشد. نوروزی، شهردار مشهد، در ادامه نشست اظهار داشت: «نگاه شهرداری مشهد به مسائل نگاه فرهنگی است و معتقد است که با بسترسازی و زمینه‌سازی فرهنگی می‌توان ارتباطی منطقی با شهروندان برقرار ساخت و خواسته‌های آنان را به شکل مناسبی شناسایی کرد.»

وی افزود: «در شهرداری اعتقاد بر این است که با پاسخ مناسب به نیازهای شهروندی مردم می‌توان هدف شهرداری را که رضایت‌مندی مردم و مشارکت آنان در توسعه مشهدالرضا است، تحقق بخشید.»

فرزادفر، مدیرعامل سازمان ساماندهی مشاغل شهری تهران که در این جلسه شرکت داشت، گفت: «شهرداری قصد افزایش تعداد دکه‌ها را ندارد و اجازه ۱۵۰ دکه سطح شهر بین ۱۳ تا ۴ هزار تومان در ماه است که حتی هزینه ساماندهی آنها را هم تأمین نمی‌کند.»

فرزادفر افزود: «شهرداری با اهمیتی که برای مطبوعات قائل است، به دنبال راهکارهای مناسب دیگری برای عرضه مطبوعات است. به عنوان نمونه می‌توان از گذاشتن صندوقهایی که در قبالت دریافت سکه روزنامه تحویل مشتری می‌دهند، و استفاده وسیع تراژ سوپرمارکت‌های سطح شهر برای این منظور نام برد.»

وی گفت: «در زمان حاضر عرضه مطبوعات از طریق سوپرمارکتها بسیار مطلوب و از جوانب مختلف دارای وجوه مثبت است. به همین خاطر ما با افزایش دکه‌ها مخالفتیم.»

شایان ذکر است که صاحبان دکه‌های مطبوعاتی مهم‌ترین دلیل این مشکل را مقرون به صرفه نبودن عرضه مطبوعات به تنهایی، و نیز بالا بودن اجاره‌بهای دکه‌ها، ذکر کردند.



شهرداری محمدشهر برگزار کرد:

نخستین نمایشگاه تخصصی نقشه و سیستم اطلاعات جغرافیایی

اولین نمایشگاه تخصصی نقشه و سیستم اطلاعات جغرافیایی (G.I.S.) به همت شهرداری محمدشهر کرج در تیرماه سال جاری برگزار شد.

محسن مرادی، شهردار محمدشهر کرج، در مراسم افتتاحیه نمایشگاه ملی سخت‌افزاری اظهار داشت: «اطلاعات دقیق و بهنگام رکن مهم توسعه پایدار به شمار می‌آید، به ویژه در عصر حاضر که افزایش نیازها و به تبع آن بهره‌گیری گسترده از منابع سبب تشدید فعل و انفعالات بین انسان و طبیعت شده و جوامع بشری را با بحرانها و نابسامانیهای عدیدهای مواجه ساخته است.»

وی افزود: «باید توجه داشت که دستیابی به اطلاعات و مدیریت مناسب آن نیازمند ابزارها و روشهای کارآمدی است که پیشرفتهای اخیر فناوریها را فراراه مدیران و برنامه ریزان قرار دهد. از جمله مهم ترین ابزارها در مدیریت منابع، سیستم اطلاعات جغرافیایی (G.I.S.) است که در عرصه های مختلف برنامه ریزی توسعه مدیریت منابع و مطالعات علمی و پژوهشی جهان راه یافته و کاربردهای وسیعی را به جوامع علمی معرفی کرده است.»

وی با اشاره به اینکه نزدیک به یک دهه از اشاعه G.I.S. در محافل علمی و اجرایی کشور می گذرد، گفت: «اغلب مدیران و کارشناسان و دانش پژوهان به درستی با مفاهیم این سیستم آشنا نیستند و به توانایی لازم برای پاسخگویی به پرسشهای خود درباره میانی G.I.S.، قابلیت ها و مؤلفه ها و کاربردهای آن، دست نیافته اند.»

وی افزود: «پرسشهایی که ممکن است در مواجهه با این سیستم مطرح گردد، از این قبیل است: G.I.S. چیست و از چه سازوکاری تشکیل شده است؟ قابلیت ها و کاربردهای آن چیست؟ مزوومات پیاده سازی G.I.S. در یک سازمان چه ابزارها و عواملی هستند؟ و نظایر اینها.»

وی با بیان این مطلب که G.I.S. مجموعه ای از امکانات و قابلیت های ویرایشی و بهنگام سازی سریع داده ها است که روشهای سنتی فاقد آن هستند، مهم ترین قابلیت G.I.S. را امکان انجام تحلیلهای پیچیده داده های مکانی و غیر مکانی دانست.

در این نمایشگاه یک مدل ساده از سیستم اطلاعات جغرافیایی به نمایش گذاشته شد. این مدل مراحل شروع ایجاد پایگاه اطلاعاتی تا تولید نقشه و تحلیل فضای داده ها را در معرض بازدید کنندگان قرار داد.

مسئله مذکور به منظور آشنایی مسئولان، برنامه ریزان و مدیران شهری با نقش سیستم اطلاعات جغرافیایی در حل مسائل و مشکلات حوزه مدیریتی، تصمیم گیری های آبی و همچنین آشنایی عموم شهر وندان در این نمایشگاه ارائه شد.

لازم به ذکر است که G.I.S. اکنون در سراسر دنیا نقش مهمی در مدیریت منابع، استفاده بهینه از امکانات و استعداد های طبیعی و برخورد با سوالاتی نظیر زلزله ایقामी کند.

اجرای طرح پاک سازی پارک جنگلی میانه

شهرداری میانه در بسیجی همگانی، اقدام به پاک سازی پارک جنگلی شهر کرد.

بر اساس گزارش خبرنگار ما، شهرداری میانه به منظور بهبود کیفیت تفریحگاههای سطح شهر، با مشارکت مردم اقدام به پاک سازی پارک جنگلی میانه از مواد آلاینده طبیعت و زباله های موجود در سطح پارک کرد.

در این اقدام همگانی حدود ۳۳ تن زباله از سطح پارک جمع آوری شد.

شایان ذکر است که در اسر پاک سازی پارک، شهردار و معاونان شهرداری و مسئولان منابع طبیعی نیز مشارکت فعال داشتند.



با تشکیل سازمان بازیافت و تبدیل مواد جامد در شهرداری تبریز

وضعیت زباله در شهر تبریز ساماندهی می شود

شهرداری تبریز به منظور تقویت مدیریت بهداشت شهری، ایجاد فرهنگ تفکیک زباله از مبدأ و بهینه سازی جمع آوری زباله، سازمان بازیافت و تبدیل مواد جامد را تشکیل داد.

نصرت شاهدا، معاون خدمات شهری تبریز، در این خصوص به خبرنگار ما گفت: «پس از راه اندازی مرکز مطالعات فنی و مهندسی در حوزه خدمات شهری، ضرورت ایجاد مدیریت واحد برای جمع آوری و حمل و دفع زباله احساس گردید و به همین منظور قدمهایی در جهت راه اندازی و ایجاد این سازمان برداشته شد.»

وی اظهار داشت: «فعالتهای عمده این سازمان سه محور ستاد نخاله، مدیریت مواد زائد و جامد، و زباله گاه مرکزی را در بر می گیرد. لازم به ذکر است که جمع آوری زباله و رفت و روب شهری از جمله وظایفی بود که تا پیش از تأسیس این سازمان بر عهده مناطق مختلف شهرداری تبریز قرار داشت، و اکنون این وظیفه به سازمان بازیافت و تبدیل مواد جامد محول گردیده است.»

وی همچنین بر ضرورت انجام برنامه های فرهنگی و مشارکت مردم برای جمع آوری زباله و تفکیک از مبدأ تأکید کرد.

گفتنی است که سیداحمد مزمز مدیریت کارخانه کود آلی شهرداری تبریز را به عهده گرفته است.



وزیر کشور با شهرداران کلان شهرها ملاقات کرد

شهرداران کلان شهرها در نشست با وزیر کشور درباره مشکلات شهرهای کشور، خروج دولت از تصدی گری، تجمع عوارض، افزایش اختیارات شوراهای و لزوم تشکیل سازمان شهرها به بحث و تبادل نظر پرداختند.

موسوی لاری، وزیر کشور، طی نشستی با شهرداران کلان شهرها، مشکلات شهرهای کشور را مورد بررسی قرار داد.

وی در این جلسه اظهار داشت: «در اجرای ماده ۱۲۶ قانون برنامه سوم توسعه کشور و سیاست خروج دولت از تصدی گری، تاکنون ۲۲ وظیفه برای واگذاری به شهرداریها شناسایی شده که مراحل نهایی کارشناسی و تصویب آن در حال انجام است. البته این امر نباید موجب گستردگی بدنه شهرداریها شود. در این زمینه شوراهای و شهرداریها باید امور اجرایی را به بخش خصوصی واگذار کنند و خود به مدیریت بپردازند»

وی افزود: «با توجه به سکونت بیش از ۶۴٪ جمعیت کشور در شهرها، اداره شهرها از طریق منابع نابینا موجود غیرممکن است و باید ساختار منابع مالی و درآمدی شهرهای، متناسب با وظایف، مأموریتها و خدمات متنوع و گسترده و همچنین انتظارات شهروندان تنظیم گردد و مورد بازنگری اساسی و جدی قرار گیرد»

موسوی لاری عملکرد شوراهای اسلامی را تاکنون مثبت ارزیابی کرد و گفت: «با توجه به نگرش مثبتی که در دولت و مجلس شورای اسلامی در خصوص افزایش اختیارات شوراهای و تشکیل شورای شهرستان و استان وجود دارد، نارساییهای موجود بر طرف خواهد شد؛ و با افزایش اختیارات شوراهای و نهادهای محلی و شهرداریها، زمینه کاهش امور تصدی گری دولت فراهم خواهد آمد»

وی در خاتمه، تشکیل سازمان شهرهای را اقدامی مناسب در جهت هماهنگی امور شهرهای کشور و حمایت از آنها عنوان کرد و افزود: «با همکاری و مشارکت و تعامل شهرداریها با این سازمان، مشکلات و نارساییهای موجود در روند فعالیت و خدمات شهرداریها مدیریت شهری بهبود می یابد و زمینه گسترش خدمات این مؤسسه عمومی در جهت تأمین رفاه و آسایش شهروندان و توسل و عمران شهرها بیش از پیش فراهم می گردد»

شایان ذکر است که در نشست مذکور، شهرداران کلان شهرهای کشور مشکلات فراروی شهرهای را مطرح ساختند و خواستار افزایش درآمد ناشی از عوارض شدند. آنان همچنین ادامه سیاست کسب درآمد ناشی از فروش تراکم برای اداره شهرها را اقدامی غیراصولی و مغایر با منافع ملی، منطقه ای و محلی ذکر کردند و آن را به نوعی «فروش شهرها» دانستند که آینده شهرهای کشور را به خطر خواهد انداخت.

گسترش فضای سبز شهری خرم آباد

شهرداری خرم آباد با همکاری سازمانهای غیردولتی و بخش خصوصی فضای سبز شهری خرم آباد را گسترش داد.

محضر خسا بهاروند، شهردار خرم آباد با اشاره به تأثیر فضای سبز در زندگی و فرهنگ شهرنشینی گفت: «تلاش ۷۰ ساله شهرداری خرم آباد، توسعه حدود ۵۰ هکتار فضای سبز است و این میزان نشان از احداث یک هکتار فضای سبز در هر سال دارد»

وی افزود: «شهرداری خرم آباد با تقویت و گسترش سازمانهای غیردولتی و بخش خصوصی توانسته است در دو سال گذشته حدود ده هکتار فضای سبز احداث (یا بازسازی) کند»

شهردار خرم آباد در پایان خاطر نشان کرد: «احداث گردشگاه ساحلی بک جتربریع افزایش می یابد»



تشکیل کانون جهانیان تهران به وسیله شهرداری تهران



سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران به منظور جلب مشارکت سالمندان در فعالیتهای اجتماعی، طرح کانون جهانیان را به اجرا درآورد.

از جمله اهداف این طرح که در پارکها و محله های شهر اجرا می شود، جلب مشارکت سالمندان در برنامه های گروهی به منظور رهایی از تنهایی و انزوا و تشویق به فعالیتهای اجتماعی است.

کانون جهانیان تهران که در آغاز هر ماه یک گردهمایی را در پارک جیتگر برگزار می کند، به اجرای برنامه های

از قبیل مسابقات تیراندازی، میهن‌داری و مانند اینها می‌پردازد و آموزشهایی را در خصوص تأمین بهداشت روانی و جسمی به سالنندان می‌دهد.
شایان ذکر است که در زمان حاضر این کانون در سطح شهر تهران با عضویت ۶۰۰ نفر سالنند فعالیت می‌کند.

نورپردازی در شب، عنصری مؤثر در

احیای ابنیه تاریخی شهر اصفهان

سازمان میراث فرهنگی با همکاری شهرداری اصفهان، به منظور احیای ابنیه تاریخی شهر، بناهای تاریخی و ساختمان شهرداری را نورپردازی کرد.

محمّدی معاون حوزه خدمات شهری اصفهان گفت: «به منظور احیای ابنیه تاریخی و ساختمان اداری شهرداری، ۲۰ پروژه در شب نورپردازی گردید».

همچنین وی افزود: «با توجه به اهمیت این مسئله در معماری و شهرسازی، میراث فرهنگی در صدد است تا با همکاری شهرداری ۳۰ پروژه دیگر را راه‌اندازی کند».



میدان نقش جهان

درختان شهر تبریز شناسنامه دار می‌شوند

بر اساس اجرای طرح کدگذاری، درختان تبریز پلاک کوبی و دارای شناسنامه می‌شوند.

بر اساس گزارش خبرنگار ماهنامه شهرداریها، در این طرح کلیه درختان موجود در سطح شهر تبریز شناسایی می‌گردند و شناسنامه جامع برای هر یک از آنها صادر می‌شود.

از خصوصیات طرح مذکور، ثبت محل کاشت درخت، ویژگی ظاهری آن، نام مالک در املاک خصوصی، محیط پیرامون به عنوان شاخصی از سن و نوع گونه درخت در شناسنامه است.

ابوالفضل ثلثی، مدیرعامل پارکها و فضای سبز شهرداری تبریز، در این زمینه گفت: «فراهم آوردن زمینه مناسب برای محاسبه دقیق میزان آب موردنیاز درختان، بر آورد هزینه‌ها و برنامه‌ریزیهای آبیاری سالانه درختان، استفاده از تجزیه و تحلیل آماری در احداث فضاهای سبز جدید در سطح شهر و امکان دسترسی به آمار صحیح از ویژگیهای این طرح است».

وی افزود: «طبق لایحه قانونی حفظ و گسترش فضاهای سبز شهری، مهم‌ترین کارکرد طرح شناسنامه‌دار کردن درختان، جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان موجود در معابر و باغهای شخصی است؛ و با استناد به این شناسنامه‌ها می‌توان با تخریب فضاهای سبز برخورد قانونی کرد».

شایان ذکر است که با استفاده از شناسنامه درختان می‌توان میزان صحیح استفاده از سموم ضدآفات را مشخص ساخت و در نتیجه از اتلاف سموم شیمیایی و آلودگی زیست محیطی ناشی از سمپاشیهای بی‌رویه جلوگیری کرد.



همایش نقد و بررسی عملکرد شورای شهر گرگان

در همایشی یک روزه، عملکرد سه ساله شورای شهر گرگان با حضور شهروندان گرجانی بررسی شد.

در این همایش که با حضور اعضای شورای اسلامی شهر گرگان و شهروندان گرجانی برگزار شد، شهروندان و اعضای شورای شهر گرگان طی مناظره‌ای به بحث و بررسی عملکرد شورا و اعضای آن پرداختند.

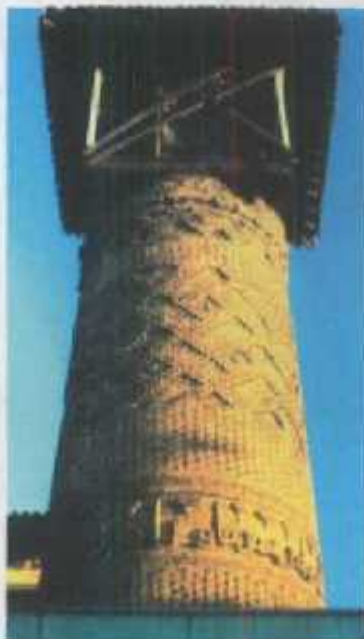
عالمه یعقوب زاده، عضو شورا، در مورد انحراف شدن برخی از مفاد قانون شوراها گفت: «اعضای شورا که وارد عرصه فعالیت شدند تخصص و اطلاع کافی در مورد قوانین شوراها نداشتند، در نتیجه نمی‌توانستند تمامی مفاد قوانین شوراها را بدون آگاهی و اطلاع به سرعت به اجرا بگذارند».

وی افزود: «کار شورا برنامه‌ریزی شهری است و به دلیل نداشتن تخصص لازم، از کارشناسان و مشاوران برای ارائه دیدگاه‌شان در این زمینه دعوت به همکاری به عمل آمده است».

وی در ادامه گفت: «به همین منظور شورای شهر پس از تصویب طرح نیازسنجی در سطح شهر را آغاز و براساس آن عمل کرده است».

وی در مورد بحث نظارت شوراها گفت: «نظارت یکی از مشکلات شورای شهر است و برای این کار به ابزارها و سازوکار منطقی و قدرتمندی نیاز است که شوراها در زمان حاضر فاقد آن هستند».

محمدهادی شریف عضو دیگر شورا در زمینه مسائل بهداشتی شهر گرگان چنین گفت: «شورای شهر گرگان نماینده‌ای در کمیته بهداشت شهر دارد و



گرگان - مناره مسجد جامع

رسیدگی به مشکلات شهر که تعدادی از دستگاههای اجرایی عضو آن هستند از توان این شورا خارج است. شورای شهر گرگان در زمینه بهداشت و چگونگی رعایت آن در شهر مطالعات خوبی را انجام داده اما تصمیمات آن، به دلیل حضور ضعیف سایر ادارات و کم توجهی و نبود حمایت نسبت به آن موضوع، جنبه اجرایی پیدا نکرده است.»

محمدعلی کمانگری، رئیس شورای شهر گرگان، نیز در زمینه ارتباط نزدیک شورا با شهرداری اظهار داشت: «عناصر اجرایی شورا شهرداری است، که مسائل اجرایی شهر را بر عهده دارد؛ در نتیجه ۸۰ درصد عملکرد شورا با این مرکز مرتبط است.»

وی افزود: «علاوه بر عوامل اجرایی شهرداری، مشاوران متعددی از افراد با تجربه و دانشگاهی در رشتههای مختلف، مددکار شورا هستند.»

کمانگری با اشاره به این مطلب که استفاده از نظر کارشناسان و مشارکت مردم تاکنون منابع مالی شهرداری را تا ۲/۵ برابر افزایش داده است، تصریح کرد: «اگر شورای شهر دیدگاههای شهرداری را تصویب می کند، تأمین آن خواستهها با هدف خدمت به مردم صورت می گیرد.»

حفریهای پی در پی در بناب اعتراض مردم را برانگیخت

حفریهای گسترده در سطح خیابانهای شهر و معابر عمومی در بناب، تردد و حمل و نقل را در این شهر دچار مشکل کرده است.

کنده کاریهای بدون برنامه ریزی و ناهماهنگ شرکتهای آب و فاضلاب، گاز، مخابرات و جزاینها، که گاه در طول سال چندین مرتبه بیابن صورت می گیرد، باعث به وجود آمدن دست اندازها و چاله های متعدد در خیابانها و معابر عمومی شهر و بروز تصادف در شب شده است.

محمد پاشایی، شهردار بناب، در این خصوص گفت: «هر ساله بالغ بر ۲۰۰ کیلومتر حفاری در سطح شهر بناب صورت می گیرد و شهرداری مرتباً در حال ترمیم این معابر است.»

وی افزود: «برای مرمت محلهای حفاری، به حدود ۳ میلیارد ریال اعتبار نیاز است.»



فلک الافلاک: قلعه ای تاریخی با کارکردی امروزی



با شروع عملیات مرمت و بازسازی قلعه فلک الافلاک، خرم آباد، این مکان تاریخی به مرکزی فرهنگی، تفریحی و تحقیقاتی تبدیل می شود.

بنای هشت برجی قلعه تاریخی فلک الافلاک، در مرکز شهر خرم آباد و بر روی دامنه شمالی تپه ای باستانی و مرتفع ساخته شده است.

سابقه وجود مرکزی سیاسی در این بنای تاریخی به زمانهای بسیار دور، از جمله به دوره ساسانی می رسد در دوره حکومت ائوبک لار کوچک، این بنا گسترش یافته و ملحقاتی به آن افزوده شده است.

در زمان حاضر در فضای داخلی این دژ، کتابخانه تخصصی، آزمایشگاه تحقیقاتی، واحد مرمت آثار تاریخی، گنجینه باستان شناسی (دورانهای پیش از تاریخ و تاریخ اسلامی)، مردم شناسی و چاپخانه دایر شده است.

دژ فلک الافلاک، این اثر تاریخی ننگین آسا، مظهر صلابت و شکوه فرهنگ مردمان و تاریخ پرفراز و نشیب سرزمین زاگرس میانی است.

شایان ذکر است که در صورت مرمت و بازسازی کلیه فضاهای این قلعه، می توان آن را به یکی از ارزشمندترین مکانهای گردشگری و پژوهشی کشور بدل ساخت.

متأسفانه ساخت و سازهای اطراف این اثر ارزشمند تاریخی نمای بدی به این مجموعه داده است. از این روسازمان مسکن و شهرسازی استان لرستان تقاضا به بازسازی و مرمت این اثر تاریخی کرده است.

انتصاری، سرپرست سازمان مسکن و شهرسازی استان لرستان، در این زمینه چنین اظهار داشت: «یکی از برنامه هایی که در حال پی گیری است، بهسازی اطراف قلعه فلک الافلاک است؛ اما با توجه به مسائل مالی روند کار به دشواری پیش می رود.»

وی افزود: «البته این کار فرابخشی است و کار ساماندهی اطراف قلعه فلک الافلاک باید با مساعدت مسئولان استان، مسکن و شهرسازی، استانداری، سپاه، ارتش و دانشگاه لرستان انجام شود.»

وی در خاتمه اظهار داشت: «قلعه فلک الافلاک نه تنها نماد استان لرستان بلکه نمادی ملی است. و به همین دلیل باید موقعیت زیبا و متناسبی در اطراف آن به وجود آید.»

جمع آوری زباله در روستاهای آسارا مکانیزه می شود



به منظور جمع آوری بهینه زباله و استفاده از شیوه‌های جدید و علمی در این زمینه، طرح جمع آوری مکانیزه زباله در روستاهای بخش آسارا از توابع شهرستان کرج به اجرا درآمد. طرح جمع آوری زباله براساس کارشناسیهای انجام شده و با هدف ارتقای بهداشت در ۶۰ منطقه روستایی صورت می‌گیرد. محمد پورشمسین بخشدار آسارا گفت: «برای جمع آوری زباله‌های روستاییان و کسبه جاده چالوس، تعداد سه دستگاه کامیون حمل زباله خریداری شده است که به زودی یک کامیون دیگر نیز به آن اضافه خواهد شد.»

وی افزود: «در این زمینه ۱۰۰ مخزن مخصوص زباله در داخل روستاها و مسیر جاده کرج - چالوس - دیزین نصب شده است که زباله‌ها در آنها جمع آوری می‌شوند.»

وی در خصوص هزینه جمع آوری زباله‌ها در این مناطق گفت: «هزینه جمع آوری زباله در ۶۰ منطقه بخش آسارا سالانه بیش از ۲۰۰ میلیون ریال برآورده شده است. این هزینه از طریق باری مردم، فرمانداری کرج و بخش آسارا تأمین می‌شود. پورشمسین با اشاره به بی‌توجهی بسیاری از مردم در آلوده کردن منطقه به آینده‌های محیط زیست، اظهار داشت: «همه روزه و به ویژه در روزهای تعطیل، مسافران برای فرار از گرمای تهران و سایر شهرستانها به این منطقه پناه می‌آورند، اما به جای استفاده صحیح از سواهد خداتادی، با شکستن درختان و یاریختن پس ماندنهای مواد خوداکی، به کشاورزان و باغهای منطقه خسارت وارد می‌کنند.»

وی تأکید کرد: «برای حل این مشکل باید با همکاری وزارت کشور، استانداری تهران و فرمانداری کرج تدابیری در این زمینه اندیشیده شود.»

پارکهای تهران را «انجمن دوستداران بوستان» اداره خواهد کرد

با تشکیل «انجمن دوستداران بوستان» به زودی مسئولیت اداره و ساماندهی پارکهای تهران به این انجمن محول می‌شود.

مختاری، مدیرعامل سازمان پارکها و فضای سبز شهرداری تهران، هدف نهایی از اجرای طرح دوستداران بوستان را اداره و حفظ و نگهداری بوستانهای شهری موجود، توسعه و احداث بوستانهای جدید و ساماندهی مسائل اجتماعی بوستانها به دست نهادهای منتخب مردم هر محله و ناحیه و منطقه شهر تهران ذکر کرد. وی افزود که در زمان حاضر راهکارهای مختلف جلب مشارکت شهروندان تهران - از افراد عین گرفته تا جوانان - در اداره امور بوستانهای شهری در ابعاد مختلف فنی و اجتماعی بررسی شده است. مختاری با هشدار نسبت به از بین رفتن باغها و فضای سبز تهران، اضافه کرد: «سرنه استاندارد فضای سبز برای هر نفر ۳۰ مترمربع است اما این سرنه برای شهروندان تهرانی ۱۶ مترمربع و اشامل می‌شود و سیاست شهرداری رسیدن به سرنه استاندارد در ظرف ۱۰ سال آینده است.»



روز بدون بوق در گیلان

با همکاری اداره کل حفاظت و محیط زیست و اداره راهنمایی و رانندگی استان گیلان، رانندگان گیلانی به مدت یک روز از بوق خودروهای خود استفاده نکردند.

با هماهنگی معاونت راهنمایی و رانندگی و اداره کل حفاظت محیط زیست استان گیلان، گیلانیها یک روز بدون بوق را پشت سر گذاشتند.

شعبانعلی نظامی، مدیرکل حفاظت محیط زیست استان گیلان، در این باره گفت: «در این روز با هماهنگی معاونت راهنمایی و رانندگی استان، کلیه خودروهایی که بدون دلیل بوق خود را به صدا در آوردند، جریمه شدند و مورد مواخذه قرار گرفتند.»

همچنین با همکاری سازمانهای غیردولتی حافظ محیط زیست و تاکسیرانی بوسترهایی بر روی ناوگان حمل و نقل عمومی این شهر، به تشنه عدم استفاده بی‌جهت از بوق، نصب شد. مدیرکل حفاظت محیط زیست گیلان با بیان این مطلب که آلودگی صوتی یکی از مهم‌ترین و ناهنجارترین آلودگیها به شمار می‌رود، اضافه کرد: «بر اساس تحقیقات علمی انجام شده ریشه بسیاری از ناهنجاریهای اجتماعی در آلودگی صوتی نهفته است. متأسفانه به دلیل فرهنگ نادرست استفاده از بوق، بیش از ۷۰٪ بوقهایی که در خیابانهای سطح استان شنیده می‌شود غیرضروری است و تنها آلودگی صوتی ایجاد می‌کند.»



نظامی افزود: «تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از بیماریهای عصبی، برخی از بیماریهای پوستی مزمن، انعقاد رگهای خونی و دیگر بیماریهایی از این دسته، ریشه در آلودگیهای صوتی دارند. در واقع بوق زدن قبل از هر چیز بر عامل ایجاد آن تأثیر مخرب می‌گذارد.»

احداث شهر جدید اندیشه در غرب استان تهران

شهر جدید اندیشه در زمینی به وسعت ۱۴۰۰ هکتار و جمعیت ۱۰۰ هزار نفری در غرب استان تهران احداث شد.

شکیبا، مدیر عامل شرکت عمران شهر اندیشه، در خصوص احداث این شهر گفت: «شهر اندیشه از زمان بهره‌برداری تاکنون ۳۰ هزار نفر را در خود جای داده است. چهارده مدرسه نیز در کلیه مقاطع تحصیلی در این شهر جدید تأسیس شده و در اختیار آموزش و پرورش قرار گرفته است.»

وی در خصوص امکانات فرهنگی شهر اندیشه گفت: «این شهرک با توجه به رسالت خود در خدمات‌رسانی به شهروندان و به خصوص قشر جوان، توانسته است با ساخت مساجد گامی در مسائل مذهبی، و با ساخت سینما و استقرار مراکز فرهنگی در حوزه هنری و همچنین کمیسیون بانوان، گام مهمی در زمینه مسائل فرهنگی بردارد.»

شکیبا خاطر نشان ساخت: «باتوجه به طرح جامع شهرسازی، شهرک اندیشه امکان هیچ گونه تراکم‌سازی را ندارد.»

راه‌اندازی وب‌سایت محیط زیست، به وسیله مرکز مشارکتهای زیست محیطی

مرکز مشارکتهای زیست محیطی شهر داری منطقه هفت تهران، به منظور افزایش دانش و فرهنگ شهروندان، وب‌سایت محیط زیست را راه‌اندازی کرد.

اعظم نوری، شهردار منطقه هفت تهران، در خصوص ضرورت راه‌اندازی وب‌سایت مرکز مشارکتهای محیط زیست منطقه گفت: «باتوجه به رفتارهای مردم در بهداشت محیط زیست اطراف می‌توان دریافت که فرهنگ و عوامل اقلیمی بر الگوهای رفتاری انسان تأثیر می‌گذارد و بسیاری از مردم بر اثر عوامل فرهنگی نسبت به محیط زیست محل زندگی خود بی‌توجه می‌شوند.»

نوری با اشاره به اینکه رعایت اصول بهداشتی می‌تواند ما را از مواجه شدن با خطرهای محیط زیست دور نگه دارد، گفت: «هدف از تأسیس مرکز مشارکتهای زیست محیطی الگوسازی و آموزش به شهروندان در استفاده بهینه از منابع است.»

نوری با اشاره به راه‌اندازی وب‌سایت مرکز مشارکتهای زیست محیطی افزود: «با توجه به جوان بودن مخاطبان این مرکز، برنامه‌ریزی برای توانمند کردن این قشر می‌تواند بهره‌های زیادی به ارمغان آورد.»

همچنین در این وب‌سایت برنامه‌هایی از قبیل سرشم گفت‌وگوهای رایانه‌ای، ارائه دیدگاهها و مشکلات، ایجاد گروههای متخصص و برگزاری مسابقات مرتبط با زمینه‌های زیست محیطی موجود است.

شایان ذکر است که این سایت با استقبال زیاد جوانان و نوجوانان منطقه مواجه شده است.

طرح بوستان باراجین قزوین به اجرا می‌رسد

شهرداری و کارخانه شیشه قزوین ۲۰ میلیارد ریال اعتبار برای اجرای طرح بوستان ۱۰۰۰ هکتاری باراجین هزینه کردند.

به منظور آماده‌سازی و ارائه مسائل و مشکلات طرح بوستان باراجین جلسهای با حضور استاندار و شهردار قزوین و دیگر سازمانهای ذیربط این استان تشکیل شد.

بوستان مذکور که در ۵ کیلومتری شمال شهر قزوین قرار دارد، شامل قسمتهای فرهنگی و تفریحی و ورزشی است. مسعود امامی، استاندار قزوین، اهداف این طرح را توسعه فضای سبز مناسب با محیط زیست، حفظ منابع طبیعی و ایجاد جاذبه‌های گردشگری دانست.

امامی با تأکید بر بهره‌برداری قسمتهایی از طرح بوستان باراجین در سال جاری، گفت: «منابع طبیعی و فضای سبز قزوین در معرض تخریب است و اگر در این خصوص اقدامی صورت نگیرد، ایجاد فضای سبز در سالهای آتی هزینه‌های هنگفتی را به همراه خواهد داشت.»

وی افزود: «باتوجه به اینکه بوستان باراجین در سال آینده تنها محل تفریحی مناسب برای گذراندن اوقات فراغت به شمار می‌آید، اجرای این طرح امری ضروری است.»

امامی با اشاره به تأمین هزینه‌های موردنیاز طرح بوستان باراجین گفت: «تأمین اعتبارات پروژه مذکور از توان شهرداری خارج است بنابراین باید سرمایه و امکانات موجود در سطح استان را برای آماده‌سازی زیرساختهای این طرح هدایت کرد تا بخش خصوصی نسبت به سرمایه‌گذاری در این زمینه تشویق شود.»

شایان ذکر است که در پایان این جلسه ستادی به ریاست استاندار قزوین و مرکب از کمیته‌های مختلف به منظور بررسی چگونگی روند انجام برنامه‌ها و وظایف تشکیل گردید.



افزایش تعداد میدانهای ورزشی در تبریز

شهرداری تبریز تا پایان شش ماهه اول سال جاری در نقاط مختلف شهر ۵۰ میدان ورزشی را آماده بهره‌برداری می‌کند. از جمله اهداف طرح میدانهای ورزشی در تبریز، ایجاد شرایط و امکانات بهینه فرهنگی و تفریحی سالم برای قشر جوان جامعه است. حوزة معاونت خدمات شهری شهرداری تبریز به منظور ترویج فرهنگ ورزش همگانی، «سازمان خدمات موتوری» را به عنوان متولی این طرح در شهرداری تبریز تعیین کرده است. لازم به ذکر است که این سازمان وظیفه ایجاد هماهنگی میان معاونان خدمات شهری مناطق هشتگانه شهرداری تبریز و واحدهای میدانهای ورزشی را بر عهده دارد. همچنین این سازمان تشکیل کمیته ویژه‌ای را به مدیریت و اداره جوانان و نظارت باشگاههای ورزشی، در دستور کار خود قرار داده است.



جمع‌آوری کتاب و دفتر مشق دانش‌آموزان تهرانی در قالب جشن بزرگ دوستی با درختان

در ادامه طرح جمع‌آوری کتاب و دفتر مشق دانش‌آموزان تهرانی، شهرداری تهران جشن بزرگ دوستی با درختان را با همکاری وزارت آموزش و پرورش برگزار کرد. بر اساس گزارش خبرنگار ما، در قالب این طرح دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان با همراهی والدین خود با شرکت در جشن دوستی با درختان، کاغذهای باطله و دفتر مشق و کتابهای درسی سال تحصیلی گذشته خود را به ساد ناحیه سبز تهران تحویل دادند. جوادریسان، معاون اجرایی ساد ناحیه سبز شهرداری تهران، در این خصوص چنین گفت: «در این جشن دانش‌آموزان تهرانی کتابهای درسی و دفترچه‌های باطله خود را برای بازی گرداندن به چرخه تولید به این ساد ارائه کردند. جوادریان با تأکید بر اینکه در صورت انجام عمل بازیافت روی ۵۰ درصد از کتابهای درسی دانش‌آموزان کشور سالانه ۷۲ میلیون تومان صرفه‌جویی صورت می‌گیرد، افزود: «این در حالی است که ۶۴ درصد از زباله شهر تهران را کاغذهای باطله و روزنامه و مقوا تشکیل می‌دهد که اغلب به دلیل عدم مدیریت علمی بازیافت زباله از چرخه مصرف خارج می‌شود.» وی رقم تولید سادانه زباله در تهران را به طور تقریبی دو میلیون و ۵۵۵ هزار تن اعلام کرد و گفت: «از مجموع تولید زباله‌های شهر تهران، ۷ درصد به مقوا ۶۸ درصد به روزنامه و ۲۵ درصد به کاغذ باطله اختصاص می‌یابد. اگر این میزان زباله مورد بازیافت قرار گیرد، از قطع تعداد بسیار زیادی از درختان جلوگیری خواهد شد که بر اساس مطالعات انجام شده به منظور تولید یک تن کاغذ به طور متوسط باید ۱۰ تا ۱۷ اصله درخت قطع گردد.»



وی در خاتمه خاطر نشان ساخت: «مدیریت علمی با جلب مشارکتهای بین بخشی و بهره‌گیری از توانمندیهای همه شهروندان، حرکت ملی جداسازی زباله و استانداردسازی محیط زیست شهری را به مرحله اجرا خواهد گذاشت.» شایان ذکر است که در مراسم جشن «دوستی با درختان»، دانش‌آموزان در ازای تحویل کاغذهای باطله و کتابهای درسی سال گذشته خود یک کتاب و ایکن دریافت می‌کردند. همچنین در این مراسم به بهترین شعار برای بازیافت کاغذ و حفظ درختان و بهترین کار دستی تهیه شده از مواد دورریختنی جوایزی اهدا شد.

تهران و خرمشهر برادر خوانده شدند

شهرهای تهران و خرمشهر با امضای توافقنامه‌ای بین سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران و شهرداری خرمشهر، به برادر خواندگی یکدیگر درآمدند. بر اساس این یادداشت تفاهم دو شهر تهران و خرمشهر در جهت گسترش مناسبات فرهنگی، هنری، علمی و آموزشی به طور دو جانبه با یکدیگر همکاری می‌کنند. بر اساس این توافقنامه، سازمان فرهنگی - هنری تهران و شهرداری خرمشهر در راهاندازی مجموعه‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی، ارتقای سطح فرهنگی نسل جوان و نوجوان دو شهر و برگزاری بازدیدهای گردشگری، زیارتی و سیاحتی فعالیت خواهند کرد. شایان ذکر است که این توافقنامه بین فرهنگسرای پایداری - به نمایندگی از سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران - و شهرداری خرمشهر به امضا رسید.



برگزاری میزگرد تخصصی بازنشاسی مفهوم ایمنی شهری

میزگرد تخصصی بازنشاسی مفهوم ایمنی شهری در فرهنگسرای قانون تهران مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس گزارش خبرنگار ما، فرهنگسرای قانون در استقبال از مسووب شورای اسلامی شهر تهران مبنی بر اعمال قوانین و مقررات ایمنی در مراکز فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و تفریحی وابسته به شهرداریها، در خردادماه سال جاری اقدام به برگزاری میزگردهای تخصصی تحت عنوان بازنشاسی مفهوم «ایمنی شهری» با رویکرد فرهنگی اجتماعی کرد. شایان ذکر است که همایش مذکور با همکاری و مشارکت مرکز مطالعات راهبردی سازمان فرهنگی هنری و تشکل غیردولتی «جامعه امروز» صورت گرفت.



تصویب طرح مجموعه شهری تهران

شورای عالی شهرسازی و معماری ایران پس از هشت جلسه بحث و بررسی، در جلسه اخیر خود طرح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن را تصویب کرد.

روند نابسامان، پراکنده و بی برنامه توسعه مجموعه شهری تهران طی سه دهه گذشته این مجموعه را با مسائل متعدد اجتماعی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و همچنین مسائل زیست محیطی و تخریب محیط طبیعی و باغها و اراضی کشاورزی روبرو ساخته است.

طرح مجموعه شهری تهران بر اساس مصوبه آبانماه ۱۳۷۴ هیئت دولت در خصوص طرح ریزی و مدیریت مجموعه شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور و شهرهای اطراف آنها، به وسیله مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران در وزارت مسکن و شهرسازی تهیه شده است. این طرح مهم ترین سندی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در خصوص شهر تهران و مناطق اطراف آن تهیه شده است و می تواند به عنوان سند بالادست برای کلیه فعالیتهای توسعه و عمران در سطح مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن به وسیله سازمانها و دستگاههای مختلف در بخش دولتی و عمومی و خصوصی مورد استفاده قرار بگیرد.

مجموعه شهری تهران شامل شهر تهران و کانونهای جمعیتی، اقتصادی و خدماتی اطراف آن است، که بازار واحدی از سکونت و کار تشکیل داده اند و اجزا و عناصر آن ارتباط روزمره با یکدیگر دارند.

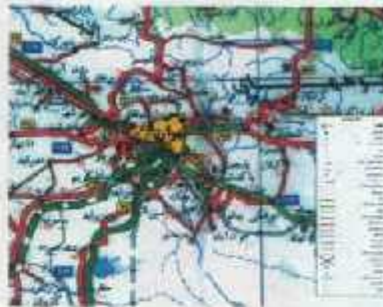
محدوده مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن با مساحت تقریبی ۱۲ هزار کیلومتر مربع، نزدیک به دو سوم سطح کل استان تهران را در بر می گیرد.

مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف، که جمعیت آن از حدود ۲/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ به حدود ۱۰/۲۵ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است، طی سه دهه گذشته تحت تأثیر توسعه راهها و امکانات جابجایی، انتقال و استقرار صنایع و کانونهای اقتصادی و خدماتی در خارج از محدوده تهران و افزایش جمعیت و استقرار گروههای کم درآمد در اطراف شهر تهران شکل گرفته است.

راهبردهای اساسی این طرح عبارتند از: کنترل میزان رشد و افزایش جمعیت مجموعه، حل مسئله اسکان غیررسمی و ایجاد نظام مدیریت واحد برای اداره امور مجموعه شهری تهران.

شایان ذکر است که شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از میان چهار گزینه جمعیتی مطالعه شده، گزینه «۱۴ تا ۱۵ میلیون نفر» را به عنوان سقف جمعیتی مجموعه تا سال ۱۴۰۰ تصویب کرد.

در خصوص نحوه اداره امور مجموعه نیز گفتنی است که استانداری تهران به عنوان نهاد مدیریت واحد مجموعه شهری تهران و شهرهای اطراف آن تعیین گردید. همچنین مقرر شد تعبیرات ضروری در شرح وظایف و تشکیلات استانداری تهران، به منظور ایجاد تواناییهای لازم برای انجام این وظیفه، صورت پذیرد.



سرویس خبر و گزارش ماهنامه،
آماده دریافت و انعکاس
آخرین اخبار شهرداریهاست

آماده دریافت و انعکاس
آخرین اخبار شهرداریهاست

سرویس خبر و گزارش ماهنامه،
آماده دریافت و انعکاس
آخرین اخبار شهرداریهاست



نام کتاب: شیوه‌های افزایش درآمد و کاهش هزینه‌های شهرداریها / نویسندگان: مهندسان مشاور هامونیا / ناشر: انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران / چاپ یکم: ۱۳۸۱ / شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه در ۲۴۴ صفحه / بهای: ۱۲۰۰۰ ریال.

تصور توده مردم از شهرداری به ویژه در شهرهای کوچکتر، چیزی است بسیط و نه چندان حیاتی برای شهر و در کمال تأسف، گاه تصور تشکیلاتی سربار و مشکل آفرین بر سر راه زندگی ساده گذشته، بی گمان ریشه چنین تفکر و ذهنیتی به شیوه زندگی کهن و سنتی ایرانیان، به ویژه در بومهای خشک این سرزمین باز می گردد. عمر این سازمان اجتماعی چندان دراز نیست و هنوز مراحل دشواری را پیش روی خود دارد تا بتواند بسیاری از مسائل را در جامعه با خود همساز و نهادینه کند. یکی از این مسائل، روشن سازی ذهن همگان نسبت به خاستگاه مردمی و غیردولتی شهرداری و ضرورت خودگردانی این سازمان است. کتاب حاضر تلاشی است برای این روشنگری که به سفارش مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری - دفتر برنامه ریزی عمرانی، فراهم آمده است.

این اثر در ۱۲ فصل نگاشته شده و دارای پیشگفتار، یک مقدمه است. پس از فهرست مطالب سندهای از ۳۹ جدول در همان آغاز کتاب آمده است. این اثر برگرفته از دستاورد پروژه پیشنهادی مرکز

مطالعات برنامه ریزی شهری به هامونیا است. در پیشگفتار، هدف کلی کتاب چنین عنوان شده است: «تلاش برای بررسی مسائل و مشکلات شهرداریها و ارائه راهکارهای مناسب تا درآمدها افزایش یابد و از هزینه‌های شهرداریها کاسته شود.»

در «کلیات» کتاب بیشتر به پیشینه شهرداریها پرداخته و به تدوین نخستین قانون شهرداری (بلدیه) در ۱۲۸۶ ش. و روند تغییرات آن اشاره شده است. مواد قانونی ۱ تا ۸ آن را نگاشته و درباره هر یک از این مواد به توضیح پرداخته است. پس از آن فصل دوم تا پنجم از قانون بلدیه ذکر گردیده و در جدولی (شماره ۱) قدمت شهرهای مختلف را به تفکیک استان، تاریخ تأسیس شهرداریها از ۱۲۹۰ تا ۱۳۷۲ خورشیدی نشان داده شده است. در این میان شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، مشهد و شیراز بیش از ۸۰ سال پیشینه شهرداری داشته‌اند. در زیر فصل دوم به «چگونگی تأمین هزینه شهرهای اولیه» در ایران پرداخته شده که از دیدگاه تاریخی بسیار خواندنی است. زیر فصل بعدی «روند کمکهای دولت به شهرداریها در گذشته و بررسی نتایج آن» تقابل مردم را با شهرداری نشان می دهد که از آن نقلی یک سازمان وابسته به وزارت کشور را دارند.

فصل دوم «شناخت وضع موجود» و نخستین زیرفصل آن «بررسی ویژگیهای کلی شهر دارها و طبقه بندی آنهاست، که شهر دارها را بر پایه جمعیت، درآمد و مشخصه شهر دسته بندی کرده است. در جدولی دیگر (شماره ۲) تعداد شهرداریهای استانهای کشور را بر حسب درجه در سال ۷۴ نشان داده و در زیر فصل «بررسی قانون شهرداریها و کارایی آن در ارتباط با توسعه سریع شهرها» گفته است که مشارکت مردم می تواند سریع ترین راه برای اداره مطلوب شهر و تأمین هزینه های آن و کاهش جاذب آنها باشد. در «بررسی شرح وظایف قانونی شهرداریها» نیز فصولی، از جمله ماده ۵۵ را که خاص وظایف شهرداریهاست، آورده و بر عهده تحت الشعاع قرار گرفتن شهرداری در برابر وزارت کشور بافتاری کرده است.

«بررسی اقدامها و وظایف موجود شهرداریها» زیر فصل بعدی است که به

گسترده تر شدن هر چه بیشتر وظایف شهر دارها همراه با افزایش جمعیت شهرها می پردازد و مواردی چون گسترار کاهها و کارخانه های کمیوست را با گسترده گی شرح می دهد و به تلاشهای شهرداری در زمینه های فرهنگی نیز اشاره می کند.

فصل سوم با نام «اداره شهرها در چند شهر بزرگ دنیا (یک بررسی کلی)» به نقش شورای شهر در اروپا - که برگرده مردم است - می پردازد و شورای استکهلم (سوئد) و برنهام (هلند) را نمونه می آورد. در زیر فصل «بررسی جایگاه شهرداران در شهرهای بزرگ» به شیوه گزینش شهردار در شهرهای مهم جهان مانند استکهلم، آمستردام می پردازد. در آمستردام شهردار برگزیده ملکه، بالاترین مقام کشوری است؛ در پارسی قدرت اجرایی شهردار همتراز فرماندار است؛ و در یکن جایگاه شهردار در بالاترین سازمان اداری شهر، یعنی کنگره خلق شهرداری بکن است. جدول پس از این بخش سازمان شهرداری بکن را به نمایش گذاشته است. بخش بعدی «بررسی منابع درآمدی در شهرهای بزرگ کشورهای پیشرفته» به نمونه ایالات متحده می پردازد که همسانیهایی از دیدگاه دریافت مالیات از عرضه و اعیان املاک و زمینها در ایران دارد.

فصل چهارم به «بررسی وضعیت درآمدی شهرداریها» و روند آن بر پایه سالیهای گوناگون پرداخته و آنها را در ۷ جدول به نمایش گذاشته است. در دومین زیر فصل، «بررسی منابع درآمدی شهرداریها از محل عواید محلی» تشریح گردیده و نشان داده شده است که در این زمینه شهرداری بندرها و جزیره های خلیج فارس با ۵۹/۷۹٪ بالاترین درآمد را داشته اند.

چهار بخش بعدی به بررسی منابع درآمدی شهرداریها از محل کمکهای بخش دولتی، خدمات و فروش کالا، اموال و سایر داراییها، کمکهای بلاعوض دولتی و محل دریافت وام می پردازد. سپس در چندین بخش وضعیت عوارض مورد بررسی قرار می گیرد. آخرین بخش این فصل به مقایسه سهم درآمدها و هزینه های مختلف در شهرداریهای بزرگ، متوسط و کوچک اختصاص یافته است.

فصل پنجم «بررسی هزینه‌های شهرداری‌ها» نام دارد. نخستین زیرفصل، روند افزایش آن را طی دهه اخیر بررسی کرده و به یاری اعداد و جدولها نشان داده که چه رشد فزاینده‌ای در هزینه‌ها از سال ۱۳۶۰ (۶۴ میلیون ریال) تا ۱۳۷۳ (۱/۶۶۴ میلیارد ریال) پیش آمده است. در زیرفصلهای ۲ تا ۶ به هزینه‌های یوسنلی، اداری، سرمایه‌ای پرداخته و آنها را با عدد و جدولهای فراوان همراه کرده است که برای پژوهشگرانی که درباره شهرداریها مطالعه می‌کنند بسیار سودمند خواهد بود. زیرفصل «هزینه‌های جاری» دارای بخشهای بسیاری مانند هزینه‌های جمع‌آوری و دفع آبهای سطحی، ایجاد مکانهای ورزشی، فرهنگی، توریستی و بهبود محیط شهری است.

فصل ششم که از بخشهای اصلی کتاب به شمار می‌آید به بررسی طرحها و برنامه‌های درآمدی شهرداریها پرداخته، از مواردی چون تأسیسات تجاری، کارخانه‌های اسفالت، پایانه‌های مسافری و میدانهای ترابار نام برده است و در جدولی (شماره ۲۶) بررسی نظریات شهرداران در مورد طرح خودکفایی و اجرای پروژه‌های درآمدزا در سال ۱۳۷۴ را به نمایش گذاشته و در بخش بعدی چگونگی اجرای آنها را در ۱۰ قسمت نشان داده است.

فصل هفتم «بهبود شرایط نیروی انسانی» نام دارد و در آن از جمله چنین آمده است: «عامل نیروی انسانی مهم‌ترین نقش را در فرایند توسعه متعادل شهرها، ارائه خدمات بموقع و مناسب به شهروندان، استفاده مناسب از فناوری جدید و شیوه‌های نوین خدمات‌رسانی ایفا می‌کند». از این رو شماری از شهرداریها دست به کار بهبودگیری از نیروهای متخصص و دانشگاهی شده‌اند. آنها هنوز دارندگان تحصیلات عالی تنها ۷/۱۲٪ نیروها را تشکیل می‌دهند (البته بجز در تهران). در حالی که ۴۸/۴٪ دارای تحصیلات دبستانی (پایه سواد) هستند. بخشی از این فصل به شهرداری تهران اختصاص یافته و در جدولی تمداد و مشخصات کارمندان شهرداری تهران را به نمایش گذاشته است.

«افزایش منابع درآمدی شهرداریها» دستمایه فصل هشتم کتاب است که در آن به دگرگونیهای چشمگیر در شهرهای اصفهان و تهران پرداخته و «طرح ثواب» را به عنوان نمونه‌ای در جلب مشارکت مردمی آورده است. سپس راهکارهای پیشنهادی

خود را در زمینه ایجاد تأسیسات زیونایی، طرحهای توسعه شهری (جامع - هادی) در هفت مورد پیشنهاد کرده که برای نمونه می‌توان «به تملک درآوردن اراضی بدون مالکیت خصوصی اشاره کرد.

«سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اقتصادی و درآمدزا یا مشارکت بخش خصوصی» فصل نهم را شکل می‌دهد که در آن نخست شرایط همبوند یا خودکفایی در چهار مورد نگاشته شده است. مورد یکم آن، گوناگونی شرایط و ویژگیهای ۶۰۰ شهرداری موجود کشور را عنوان کرده است. پس از آن واژه خودکفایی / خودبستگی برای شهرداری تعریف شده و در تعریف طرحهای درآمدزا چنین آمده است: «به هرگونه فعالیت عمرانی، خدماتی، تولیدی، بازرگانی و یا تغییر شیوه در روشهای جاری اداره امور شهر در چارچوب قانون شهرداری که در قبایل آن شهرداری بتواند ضمن ایجاد راه بیشتر برای شهروندان درآمدزایی کسب کند و بخشی از اعتبارات مورد نیاز شهرداری نیز از این طریق تأسیس گردد.»

در فصل دهم سیاست‌های کلی از برخی طرحهای درآمدی شهرداریها در ۱۸ زمینه سیاهه شده و برای هر یک شرحی کوتاه آمده است. مانند «طرح ایجاد مرکز تولید و توزیع نان ماشینی» و «با طرح مکانیزاسیون و نظیف شهر و جمع‌آوری و دفع زباله‌های شهری و تفکیک آن.»

«افزایش درآمد از طریق اتخاذ مکانیزاسیونهای لازم» نام یازدهمین فصل کتاب است که در آن نخست مسئله دریافت عوارض و اهمیت آن مطرح شده است و در بخشهای بعدی نیز این عنوان به چشم می‌خورد. «افزایش درآمد از طریق انجام تبلیغات لازم و جلب مشارکتهای مردمی در امور شهر» استفاده از زمینها و فضاهای شهری برای کاربریهای مناسب، سیستمهای مالیاتی کشور برپایه تولید منطقی، فروش خدمات، پذیرش برخی وظایف جدید، از طریق فروش کالاهای تولیدی... پیشنهاد وضع عوارض و...»

آخرین فصل کتاب به کاهش هزینه‌ها اختصاص یافته و این امر از ممکن‌ترین روشهای اجرایی مجرای تبدیل مشکلات مالی شهرداریها و بهبود وضعیت برای خودکفایی بر شمرده شده است. کتاب افزایش هزینه‌ها را تنها از پیامدهای نرخ تورمی ندانسته و دلایل این افزایش را در ۱۲ مورد آورده است. پس از آن هفت زیرفصل نسبتاً گسترده به مباحثی از این

دست اختصاص داده شده است: کاهش هزینه‌های پرسنلی از طریق به کارگیری روشهای مناسب و ارائه خدمات ماشینی، کاهش هزینه‌های عمومی از طریق بهبود مدیریت، ارتقای کیفیت نیروی انسانی و نظارت از طریق خصوصی سازی و واگذاری برخی فعالیتهای موجود به بخش خصوصی، جلب مشارکتهای مردم و همکاری آنان با شهرداریها، طرحهای خودکفایی برای برخی سازمانها وابسته (مانند آتش‌نشانی) از طریق عدم اجرائی برخی فعالیتهای و اقدامهای غیر ضروری و عدم اجرائی برخی فعالیتهای عمرانی و زیباسازی غیر ضروری، بازنگاری در شرح خدمات و چگونگی تهیه طرحهای توسعه شهری.

وایسین بخش به «جمع‌بندی» کتاب پرداخته و در آن اعمال سیاست خودکفایی، افزایش درآمد و کاهش هزینه را مستلزم شکل‌گیری سازمانها و تشکیلات ضروری و لازم دانسته و آنها را در ۱۴ مورد دسته‌بندی کرده است که نخستین آنها «بازنگری در قانون شهرداریها» و وایسین شان «برقراری ارتباطات بین‌المللی به وسیله شهرداریها یا تشکیلات بین‌المللی شهرداریهای جهان» است.

با همة تلاش مؤلفان، کتاب دارای کیم و کاستیهایی است که در زیر می‌آید:

- لغزش و خطاهای چاپی به آن راه یافته است مانند، نمونه عددی «۱۲۸۶» (ص ۱۶) و «واژگانی» «روش» (ص ۲۰۶).
- در فصل نخست، نقل و قولهایی که از «قوانین مالیات بندی» شده، دارای واژگان و نامهای ناشناختنی است که هیچ چیزی را به ذهن خواننده نسل کنونی متبادر نمی‌کند. از این دستاند واژگانی چون: کالسکه و لاندو، دلچجان اقبیوس، والسوسید و جزاینها، شاپسته تر آن بود که برای هر یک از این واژگان پانوشی فراهم می‌شد.

- همچنین بهتر بود منابع مورد استفاده کتاب در پایان به عنوان پایه‌های نگاشته می‌آمد؛ هر چند ممکن است بخش نیز کارهای بی‌مبانی (مبدانی) بوده باشند. می‌ماند چاپ پریده رنگ و کتاب آرای نه چندان زیبا و دلچسب (به ویژه روی جلد) برای کتابی که ضرورت نام آن می‌توانست خوانندگانی بیشتر را به سوی خود قرا خواند.
- هر چند شمارگان اندک این دغدغه را متفی کرده است.

«اطلاعیه»

قابل توجه مالکان، کارفرمایان، مهندسان و دست اندرکاران ساخت و ساز

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند، مبحث ششم مقررات ملی ساختمان، تحت عنوان «بارهای وارد بر ساختمان» پس از طی مراحل تصویب، منتشر گردید.
کلیه دست اندرکاران اجرای ساختمانها، متولیان شهرسازی و شهرک‌سازی، مالکان و کارفرمایانی که اقدام به احداث ساختمان می‌نمایند، مکلفند به استناد مواد ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، کلیه مفاد مباحث منتشر شده مقررات ملی ساختمان را در طراحی و اجرای ساختمانها رعایت نمایند. بدیهی است عدم رعایت هر مورد، تخلف از قانون محسوب گردیده و موجب پیگرد قانونی می‌باشد.

ضمناً سایر مباحثی که تا بحال به استناد مواد فوق‌الذکر منتشر گردیده و رعایت آنها در ساخت و

سازهای شهری ضروری می‌باشد، عبارتند از:

- ۱- مبحث سوم مقررات ملی ساختمان حفاظت ساختمانها در مقابل حریق
- ۲- مبحث پنجم مقررات ملی ساختمان مصالح و فرآورده‌های ساختمانی
- ۳- مبحث هفتم مقررات ملی ساختمان پی و پی‌سازی
- ۴- مبحث نهم مقررات ملی ساختمان طرح و اجرای ساختمانهای بتن آرمه
- ۵- مبحث دهم مقررات ملی ساختمان طرح و اجرای ساختمانهای فولادی
- ۶- مبحث دوازدهم مقررات ملی ساختمان ایمنی و حفاظت کار در حین اجراء
- ۷- مبحث سیزدهم مقررات ملی ساختمان طرح و اجرای تأسیسات برقی
- ۸- مبحث چهاردهم مقررات ملی ساختمان تأسیسات گرمایی، تعویض هوا و تهویه مطبوع
- ۹- مبحث پانزدهم مقررات ملی ساختمان آسانسورها و پله برقی
- ۱۰- مبحث شانزدهم مقررات ملی ساختمان تأسیسات بهداشتی
- ۱۱- مبحث هجدهم مقررات ملی ساختمان عایق بندی و تنظیم صدا
- ۱۲- مبحث نوزدهم مقررات ملی ساختمان صرفه‌جویی در مصرف انرژی

دفتر تدوین و ترویج
مقررات ملی ساختمان

اسامی نمایندگان فروش کتب و نشریات ادواری سازمان شهرداریهای کشور

(ماهنامه شهرداریها و فصلنامه مدیریت شهری و فصلنامه فرهنگ ایمنی)
در تهران و شهرستانها

ردیف	نام	آدرس	تلفن
۱.	انتشارات پیام (آقای گشتی) تهران - خ انقلاب - اول خ فروردین - پلاک ۱۱		۶۴۰۹۵۳۱
۲.	انتشارات پرهام (آقای باغشاهی) تهران - خ انقلاب - اول خیابان فروردین - پلاک ۲/۲		۶۴۶۸۲۳۵
۳.	انجمن صنفی مهندسان مشاور (خانم روشفر) تهران - خ خرمشهر - خ قنبرزاده - کوچه چهارم پلاک ۵۲ - طبقه دوم		۸۷۴۰۷۳۰-۱
۴.	دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی (آقای یاری) اوین - دانشگاه شهید بهشتی		۲۱۴۱۶۵۹
۵.	دفتر سرپرستی روزنامه همشهری (آقای میرزاده) مشهد - فلکه فردوسی - بلوار سازمان آب		۰۵۱۱-۷۶۲۳۳۹۰
۶.	فروشگاه و نمایشگاه کتاب دانشگاه فردوسی (آقای کندگنی) مشهد - فلکه پارک - پردیس دانشگاه - دانشکده ادبیات		۰۵۱۱-۸۳۲۰۵۶۶
۷.	انتشارات جهاد دانشگاهی (آقای شریفزاده) مشهد - فلکه تقی آباد - اول خ احمدآباد - فروشگاه شماره ۱		۰۵۱۱-۸۴۱۸۰۷۰
۸.	دانشگاه آزاد شهرری (آقای سمایی) شهر ری - میدان صفائییه		
۹.	سرپرستی روزنامه همشهری (آقای رضایی) کاشان - خ آیت الله کاشانی - نبش خ دکتر غزنوی - ساختمان لاجوردی		
۱۰.	دفتر نمایندگی بخش مطبوعات (آقای اسماعیلزاده) آذربایجان غربی - سردشت - خ امام (ره) - روبروی پارک شهر		۰۳۶۱-۲۴۶۳۲
۱۱.	دفتر توزیع جراید مطبوعاتی (آقای سعیدآذر) تبریز - خ ولی عصر - فلکه بزرگ		۰۴۱۱-۵۴۰۴۸۸۰
۱۲.	آقای عرفان حسامی کرمانشاه - خ دبیر اعظم - پاساژ سروش - طبقه سؤم		
۱۳.	کتابفروشی روزیسا (آقای زارعی) سنندج - خ پاسداران - مجتمع تجاری کردستان - شماره ۱۵۶		۰۸۷۱-۴۲۸۶۴۲۲
۱۴.	دانشگاه آزاد اسلامی کرمان (آقای آب پیگر) کرمان - اول جاده جویبار - دانشگاه آزاد - دفتر فنی دانشگاه		۰۳۴۱-۲۹۰۰۴۳-۵۰
۱۵.	آقای میرزایی گرگان - فلکه شهرداری - کوچه پشت بانک ملی - جنب کلیسا - پلاک ۱۳		۰۱۷۱-۲۲۹۴۰۰
۱۶.	دانشگاه آزاد اسلامی قزوین (آقای شیرومحمدی) قزوین - خ دانشگاه - جاده امامزاده براجین - دانشگاه آزاد -		۰۹۱۱-۲۵۸۲۷۳۸
۱۷.	واحد شهید عباسپور خانم محمدی ارومیه - بلوار دستغیب - جنب مدرسه نیر هوشان - دفتر ماهنامه شهرداریها		۰۴۴۱-۲۳۵۹۹۹۵

انتشارات سازمان شهرداریهای کشور در سایر شهرها نمایندگی فعال می پذیرد.

Contents

Editor's Note	4
Special Report	
Urban Development a Sectorial or Trans-Sectorial Activity/ J. Alibadi & M. Salar	5
Idea & Research	
Colour in City from Urban Design Point of View/ S. Hossainioun	14
The Pathology of Urban Development, Case of Study: Ostan-e Markazi (The Central State)/ H. Navazney	20
Urban Law	
Cities and Law/ Y. Jegouzo/ Tehran Planning Research Center	24
Legal Counsellor	26
Administrative and Financial Counsellor	29
Municipalities According to Documents	32
Mayor's View	
Necessity of Rereading Manteq'at-tair, The Great Book of At-tar/Interview with Alireza Sane'ie The Mayor of Nishabour	34
Dialogue	
Abnormal Settlements, The Result of an Unefficient Planning/ Z. Davoodpour	37
Councils and Participation	
Urban Development Strategies from the Councils Point of View/ S. Safiri	40
Participatory Urban Planning; Moslem-e Agile Quarter, A New Reading of Religious Beliefs/ M. Zokae	48
Another Initiative/ Torbat Heydariye Cityscape in 2011 (1390 sh), A new Design in Urban Planning/ N. Moradi	55
World's Experiences	
Santos Beaches Recovery Program / The Researching Center of Santos Municipality/ A. Borzoi	58
Homelessness in Denmark and Municipalities Responsibilities / Sh. Farzinpak	61
World's Cities and Municipalities	64
New Building	
Kermanshah Mont. Park, A Freshful Point of The Nature / K. Irandoust & A. Salavi	71
Instruction	
Bases of Pavements Designing/ H. Fourzohi	76
Travels' Souvenir	
Stockholm, A Successful Sample of Planning and Management Coherence	82
News Reports	85
Brief News	100
New Publication A. Jalali	110

مدیریت مالی شهر
حمل و نقل شهری

دعوت به همکاری فصلنامه پژوهشی، تحلیلی، آموزشی، مدیریت شهری

دفتر برنامه ریزی عمرانی وزارت کشور با هدف جلب مشارکت فکری جامعه علمی از صاحب نظران و دانش پژوهان رشته های شهرسازی و علوم اجتماعی و سایر رشته های وابسته و همچنین کارشناسان مسائل برنامه ریزی و مدیریت شهری و مدیران شهری کشور دعوت میکند تا با ارسال مقاله های علمی در زمینه برنامه ریزی و مدیریت شهری به غنی کردن محتوای فصلنامه تحلیلی پژوهشی، آموزشی مدیریت شهری کمک نمایند.

* رعایت نکات زیر در تهیه مقاله ها و مطالب مورد نظر فصلنامه ضروری است:
۱- استفاده از کاغذ A4 / با فاصله یک خط / خوانا و ترجیحا تایپ شده .
۲- درج نام و نام خانوادگی پدید آورنده (مولف و مترجم) میزان تحصیلات / رشته تحصیلی / سمت سازمانی

۳- ارسال تصویر متن اصلی لاتین (برای مطالب ترجمه شده)

۴- ارسال چکیده مقاله یا مطلب حداقل در ۱۰ سطر (فارسی و ترجیحا لاتین)

۵- رعایت معیارها و اصول مأخذ در داخل متن بصورت:

۱/ ۵- ذکر منابع و مأخذ در داخل متن به صورت:

الف - برای مأخذ فارسی (نام خانوادگی پدید آورنده ، سال انتشار ، صفحه)

ب - برای مأخذ لاتین (Author , Year , Page)

۲/ ۵- درج پی نوشت ها (با توجه به شماره ترتیبی مندرج در متن) در پائین مقاله

۳/ ۵- تنظیم فهرست منابع و مأخذ به ترتیب الفبائی (فارسی و لاتین) و با شماره گذاری

ترتیبی بعد از پی نوشت ها بصورت زیر:

الف - برای فارسی " نام خانوادگی و نام پدید آورنده ، عنوان اثر ، نام ، نام خانوادگی

مترجم ، محل انتشار ، سال انتشار "

ب - برای مأخذ لاتین (Author , Title , Publication Year)

۴/ ۵- استفاده از الگوی زیر هنگام تکرار منابع در متن:

الف - برای مأخذ فارسی (همان ، صفحه) (پیشین ، صفحه)

ب - برای مأخذ لاتین (Ibid , Page) (Opp.cit , Page)

۶- ارائه معادلهای مهم و برجسته لاتین در متن یا استفاده از پرانتز

* مقاله ها و مطالب دریافتی پس از تأیید هیات داوران علمی فصلنامه، مدیریت شهری،

(متشکل از اساتید دانشگاه و صاحب نظران ذربط) با رعایت اولویت و ترتیب زمانی

دریافت درج خواهد گردید .

* به پدید آورندگان مقاله ها و مطالب درج شده در فصلنامه تحلیلی، پژوهشی، آموزشی

مدیریت شهری حق التحریر مناسب با رعایت ضوابط معمول پرداخت خواهد شد .

* مطالب و مقاله های دریافتی مسترد نخواهد شد .

* فصلنامه در کوتاه سازی و پیرایش مقاله ها و مطالب آزاد است .

اولویت چاپ با مطالب پژوهشی و تالیفی خواهد بود .

مهلت ارسال مقاله برای مباحث
مدیریت مالی شهری و حمل و نقل شهری
به ترتیب ۸۱/۷/۱۵ و ۸۱/۹/۱۵ است .

- Urban Development a Sectorial or Trans-Sectorial Activity
- Colour in City from Urban Design Point of View
 - Cities and Law
- Abnormal Settlements, The Results of an Unefficient Planning
 - Urban Development Strategies from the Councils Point of View
- Moslembn-c Agils Quarter, A New Reading of Religious Believes
- Torbat Heydariye, City Scape in 2011 (1390sh)
- Homelessness in Denmark and Municipalities Responsibilities
 - Bases of Pavements Designing
- Stockholm, A Successful Sample of Planning and Management Coherence
 - Urban Statues; Ugly, Beautiful, Unidentified
- Qamsar, A Green City on the Edge of Kavir (Salt Desert)

